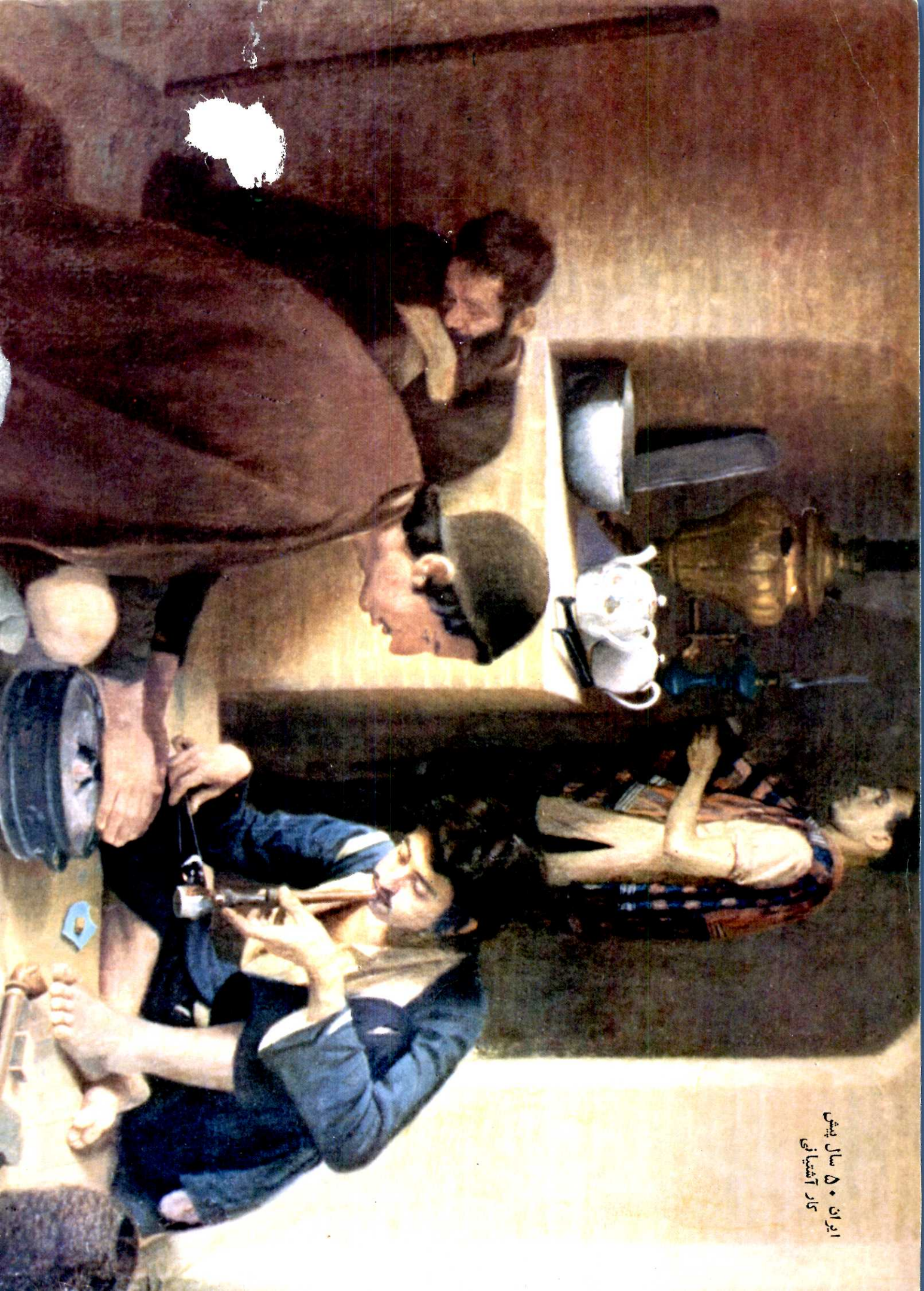
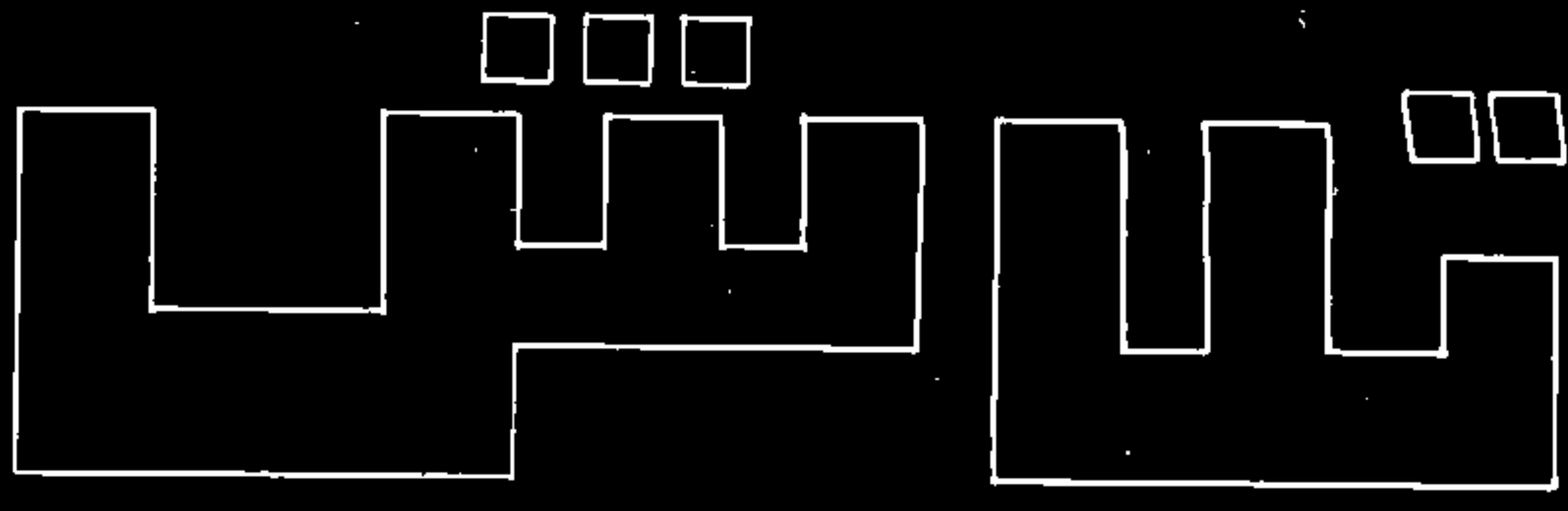




ایران ۵۰ سال پیش
کار آشتیانی





ایران • ۵۰ سال پیش
کار آشتیانی

دوش رفت و مرا راه نبود
 یابند هیچکس از بهر دشان بیدار
 نمی از شب چو شد بشترک یا کمتر
 گفت خیر است در این وقت گرامیخواهی
 گفتش در بگشا گفت برو یاوه گوی
 این نه مسجد که بهر لحظه درش بگشاید
 این خرابات معان است در آن زند
 هر چه از جمله آفاق در اینجا حاضر
 گر تو خواهی که دم از صحبت اینها بربی
 سرور هر دو ندارند در این بقعه محل
 سالها بر در دل همچو ایازی باید
 طاعت آن نیست که برخاک نهی پشانی

میزدم نعره و فریاد کس از من نشود
 یانه من هیچکس هیچکس در گنجد
 رندی از غرغره در آورد سر و رخ نمود
 بی محل آمدنت بر در با هر چه بود
 که درین وقت برای تو کسی در گنجد
 که تو دیر آبی و اندر صف پیش آبی رود
 شاهد و شمع و شراب و شکر و نای و سرود
 هند و هندو و هر منی و مؤمن و ترسا و یهود
 خاک پای همه شوتا که بیانی مقصود
 سودشان جمله زیان است و زیانشان همه سود
 تا میسر شودش صحبت سلطان محمود
 صدق پیش آر که ابلیس بسی کرد سجود

(نظامی گنجوی)

تلاش

شماره سی ام

شهریور - مهر ۱۳۵۰

نویندگان و گویندگان مسؤل نوشته ها و گفته های خود هستند.

محل اداره: خیابان شاه - کوچه جم - شماره ۲۷ - بها ۲۵ ریالت.

چند اندیشه تلاش درباره این شماره

● خوشه‌چین در این شماره گزارش مجله اکسپرس فرانسوی را بازگو می‌کند، ۱۲۰۰ مسافر که با اتومبیل‌های سیتروئن از پاریس به تخت‌جمشید و بالعکس مسافرت کردند، از مرتب بودن راه‌ها و شرایط مدرن زندگی ایران تعریف کرده‌اند که گویا انتظار دیدن آنرا نداشتند.

● بنای کتابخانه دانشگاه تهران پایان رسیده و در حال حاضر هفتاد هزار کتاب دارد و ظرفیت دومیلیون کتاب را دارمی-باشد.

● و سپس خوشه‌چین از شیراز وعده‌گاه هنرمندان بحث می‌کند.

● گفتار چقدر می‌تونه پیره داستان گفتگوی پدر و فرزندی است که جمشید مهرپویا به‌رشته تحریر درآورده شما آنرا در صفحه ۱۴ خواهید خواند.

● رپرتاژی از مسجد قدیم سپهسالار تهران را در صفحه ۱۷ ملاحظه می‌کنید.

● روزنامه فکاهی نسیم شمال که از نشریات شناخته شده چند سال پیش بود و مورد علاقه خردوکلان، تا آنجا که می‌توان ادعا کرد که هیچ نشریه‌ای نتوانسته است جای آنرا در دل خوانندگان بگیرد. آقای ابوالقاسم حیات که از شعرای نامی کشور ما هستند تاریخچه این مجله را بطور مبسوط بقلم تحریر درآورده است.

در ص ۲۳

● داستانی از کتاب نوروزنامه که مربوط به حکایت پدید آمدن شراب و اول کسی که آنرا نوشید در صفحه ۳۳ نقل شده است.

● دکتر کمال‌الدین نوربخش دانشیار دانشگاه تهران مقاله‌ای درباره تحولی بزرگ در روش باغداری ایران و طرز تاسیس باغ با سبک صحیح و امروزی نوشته است که در صفحه سی و چهارم می‌خوانید.

● دکتر اصغر نیشابوری درباره بیماری تخصص یا پولاریزشدن اظهار می‌دارد افرادی که برشته تخصصی خود اهمیت بیشتر از حد قائلند و هر کدام ناخودآگاهانه مسائل مربوط به تخصص خود بیشتر توجه می‌دارند این مقاله را در صفحه ۳۸ تلاش می‌خوانید.

● زندگانی ابوسعید ابوالخیر که از صوفیان قرن چهارم هجری می‌باشد توسط آقای دکتر سید محمد دامادی استاد دانشگاه جندی‌شاپور (اهواز) نوشته شده است صفحه چهل و یک

● از آقای لطفی منصوری کارگردان اپرا که بایران آمده بود و سوال شد چرا مردم میهن ما علاقه زیادی به اپرا نشان نمی‌دهند، وی اظهار داشت که مردم بایستی از طفولیت با اپرا آشنا شوند. تماس خوانندگان با مردم بایستی بیشتر باشد و خیلی مطالب دیگر که شما در صفحه ۴۶ می‌خوانید.

● ایران و ایرانیان از نظر دیگران قسمتی است از کتاب سیاحتنامه شاردن که توسط آقای محمدعباسی بفارسی ترجمه شده است. صفحه ۵۰

● آقای دکتر احمد قهرمان از دانشگاه تهران درباره ماشین‌های کامپیوتر و استفاده از آن‌ها در دانش گیاهان مطالبی نوشته است که در صفحه ۵۲ ملاحظه می‌فرمائید.

● در مصاحبه‌ای که با آقای هرمز فرهت استاد گروه آموزشی موسیقی دانشگاه تهران و رئیس شورای موسیقی تلویزیون ملی ایران بعمل آمد وی اظهار داشت که موسیقی را باید شناساند و در یک سطح وسیع آموزشی بچه‌ها را با دوران‌های مختلف موسیقی مخصوصا موسیقی ایران آشنا کرد. در صفحه ۵۹

● مطلبی داریم درباره تخت سلیمان با تاریخچه و عکس‌هایی که مهدی هاشمی آنرا نوشته است ص ۶۴

● در خاطریار هست یانه، شعر زیبایی است از آقای امیرحسین فولادوند صفحه ۶۵

● جزیره قشم این جزیره ایرانی و زیبایی‌های آن و مردمش مورد بحث مقاله ایست در صفحه ۶۶

● مصاحبه‌ای داریم با آقای نیک‌پسی شهردار تهران درباره مشکلات و راه حل آن و کارهایی که تاکنون انجام شده است در صفحه ۷۳

● جهانی شگرف از ورای تاروپودها که درباره صنعت قالی بافی که از صنایع بسیار ظریف میهن ما می‌باشد توسط آقای غلامعلی شاملو نوشته شده در صفحه ۷۶

● در صفحات ۶۳ و ۷۲ کاریکاتوری از کامبیز درم‌بخش ملاحظه می‌کنید.

● عکس‌های رنگی ما اختصاص دارد به جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی زندگی ۵۰ سال قبل و گذشته و امروز اصفهان و شیراز

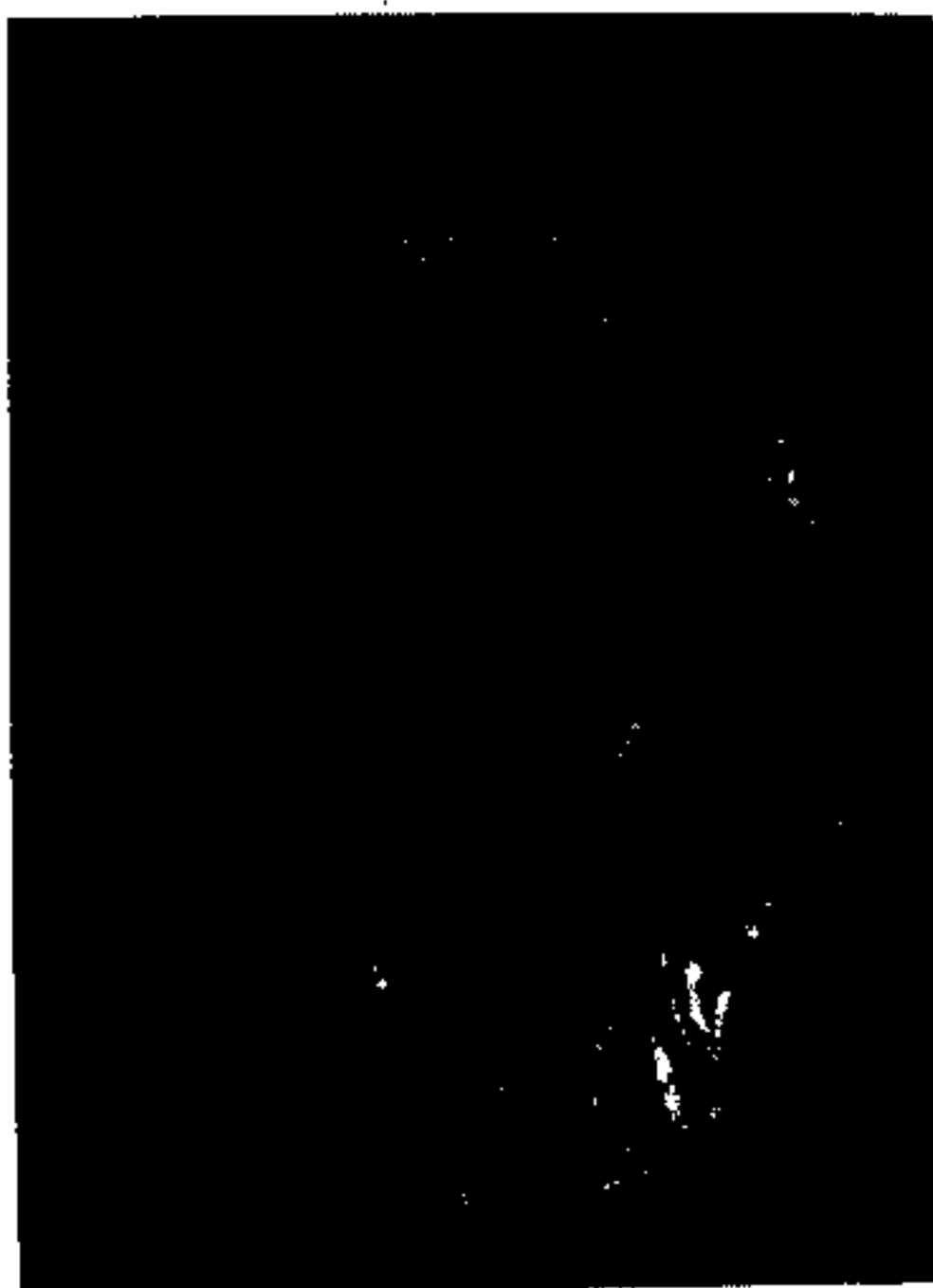
● و رویدادها جزئی است از کارهایی که در کشور ما انجام گرفته. ص ۸۱

● هشت ضمیمه داریم درباره جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، علوم، هنر، کتابها، ورزش، کدبانو، قوانین و بریده چاپ شده‌ها.

خواننده عزیز:

بعات چاپ عکس‌های رنگی و گزارش های جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران انتشار تلاش را چند روز به تاخیر انداختیم. امید آنکه پوزش ما از این تاخیر پذیرفته گردد.

سالروز تولد شاهنشاه آریامهر، و والاحضرت ولایتعهدایران
راشادباش می گوئیم باشد که سالهای سال شاهد شکوفائی گلها، نمو
نهایها و به ثمر رسیدن میوه هائی باشند که بذرهائی آنها در سراسر
ایران کاشته اند.



روی جلد:

جام زرین مربوط به یازده تاده قرن پیش
از میلاد موجود در موزه ایران باستان.
اسلاید از ملک عراقی

پشت جلد:

زیبایی طبیعی، دختر ترکمن عکس
از بیژن بنی احمد

داخل جلد:

تابلو نقاشی اثر آشتیانی عکس از ملک
عراقی

داخل پشت جلد:

پیمانه
عکس از ملک عراقی

رنگی های داخل:

اسلایدهای جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی
از بیژن بنی احمد

اسلایدهای اصفهان و شیراز، قالی
پازیریک، نقش داریوش و ظروف عتیقه
از غلامحسین ملک عراقی

کاریکاتورها: از کامبیز درم بخش

خطاطی: حسن فروغی

تنظیم صفحات: با همکاری فرشید مثقالی

طرح جدول: کاظم کمالی

چاپ سکه

صفحه

مطالب

۴	آسوده بخواب زیرا که ما بیداریم
۵	آرزو کنیم که فرزندان ما برای همیشه در جهانی فارغ از بیم و اضطراب بسربرند
۶	یادآور اهمیت اتحاد و همبستگی تمدن ها و فرهنگ ها
۷	راستی را دوست دارم و از بدی بیزارم
۱۱	خوشه چین
۱۴	جمشید مهریویا
۱۷	مسجد سیه سالار
۲۳	ابوالقاسم حالت
۳۳	نوروزنامه
۳۴	دکتر کمال الدین نوربخش
۳۸	دکتر اصغر نیشابوری
۴۱	دکتر سید محمد دامادی
۴۶	لطیفی منصوری و کارمن
۵۰	از سیاحتنامه شاردن
۵۲	دکتر احمد قهرمان
۵۸	هرمز فرهت
۶۲	از کلیله و دمنه
۶۴	مهدی هاشمی
۶۵	امیرحسین فولادوند
۶۶	فرامرز جودت
۷۳	شهردار تهران
۷۶	غلامعلی شاملو
۸۱	رویدادها

این شماره هشت ضمیمه: گزارش جشن ۲۵۰۰
ساله، علوم، کتاب، ورزش، کدبانو، قوانین،
بریده چاپ شدها، و هنری همراه دارد.

بهای تلاش باضمائم ۲۵ ریال

آسوده بخواب زیرا ما بیداریم

کوروش، شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه هخامنشی، شاه ایران زمین، از جانب من، شاهنشاه ایران و از جانب ملت من، بر تو درود باد.
درین لحظه پرشکوه تاریخ ایران، من و همه ایرانیان، همه فرزندان این شاهنشاهی کهن که دوهزار و پانصد سال پیش بدست تو بنیاد نهاده شد، در برابر آرامگاه تو سرستایش فرود می‌آوریم و خاطره فراموش نشدنی تو را سپاس میداریم. همه ما درین هنگام که ایران نو با افتخارات کهن پیمانی تازه می‌بندد، تو را بنام قهرمان جاودان تاریخ ایران، به نام بنیانگذار کهنسالترین شاهنشاهی جهان، به نام آزادی‌بخش بزرگ تاریخ، به نام فرزند شایسته بشریت، درود می‌فرستیم.

کوروش، ما امروز در برابر آرامگاه ابدی تو گرد آمده‌ایم تا بتو بگوئیم، آسوده بخواب، زیرا که ما بیداریم، و برای نگاهبانی میراث پرافتخار تو همواره بیدار خواهیم بود. سوگند یاد می‌کنیم که آن پرچمی را که تو دوهزار و پانصد سال پیش برافراشتی، همچنان افراشته و در اهتزاز نگاه خواهیم داشت.

سوگند یاد می‌کنیم که بزرگی و سربلندی این سرزمین را بعنوان ودیعه‌ای مقدس که گذشتگان ما بجا سپرده‌اند با اراده‌ای پولادین حفظ خواهیم کرد، و این کشور را سربلندتر و پیروزتر از همیشه به آیندگان خویش خواهیم سپرد.

سوگند یاد می‌کنیم که سنت بشردوستی و نیک اندیشی را که تو اساس شاهنشاهی ایران قراردادی همواره پاس خواهیم داشت و همچنان برای مردم جهان پیام‌آور دوستی و حقیقت خواهیم بود.

در این بیست و پنج قرن، کشور تو و کشور من، شاهد سهمگین‌ترین حوادثی شد که در تاریخ جهان برای ملتی روی داده است و با اینهمه هرگز این ملت در برابر دشواریهای گران سرتسلیم فرود نیاورد. در طول دوهزار و پانصد سال، هروجب از خاک این مرزوبوم با خون دلیران و جانبازان ایران زمین آبیاری شد، تا ایران همچنان زنده و سربلند بماند. بسیار کسان بدین سرزمین روی آوردند تا آنرا از پای در آورند، اما همه آنان رفتند و ایران بر جای ماند، و در همه این مدت علیرغم تیرگیها، این سرزمین فروغ جاودان همچنان تجلی گاه اخلاق و کانون ابدی اندیشه باقی ماند.

اکنون ما در اینجا آمده‌ایم تا با سربلندی بتو بگوئیم که: پس از گذشت بیست و پنج قرن، امروز نیز مانند دوران پرافتخار تو پرچم شاهنشاهی ایران پیروزمندانه در اهتزاز است، امروز نیز مانند روزگار تو نام ایران در سراسر گیتی با احترام و ستایش بسیار در آمیخته است، امروز نیز مانند عصر تو، ایران در صحنه پر آشوب جهان پیام‌آور آزادی و بشردوستی و پاسدار والاترین آرمانهای انسانی است. مشعلی که تو برافروختی، و در طول دوهزار و پانصد سال هرگز در برابر تندبادهای حوادث خاموش نشد، امروز نیز فروزانتر و تابناکتر از همیشه در این سرزمین نورافشان است و فروغ آن همچون دوران تو، از مرزهای ایران زمین بسیار فراتر رفته است.

کوروش، شاه بزرگ، شاه شاهان، آزادمرد آزادمردان و قهرمان تاریخ ایران و جهان، آسوده بخواب، زیرا که ما بیداریم و همواره بیدار خواهیم بود.

● آرزو کنیم که فرزندان ما برای همیشه در جهانی فارغ از بیم و اضطراب بسر برند

بدیهی است در این راه هنوز مشکلات بسیاری وجود دارد که غالباً میراث طرز فکر و الزامات گذشته است، ولی امیدوار باشیم که جامعه انسانی همچنانکه از تمام آزمایشهای گذشته پیروز بیرون آمده، این آزمایش نهایی را که بزرگترین و در عین حال ثمربخشترین همه آنها است نیز با پیروزی در پشت سر خواهد گذاشت.

همه ما میدانیم که هنوز جامعه بشری ما بادشواریهایی بسیار دست بگریبان است.

میدانیم که قسمت بزرگی از مردم جهان همچنان از فقر، جهل، گرسنگی و از تبعیضات گوناگون رنج میبرند و هر روز نیز در گوشه و کنار جهان صدای گلوله‌ها را میشنویم و با مظاهر مختلف خشونت و کینه‌توزی روبرو میشویم. با این همه این را نیز میدانیم که اگر جامعه بشری تاکنون موفق به از میان بردن این نابسامانیها و رفع این تبعیضات نشده، بهیچوجه نباید مایوس شویم زیرا رسالت ابدی و تغییرناپذیر بشریت سیر دائم بسوی کمال است. و هر یک از ما برای آنکه در مسیر صحیح انجام این رسالت قدم برداریم، میباید بکوشیم تا در حدود امکانات و شرایط خود دنیا را برای جامعه بشری بصورت یک دنیای محبت و صلح و دوستی درآوریم. دنیایی که در آن هر فرد آدمی بتواند در محیطی امن و فارغ از ترس و نگرانی از حداکثر مواهب دانش و تمدن برخوردار شود.

مسئله بهیچیک از میهمانان عالیقدر خودم نکته تازمائی نگفتم اگر بگویم که جامعه امروزی بشر قبل از هر چیز از مسئولان اداره امور جهان از تمام آنهاییکه سهمی در اداره سرنوشت ملتها دارند توجه بهمین واقعیت را انتظار دارد، همه مردم جهان از هر نژاد و هر کشور و هر طبقه اجتماعی در این خواسته شریکند که در دنیایی دور از دغدغه و اضطراب و دور از خطر دائمی نابودی نوع بشر بسر برند، و همه آرزو دارند که حاصل کار آنها در دنیای دلخواه ایشان تنها در راه تامین زندگانی بهتر و باز هم بهتری برای آنها بکار افتد.

دو هزار و پانصد سال پیش، یکی از فرزندان این سرزمین، کوروش هخامنشی، که بهمان اندازه که متعلق به ملت ما است، متعلق به تاریخ و عالم بشریت است. کوشید تا با ایجاد تحولی اساسی در اصول حکومتی بیرحمانه جهان آنروز، و با بنیانگذاری شیوه حکومتی تازه‌ای براساس احترام بحقوق و معتقدات افراد صفحه تازه‌ای را در تاریخ بگشاید. بسیار رهبران و متفکران و نیکاندیشان دیگر بعد از او بهمین راهی رفتند که سیر تحول مستمر جامعه بشری بسوی کمال حاصل آن است. آرزو کنیم که با همفکری و همگامی همه نیکاندیشان جهان باردیگر در عصر ما تاریخ ورق بخورد و صفحه تازه‌ای گشوده شود که در آن دیگر اثری از تاریکیها، از فقر و جهل و بیماری و گرسنگی، از تبعیضها و از بیعدالتیها نباشد. آرزو کنیم که فرزندان ما برای همیشه در جهانی فارغ از بیم و اضطراب بسر برند و در دیدگاه زندگی خویش چیزی به جز روشنائی و امید نداشته باشند.

برای یکایک از شما اعلیحضرتا، روسای محترم جمهوری، والاحضرتان، عالیشانان خانها و آقایان که نشان همبستگی و محبت آمیز خود با ملت ایران و با احترام بفرهنگ کهن آن در این جمع تاریخی حضور یافته‌اید و برای همه رهبران و مسئولان دیگر جهان، در این راه آرزوی موفقیت میکنم، و باین آرزو سلامت و شادکامی یکایک شما، و رفاه و ترقی روز افزون همه ملت‌های شما را خواهانم.

از طرف شهبانو و خودم، و بنام ملت ایران مقدم همه شما را بعنوان گرامی‌ترین میهمانان کشور ما، در این هنگام که ملت ایران دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری وحدت ملی و شاهنشاهی خود را جشن میگیرد شادباش میگویم، و اجتماع کنونی شخصیهای بزرگ جهانی را در تخت جمشید زادگاه تاریخی این شاهنشاهی کهن بقال نیک میگیرم زیرا احساس من این است که در جمع امشب ما تاریخ گذشته با واقعتهای امروز پیوند خورده است و چنین پیوندی که براساس تفاهم و دوستی تکیه دارد طبعاً شایسته آن است که بقال نیک گرفته شود. اگر ما با اشتیاق کامل از شما دوستان عالیقدر خویش برای شرکت در بزرگترین جشن تاریخ خود دعوت کردیم بدین جهت بود که موضوع این دعوت را شایسته آن میدانستیم که شما رنج این سفر را بر خود هموار کنید، زیرا این جشن قبل از هر چیز بزرگداشت فرهنگی کهن است که بتمام عالم بشریت تعلق دارد. در واقع شما امشب پیش از آنکه میهمان ما باشید میهمان میزبانی هستید که «تاریخ» نام دارد.

ما امشب در چند قدمی بنای با عظمت تخت جمشید بدور هم گرد آمده‌ایم که ستونهای خاموش آن شاهد گذشت بیست و پنج قرن با همه رنجها و شادیهای آن بوده‌اند. همه میدانیم که این بنا روزگاری مرکز ثقل جهان بوده ولی این خاطره‌ای است که امروز دیگر تنها بتاریخ تعلق دارد آنچه اکنون برای ما بسیار مهمتر از این جنبه تاریخی و سیاسی است این است که این بنا، مرکز حکومتی بود که از نظر فکری براساس میراث معنوی کوروش کبیر یعنی برپایه احترام به فرد و به حقوق بشری بنیاد نهاده شده بود، و این همان اصلی است که تمام فرهنگ ایرانی بر آن پایه‌ریزی شده است.

وقتی که از دیدگاه تاریخ نگاه کنیم خوب میتوانیم احساس کنیم که در طول این چند هزار سال هر یک از ملت‌های جهان چه ماجراهای شگرف را در پشت سر گذاشته و چه اندازه در راه دشوار و پر مخاطره‌ای که بشریت در پیش داشته رنج برده و قربانی داده‌اند. باین همه برای ما بعنوان فرزندان جامعه انسانی، توجه بدین حقیقت مایه سربلندی است که بشریت در تمام این تلاشها و دشواریها در تمام این راهی که طبق اصطلاح معروف قسمت اعظم آن از میان اشک و خون گذشته است، رسالت بزرگ خویش را در راه نیل بکمال مادی و معنوی از یاد نبرده و در این راه از همه آزمایشها سربلند بیرون آمده است زیرا در تمام این کشاکش، به آن بارقه نبوغی که از آغاز در نهاد نوع آدمی سرشته شده از تمام عوامل نیرومندی که در برابر او صف آرائی کرده بودند توانا تر و قاطع تر بوده است این همان بارقه نبوغی است که به انسان که در آغاز یکی از انواع بشمار موجودات روی زمین بیش نبوده امکان آن داده است که امروز حتی پا از زمین بیرون گذارد و راه بیکران کائنات را بروی خویش بگشاید. توجه بدین واقعیت غرور انگیز کافی است که مسئولیت و وظیفه همه مردم نیک اندیش جهان را برای ما روشن کند. و من تردید ندارم که جمع امشب ما، جمع مردم نیک اندیش است، زیرا این کاملاً منطقی و بدیهی است که هیچ رئیس کشوری نمیتواند آرزوی جز پیشرفت روز افزون مادی و معنوی افراد ملت خود داشته باشد.

فقط میباید امید داشت که همه این آرزوها بصورتی هم‌آهنگ بایکدیگر و مکمل همدیگر تحقق یابند تا نتیجه نهایی نه تنها تامین سعادت قسمتی از مردم جهان بلکه تامین سعادت تمام فرزندان آدمی باشد.

بیانات اعلیحضرت هایل سلاسی امپراطور اتیوپی از جانب پادشاهان ، روسا و نمایندگان عالیمقام کشورهای شرکت کننده در جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در پاسخ به بیانات شاهنشاه

یادآور اهمیت اتحاد و همبستگی تمدن ها و فرهنگ ها

اعلیحضرتا، رهبران عالیقدر ، عالیجنابان، خانمها و آقایان:

این مراسم که مظهر شکوه و عظمت بسیار است و دارای معنی و مفاهیم چندانی است که مطمئنا برای هریک از میهمانان عالیقدر احساسات متفاوتی برانگیخته است. بنابراین در ارزشیابی اهمیت و معنای این مراسم من نمیتوانم از جانب تمام سران عالیقدر کشورها و شخصیت های بارزی که در این ضیافت شرکت فرموده اند صحبت کنم. باین همه تصور میکنم این احساس همه ما باشد که خود را بسیار مفتخر میدانیم که در این ایام پرافتخار در جشن اعلیحضرتین و ملت پرافتخار ایران شرکت کرده ایم. تردید نیست که رهبران و نمایندگان عالیقدر دولتهای مختلف جهان در مراسم بزرگداشت یک حادثه مهم و بی نظیر شرکت کرده اند. ملتی که در طول تاریخ کهن و فرهنگ خود اکنون موقع استواری یافته است.

اکنون مکث کرده و به گذشته خود و براه درازی که در طول ۲۵ قرن پیموده مینگرد و نیز راهی را که از این پس در پیش دارد بررسی میکند. چشم انداز در هر دو جهت چشم گیر و خیال انگیز است. ایران مهد تمدن است چه در این سرزمین است که انسان برای نخستین بار به کشت و زرع پرداخت و نیز آموخت که چگونه کلماتی را که ادا میکند بنویسد در این سرزمین نه تنها نخستین جامعه ثابت بشری تکوین یافت بلکه در خاک ایران بود که نخستین بنیان حکومت متشکل و یک سیستم اداری پیشرفته پی ریزی شد.

حکومتی که فرهنگ ها و مذاهب مختلف را در بر میگرفت گرچه چشم انداز گذشته چشم گیر و خیال انگیز است دورنمای آینده ایران نیز بهمان اندازه جالب است زیرا تحت رهبری خردمندانه و روشن بینانه اعلیحضرت ، ایران به یک تجدید حیات و رنسانس مادی و معنوی توفیق یافته است و البته این تنها رنسانس ایران نیست، تاریخ این کشور در واقع تاریخ رنسانس های پی در پی است ولی تحولی که اکنون در ایران با اعلام برنامه اصلاحات ۱۲ ماده ای اعلیحضرت در سال ۱۹۶۳ آغاز شد بی تردید بزرگترین رنسانس تاریخ این کشور بشمار میرود و این واقعیتی است که برنامه اصلاحات شما سرمشقی برای سایر کشورهای جهان بشمار میرود و در ده سال اخیر ایران نو بنحو کم سابقه ای از عهده حل مسائل توسعه و عمران اقتصادی و اجتماعی برآمده و در این زمینه توفیق یافته است. ایران که اکنون از رشد اقتصادی بسیار برخوردار است ، بسرعت بصورت یک کشور مدرن صنعتی در می آید که در آن مردم از رفاه بیشتر و عدالت اجتماعی بهره مندند.

اعلیحضرتا، ما شاهد این واقعیت بوده ایم که این مراسم تنها مراسم جشن و شادمانی نیست، گرچه ایران بیش از هر کشوردیگری حق دارد که تاریخ کهن و پرافتخار خود را جشن بگیرد، آنچه مهمتر است مقاصد عالیتری است که این مراسم بخاطر آن برپا شده است و این مقاصد عالی از هر جهت برای سایر مردم جهان نیز مانند ملت ایران حائز اهمیت است.

این مراسم در عین حال که برای مردم ایران اهمیت وحدت و تاریخ تمدن آنها را تاکید میکند برای سایر مردم جهان نیز یاد آور اهمیت اتحاد و همبستگی تمدن ها و فرهنگ هاست.

ایران که بین شرق و غرب واقع شده در طول قرن ها سه وظیفه تاریخی را انجام داده که عبارتند از ، توسعه فرهنگ خود، گرفتن تمدن و فرهنگ دیگران و اختلاط و در آمیختن فرهنگ های مختلف امپراطوری ایران زمانی از کرانه نیل تا دره سند گسترده بود و در این پهنه وسیع تمدن های مختلف شکوفان شدند و این تمدن ها بطور متقابل و مسالمت آمیز و نه با اعمال زور و تحمیل بر یکدیگر اثر نهادند. از آنجا که شالوده این امپراطوری پهناور براساس حقوق و مسئولیت های مدنی استوار بود، مدتی بس دراز دوام کرد. برای اکثر مردمی که در این پهنه وسیع بسر میبردند زبان فارسی ، زبان مبادلات بازرگانی بود. گذشته از این تمدن های یونانی و رومی که اکنون آنها را پیشاهنگ تمدن غرب و شرق میدانند ، دین بسیاری به ایران دارند. حوادث این چند روز ثابت کرد که ملتها چگونه میتوانند با تاریخ خود رفتار کنند و از این راه نیز درس ارزنده ای به سایر ملتها داده است. در دوران گذشته و ایام اخیر از تاریخ بعنوان وسیله ای برای برانگیختن احساس افتخار و غرور دروغین ناسیونالیزم کوتاه بینانه و احساسات خطرناک برتری استفاده شده است.

موارد متعددی در این زمینه در دست است که نشان میدهد رهبران ملت ها به تاریخ روی آورده اند که یا از آن بعنوان مخدري برای تجدید خاطرات گذشته و در نتیجه فرار از مسائل موجود استفاده کنند و یا آنکه تاریخ را وسیله مقاصد زشت تجاوزکارانه قرار دهند ولی مراسمی که اینک در ایران برپا شده نشان میدهد که چگونه میتوان از تاریخ به نحو مثبت استفاده کرد یعنی نه بمنظور بزرگ جلوه دادن افتخارهای دروغین و نه برای ارضاء کردن احساسات خودخواهانه بلکه برای بازیافتن نیروی تازه و تجدید حیات. از این رو است که در این مراسم بهمان اندازه که روی گذشته ها تاکید شده آینده نیز مورد تاکید قرار گرفته است این ایام در واقع در سراسر کشور ایام شکرگزاری برای

ارزشها و در عین حال طرح برنامه های تازه در جهت توسعه و عمران بوده است. مراسم بزرگداشت شاهنشاهی ایران درس دیگری به مردم ایران میدهد.

تاریخ کهن و پرافتخار ایران پندارهای نادرستی را که درباره تاریخ وجود داشته و بدون بررسی دقیق علمی پذیرفته شد تصحیح میکند چون اغلب این وسوسه پیش می آید که ملت ما را در عصر تکنولوژی امروزی یعنی عصری که بیش از ۲۰۰ سال سابقه ندارد براساس آنچه بدست آورده اند و یاشکستهای که خورده اند قضاوت کند. این نظر کوتاه بینانه در گذشته های نزدیک و حتی امروز نیز موجب پندارهای نادرستی درباره برتری های نژادی شده و میشود. بدین لحاظ بانسان دادن این واقعیت که تاریخ روزگاران کهن بمراتب بیش از تاریخچه تحولات ۲۰۰ سال اخیر فراز و نشیب داشته ایران میتواند در این ایام پیام دیگری ب مردم جهان بدهد و اینها است معانی و مفاهیمی که این مراسم دارد و از این روی شایسته است که تمام جهان به اعلیحضرتین و مردم ایران در تاکید و بزرگداشت وحدت و تداوم تاریخ فرهنگ و تمدن ایران ملحق شوند.

مراسمی که از طرف یونسکو و نیز کمیته های بزرگداشت شاهنشاهی ایران در کشور های مختلف برگزار میشود در واقع بیان کننده سپاسگزاری جهان در برابر دینی است که نسبت به ایران دارد.

اعلیحضرتا، این مراسم بمنظور بزرگداشت بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بدست کوروش در دوهزار و پانصد سال پیش برپا شده ولی همه میدانند که تاریخ ایران سابقه ای کهن تر از این دارد، ولی تاریخ امپراطوری که شما اکنون نه تنها بر آن سلطنت میکنید بلکه مردم آنرا با خردمندی و علاقه و فداکاری بسیار بسوی تجدید حیات و بازیافتن نیروی تازه رهبری میکنید، از زمان کوروش کبیر آغاز شد. این شخصیت بزرگ تاریخ قدیم برخلاف حکمرانان همزمان خود بدادگستری ، حسن سلوک ب مردم و کفایت و کاردانی شهرت یافته است.

خاطره او بخصوص به سبب منشور آزادی که به ملتهای تابع خود داد فراموش نشدنی است منشوری که امروز بعنوان پیشاهنگ اعلامیه حقوق بشر مورد تحسین تمام جهانیان قرار گرفته است.

اعلیحضرتا ، هم چنانکه افکار و اعمال این بنیانگذار بزرگ امپراطوری ایران ، الهام بخش آن اعلیحضرت در رهبری مردم ایران بوده این نکته نیز قابل تردید نیست که اعلیحضرت شاهنشاه ایران مانند بنیانگذار این شاهنشاهی مقامی برجسته در تاریخ، به سبب کوششهایی که برای تجدید حیات ایران و نیز مقابله بامسائل و مشکلات دنیای نو کرده اند، خواهند یافت.

پیام ملت ایران که توسط دو پیت اسب
سوار بمیدان رژه آورده شد .

در این هنگام که این فرخنده بیست و پنجمین
سده بنیانگذاری شاهنشاهی ایران بیادبود
کوروش شاهنشاه بزرگ دودمان هخامنشی آن
رادمرد نامدار تاریخ ایران و ستایش اندیشه
بلند و تابناک آن پایه گذار نخستین اصول حقوق
بشر در پیشگاه با عظمت اعلیحضرت همایون
محمدرضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران
و بسیاری از سران کشور های جهان با
فروشکوهی تمام انجام میپذیرد مجلسین سنا
و شورای ملی ایران باین پیک خجسته پی سپاس
و پیام ملت ایران را بفرزند برومند میهن
و وارث و نگاهبان تاج و تخت باستانی
ایران که زندگانش پاینده و خورشید اقبالش
در افق کامیابی تابنده باد تقدیم میدارد .
مجلسین این مراسم گرانقدر را بعنوان

یاد بودی از عالیتترین خصائص ملی و معنوی
و اصیلترین ارزشهای فرهنگی و هنری ملت
ایران میستاید . مراسمی که پیروزیها و
افتخارات درخشان تاریخ کشور ما را در
طول ۲۵ قرن شاهنشاهی بدوران آریامهر
واصل انقلاب ششم بهمن ماه ۱۳۴۱ و
پیشرفتهای شگرف دوران سلطنت پر برکت
آن شهریار کشورمدار و نقش عظیم ایران
در برقراری مبانی عدالت اجتماعی و صلحجویی
و بشردوستی و استقرار اصول مقدس انقلاب
سفید میپویند و پیوند های معنوی و روحی
ملت ایران را در طی قرون و اعصار آشکار
و نمودار میسازد .
مجلسین همچنین مراتب سپاسگزاری و
قدردانی خود را بسران کشورهای که در

این بزرگداشت ملی و جهانی شرکت جسته اند
و نیز بهمه دانشمندان و کسانی که بیاس احترام
باصول انسانی و اخلاقی و خدمات ارزنده
ایران بدانش و تمدن و فرهنگ جهان در
این مراسم با ملت ایران پیوستگی و هماهنگی
نشان داده اند تقدیم میدارد .
مجلسین پیام را که باتفاق آراء در
تاریخ سیزدهم مهرماه ۱۳۵۰ بتصویب رسیده
است همراه با آرزوی پیروزی هرچه بیشتر
ملت ایران و همه ملل جهان در راه وصول
بهدفهای عالی انسانی و تحقق آرمانهای
بشری به پیشگاه اعلیحضرت همایون محمدرضا
پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران معروض
میدارد .

پس از قرائت پیام ملت ایران بوسیله رئیس سنا ، شاهنشاه آریامهر بعنوان وارث بیست و پنج قرن شاهنشاهی در ایران فرمایشاتی باین شرح ایراد کردند :

راستی را دوست دارم و از بدی بیزارم

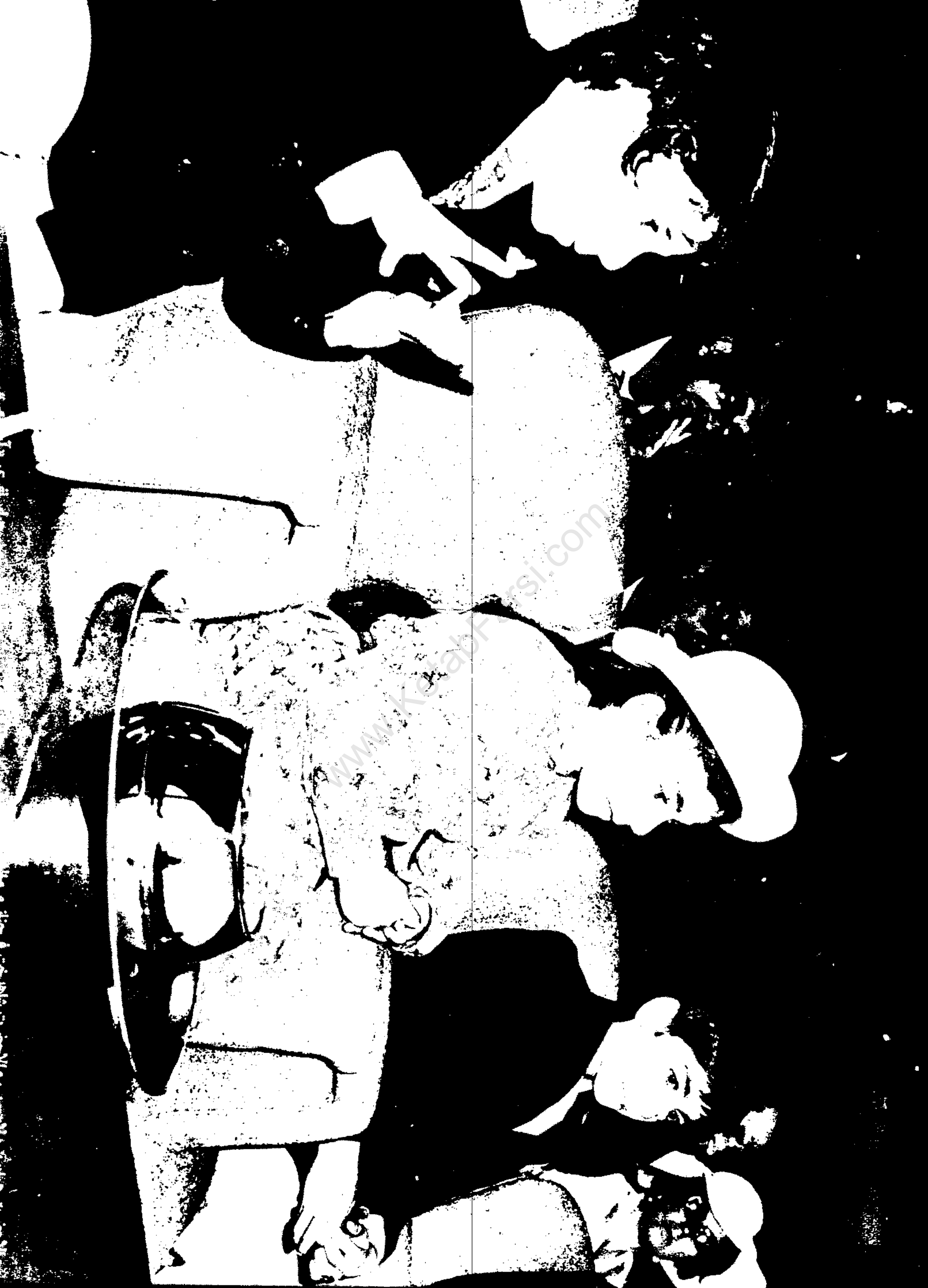
و همراه با این فرهنگ همه جا با خود پیام دوستی و آشنائی
بردیم . امروز ترازنامه دوهزار و پانصد ساله خویش را به
پیشگاه تاریخ عرضه میکنیم و ایمان داریم که در حساب سود
و زیان آن سربلند هستیم زیرا این ترازنامه حیات ملتی است
که با سهمگینترین حوادث تاریخ جهان روبرو شده و میلیون
ها و میلیونها فرزندان خود را قربانی داده است ولی هرگز
رسالت معنوی خویش را در دفاع از ارزشهای عالی بشری
از یاد نبرده است .

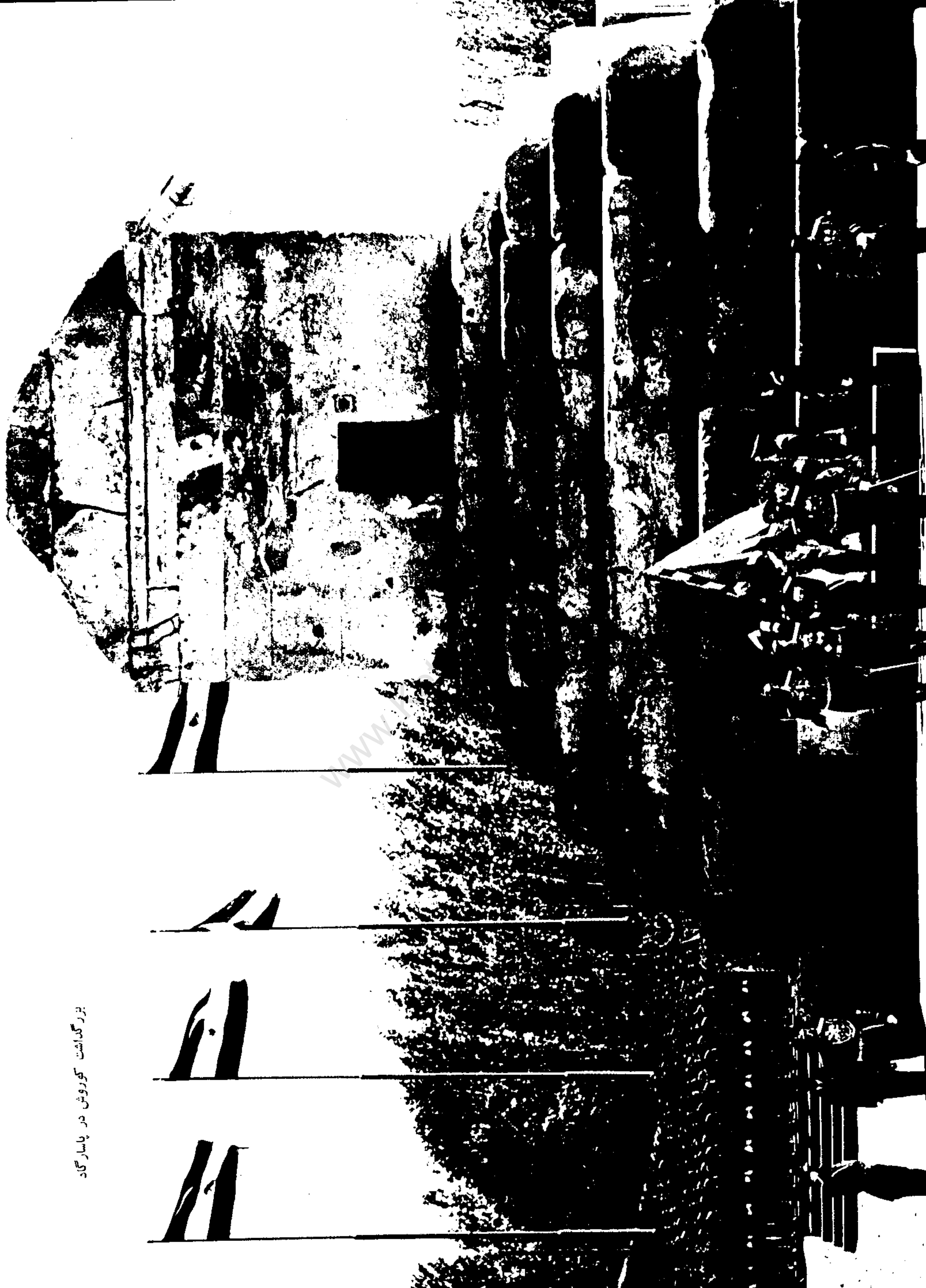
امروز پس از بیست و پنج قرن بار دیگر سپاهیان ایرانی
در این دشت پهناور از برابر ستون هایی که بیادگار جلال
و شکوه دیرین در کاخ کهن تخت جمشید سربرافراشته اند
خواهند گذشت ولی اینان نیز همانند سپاهیان روزگار
هخامنشی ، آرمانی را مقدس می شمارند که استقلال و شرافت
ملی را با موازین اخلاقی و بشری در آمیخته است . بیست
و پنج قرن پیش داریوش بزرگ در کتیبه ای که هم اکنون در
چند قدمی ما دیده میشود همراه با ذکر پیروزیهای ارتش
خویش نوشت :

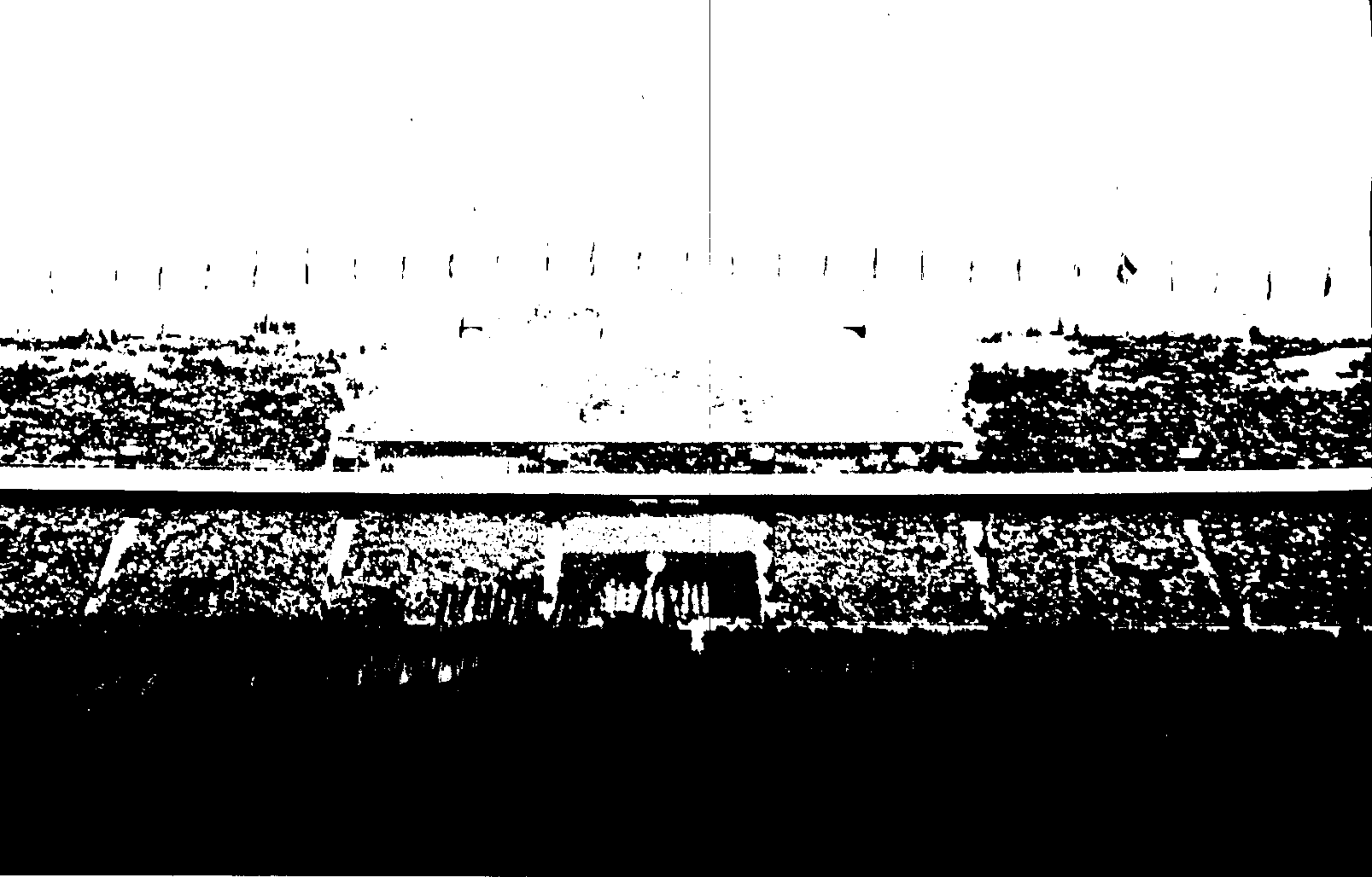
راستی را دوست دارم و از بدی بیزارم . نمیخواهم
که در قلمرو شاهنشاهی من توانائی به ناتوانی ستم ورزد .
نمیخواهم که کسی از راه بد اندیشی بدیگری زیان رساند .
و امروز نیز بهمراه سربازانی که نمایندگان ادوار قدیم و
جدید ارتش ایران هستند افرادی از این ارتش رژه میروند که
سپاهیان دانش ، سپاهیان بهداشت ، سپاهیان آبادانی نام دارند
و افراد دیگری که لژیون خدمتگزاران بشر نامیده میشوند
و وظیفه انسانی آنها مرز و حدی جغرافیائی و نژادی
نمیشناسد .

در این لحظه تاریخی من بنام ملت ایران بتمام نمایندگان
عالیقدر ملتها و کشور های جهان که برای شرکت در این
بزرگداشت ملی ما در اینجا حضور یافته اند درود میفرستم .
بتمام جهان بشریت که با همبستگی قلبی در تجلیل از فرهنگ
و تمدن ایرانی شرکت کرده اند درود میفرستم . بهمه نیک
اندیشان جهان ، بخدمتگزاران صلح و تفاهم و همکاری جهانی
در هر جا که هستند درود میفرستم و آرزو دارم که آن عامل
بزرگ تفاهم و دوستی که نمایندگان برجسته این همه کشور
ها و ملت های جهان را در یکجا گرد آورده است الهام بخش
همه مردم روی زمین در ادامه راه آنان بسوی نیکبختی واقعی
جامعه بشری باشد .

در این روز بزرگ تاریخ ایران از تخت جمشید زادگاه
شاهنشاهی کهنسال ایرانی در حضور سران عالیقدر کشور
های جهان که برای شرکت در بزرگداشت ملی ایران در
اینجا گرد آمده اند در حضور سایر میهمانان و الامقام در حضور
نمایندگان برجسته دانش و فرهنگ جهان و مذاهب مختلف
عالم ، در حضور فرستادگان شایسته مراکز خبری و مطبوعاتی
عالم و در برابر مردم بشماری که در این لحظه در سراسر
ایران و در نقاط مختلف گیتی شاهد مراسم دوهزار و پانصدمین
سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران هستند ، بنام شاهنشاه ایران
بتاریخ پرافتخار ایران و بملت بزرگ و جاودانی ایران درود
میفرستم . درود به کوروش بزرگ بنیانگذار شاهنشاهی ایران
و قهرمانان جاودان بشریت . درود بهمه شاهنشاهان و پادشاهان
ایران که در طول بیست و پنج قرن پرچم افتخار و ملیت
ایرانی را افرشته نگاه داشتند . درود بهمه سرداران و قهرمانان
ایرانی که در کشاکش سهمگینترین حوادث تاریخ مردانه
از استقلال و شرافت میهن جاودانی خود دفاع کردند ، درود
به میلیونها سرباز ایرانی و بدیگر جانبازان این سرزمین که
در طول قرن های دراز جان خویش را فدا کردند تا ایران
را زنده نگاه دارند ، درود بهمه سازندگان کاخ عظیم تمدن
و فرهنگ ایرانی ، بهمه متفکران بهمه دانشمندان و دانش
پژوهان ، بهمه نویسندگان و سخنوران ، بهمه هنرآفرینان
ایران که در طول هزاران سال این سرزمین را بصورت
کنون جاودان اندیشه و معنویت درآوردند و قسمتی از الاترین
ارزشهای فرهنگ و تمدن تاریخ جهان را بجامعه بشری ارمغان
دادند . درود بهمه خدمتگزاران گمنام این مرز و بوم که در
طول دو هزار و پانصد سال با روح ملیت و با کوشش و تلاش
مداوم ، استمرار شکفت انگیز تاریخ تمدن و فرهنگ ایران
را باعث شدند و آنرا بصورت یک عامل جاودان دوستی و
تفاهم بشری زنده نگاه داشتند . در این روز تاریخی که
ایران نو بزادگاه پرشکوه شاهنشاهی کهن خویش روی آورده
است تا با بیست و پنج قرن تاریخ پرافتخار خود تجدید عهد
کند ، بعنوان شاهنشاه ایران ، تاریخ جهان را گواه میگیرم
که ما وارثان میراث کوروش در تمام این دوران دراز
برسالت معنوی خویش وفادار ماندیم و هرگز پیمانی را که
دو هزار و پانصد سال پیش با تاریخ و با بشریت بستیم از یاد
نبردیم . ما در طول قرون و اعصار ، فرهنگ خویش را پیام آور
آرمانهای عالی بشری و مبشر صلح و محبت و تفاهم قرار دادیم







استادیوم یکصد هزار نفری آریامهر





شاهنشاه آریامهر و حضرت یحییٰ خان رئیس جمہوری پاکستان



خانم مارکوس — همسر رئیس جمهوری فیلیپین



سر باز پارسی — دوره هخامنشی



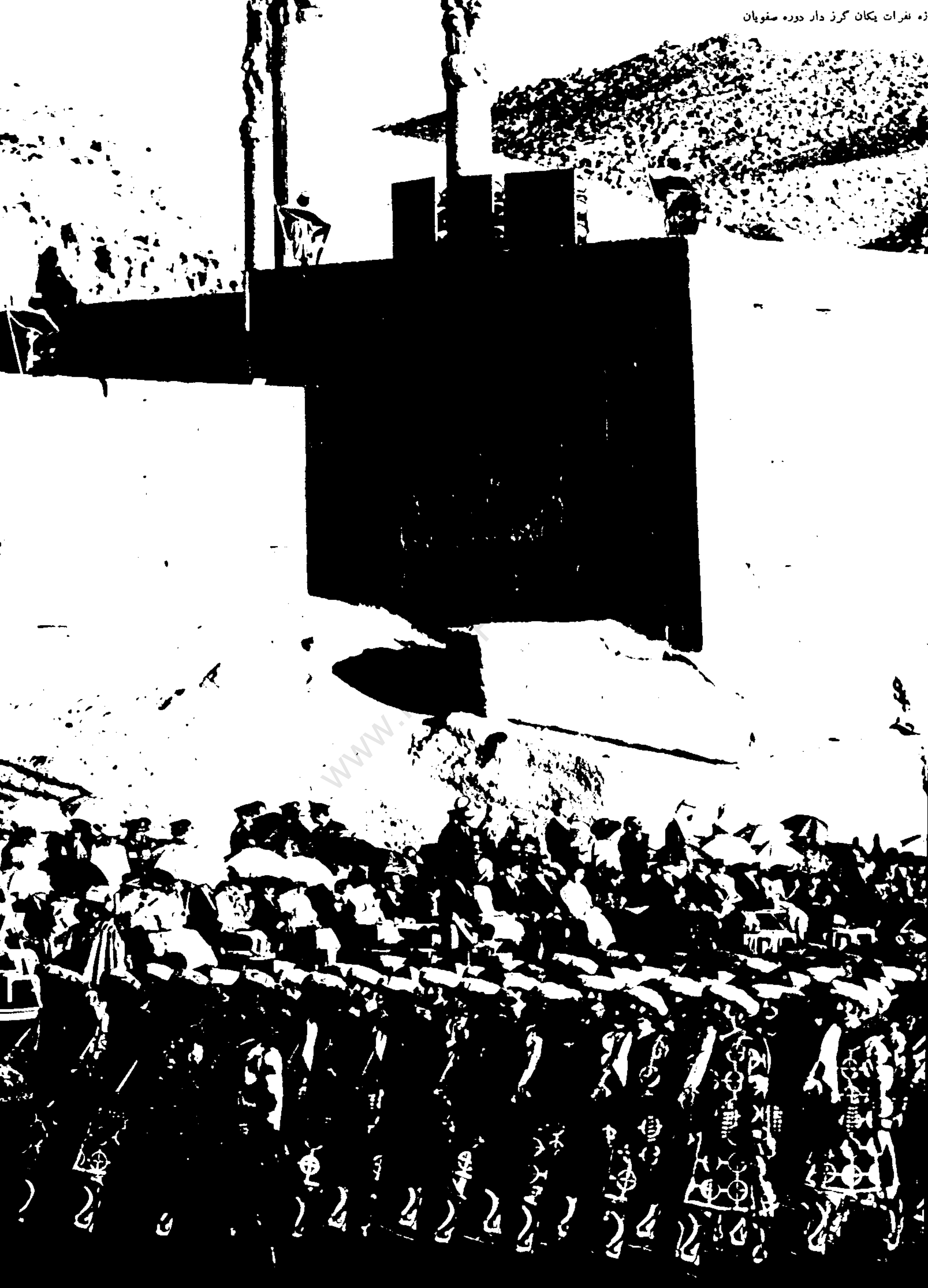
رقص‌های محلی که فقط در حضور شاهنشاه آریامهر اجرا شد



نفرات یکان‌گرز دار — دوره صفویان



افسر دوره افشاریان





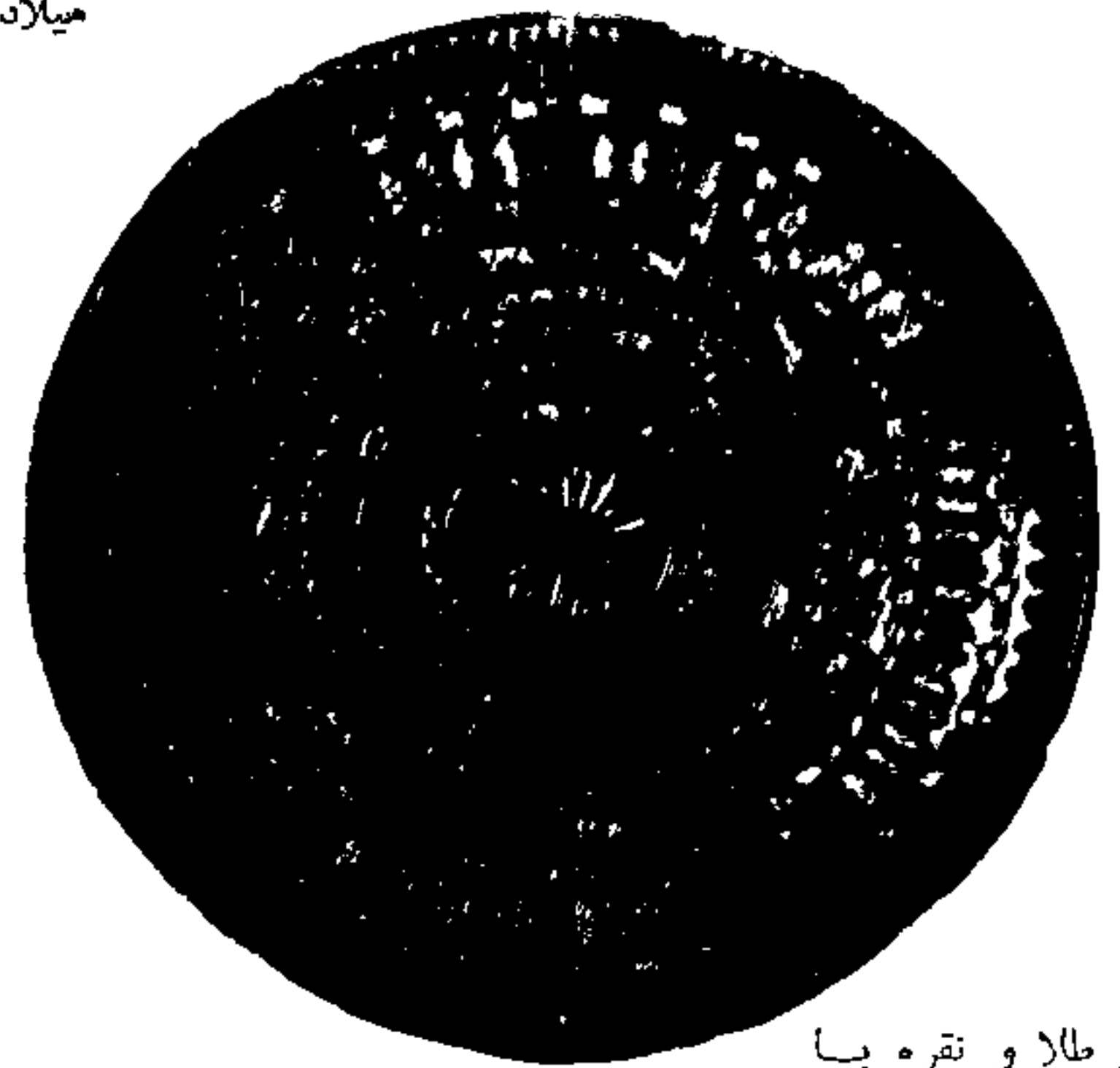
ظرف سفالی بشکل اسب کشف
شده در آذربایجان متعلق به
اواخر قرن یازدهم قبل از
(میلاد) .



ظرف برنزی کشف شده در
لرستان



ظرف دستمدار به شکل شیر
کشف شده در تپه حسن لو
متعلق به (۸ تا ۱۰ قرن قبل از
میلاد)



کاسه‌ای از طلا و نقره با
نقوش حیوانات ، کشف شده در
آذربایجان متعلق به قرن هفتم
قبل از میلاد .



ظرف سفالی بشکل گاو ،
کشف شده در تپه مارلیک متعلق
به قرن ۱۰ تا ۱۲ قبل از (میلاد)

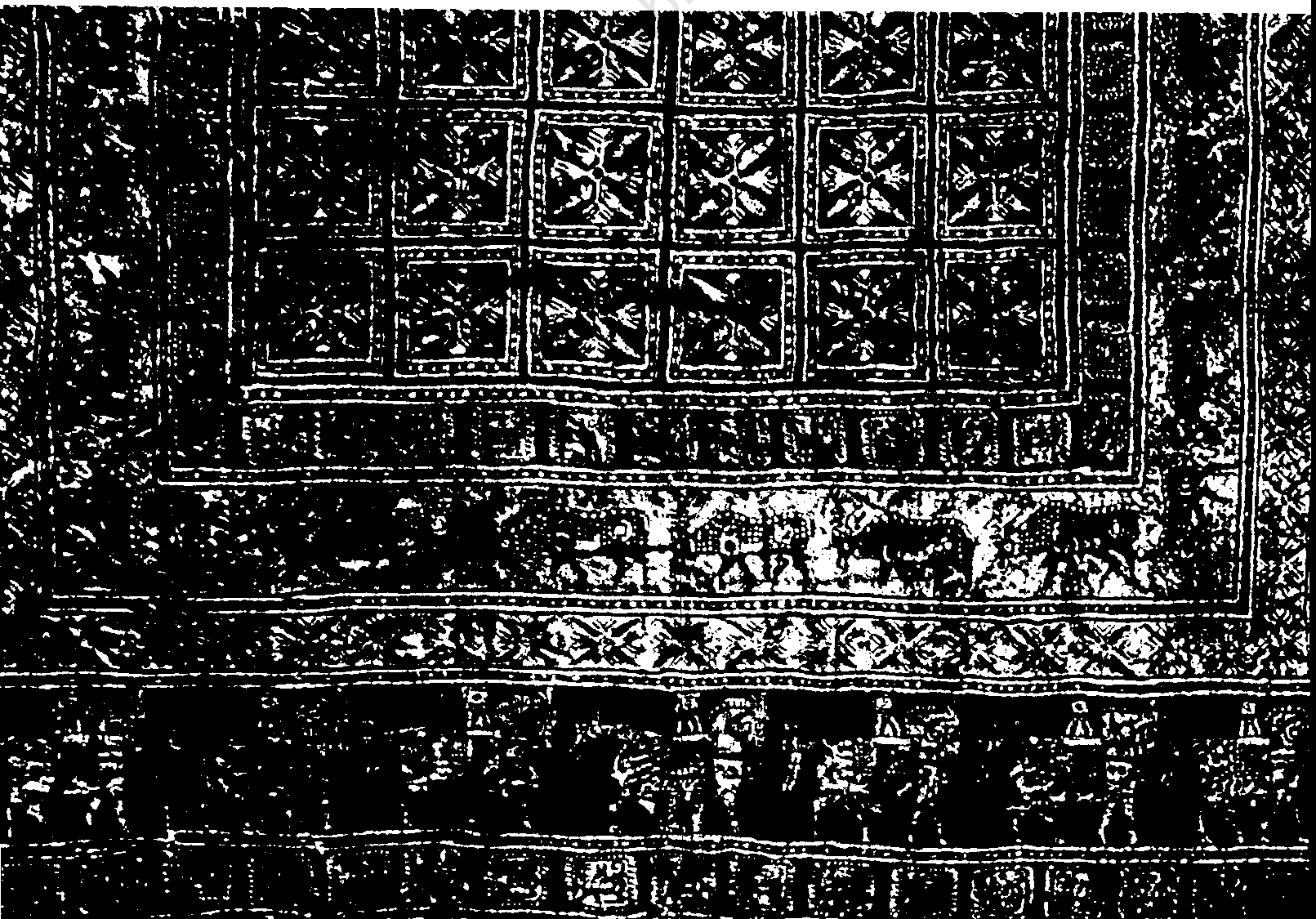
مجسمه کوچک يك شخصیت
که شمشیر بکمر دارد ، کشف
شده در پشتکوه متعلق به قرن
ششم قبل از میلاد



نقش داریوش در تخت جمشید



قالی پازیریک بافته شده در
سه تا چهار قرن قبل از میلاد





۲- چهره‌ای صدساله



۱- گل آفتاب گردان



ظروف سفالی قریه لاله‌چین همدان



۳- شعله‌های اهواز

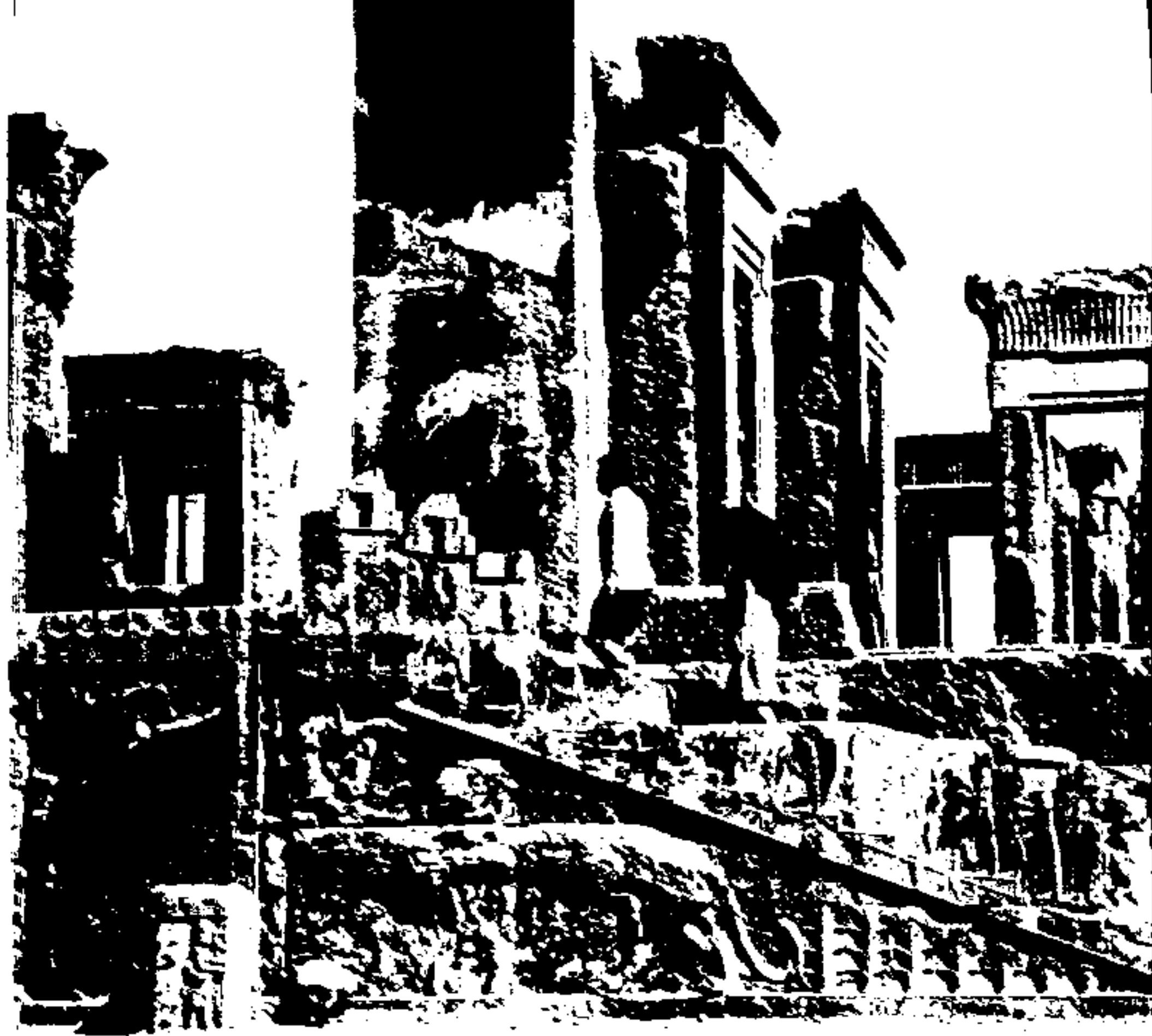


اسلایدها از بابک زیرك ۱۷ ساله

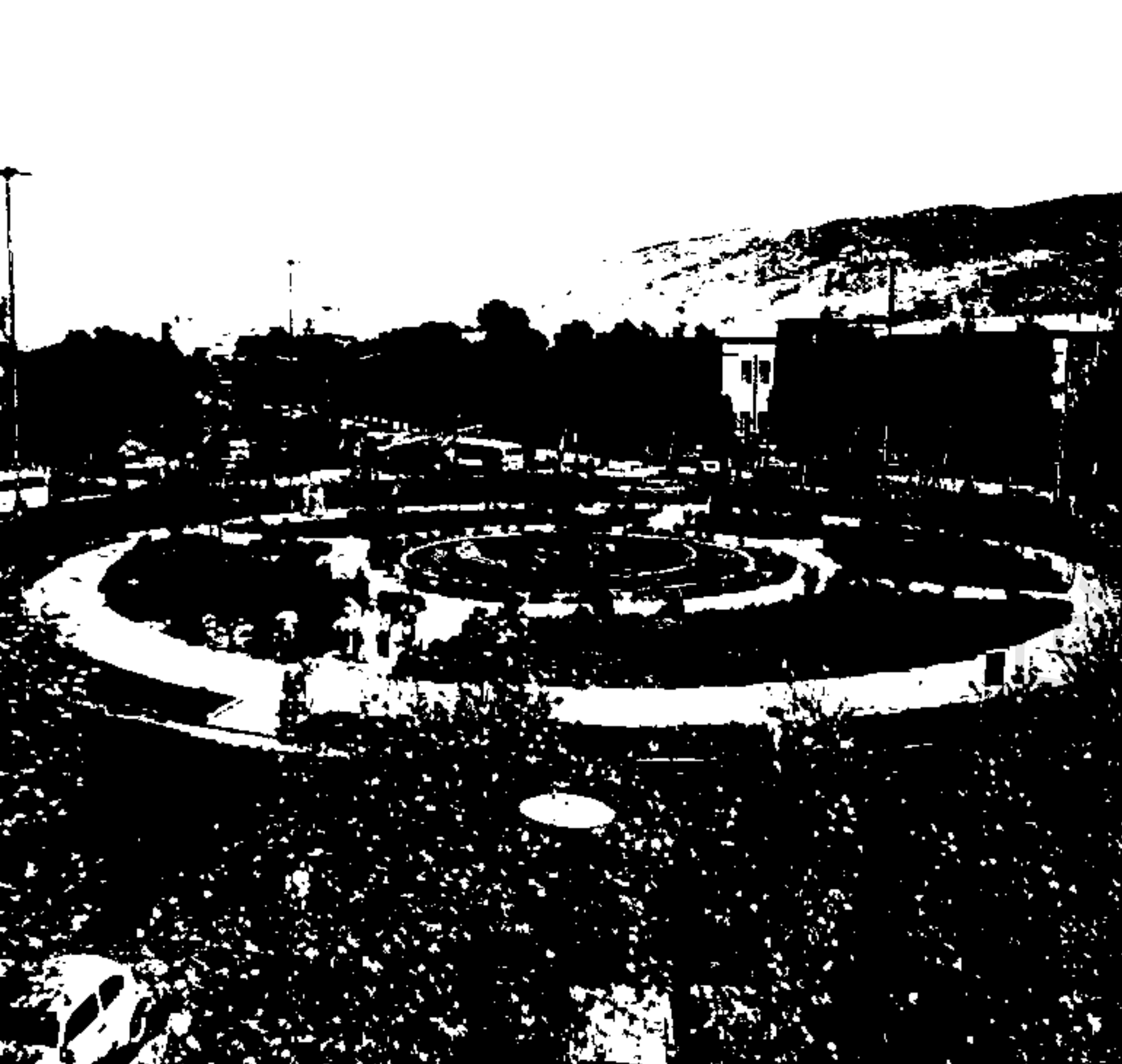
۵- درتیه سالاد



مسجد شاه اصفهان



نخست جوشید



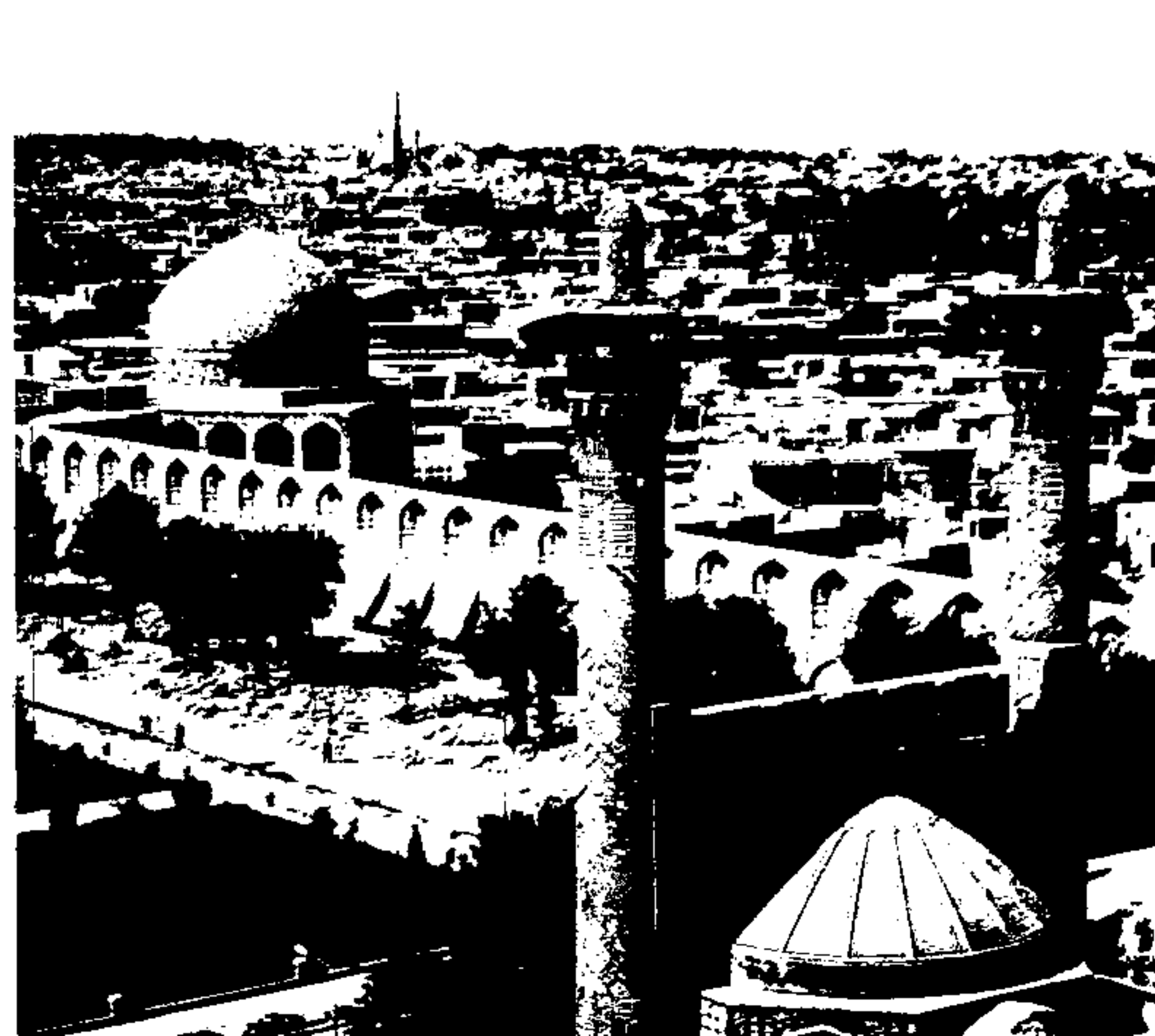
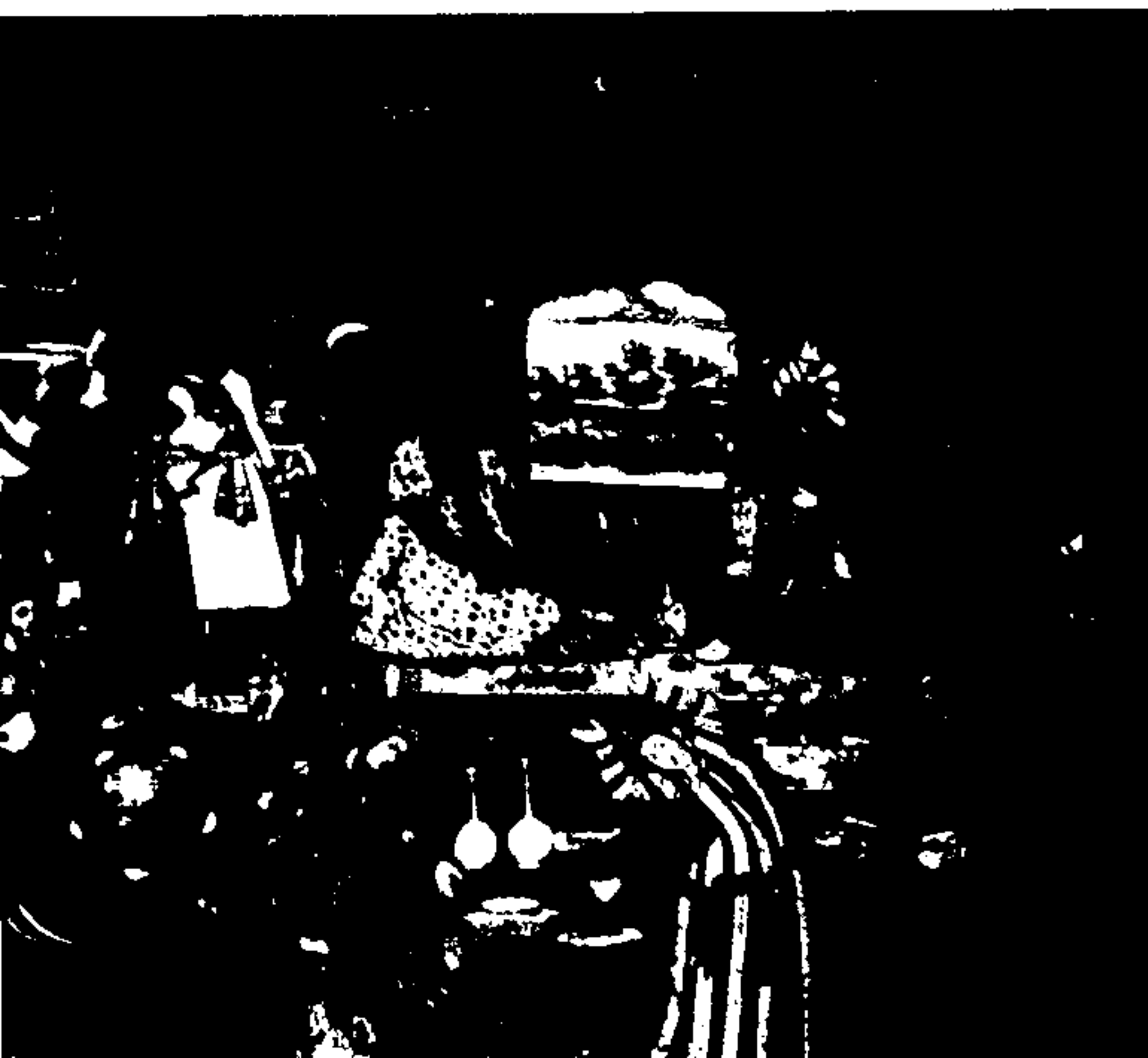
نابلوئی بریکی از دیوارهای کاخ چهلستون

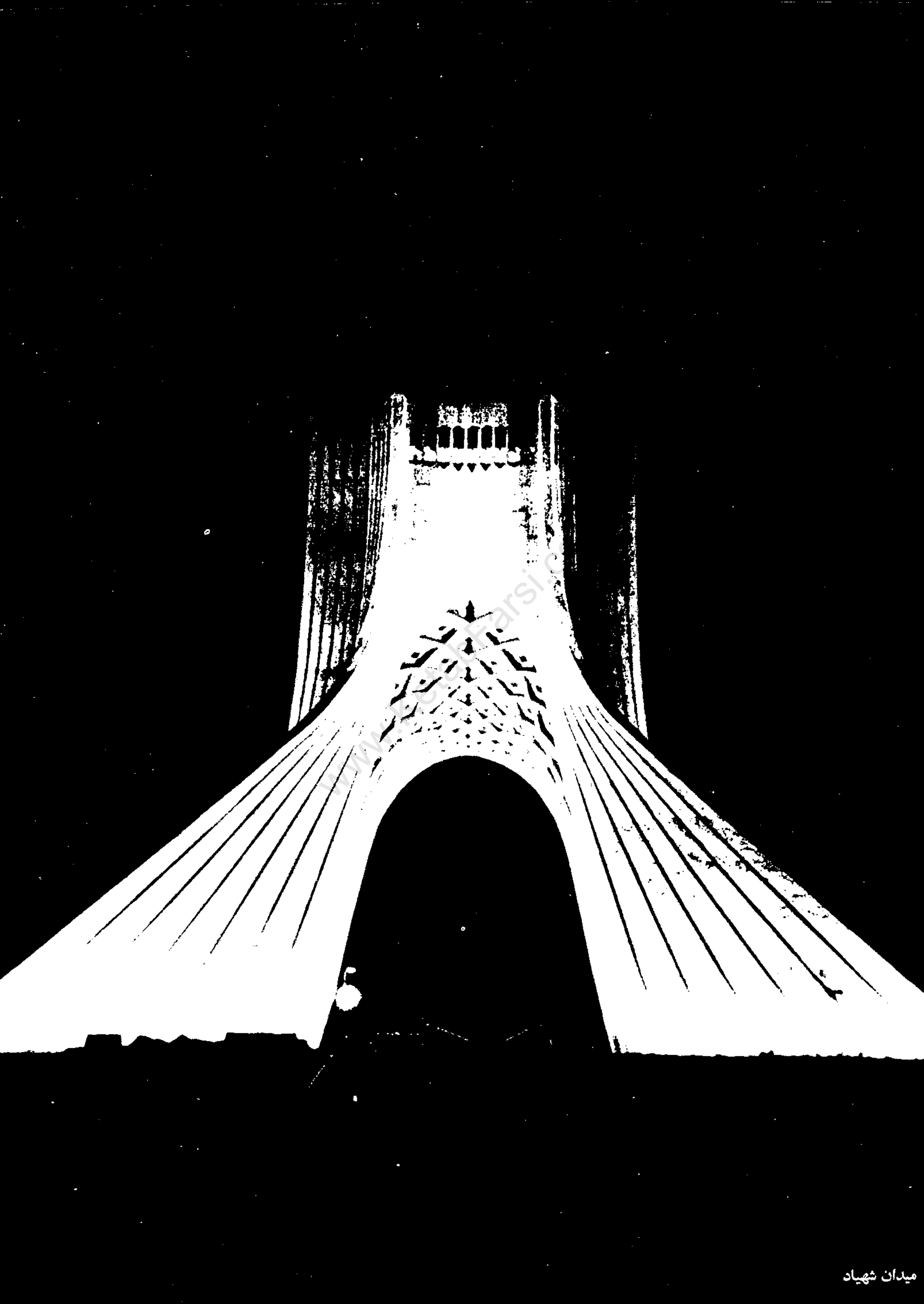
میدانی در شیراز



اصفهان

باغ ارم شیراز







می کنند» سخن ها گفته است بار دیگر تجلی گاه هنرهای جهانی بود . کلام حافظ در همه دلها و مخصوصا در دل های ما ایرانیان هنوز نفوذ دارد و مطبوع طبع صاحب نظران است اما در سال گذشته شیراز صحنه اندیشه دیگری بود اندیشه ای که قرنهایست دل صاحب دلان را بخود مشغول داشته و آن اینکه چه باید کرد تا روزی کلمه دیگر حصار و مرزی میان مردم صاحب دل جهان نباشد .

این «کلمه» که تورات گفته بود اول او بود امروز مشکلی بوجود آورده و مردمان روی زمین را از هم جدا کرده است و بنابراین باید تدبیری اندیشید تا او را از میان برداشت .

در آزمایش بزرگ هنری شیراز سه استاد بزرگ گزناکیس ، بروک و واندریک در سه منطقه مختلف هنری، شاید برای اولین بار در تاریخ هنر عالم ، گامهایی در این راه برداشته بودند .

گزناکیس کوشید تا با نور ، صوت و موسیقی در قطعه ای که بنام پرسپولیس ساخته بود احساس و اندیشه خود را بیان کند و در این راه از آخرین وسائل انتقال صوت یعنی نوار هشت لبه ای استفاده کرد و بیاد بیش از ۳۰ قرن پیش نور و آتشی در کوههای شمالی تخت جمشید برپا کرد که زمان بآن محدود نمی شد آتش این نورها از چوب و نفت ذغال شعله می گرفت و انوار لیزر که نور سرد دوران ماست این فاصله زمانی را بهم می پیوست . و ما را با قرنهای آینده مرتبط می ساخت . کار این ریاضی دان بزرگ و آرشیتکت «شهر جهانی» (Ville Cosmique) که بنا به پیش بینی گزناکیس شاید روزی بر روی ستونی در ارتفاع ۵ هزار متر دور از آلودگی های زمان ما ساخته شود ، و بر فراز آن مردمان از هوای آزاد واقعی استفاده کنند، دور از آسیب دودها و گازهای شهرهای کنونی، نمونه ای دیگر خواهد بود از فکر بلند این دانشمند آزاده . در تمام مدتی که این نمایش نور ها و موسیقی عرضه می شد برای درک کار این هنرمند برآستی نیازی به این نبود که انسانی فارسی بداند یا هندی ، عربی بداند یا روسی شعله ها صوت ها و موسیقی الکترونیک فکر این هنرمند را در فضای عظیم شهر استخر به مردمی که از بیشتر کشور ها به پرسپولیس آمده بودند القاء می کرد .

در کار پیتر بروک کلمه بود ولی کلمات فقط ارزش صوتی داشتند و القاء احساس و اندیشه نیازی بدرک کلمات نداشت : کلماتی که در قطعه کار بروک ادا شد بیشتر از زبان پهلوی گرفته شده بود و کلماتی نیز از یونانی



معروف زمانی (نکتورن) را برای ملکه ویکتوریا بازی کرده بود ، مبنای سیادت مالی امریکا به بحث کشیده شده بود .

نتیجه این تصمیم با وجود تذکرات پی در پی رئیس جمهور امریکا که قیمت ها در ممالک متحده امریکا نباید تغییر کند گران شدن قیمت اجناس بود .

ظاهر امر این بود که فقط رشته پیوند دلار با طلا گسیخته می شد ولی در حقیقت یک ماشین ۱۸۰۰ دلاری ۶۵ دلار، نیم کیلو پنیر سویسی ۱۲ سنت ، یک پیراهن مردانه ۲۰ سنت ، یک دوربین آلمانی ۳۲ دلار و یک بطری ویسکی اسکاچ ۱۲ سنت در امریکا گران شد و این تازه آغاز کار است .

حال باید دید که در ماههای آینده این کشوری که همیشه طرفدار آزادی تجارت صرف بود با این وضع در مقابل مصرف کننده معمولی چه خواهد کرد و چگونه باو جواب خواهد داد و مزد ها چه وضعی پیدا خواهد کرد ؟

شیراز وعده گاه هنرمندان

بار دیگر شیراز در صحنه جهانی درخششی داشت . این سرزمینی که حافظ از شراب آن و از زاهدان کاین جلوه در محراب و منبر می کنند چون بخلوت می روند آن کار دیگر

بعد از بریدن پیوند طلا با دلار

در کنفرانسی که در لانکاستر هاوس Lancaster House در لندن تشکیل شد وزیر خزانه امریکا بصراحت گفت که امریکا با ناراحتی روبرو گشته و باید همکاریش در باره این وضع کاری بکنند وزیر خزانه گفته بود :

«ما در سالهای توانائی و برکت مردمانی سخی بودیم و امروز انتظار داریم که با شرکت در مشکلات و کمک در حل مسائل ما سخاوت بخرج داده شود . دوستی برای همین است» برای اولین بار بود که ممالک متحده امریکا پس از موافقت هایی که در سال ۱۹۴۴ در «برتن وود» شده بود و به یک مبنای باصطلاح استواری برای سیستم پولی خود رسیده بود ، در روز ۱۵ اوت باقیچی ریاست جمهور رشته ای که طلا را به دلار پیوند داده بود پاره شد و برای اولین دفعه بود که این مسئله مطرح می شد که آیا ممالک متحده امریکا هنوز هم نقش رهبری پول را در دست دارد یا آن را برای همیشه از دست داده است .

از این جهت که در زیر سایه های کاخ بوکینگهام، همانجائی که شوین موسیقی دان

و لاتین داشت .

یکی از داستان هائی که بوسیله بروک پرورده شده بود قصه پرومته است. می گویند که پرومته قهرمانی بود که به نبوغ بشر کمک فراوان کرد و از این رو خشم خدایان را برانگیخت مخصوصاً خشم زئوس را . داستان این بود که خدایان استفاده از آتش را منحصر بخود کرده بودند ، پرومته آتش را از آنها دزدید و در يك عصای تو خالی مخفی کرد و آن را به آدمیان هدیه کرد .

خدایان خشمگین ، «پاندور» را بسوی انسان ها فرستادند و پرومته را به بند کشیدند و او را در بالای قله قفقاز حبس کردند . عقابی را مامور کردند که جگر او را بخورد. اما بیهوده ، چون این جگر هرچه خورده می شد دوباره بوجود می آمد و زنده می شد. و بالاخره این شکنجه پرومته پایان یافت زیرا «هراکلس» عقاب را کشت .

و باز می گویند که پرومته به انسانها نه فقط آتش را هدیه کرد بلکه دانش ها را به آدمیان آموخت و او بود که اولین پایه های تمدن را پی گذاری کرد .

هنرخانه ساختن ، رام کردن حیوانات کار کردن با فلزات ، نوشتن ، طب ، و پیشگوئی آینده و از آن بالاتر ساختن انسانها را از خاک و گل پرومته فرا گرفته بود و به آدمیان یاد می داد و او بود که با کمک آتش ، انسان ساخته شده از گل را ، جان بخشید .

بروک با اصوات و کلماتی که یاد کردیم از انسانهایی که از پرومته دانش می آموختند یاد می کند و بیاد بیننده و شنونده می آورد که امروز بشر بدنبال همان قدرتی است که می گویند روزی پرومته پیدا کرد و آن این بود که با آوردن آتش از خانه خدایان برای آدمیان انسان ها را به چنان مرحله ای رساند که بتواند خود خالق چیزها و فکرها و کارها باشند و در این میان هنر پتربروک این استاد زبان شکسپیر آن بود که این فاصله یعنی کلمه را که باعث جدائی قومی از قوم دیگر است . از میان بردارد .

و اما واندربیک سازنده معروف فیلم های کوتاه که فیلم هایش را در امریکا تهیه کرده قدرت خود را در سینما در بوتیه آزمایش گذاشته بود . کار واندربیک را مانند کار گزناکیس و بروک می توان يك کار آزمایشی تلقی کرد ولی در عالم فیلم . و باز با استفاده از آخرین تکنیک های علم که یکی از آن تصاویر است که گزناکیس از حرکت ماشین های الکترونیک گرفته بود و با صوت آمیخته بود. در فیلم های متعدد و کوتاه مدت او زبان انگلیسی اثری داشت بعنوان سمبل و نه بیش از آن .

من تصور می کنم که این سه کوشش که در سه جنبه مختلف انجام شد ، مقدمه کارهای بسیار بزرگ در عالم هنر است .

مدینه فاضله

اخیراً «سکینر» استاد دانشگاه هاروارد در رشته روانشناسی کتابی منتشر کرده بنام آنسوی آزادی و شان. وی در این کتاب بار دیگر انتقاد واطمینان خود را برای ایجاد جامعه ای که انسان ها باحسن نیت بتوانند در آن کار کنند، عشق بورزند وزندگانی کنند اعلام کرده است. وشرایط و اصول زندگی را برای بشریت که می خواهد «باندازه کافی بخورد، بیاشامد و محیط سالم داشته باشد و از مصیبت هائی که انفجارهای اتمی در روی زمین بیار خواهد آورد درامان باشد اعلام کرده است.» او معتقد است که يك فرهنگ عمومی در سطح جهانی ضرورت دارد و باز هم درباره اصول آن چنین می گوید، تسلیم بی ریا در مقابل هنر ، موسیقی و ادبیات ، بازده های معنوی در قبال هر گونه رفتار سازنده ، رهائی از حسد ، غیبت و نیز رهائی از کمال مطلوب های ساختگی آزادی است . این نکته اخیر که شاید موجب تعجب بسیاری از مردم مغرب زمین باشد آغاز کتاب اخیر وی است بنام آنطرف آزادی شان ومقام که بدنبال کتاب (Walden Two) در سال ۱۹۴۸ چاپ شده بود .

سکینر درباره کتاب اخیر خودش این طور اظهار نظر می کند :

اراده آزاد اکنون دیگر چه بخواهید وچه نخواهید جز وهم ورویا چیز دیگری نیست، زیرا که بشر هم اکنون از هر حیث واز هر جهت تحت تاثیرهای خارجی است . ودر این مورد فراوان قلم فرسائی می کند واز شرایط خارجی که برای انسانها دیگر مجال اراده آزاد وگاه حتی اخذ تصمیم فردی را باقی نگذاشته سخن می گوید، وآنوقت بدین نتیجه می رسد که مسئله هم اکنون اینست که چه بکنیم تا فرهنگي داشته باشیم که باقی بماند. و باز به مسئله دیگری توجه می کند : «برای این که بقای انسانی تأمین گردد چگونه انسان ها باید رفتار کنند.» باتوجه باین که رفتار و عکس العمل های آنها وابسته به تاثیر های گوناگون محیط است پس مسئله بدین ترتیب مطرح می گردد که چه باید کرد تا تاثیرات محیط تحت نقشه و برنامه درآید و فقط باتوجه باین نقشه وبرنامه است که انسان دیگر اطراف خود را آلوده نخواهد کرد، از اغتشاش و شورش رهائی خواهد یافت از دست زدن به جنگ پرهیز خواهد کرد. و دیگر نخواهد گذاشت که بدون حساب

به جمعیت روی زمین افزوده گردد. «نه فقط از این جهت که انسان می داند که اگر در این کارها توفیق پیدا نکند باوحشت و شکست غیر قابل جبرانی روبرو خواهد بود بلکه بدان علت که مغز و دل او را آنچنان می سازند که وی فقط آن چیزی را خواهد خواست که به نفع جامعه است.»

این کتاب تازه آقای «فردسکینر» که مقام بالائی در دانش روانشناسی وجامعه شناسی دارد اخیراً سرو صدای بسیاری در دنیای مغرب زمین بوجود آورده است زیرا که وی برای رسیدن باین هدف ها راهی هم پیشنهاد می کند که آنرا تکنولوژی رفتاری (Behavioral Technology) خوانده است.

این علم تازه در راه تغییر محیط کوشش می کند و آنرا اصل می داند، نه تغییر درون انسان ها را. همانطور که در بالا آمد «تکنولوژی رفتاری» کوشش می کند که اعمال را تغییر دهد نه احساسات را و باز این علم تازه هدفش آن است که دنیای خارج را عوض کند. تا در نتیجه مغز و دل انسان ها هم تحت تاثیر آن عوض بشود بطرزی که مطلوبست و می خواهند. در این مورد تا بحال آزمایش هائی در مورد موجودات زنده دیگر جز انسان در آزمایشگاه ها شده بود.

و «سکینر» معتقد است که این کار را براحتی در مورد انسان ها نیز می توان کرد.

«ناتوان در درك علت و چگونگی رفتار انسان ها ما این رفتار را بدرون انسان مربوط می کنیم»

خطا همین جا است چون ما تصور می کنیم که انسان ابتکار دارد کار را آغاز می کند و خلق می کند و بدین ترتیب همان طور که یونانیان هم می گفتند خود را بمرحله اولو هیت نزدیک می کند و بدین ترتیب او را آزاد ومستقل می دانیم اما باز «سکینر» تأکید می کند که استقلال و آزادی فردی، رویا و فرضی بیش نیست واعتقاد به يك انسان درونی مانند خیلی چیزهای دیگر از عدم توانائی انسان در درك عالم ناشی می شود و باز می گوید شك ندارم که همه اعمال ما بوسیله محیط تعیین می شود .

این کتاب که در ماه گذشته بوسیله موسسه کنویف در امریکا منتشر شد سر و صدای بسیاری در دنیای غرب برانگیخته است، زیرا بسیاری از اصولی را که دنیای غرب تاکنون بدان معتقد بود مانند آزادی فردی، استقلال انسانی، انسان درونی، ابتکار فردی و خلاقیت انسانی به لرزه در آورده است مخصوصاً که می گویند سکینر و حرف های او هم اکنون مورد توجه رئیس جمهور امریکا نیز قرار گرفته است.

این نکته را هم باید گفت که سکینر در دوران کودکی و در دوران دبیرستان ودانشگاه بسیار درخشان بود و در محافل علمی امریکا نظریات او

مورد بحث و مطالعه قرار گرفته و می گیرد. حال باید دید در قبال نظرهای سکینر دنیای غرب و مخصوصاً آنها که علاقه فراوان به مسائل روانشناسی و مسائل روانی انسانها دارند چگونه عکس العملی نشان می دهند.

سفر

پاریس - تخت جمشید - پاریس

در گزارشی که در مجله هفتگی اکسپرس چندی پیش چاپ شد گله فراوانی از جهت عدم برخورد مسافران پاریس، تخت جمشید - پاریس به «ماجرا» بعمل آمده بود.

نویسنده مقاله یادآور شده بود که این ۱۲۰۰ نفر مسافر که با اتومبیل های سیتروئن به ایران آمده بودند انتظار فراوان داشتند که با جاده های خاکی که در قسمتی از خاک ترکیه با آن روبرو شده بودند در ایران نیز مواجه گردند، اما وقتی وارد مرز ایران می شوند می بینند که راه ایران از مرز تا تخت جمشید آسفالت است و در تمام طول راه دیگر مسائل و مشکلاتی که در کشورهای دیگر با آن روبرو بودند وجود ندارد.

و آن محیط و شرایطی را که فکر می کردند در يك کشور آسیائی با آن برخورد می کنند از بین رفته است.

من خودم هم در سفری که اخیراً از تهران به مشهد کرده ام فقط حدود ۷۰ کیلومتر در راه مشهد باقی مانده بود که هنوز آسفالت نشده است ولی این قسمت راه هم شوسه و خوب بود.

و شاید بسیاری از مردم نمی دانند که با يك اتومبیل بسیار كوچك دواسب مانند دیان سیتروئن بتوان براحتی بطور متوسط ساعتی ۸۰ کیلومتر در این جاده ها حرکت کرد. انتظار می رود که تا چند ماه دیگر آن قطعه از راه مشهد هم که هنوز آسفالت نشده با تمام برسد و بدین ترتیب از مرز ترکیه تا اهواز و آبادان و از آنجا تا اصفهان و مشهد جاده آسفالتی کاملاً مورد استفاده قرار گیرد.

کتابخانه دانشگاه

بنای اخیر کتابخانه دانشگاه تهران پایان رسید، این کتابخانه دارای کتابهای بسیار جالب قدیمی خطی و چاپی است که از

لحاظ قدمت و ارزش براستی گنجینه ای را تشکیل می دهد. تعداد کتابهایی که در این کتابخانه موجود است هم اکنون حدود ۷۰ هزار و گنجایش کتابخانه تا يك میلیون کتاب است که قابل توسعه تا دو میلیون کتاب هم می باشد. از تمام کتابها میکروفیلم تهیه خواهد شد و در مرکز دیگری نسخه های دوم آن نگهداری خواهد شد. قسمت اشیاء قدیم ایران را که تا ۷ هزار سال پیش از میلاد مسیح است و از قطعات مکشوفه در زیر زمین تشکیل می گردد دکتر نگهبان استاد عتیقه شناسی زیر نظر دارد.

این کتابخانه از اول مهر ماه امسال مقارن با گشایش دانشگاه مورد استفاده قرار گرفته است.

خوشه چین

هر دو از پنجره وسیع مشرف به حیاط با دیدگانی که رنج جاویدانی در نگاهشان آرمیده بود به آویزهای پر گل آنسوی باغچه ها خیره شده بودند. غروبی غم افزا در رکهای سیاه شب میدوید. آفتابی تند و شگرفی در سرخابی آسمان نشسته بود و شعاعهای ارغوانیش از حاشیه دیوار زرد رنگ آجری خود را بالا می کشید. خانه در سکوت ماتمزائی فرو رفته بود. بوی نمناک خاک با بوی گلهای شمعدانی و اطلسی که تازه آب پاشی شده بودند

«کتر چقدر میتونه پیره»

از : جمشید مهرپویا



در فضای کوچک حیاطشان پیچیده بود . واپسین ترانه کفترها از سقف خانه شان بگوش میرسید . اندوهی جانکاه و سیاه که غیر قابل تحمل بود خانه را باغوش میفشرد . دخترک موهایش را از صورت خود کنار زد و بادلهره پرسید :

— پاپا مگه مامان بهت گفته که دیگه بر نمی گرده .

مرد همان لحظه حرفی نزد چون بچیز دیگری فکر می کرد . يك مرتبه بدون اینکه بداند چه پاسخی میدهد شتابزده خندید .

— چرا غروبا غم انگیزه ، من دلم میگیره بر می گرده

دخترک گفت :

— پاپا .

— بله دخترم .

— پاپا مامان خیلی وقته تورو تنها گذاشته .

— بله دخترم خیلی وقته .

— پاپا به عقیده شما . مامان منو دوس داره

— بله دخترم او تورو همیشه دوس داش

— پاپا چرا کلک میزنی ، چرا میگی منو

دوس داش ، مگه دیگه دوسم نداره ، مگه من چکارش کردم ؟

— اوه نه ... منو ببخش او تورو همیشه

دوس داره

دخترک لحظه ای سکوت کرد و بعد با تردید گفت :

— پاپا

— چیه دخترم

انگار بادم فشارش میدن

— نه دخترم ، غروبا غم انگیز نمیشن بیخودی این فکرارو نکن همه غروبا غم

ندارن ، این ما هستیم که غروبارو غم انگیز میدونیم

— حتی پاپا اگر موقع غروب بارون

بیاد و آسمون ابری بشه و کفترها بمیرن ؟

— اوه بله دخترم . اون وقت هم اگه ما دلمون نخواد غروب خوبی میتونیم داشته

باشیم ...

— پاپا اون موقع مامان قشنگ بود ؟

— مثل خود تو بود .

دخترک لبخندی حالی زد و چشمانش را بدهان پدرش دوخت . مرد گفت

— آره مثل تو قشنگ بود لبای قشنگ

داشت موهایش رو باروبان از پشت بسته بود واسه آدم می خندید .

دخترک با تردید و دل واسپی پرسید

— تو مامانو دوس داشتی پاپا ؟

— بله دوستش داشتم .

— مگه دیگه دوستش نداری ؟

— چرا ... چرا که نه .

— حالا منو بیشتر دوس داری یا مامانو ؟

— هر دو تون رو دوس دارم هم تورو هم

مامانو ...

— راستی پاپا مامان بهت نگفته کی بر

می گرده ؟

— نه ... نه ... من نمیدونم اینارو از من

نپرس . آخه چرا پاپا ؟
 - واسه اینکه مامان دیگه برنمی‌گردد .
 يك نگرانی چهره دخترک را پوشاند ،
 انگار رنگش پرید و پرسید :
 - چرا برنمی‌گردد ؟
 - من من ... هیچی دیگه نمیدونم ...
 فقط اینو میدونم اودیگه نمیتونه برگردد ، تو
 باید سعی کنی منظور منو بفهمی .
 - چرا پاپا ناراحت میشی ... اوه پاپا ...
 پاپا داری گریه میکنی اشکتو تاحال ندیده
 بودم .
 - نه من گریه نمی‌کنم ، دارم می‌خندم .
 - غصه نخور پاپا من شباً اون وقتی که
 میخواهم بخوابم دعا می‌کنم که مامان پیش
 ما برگردد مگه غیر از اینکه اونو از ته دل
 دوس داریم ؟
 دختر خودش را به لبه پنجره کشید کمی
 فکر کرد و مثل کسی که درباره بحث مهمی
 میخواهد اظهار نظر نماید خودش را جمع و
 جور کرد و پرسید :
 - پاپا صورت مامان خیلی قشنگ بود ؟
 - بله دخترم او واقعا قشنگ بود .
 - مامان از خاله‌جون خیلی قشنگتره
 پاپا ؟
 عین خاله‌جان بود .. منتها ازش خوبتر
 هم بود ..
 - تو درست و حسابی جواب نمیدی
 پاپا .
 - چرا این فکرارو میکنی ؟
 دخترک در خود فرو رفت و مرد به
 آسمان که سیاه بود خیره شده بود ، دختر
 ناگهان گفت :
 - من دلم میخواود گریه کنم .
 - نه دخترم تو نبایستی گریه کنی تو
 نبایستی گریه کنی ، اونوقت منم گریه می
 کنم .
 دخترک هق‌هق خود را برید و پدرش
 دستهای لرزان را به گیسوان نرم و طلا رنگ
 او کشید و بعد به آغوشش فشرد
 دخترک گفت :
 - شام چی میخوریم پاپا ؟
 - تو یخچال گوشت هس ، یه چیزی
 درست می‌کنم .
 - متشکرم پاپا ، تو پاپای خوبی هستی ،
 راستی پاپا بیا باهم سری به کفتره زخمی که
 از پشت‌بام افتاده بزنیم ... همون کفتره سفید
 که پاهاش خون‌مالون بوده ...
 مرد دست دخترک را گرفت و کمک کرد
 از حاشیه پنجره بپرد ، وحشترده گفت :
 - اوه دخترم تو انگار تب داری ؟
 دستش را به پیشانی دخترش گذاشت
 چهره‌اش درهم رفت و ادامه داد :
 - اوه ، نه نه تو دخترم تب داری تو تب
 داری ، داری آب میشی میسوزی ...
 دخترک خیلی بیرنگ خندید ...
 - نه نه پاپا حالم خوبه ... فقط بیا به
 کفتره سری بزنیم ، بریم پیشش ، حیوانی

زخمیه تنهاس ممکنه بمیره ...
 باطاق دیگر رفتند دخترک کلید را زد
 اطاق غرق نور شد و در حالیکه چشمان
 سبزش را با لنجکاوی به کفتره میدوخت
 گفت ...
 - ببین چه جوری گریه زخمیش کرده
 اگه اون گریه سیاه‌رو ببینم دلم میخواود
 شکمش را پاره کنم ، قلم‌پاشو بشکنم ، همه
 میگن گریه سیاه‌کفترارو میبرن و خفه‌شون
 میکنن .
 - دخترم این کفتره بچه‌اس ، والا سیر
 چنگال گریه نمیشد .
 - آره پاپا ... تادیدم گریه داره می
 بردش دنبالش کردم پشت‌پشت کردم تا
 اینکه کفتره بیچاره را انداخت و فرار کرد
 - ببین چه جوری بد زخمی شده پاپا ...
 دلم میخواود اون هم پاپا شام بخوره ...
 و بانا امیدواری ادامه داد :
 - اما پاپا اونکه گوشت دوس نداره
 - دخترم کفتره شبها می‌خوابند ،
 چشمه‌اشون جائی رو نمی‌بینن .
 - باید بیدارش کنیم و چیزی بهش
 بدیم من دلم نمیداد .
 - صبح بهش همه‌چی میدیم .
 مرد بازوی دخترک را گرفت ، چراغ ،
 را خاموش کرد ، دخترک آرام بود .
 سرشام چیزی نخورد با غذا بازی می-
 کرد ، اصرار پدرش اثری نداشت فقط در
 باره کفتر می‌پرسید :
 - پاپا کفتر چقدر میتونه بیره ؟
 - خیلی بلند میتونه پرواز بکنه .
 - پاپا اگه کفتره خوب بشه از زخمش
 دیگه خون نیاد چکارش می‌کنیم ؟
 - فکر می‌کنم که نگهش میداریم .
 - گاهی هم اگر دلت خواست پروازش
 میدیم .
 - ممکنه مثل مامان بره و برنگردد .
 - نه کفتره خیلی زود با انسون خو
 میگيرن ، دلشون نميخواود صاحبشون را از
 دس بدن .
 - من دلم میخواود همه شب ، کفتره پیش
 من بخوابه چون می‌ترسم مثل مامان بره
 برنگردد ، اصلا اسمشو چطوره بزاریم مامان؟
 مرد رقت‌بار خندید .
 - اسم کفتره رو که نمیشه مامان گذاشت
 وانگهی اون حالا مریضه خیلی خون ازش
 رفته باید کلی استراحت بکند تا حالش جا
 بیاید و بتونه باهات حرف بزنه ... حالا
 پاشو برو استراحت کن ، تا من سفره رو جمعش
 کنم .
 - اجازه بده کمکت کنم پاپا
 - متشکرم دخترم تو تبه داری ، سرما
 خوردی بهت گفتم که از حمام فرستادمت
 بیرون که بری زود لباسو بپوشی قبل از
 برچیدن سفره دخترک را با آغوش کشید و
 برختخوازش رساند ، او را پوشاند ، دخترک
 با لحن آرزومندی گفت
 - میتونی پاپا ... دم پنجره جای منو

بندازی تا آسمون ابری رو تماشا بکنم ...
 مرد حرفی نزد و هرچه می‌گفت برایش
 انجام می‌داد و دخترک از پنجره به آسمان
 می‌نگریست ، مرد رفت و سفره را جمع کرد
 و بای‌حوصلگی بروی میز آشپزخانه انداخت ،
 دندانهایش را شست بای‌حالی و رختی که
 خودش را نیز عذاب می‌داد لباسهایش را
 عوض کرد و پیش دخترش دراز کشید دل
 مرد گرفته‌تر از آسمان شبنمه بود ، پیچ رادیو
 را زد ، موسیقی ملایمی رنجش را بیشتر می
 کرد دلش از غم می‌ترکید ... دخترک گفت
 - پاپا جان .
 - جان پاپا .
 - دلم خیلی گرفته حتماً میخواوم گریه کنم .
 - بس کن ، بس کن دیگه گریه‌تو بمرام
 غیر قابل تحمله .
 - همه میگن مامان زن خوبیه اما چرا
 دیگه پیش ما نمی‌آد ؟
 - دخترم چرا قلب منو بدرد میاری ،
 مامان دیگه نه پیش من ، نه پیش توونه پیش
 هیچکس نمیداد اونو من به بهشت فرستادم .
 - چرا پس خودت نرفتی پاپا ؟
 - خواستم تو و من با هم بریم و توتنها
 نباشی .
 - بهشت جای خوبی باید باشد .
 - میگن اونجا جای همه آدمهای خوبه
 دخترم .
 - چه جوری میشه اونجا رفت ؟
 - انسانهای خوب بعد از آنکه مردند به
 بهشت میرن .
 - مردن چیه پاپا ؟
 - آدم چشمهایش را رو هم‌میداره ، دیگه
 چشمه‌اش جایی رانمی‌بینن اما انگار چیزایی رو
 می‌شنفه ، انگار خدا صدایش میزند که بیا به
 پیش من ، هرچه از من میخواوی بهت میدم .
 - خدا آدم خوبی باید باشه ؟
 - تکرار کرد ... راستی خدا آدم خوبی
 است ؟
 - مرد گفت خدا که آدم نیس اصلا به چشم
 دیده نمیشه .
 - پس خانم معلمه میگفت او عینک زده که
 خدا رو ببینه لابد خدا رو هم می‌بینن
 مرد خندید و دستش را به گیسوان نرم
 دختر کشید .
 - نه اوهم نمیتونه میخواوی ازش بپرس ...
 آره فردا ازش بپرس ، خدا رو هیچکس قادر
 نیس ببینه ...
 - مگه خدا خیلی کنده‌اس ؟
 - آره خیلی بزرگه ، به بزرگی اون ابراهیم ...
 از پنجره هر دو به پاره ابری که بجلو
 می‌شتافت نگر بستند . دخترک گفت :
 - ما حالا داریم چکار می‌کنیم
 - میخواویم بخوابیم ، بیدار بشیم ،
 زندگی بکنیم ، بزرگ بشیم ، بمیریم .
 - پس من و تو حالا زندگی می‌کنیم ،
 بزرگ میشیم و بعد می‌میریم ، چقدر احمقانه‌اس ...
 - چی احمقانه‌اس ؟
 - مرد کلافه شده بود نمی‌توانست دخترک

را که یکرین حرف میزد خاموش کند مستاصل گفت: دخترم زیاد حرف زدی تو مریض هستی تو بایستی استراحت بکنی، دلم میخواد دعای خودتو بخونی و بخوابی. و باهم وردی را نجوا کردند.

دخترک در تبی سخت میسوخت مرد گفت دخترم یک آسپرن میخوری؟ دخترک با تکان دادن سر حرف مرد را تأیید کرد مرد به آشپزخانه رفت و لیوانی پر از آب کرد دخترک کشوی کمد را گشود، محتویات یک شیشه را در دهان خود خالی کرد و جوید و فرو برد و با آسپرنی که پدرش آورده بود تمام لیوان آب را خورد و خیلی آرام دراز کشید... و لحظه‌ای دیگر بخواب رفت.

مرد دستی به پیشانی دختر زد داغ بود، با خستگی روزنامه عصر را ورق زد و در حالیکه چشمانش بروی کلمات روزنامه می‌رقصید به فکر فرو رفت، بیاد گذشته‌های رنگین که غروب‌های بارانی خوبی داشت افتاد... بیاد آن زن افتاد که مادر تنه‌ها دخترش بود با یاد چشمان سبز رنگ آن زن که او را مفتون خود ساخته بود دلش را آذین غم و دید گانش را حلقه‌های اشک درماندگی بست... بیادش آمد هفته گذشته به چهل و دومین سال زندگی پا گذاشته دستی به موهای جو گندمیش کشید ابروانش را بالا انداخت چین‌های پیشانی‌اش آشکارتر دیده شد، یک رخوت سنگین نه خواب آلودگی از چشمان خسته‌اش می‌تراوید بیاد چهار سال پیش افتاد، زمانی که دخترش یک سال بیشتر نداشت و از پستان او شیر میخورد اندیشید، احساس کرد هنوز هم از نام او نفرت دارد از خودش شرم داشت که آن زن را برای فرزندش فرشته‌ای ساخته و وادار کرده دخترک آن شرمزده را بستاند، لبش را گزید و مزه شور خون را احساس کرد. در رختخواب خود جابجا شد خاطرش آمد که او بود که بخاطر آن زن کار میکرد و خرج تحصیل برادرش را تأمین می‌کرد... آن غروب بارانی زود بخانه برگشت و کلید را در قفل گرداند و دم در پابرهنه شد به پشت اطاق رفت همه چیز را بچشم دید... درهشتی ساطور سبزی خرد کنی را برداشت در یک آن وارد اطاق شد و دیگر چیزی نفهمید برادرش گریخت و زن در کنار گهواره دخترش بخون خود غوطه خورد، فرزندش را برداشت و در آن شب بارانی که آسمان ستاره نداشت بسوی سرنوشت گریخت و باین شهر دور افتاده آمد. و قانون دیگر سراغی از او نگرفت برای او عدالتی وجود نداشت، نامهربانهای زمانه را باز گرفته بود، او خودش با زندگی حساسی نداشت او گاهی فکر میکرد برادرش نیز باید می‌مرد...

گوئی مرد ترسید انگار آمده بودند او را بگیرند. عرق سرد را از پیشانی‌اش سترد

از جا برخاست. در کمد گوشه اطاق را باز کرد و محتویات تلخ آن شیشه را در گلولی خود خالی کرد، هق هق گریه می‌کرد. — پاپا باز هم دوا میخوری، داری گریه می‌کنی. مرد وحشتزده اخنید و به طرف دخترش رفت و مستانه گفت.

— دخترم هنوز هم نمی‌خواهی بخوابی... نه؟ — پاپا خواب نمیداد. لحاف را بروی دخترش کشید و تلوتلو خوران گفت: — بایستی بخوابی، یااله دیگه بخواب، بخواب جانم. — آخه چکارا کنم خواب نمیداد، خودمو بکشم؟ — سعی کن بخوابی، واسه چی میخوای نخوابی؟ — دخترک دستهای کوچکش را بطرف مرد دراز کرد. — پاپا منو بغل کن شاید بتونم بخوابم مرد او را باغوش کشید.

— پاپا دهنتم بوی بدی میده، از این دواها نمیتونی نخوری؟ — چرا دخترم. — پاپا میخوام ازت یه خواهش بکنم.. ممکنه برام انجام بدی؟ — چرا که نه؟ — ممکنه کفتره از تنهائی بمیره، برو خواهش می‌کنم اونو برام بیار، ممکنه تو قفس بمیره، سردش بشه، میخوام تو بغلم گرمش بکنم. — او حالا خوابیده، اینکار گناه داره — گناه چیه پاپا؟ — گناه؟ من نمیدونم... نباید کسی رو اذیت کرد بده... — تو چطور نمیدونی گناه چیه پاپا؟ — شاید بدونم ولی نمی‌تونم واسه ات بگم — تو که هیچی نمیدونی، پس پاشو، کفتره رو که حتما سردشه برامن بیار...

مرد دیگر حوصله بحث با دخترک را نداشت. سرش به دوران افتاده بود بلند شد و به اطاقیکه کفتره آنجا بود رفت. قفس را پائین آورد در قفس را گشود دست توی قفس کرد و در تاریکی قفس را کاوید، کفتره را از قفس بیرون کشید و وحشتزده از جابر خواست. دو قدم به عقب برداشت به دیوار تکیه داد. کبوتر مرده بود.

دختر مرد را صدا زد مرد با ناراحتی و دلهره به پیش دخترش برگشت. نمی‌توانست حرف بزند. آهسته پیش دخترش زانو زد. فکر کرد دهان دخترک کف کرده است و حرارت بدنش را احساس می‌کند بعد اندیشید شاید خودش مست کرده است اینطور به نظرش می‌رسد کفتره را بدامن دخترک گذاشت و خود کنار رفت دخترک نیم خیز شد و تقریباً کفتره را قاپید و به آغوش کشید ناگهان ترسان سرش را بلند کرد با درمندی گفت...

— پاپا پاپا این کفتره مرده. — بده ببینم دخترم... اوه بله پیش مامان رفته، به بهشت رفته... خوشبخت شده... دخترک جیغ کشید و با درد گریست. — نه نه این کفتره نمی‌بایست می‌مرد. — ناراحت نشو دخترم صبحی یک کفتره سفید که زخمی نباشه برایت میخرم. — نه اوه نه... من من نمیخوام من میخوامم این کفتره خوب بشه پروازش بدم مال من باشه مال خود من باشه دستهای کوچکش را با عصبانیت به شانه‌های پدر نگرانش کوفت و ادامه داد.

— بگو، بگو چرا اونو از ما گرفت؟ اشک از چشمانش سرازیر بود عصبانگرانه فریاد زد.. — اونو بمن بده پاپا میخوام بغلش کنم، گرمش کنم، زنده‌اش کنم. — نه دخترم او دیگه مرده. — ببین پاپا اگه اونو بمن ندی منم می‌میرم.

پدر کفتره مرده را بسوی او دراز کرد و دخترک کفتره مرده را در آغوش فشرد. — خوب صبح بایستی چالش بکنم؟ — بله دخترم در اون ور باغچه زیر اون آویزهای بلند گوری برایش می‌کنیم و چالش می‌کنیم.. اونوقت برایش دعا می‌کنیم به بهشت بره...

— متشکرم پاپا تو پاپای خوبی هستی. — حالا بخواب. — نمیتوانم دیگه چون منم میخوام بمیرم. — نه نه بس کن.

با حالت عصبی و خشونت در حالیکه گوئی می‌ترسید دخترش را از او بگیرند، دیوانه‌وار او را به آغوش کشید. — پاپا راه بهشت از اینجا خیلی دوره؟ — بس کن دخترم. — پاپا منم مثل کفتره می‌میرم و با هم میریم پیش مامان... آخه اگه کفتره تو غروب بارونی بمیره باید منم باهاش برم که نزدیکهای سحر راه بهشت رو بهش نشون بدم... و بعدش همه جا آفتابی میشه انکار هیچ اتفاقی نیفتاده...

— بس کن... آخ دیگه منو کشتی عزیزم. — من که دختر خوبی برات بودم پاپا؟ — البته که بودی. — پس پاپا من میتونم برم به بهشت؟ هان؟

— نه دخترم، تو نباید تنهائی... نمی‌تونی...

— کفتره هم با من میاد. پاپا من تنها نیستم. نزدیکهای سحر به بهشت میرسم. دیگر دهان دخترک کف کرده بود. نفسهایش شماره افتاد، عرق سردی پیشانی‌اش را فرا گرفته بود و آن مرد درمانده دیگر نمی‌گریست.

دخترک کبوتر بی‌جان را بر سینه‌اش می‌فشرد و رفته رفته خاموش می‌شد...

مسجد سپهسالار



در ورودی مسجد سپهسالار (از خیابان بهارستان)

دنباله تعمیرات کلی مسجد می باشد که بفرمان شاهنشاه آریامهر از سال ۱۳۳۳ شروع شده است.

این بنای زیبا و باشکوه که شامل مدرسه و مسجد هردو می باشد از بزرگترین مساجد تهران است. طول آن تقریباً ۶۲ و عرض آن ۶۱ متر است و زمین آن تقریباً مربع شکل است. ساختمان از دو طبقه تشکیل شده است و در هر طبقه حجره هایی برای اقامت طلاب علوم دینی ساخته شده که مجموعاً قریب ۶۰ حجره می باشد.

در چهار طرف، چهار ایوان دیده میشود که مانند سایر مساجد ایران ایوان بزرگ و اصلی در ضلع جنوبی واقع شده و بمقصوده و گنبد عظیم منتهی می شود. ایوان جنوبی برای تابستان در نظر

حالا ما به قسمت شرقی حیاط رسیده ایم. ایوان شرقی در حال تعمیر است. وارد شبستان شرقی مسجد می شویم. یکی از توریست ها با تعجب می پرسد چرا سقف این شبستان به این کوتاهی است و برعکس سقف شبستان جنوبی بآن بلندی و راهنما در حالیکه از این همه دقت خوشحال است جواب میدهد.

اینجا شبستانی است که در زمستان مورد استفاده قرار می گیرد و سقف آن باین خاطر کوتاه است که هوا زودتر گرم شود. این شبستان بنام چهل ستون نیز شهرت دارد. در این بنا از چهل و چهار ستون سنگی یکپارچه استفاده شده است. سقف چهل ستون دارای گچ بری های فوق العاده زیبایی است و همانطور که می بینید در حال تعمیر است و این تعمیر

صدای مؤذن گوشه هایم را نوازش میدهد و بی اختیار به گروه کثیر جهانگردانی که قصد دارند از مسجد سپهسالار دیدن کنند می پیوندم. از در فلزی بزرگی که زیباییش خیره کننده است می گذریم و راهنمای مسجد درباره مهارت استادان هنرهای مستظرفه، که این در نیز از شاهکارهای آنهاست، سخن می گوید.

اذان ظهر بطرز آرامش بخشی بگوش میرسد و من همانطور که روحم را با این صدا همساز می کنم متوجه سخنان راهنما می شوم که اگر چه این هزارمین باریست که این حکایت را بازگو می کند، باز از توصیف زیباییها و شگفتیهای این مسجد باز نمی ایستد. راهنما می گوید: اینجا مدرسه ناصریه است یا همان مسجد سپهسالار معروف. همان طور که می بینید مدرسه دارای سردر عظیمی است که در ضلع غربی واقع شده است. اینجا دهلیز مدرسه است که بعد از در ورودی قرار گرفته و این دو دالان بحیاط منتهی می شوند. اگر به سقف نگاه کنید می بینید که سقف و دیوارها با کاشیهای الوان بسیار زیبایی تزئین یافته اند و این دو راهرو در دو طرف ایوان غربی مدرسه قرار دارند.

اینجا صحن مدرسه است و این ایوان غربی است که در اطراف آن اشعاری از سنایی کتیبه شده است و من تا آنجا که از دیگران عقب نمانم چند بیت زیر را یادداشت می کنم.

نیست از بهر آسمان ازل
نردبان پایه به ز علم و عمل
هر که را علم نیست گمراه است
دست او ز انصرای کوتاه است
نیک نادان در اصل نیک منه
بد دانا ز نیک نادان به
علم را چون تو خوانی از بازی
آلت جاه و ساز در سازی
باز گر علم مرتورا خواند
بر براق بقات بنشاند
علم با کار سودمند بود
علم بیکار پای بند بود

توریست ها ضمن گوش کردن بحرفهای راهنما با دوربین های کوچکی شان از محل هایی که بنظرشان جالب آمده عکس هایی می گیرند. مرد راهنما ادامه میدهد: و اینجا شبستان بزرگ مسجد است که در جنوب مسجد واقع شده است. این شبستان گنجایش تقریباً هزار نفر را دارد. در قدیم، هنگام نماز جماعت این شبستان بقدری شلوغ می شد که بقول معروف جای سوزن انداختن نبود ولی حالا عده کمی نمازگزار را در اینجا می بینیم. راهنما به حوض بزرگی که وسط چهارباغچه گلکاری شده قرار دارد نگاهی می کند و ادامه میدهد: بله آب این مسجد قبلاً یعنی وقتی که هنوز لوله کشی نشده بود از قنات مهران که جزء موقوفات این مسجد است تامین می شد ولی حالا از آب لوله کشی استفاده می شود.



کاشیکاری دیوار محراب مسجد سپهسالار

مهر و امضای مرحوم سپهسالار واصل آن در کتابخانه مدرسه موجود است مشتمل بر ۷۹ صفحه می باشد .

نکته جالبی که در قفنامه درباره وظایف طلاب ذکر شده موضوع امتحان است که هر سال یکبار با تشریفاتی انجام شود و از طلاب ساعی و کوشا تشویق بعمل آید .

در سال گذشته ۲۷ نفر برای سال اول از طریق امتحان ورودی پذیرفته شدند که هر ساله در همین حدود باین عده اضافه می شود ، البته در سالهای قبل که امتحان ورودی انجام نمی شد مجموعاً این مدرسه در حدود ۱۲۰ دانشجو داشته است .

در حال حاضر تحصیل در این مدرسه شامل سه دوره می باشد . دوره اول که شش سال می باشد و دوره مقدماتی نامیده می شود . این دوره فارغ التحصیلان کلاس های ششم ابتدائی را که در فارسی ، عربی ، منطق و فقه نیز معلوماتی داشته باشند در صورت قبولی در امتحان ورودی مدرسه می پذیرد .

دوره دوم یا دوره مدرسی نیز چهار سال می باشد و ارزشی برابر لیسانس دارد .

دوره سوم یا دوره تخصصی نیز چهار سال بوده و ارزش دکترا خواهد داشت .

مشاغلی که برای دانشجویان بعد از پایان تحصیل در نظر گرفته شده است عبارتست از : معلم تعلیمات دینی و عربی در دبستانها و دبیرستانها ، مدرس علوم و فرهنگ اسلامی در مدارس عالی ، مشاور علوم اسلامی در خارج از کشور ، کار در سردقترهای ازدواج و طلاق ، قاضی در محاکم شرع ، افسر امور دینی ، اشتغال در سازمان اوقاف .

تعداد استادان این مدرسه و علوم که تدریس می کنند بشرح زیر است :

آقای حسینعلی راشد: فلسفه ، آقای میرزا هدایت الله وحید گلپایگانی: فقه ، آقای سید ابوالحسن ملکی زنجانی: اصول ، آقای حکمت آل آقا: فلسفه و منطق ، آقای سید حسن مبرهن: فارسی ، شیخ حسین کاشانی: ادبیات عرب و فقه ، سید ابراهیم بونوری: طبیعی ،

است دری به حیاط کوچک دیگری باز می شود که تاجندی پیش فرهنگستان ایران (آکادمی ادب و لغت فارسی) بود ولی حالا کتابخانه و قرائتخانه مدرسه در آنجا قرار دارد . این کتابخانه که قسمت اعظم کتابهای آنرا کتب کتابخانه علی قلی میرزا (اعضاد السلطنه) وزیر اسبق علوم و کتابخانه شخصی مرحوم سپهسالار تشکیل میدهد وقف مدرسه و از حیث دارا بودن کتب نفیس خطی یکی از بزرگترین کتابخانه های ایران بشمار می رود .

مدرسه ناصریه دارای دو وقفنامه است ، یکی وقفنامه مفصل و دیگری وقفنامه کوچک و مختصر ، در وقفنامه برای دانش پژوهان ، از مکتب و دبستان تا مراحل عالی و سائل تعلیم پیش بینی شده ، همچنین پزشک و خادم و مدرس و مشاق خط و داروساز و نیز حمام و آشپزخانه و سایر وسائل برای آنان در نظر گرفته شده است . ضمناً بدنیت بدانید که مخارج سال گذشته این مدرسه حدود شصت هزار تومان بوده است .

و این قسمتی از متن وقفنامه کوچک است که در کتیبه سرتاسری صحن مدرسه نوشته شده است .

«بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله الواقف علی الضمان ... در عهد سلطنت اعلیحضرت قدر قدرت ... در ساعتی مسعود و زمانی محمود و طالعی همایون و تاریخی میمون ، بندگان عالی خداوند معالی الامیر - الباذل آقای مشیرالدوله الحاج الافخم حاج میرزا حسینخان ، سپهسالار اعظم دولت علیه ایران و حرسه الله عن طوارق الحدثان این جامع کبیر و مدرس منبع را بتمام از حجرات فوقانی و تحتانی و مقصورات تابستانی و زمستانی که بر حسب اشاره و اختیار اعلیحضرت همایونی که عهد سلطنتش پاینده و مهر و معدلتش تابنده باد به مسجد و مدرسه ناصریه نامیده بعلاوه مارستانی حصین و دبستانی زرین و گرمابه و آبگیری متین و انبار آب ...»
وقفنامه تفصیلی که نسخه خطی آن دارای

گرفته شده است و بهمین جهت سقف آن بلندتر است . تعداد گلدسته های این بنا نیز بی سابقه است . مجموعاً هشت مناره و گلدسته در این بنا دیده می شود که چهار مناره بلندتر در ایوان جنوبی و مجاور مقصوره و دو عدد آن در ایوان شمالی در دو طرف ساعت و دو عدد در سر در غربی قرار دارند . حجره های طلاب این مدرسه نسبت به حجره های سایر مدارس وسیع تر و روشن تر است .

گنبد و شبستان این مسجد از نظر بزرگی و عظمت کمتر از گنبدهای مساجد بزرگ دوره صفویه نیست .

طول مقصوره و گنبد از حدود محراب تا مقابل صحن تقریباً ۴۳ م و عرض آن ۴۱ متر و ارتفاع گنبد ۲۷ متر است .

در بالای ایوان شمالی ساعت بزرگی جلب توجه می کند . این ساعت دارای دو صفحه است یکی بطرف صحن مدرسه و دیگری بطرف باغ مجلس شورای ملی .

وزارت فرهنگ در سال ۱۳۱۳ یعنی زمان تاسیس دانشگاه تهران مدرسه ناصریه را محل دانشکده معقول و منقول قرار داد ولی بعداً آن دانشکده از این محل بمحل دیگری منتقل گردید .

از ضلع شرقی هم دری بطرف مسجد باز می شود که پس از گذشتن از دالانی داخل صحن مدرسه می شویم . در این دالان دری به شبستان زمستانی (چهل ستون) باز می شود که نمازگزاران می توانند بدون آنکه وارد مدرسه شوند وارد شبستان گردند . در این دالان می توانیم یکی از شاهکارهای معماری و کاشیکاری قرون اخیر را ببینیم .

طاق هفت کاسه معروف به طاق معلق ، اعجاب آور است و تحسین انگیز . این طاق در ابتدای دالان قرار گرفته است . این شاهکار معماری از کارهای مرحوم استاد جعفر خان معمارباشی کاشانی است که در سال ۱۳۱۲ شمسی بدروود زندگی گفته است .

از آخر این دالان که نزدیک حیاط مدرسه

پروفسور منوچهر وارسته: انگلیسی، دکتر جلال‌الدین فقیه: ریاضیات، شیخ محمدصادق محمدی: ادبیات عرب، آقای احمد داد: ادبیات فارسی.

قصد داشتم برای گفتگو با یکی از طلاب و یکی از مدرسین مدرسه بآنجا بروم. صبح حدود ساعت هفت است و من در مدرسه عالی سپهسالارم.

در یکی از حجره‌ها باز است و چند جفت کفش جلوی در بچشم می‌خورد. باکسب اجازه وارد می‌شوم، خودم را معرفی

می‌کنم و بهمانگونه که آنها نشسته‌اند روی زمین می‌نشینم، با ورود من یکی از طلاب از حجره خارج می‌شود.

از میان پنج نفری که در اطاق دیدم دو نفر موهایشان کاملاً کوتاه است و تهریشی هم دارند ولی سه نفر دیگر دارای موهایی بلند و صورتی تراشیده هستند. قیافه این سه نفر به طلاب مدرسه سپهسالار نمی‌ماند. در این موقع طلبه‌ای که بیرون رفته بود با کاسه‌ای باز می‌گردد. درون کاسه مقداری گل‌ابی وانگور است که با فروتنی زیاد آنرا

جلوی من می‌گذارد. از این همه سادگی احساس شادمانی می‌کنم. از طلبه‌ای که کاسه میوه را آورده می‌پرسم:

س: چرا باین مدرسه آمدید؟ انتظار شنیدن چنین سؤال‌ی را نداشته، می‌خندد و پاسخ می‌دهد:

چون قبلاً هم در قم طلبه بودم، برای کسب اطلاعات بیشتر باینجا آمدم. س: از وضع اینجا راضی هستی. واقعاً همه ما راضی هستیم. ما هیچ چیز کم نداریم.

س: ترتیب دادن غذای شما باکیست. جواب: یا خودمان از بیرون از مدرسه تهیه می‌کنیم و یا همین جا در حجره غذا می‌پزیم.

س: وضع تدریس چطور است؟ جواب: خوب است.

س: خیال داری بعد از پایان تحصیل چه شغلی را انتخاب کنی.

جواب: قاضی می‌شوم. با اینکه مایل نیستم این سؤال را عنوان کنم ولی کنجکاویم اجازه نمی‌دهد. می‌پرسم قیافه شما دو نفر با آن سه نفر آقایان هیچگونه وجه تشابهی ندارد.

همه می‌خندند. طلبه دیگر ادامه می‌دهد این سه نفر آقایان از دوستان ما هستند که در دبیرستان رشته ادبی تحصیل می‌کنند. آنها در هفته چندروز باینجا می‌آیند و باتفاق درس می‌خوانیم.

حالا دیگر قضیه روشن شده، بلند می‌شوم و کفشهایم را می‌پوشم و همراه با خاطره‌ای خوش خدا حافظی می‌کنم. دیدار جالبی بود.

اینان می‌توانند روح آدمیان را از قیود فکار پوسیده و یاس و ناامیدی نجات دهند و بنور خداوند منور گردانند.

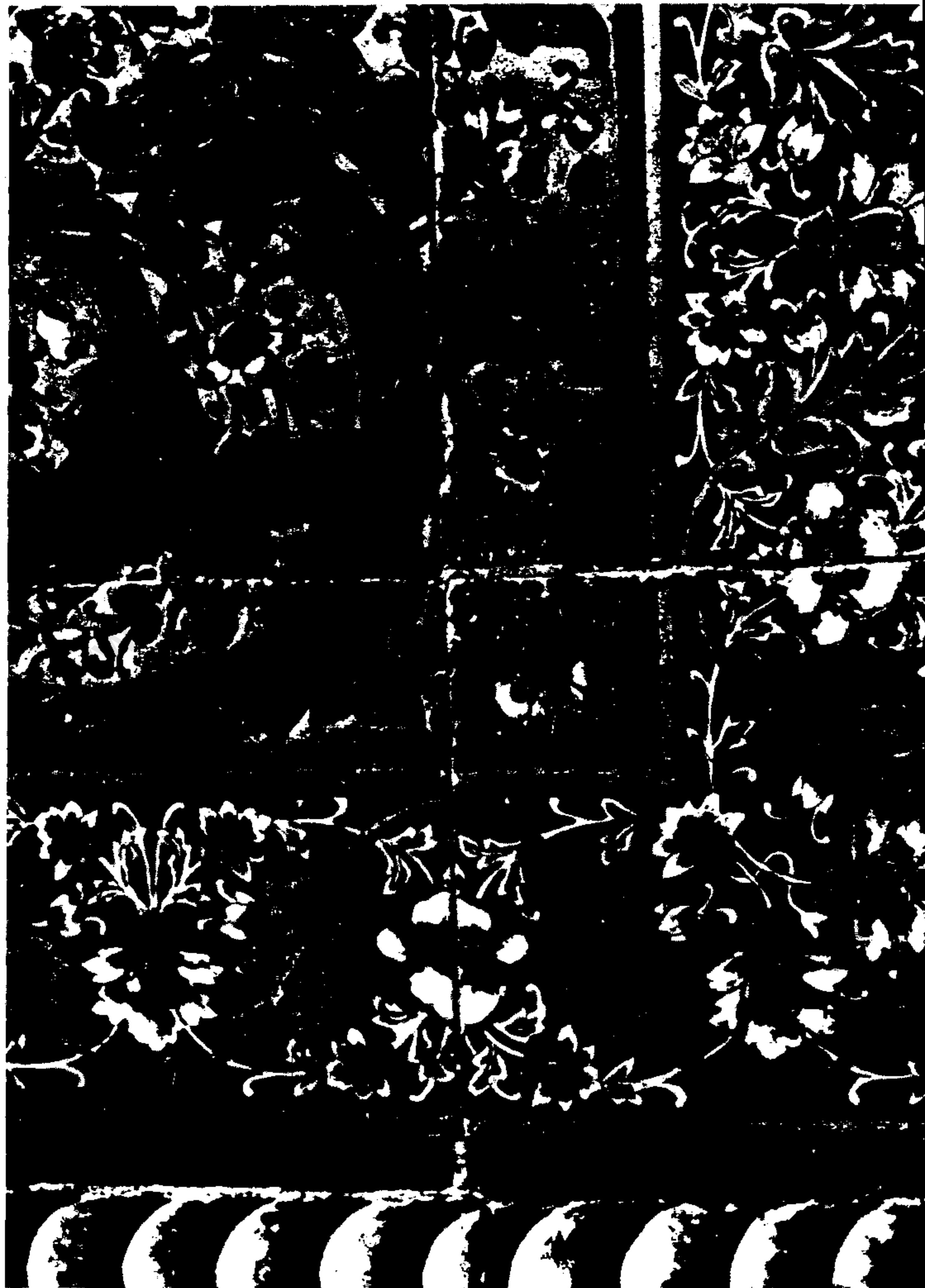
حالا می‌باید تا ساعت ۸:۵۰ منتظر بمانم تا با آقای کاشانی مدیر امور علمی و مدرس ادبیات عرب و وفقه در این مدرسه نیز گفتگویی انجام بدهم. بالاخره ساعت ۸:۵۰ می‌شود. بدفتر آقای کاشانی می‌روم، با محبت مرا می‌پذیرند. می‌نشینم و گفتگو بدینسان آغاز می‌شود.

س: آقای کاشانی خواهش می‌کنم نام کامل و همچنین سوابق خودتان را در این مدرسه برآیمان بگویید؟

جواب: اسمم حسین کاشانی است و از سال ۱۳۳۱ بعنوان سرپرست طلاب، ناظم، رئیس دفتر و فعلاً با سمت مدیر امور علمی مدرسه و مدرس ادبیات عرب و وفقه در این مدرسه انجام وظیفه می‌کنم.

س: خواهش می‌کنم هدف کلی این مدرسه را برای خوانندگان ما تشریح کنید.

جواب: هدف کلی پرورش عده‌ای است که وارسته و با اطلاع و دانشمند باشند



قسمتی از کاشیکاری دیوارهای اطراف در ورودی

تأبوتوانند با فساد و جهل مبارزه کنند که البته با امکانات بیشتر به موفقیت‌های بیشتری نیز نائل خواهیم آمد. اینان می‌توانند روح آدمیان را از قیود افکار پوسیده و یأس و ناامیدی نجات دهند و بنور خداوند منور گردانند.

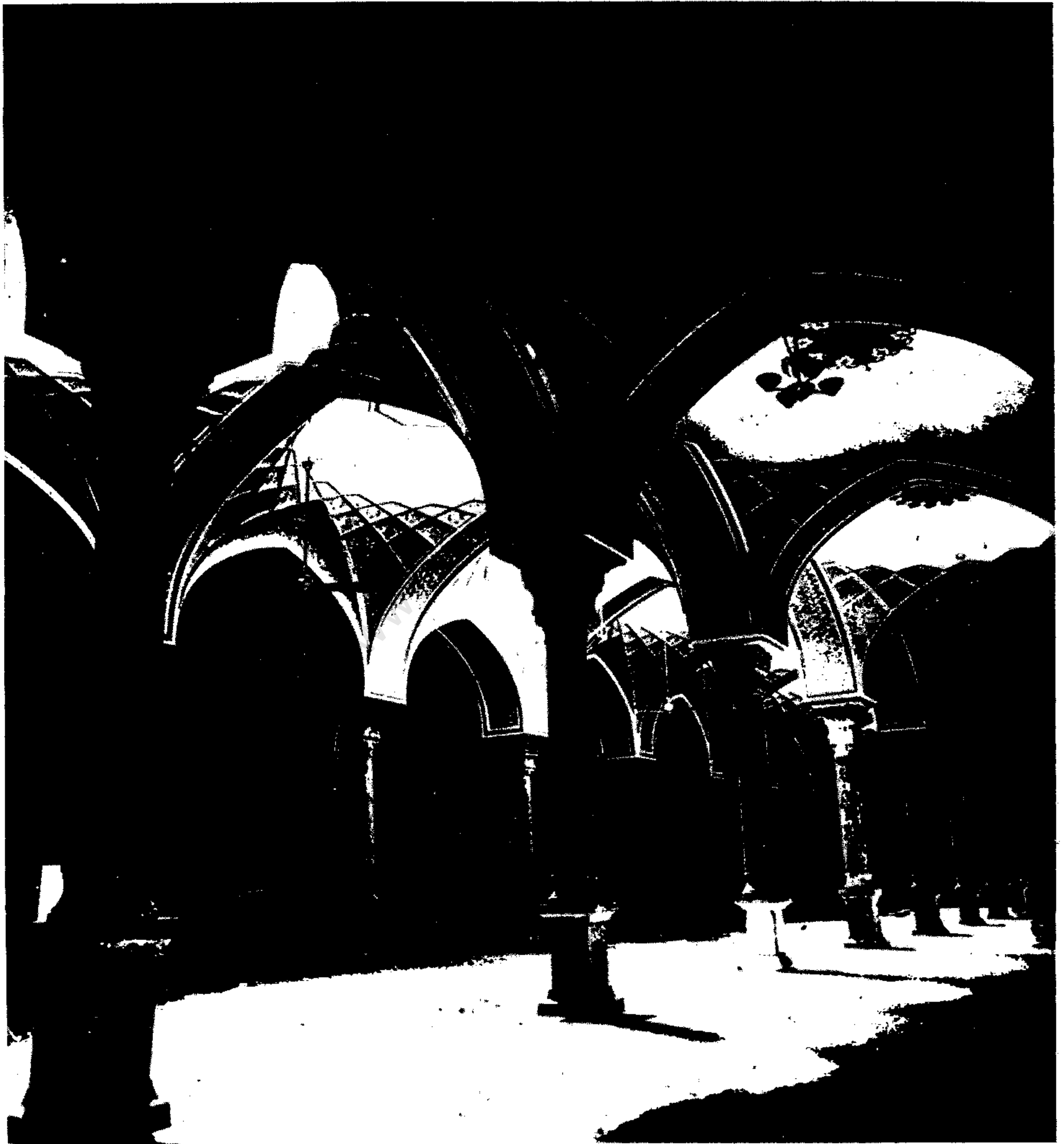
س: بنظر شما طلاب اولین سالهائی که باین مدرسه آمده بودند با طلاب فعلی فرقی داشتند یا خیر؟

جواب: طلاب سالهای حدود ۱۳۳۱ از بعضی جهات برای ما ناراحتی‌هایی فراهم می‌کردند از جمله ناسازگاری با مدرّسین و شب‌دیر بمدرسه آمدن و از این قبیل ولی طلاب فعلی خوب و فوق‌العاده مستعد هستند و تنها هدفشان خوب‌درس خواندن و پیشرفت است.

س: آقای کاشانی شما با سستی که دارید فکر می‌کنم بیشتر با طلاب سروکار داشته

باشید بنظر خودتان طلاب این مدرسه بیشتر بچشم یک مدرس بشما می‌نگرند یا بچشم یک دوست؟

جواب: رفتار ما با طلاب کاملاً دوستانه است. اینطور که شنیده‌ام و حس کرده‌ام طلاب بیشتر با من دوست هستند و بمن بچشم یک دوست نگاه می‌کنند. در گذشته هم که چندتن از طلاب رابذلایلی از مدرسه اخراج کردم شنیدم که گفته بودند او بخاطر صلاح



چهل ستون مسجد سپهسالار

خودمان ما را اخراج کرد .

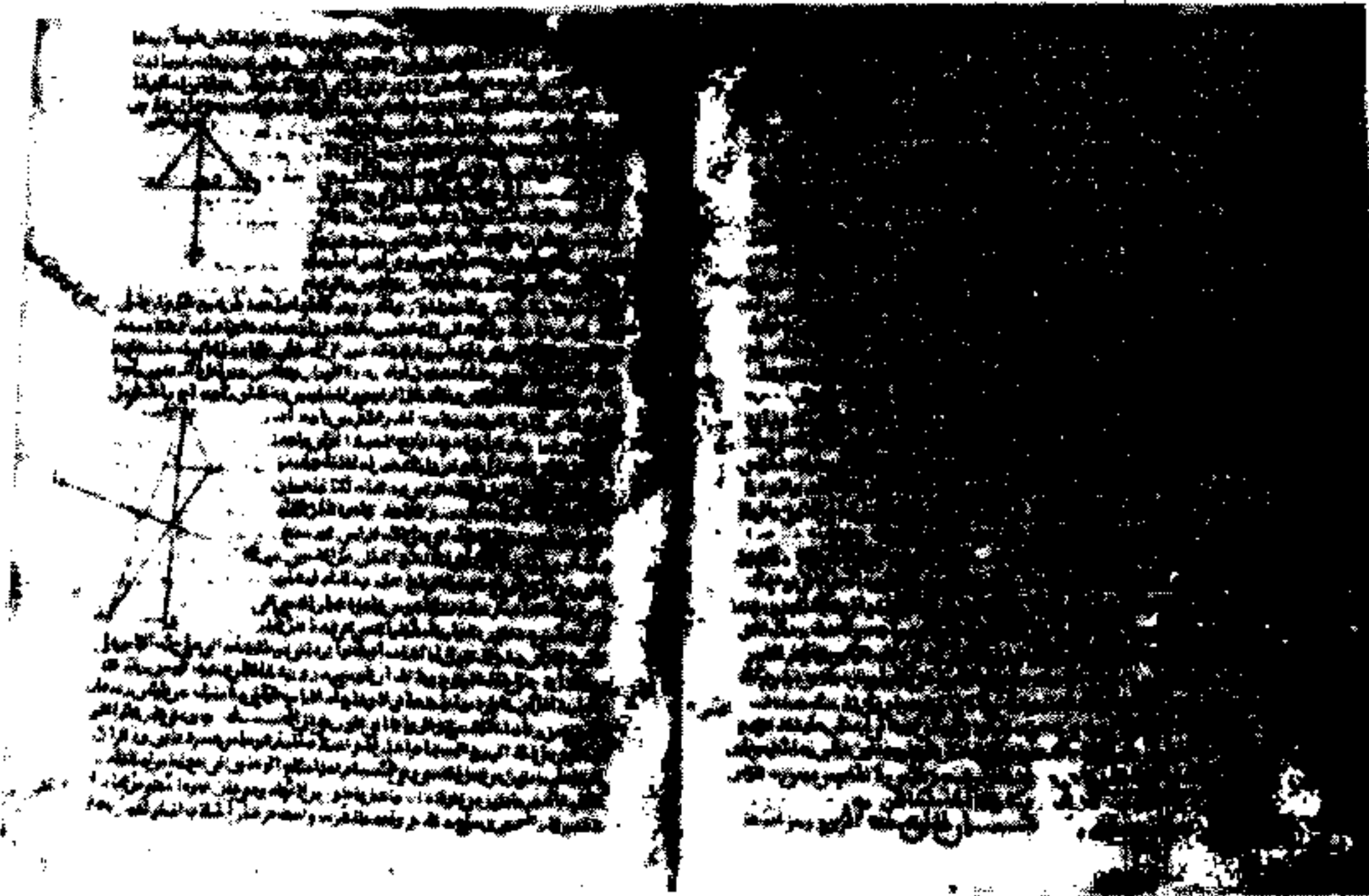
مدرسه ناصریه و مجلس شورای ملی که در کنار یکدیگر واقع شده‌اند هر دو بدست مرحوم حاج میرزا حسینخان سپهسالار قزوینی صدراعظم وقت و بنیان‌گذار بسیاری از رسوم و مقررات جدید کشوری و لشکری در دوره ناصرالدین شاه قاجار بنا گردیدند . مرحوم سپهسالار دو سال پیش از مرگ یعنی در سال ۱۲۹۶ پی‌ریزی و بنیان‌گذاری این دوساختمان عظیم را آغاز کرد و فقط خود تا سال ۱۲۹۷ بر امور ساختمانی این دو بنا نظارت مستقیم داشت .

مرحوم سپهسالار علاقه داشت که این دو بنا سالیان دراز همچنان استوار باشند و از اینرو در صرف مال و کوشش در تهیه وسائل به هیچوجه دریغ نکرد .

هنگام پی‌ریزی ، خود مراقب و ناظر بود و چنانکه مشهور است دستور داد که تمام محوطه زیر بنا را به عمق ۱۷ متر گود کنند و شفته بریزند تا پی‌ریزی محکم باشد .

سپهسالار در سال ۱۲۹۸ در مشهد بیدار دیگر شتافت و از این تاریخ برادرش مرحوم یحیی‌خان مشیرالدوله که او نیز از رجال

دولت وقت بود در تکمیل و اتمام بنا همت گماشت ولی روزگار باو نیز مجال نداد و پس از فوت وی قسمتهائی که ناتمام مانده بود تدریجاً بوسیله نایب‌التولیه‌های وقت انجام پذیرفت که هنوز هم ادامه دارد .



صفحه ای کتاب خطی " مجسطی " تألیف خواجه نصرالدین طوسی
تاریخ تحریر . ۴۸ هجری قمری



از کتاب خطی و مصورینام " مرقع "

محل اداره

خیابان عین الدونه
اداره در طبیم و نشر و تحک و اصلاح
کلیه مقالات و اباح
وارده مختار است
سال بازدهم
آبونه سا با نه طبقه اول ۵۰ ریال
سا برین ۳۰ ریال
سالیانه خارج ۵۰ ریال
قیمت اعلانات
با دفتر اداره است
پنج شنبه ها منتشر میشود



صاحب امتیاز و مسئول

ف.ح. حریری چیان

مدیر و سرپرست

محسن حسینی

حریری چیان و ساعی

عنوان تلگرافی

شمال

شماره چهاردهم

قیمت هفت شاهی

بیاد اشرف دین یزدستو خیال * شام روح عطسه کن از نسیم شمال

« زبان حال بگفتار محصل » بهناسبت افتتاح مدارس « پنجشنبه ۱۵ شهریور »

باز شد از نو دبیرستان ما
ختم شد تعطیل تابستان ما
باز از نو در دبستان مبروم
همچو بلبل سوی بستان مبروم
منزها آمادگی تحصیل شد
چونکه ختم کردنی و تعطیل شد
بود هدایا فصل تابستان گرم
منزها از گرمی چون موم نرم
هر کدامی گوشه ویلان بهم
قلم و تیریش و گمشوران بهم
هر یک از دودی پاران عزیز
دختم هجران به کجدار و مریز
جبه طاقتها ز هجران طاق بود
دبستان را منظم اوقات بود
همکلاسیها ز یکدیگر جدا
زین جدائی فاضلهی شکوها
روژها از گرمی فصل تموز
شب زینش پسته اندر ساز و سوز
مد حل ایام بیکاری گذشت
گردش و تفریح و بیماری گذشت
چشمها روشن ز باران میشود
دل زدهی شاد و شادان میشود
روژدارو نوبت مرمانبری است
چونکه حق از جمله بیکاران ریاست
در دبستان با کمال و با ادب
کوششی سازیم اندر روز و شب
تا که خود همدم به علم و دین کنیم
زین عساکر نام را شیرین کنیم
آدم با علم اندر روزگار
محترم گردد بعد ها افتخار
علم شد سر منزل هستی ما

چهل قد سر منشاء پستی ما
علم عالم را گلستان میکند
شور و مزمار او شکرستان میکند
علم روح بخش جاه است و جلال
از جلال و جاه افزون گشتعال
ما که اکنون نوجوان و نودیم
میوه ابد های زین بسیم
باید از علم و هنر شادان شویم
از قهای جاهلی مریان شویم
جلای با هم ز روی انصاف
کوششی سازیم با دلهای عاف
تا که فلدا از هنر ره غن کنیم
گلشن ایام خود گلشن کنیم
چونکه حل مشکلات علم است علم
رهبر راه نجات علم است علم
عالم نعمت را فراوان می کند
لای خالی را فسنجان می کند (ح.م.)

آفرین

به به عجب رنگین شده صحرای دبستان آفرین
بلبل می چه زنده مانند دبستان آفرین
رفت از دبستان ماه من سوی گلستان آفرین
من دوش بهمان میبشدم در فصر جادان آفرین
نرمک نهادم پای را رفتم بایوان آفرین
میراب قدرت در جمن داده است گلرا آفرین
مطرب تار ارغوان کم کم بزن مضرب خوش
دش به نمود از مرحمت ساقی مرا سیراب خوش
دیدم نگار خوش را بر تخت زد در خواب خوش
در روی بالشی عاضی چون مهر رخشان آفرین
رفتم بخونگاه راز آهسته اک آهسته اک
دیدم نگار دلنواز آهسته اک آهسته اک
خوایده همچون سرد باز آهسته اک آهسته اک
کردم دوا گلستان دراز آهسته اک آهسته اک
برداشتم برقع تار از ماه تابان آفرین

هفته‌نامه‌ای شوخ، شیرین زبان و مردم پسند.

نسیم شمال

زندگی جالب و اشعار نمکین سید اشرف‌الدین الحسینی موفق‌ترین روزنامه‌نویس آغاز مشروطیت.

بسیار اتفاق افتاده که لطیفه یا شعر شیرینی شنیده و تا مدتی آنرا به خاطر داشته‌ایم. تا چه مدت؟ گاهی تایک هفته، گاهی تایک ماه و گاهی تا یکسال. اما گاهی مطلبی می‌شنویم یا می‌خوانیم که در تمام عمر بیاد ما میماند. بسیاری از اشعار اشرف‌الدین الحسینی چنین بود.

سالخوردگانی بودند که تا واپسین دم زندگی بعضی از شعرهای او را بیاد داشتند و بمناسبت‌های مختلف آنها را می‌خواندند. هنوز هم معمرینی هستند که در قید حیات میباشند و اغلب شعرهایی را که در دوره نوجوانی خود در هفته‌نامه نسیم شمال خوانده‌اند از بر دارند. اما نه در تاریخ ادبیات، نه در تاریخ مشروطه و نه در تاریخ روزنامه نگاری متأسفانه اشرف‌الدین مدیر نسیم شمال را بدرستی نشناخته و مقامی را که حقاً در خور این سراینده مبتکر است برایش قائل نگردیده‌اند.

اینکه عرض کردم مبتکر، سخنی به گراف نگفته‌ام زیرا تا قبل از انتشار نسیم شمال اشعار فکاهی، انتقادی و سیاسی جسته گریخته گفته میشد که چندان مقبول طبع مردم نبود اما اشرف‌الدین این رشته را با شیوه‌ای نو و شیرین و بیانی ساده و گیرا دنبال کرد که مورد استقبال عموم واقع شد و مقبولیت روز افزون بهم رساند.

او دردهای مردم را در قالب شعر منتهی بزبان خود مردم یعنی زبانی که برای عامه قابل فهم بود بیان میکرد. او تمام دردها را خواه سیاسی، خواه اجتماعی، خواه مذهبی و غیره تا آنجا که چشمش میدید و قلمش توانائی داشت گوشزد مینمود.

مثلاً روابط مالک و زارع را که در آن زمان تا قبل از انقلاب از دردهای بزرگ اجتماعی ما شمرده میشد مکرر در قالب های گوناگون شرح داده و اظهار تأسف کرد. منجمله در قطعه‌ای که با فرارسیدن ماه رمضان

سروده و دوسه بندش چنین است:

رمضان آمد و در سفره زارع نان نیست
در تن دختر او پیرهن و تنبان نیست
جگری نیست که خونین زغم دهقان نیست
علت آنست که انصاف درین ویران نیست
دختر زارع زحمتکش عریان جوان
زرد گردیده ز گرما و گرفته یرقان

با بزرگ دختر ارباب به گلزار روان
علت آنست که انصاف درین ویران نیست
پسر نورس ملاک به لهو و لعب است
روز و شب مست و ملنگ است و بعیش و
طرب است
پسر زارع بدبخت گرفتار تب است
علت آنست که انصاف درین ویران نیست
یا قطعه ذیل که تحت عنوان گفتگوی

ارباب با قعله رنجبر سروده شده است:
ای قعله تو هم داخل آدم شدی امروز
بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز
در مجلس اعیان بخدا راه نداری
زیرا که زر و سیم به همراه نداری
در سینه پی‌کینه بجزر آه نداری
چون پیر نود ساله چرا خم شدی امروز
بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز
بی‌پول اگر طاق بیاری همه جفت است
چون پول نداری همه جا حرف تو مفت است
مردم همه گویند که این پوست کلفت است
بدبخت چرا گاو مجسم شدی امروز
بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز
ما صاحب طبل و علم و جاه و جلالیم
ما وارث گاو وحشم و مال و منالیم
ما داخل اعیان و بزرگان و رجالیم
با ما تو چرا همسر و همدم شدی امروز
بیچاره چرا میرزا قشمشم شدی امروز
و درین قطعه از گرانی و تلخی نان فریاد

سرداده است:

درین فصل خزان ای شاطر آقا
امان ای شاطر آقا
چرا نان شد گران ای شاطر آقا
امان ای شاطر آقا
سه ساعت میشود در این دکانیم
معطل بهر نانیم
همه پیر و جوان ای شاطر آقا
امان ای شاطر آقا
چرا نان تو چون زقوم تلخ است
مگر دیوان بلخ است؟
بترس از حکمران ای شاطر آقا
امان ای شاطر آقا
از آن نان سیاه و از گونه
خودت بهر نمونه
بفرما امتحان ای شاطر آقا
امان ای شاطر آقا
بزرگان جملگی مست شرابند
میان رختخوابند
رعیت در فغان ای شاطر آقا
امان ای شاطر آقا

در آن روزگار که جمعیت تهران بمراتب کمتر از امروز و میزان سواد و درصد باسوادان نیز پائین‌تر بود از هر شماره نسیم شمال بین دوتا سه هزار نسخه و گاهی بین سه تا چهار هزار نسخه فروش میرفت. وقتی در نظر بگیریم که حتی امروز با وجود اینهمه باسواد هنوز تکفروشی بعضی جراید به آن میزان نمیرسد آنوقت باید تصدیق کنیم که نسیم شمال پرفروش‌ترین و موفق‌ترین هفته

نامه زمان خود بوده است.
بهای هر شماره پنج‌شاهی (یک چهارم ریال) بود که بعد به شش‌شاهی افزایش داده شد. برای هفته‌نامه‌ای که فقط دو ورق یا چهار صفحه به قطع کوچک بود نسبت به ارزش پول در آن زمان و در مقایسه با قیمت سایر نشریات این قیمت گران بود ولی مردم اهمیتی نمی‌دادند و از روی شوق و علاقه آنرا می‌خریدند زیرا نسیم شمال اوضاع روز و دردهای توده مردم را بزبان خود آنها منتهی زبان شعر منعکس می‌ساخت آنهم اشعاری که بشیوه‌ای خوش و آهنگی دلکش بود و دل می‌فریفت.
مانند این قطعه که صورت سؤال و جواب دارد:

توبمیری هیچی

خبر از کار چه داری؟ تو بمیری هیچی
داش حسن ماهمگی مخلص دیرین توایم
روز و شب منتظر صحبت شیرین توایم
همگی عاشق تقریر مضامین توایم
نطق شاکار چه داری؟ تو بمیری هیچی
تازه اخبار چه داری؟ تو بمیری هیچی
خبر تازه چه داری ز سلاطین فرنگ؟
باز رویتر چه خبر داده ز هنگامه جنگ
تلگرافات چه آمد به مضامین قشنگ؟
رمز و اسرار چه داری؟ تو بمیری هیچی
تازه اخبار چه داری؟ تو بمیری هیچی
ما گذشتیم ازین جنگ و جدال و خبرش
ما گذشتیم زایروپلن و شور و شرش
ما گذشتیم ز خمپاره و خوف و خطرش
تنک و تار چه داری؟ تو بمیری هیچی
تازه اخبار چه داری؟ تو بمیری هیچی
پس بیا خربزه خوشمزه با نان بخوریم
گاه با قیمه پلو ماهی بریان بخوریم
گاه با قرمه چلو مرغ و فسنجان بخوریم
پول در کار چه داری؟ تو بمیری هیچی
تازه اخبار چه داری؟ تو بمیری هیچی

این قطعه که دو بندش ذیلاً نقل میشود از زبان خروس گفته شده است. خروسی که مخصوصاً در روستاها سحرگاهان با صدای خود روستائیان را بیدار می‌کند درین قطعه بادهاتی غمخواری مینماید و بحال او افسوس می‌خورد:

میخواند خروسی به شبستان قوقولیقو
میگفت که ای فرقه مستان قوقولیقو
کو بهمن و کو رستم دستان قوقولیقو
آوخ که خزان زد به گلستان قوقولیقو
فریاد ز سرمای زمستان قوقولیقو
خون گریه کند مزرعه بر حال دهاتی
سوزد جگر سنگ به احوال دهاتی
عریان و برهنه همه اطفال دهاتی
ای وای ز بدبختی دهقان دهاتی
فریاد ز سرمای زمستان قوقولیقو
درین جا به نکته‌ای برمیخوریم و آن این است که وقتی نشریه‌ای موفقیت و محبوبیت پیدا می‌کند حتی بیسوادی مردم هم مانع خریداری آن نخواهد شد. بسیاری از

مشتریان نسیم شمال اصلاً سواد نداشتند . ترازودار بیسواد دکان نانوائی يك شماره نسیم شمال میخريد و آنرا تا میگرد و در بغل میگذاشت و مانند اسکناسی از آن محافظت میکرد. بعد از ظهر که ناهار بازار پایان میرسید و دکان نانوائی خلوت میشد با شاطر و خمیرگیر و آتش انداز و سایر کارکنان نانوائی دور يك سفره می نشست و پس از صرف ناهار که معمولاً دیزی آبگوشت بود نسیم شمال را بدست کسی میداد که کوره سوادى داشت و او اشعار آنرا بصداى بلند میخواند و همه گوش میدادند و لذت می بردند .

نظیر همین صحنه در همان ساعت یا یکی دو ساعت بعد در دکان قصابی که چند قدم بالاتر یا پائین تر از نانوائی قرار داشت تکرار میشد. قصاب همینکه یکی از مشتری های باسوادش برای خریدن گوشت می آمد چهار پایه ای را پیش می کشید و يك قاب دستمال هم رویش میمالید و ظاهراً تمیزش میکرد و به او تعارف مینمود که بنشیند . فوراً يك چای هم برایش خبر میکرد و احياناً اگر یارو چپق کش بود يك چپق هم چاق میکرد و بدستش میداد و همینکه او خوب سرکیف می آمد نسیم شمال را از کشوی پیشخوان قصابی در می آورد و جلوی او میگذاشت. او هم زود شستش خبردار میشد که چه وظیفه ای دارد و چون از طرفی بايك چپق و یکی دو استکان چای نمک گیر شده بود و از طرف دیگر می ترسید اگر قصاب ازو دلخور شود گوشت بز و میش باو بدهد حتی اگر کار هم داشت و عجله ای هم داشت بروی خود نمی آورد و نسیم شمال را بر میداشت و برای قصاب باشی که مشتاق و منتظر در کنارش ایستاده و سراپا گوش بود اشعار آنرا بلند میخواند.

دوستاناران نسیم شمال هیچگاه به يك یا دوبار خواندن مطالب آن اکتفا نمی کردند . هر روز هر وقت فرصتی بدست می آمد و یا آدم باسوادى پیدا می شد استفاده از اشعار نسیم شمال حتمی بود. بدین ترتیب اشعار این هفته نامه را بارها میخواندند تا هفته به پایان میرسید و شماره تازه ای از آن منتشر می شد آنوقت شماره کهنه که از کثرت استعمال پراز چین و چروك شده بود مانند یکی از اوراق بهادار در کنار شماره های قبل درجائی محفوظ و مطمئن بایگانی میشد.

بدون شك علت اینکه مردم بسرعت اشعار نسیم شمال را از بر میکردند آن بود که بکرات از روی علاقه و توجه آنها را می خواندند یا برای آنان خوانده میشد و بدقت گوش میدادند .

اشرف الدین قطعات بسیاری دارد که بیش از اندازه مشهور شده است.

بعضی از اشعار فکاهی او بقدری شهرت و محبوبیت یافته که مثل يك تصنيف شیرین

و مردم پسند مدتها رواج داشته است. چه بسیار از اشعار او که مردم از بردارند ولی نمیدانند از کیست ؟ مانند این اشعار که شما حتما مکرر آنرا شنیده اید و شاید نمیدانید که سراینده اش اشرف الدین است :

شوهری دارم که نود سالشه
ریش سفیدش تا پر سالشه
هر جا میره بچش بدبائشه
دو زن داره بازم دلش زن میخواد
خرخر و پف پف میکنه وقت خواب
ترشده ز آب دهنش رخت خواب
آخ که این احمق خانه خراب
دو زن داره بازم دلش زن میخواد
تازه شنیدم که بکوشه کنار
دختر نه ساله شده خواستگار
تا بمسکد از لبش آب انار
دو زن داره بازم دلش زن میخواد
در سر پیری هوش بر سر است
طالب هم خوابگی دلبر است
مایه عمرش نفس دختر است
دوزن داره بازم دلش زن میخواد

سید اشرف الدین اهل قزوین بود . سال ۱۲۸۸ هجری قمری بدنیا آمد. شش ماهه بود که پدرش سید احمد قزوینی درگذشت. بچه یتیم در سایه تربیت مادر بزرگ شد و پس از فرا گرفتن علوم مقدماتی در قزوین برای تکمیل تحصیلات به عراق رفت و مدتی در کربلا و نجف بود. بعد به ایران بازگشت و به سوی آذربایجان روی نهاد. در راه تبریز به خدمت پیری روشن ضمیر رسید و در مجلس او جرعه نوش جام عرفان گردید. از آنجا به گیلان رفت و در رشت درصدد تأسیس هفته نامه ای برآمد و بمناسبت اقامت در شمال نام زیبای «نسیم شمال» را برای آن برگزید.

اشرف الدین خود شرح حال خود را بدین زبان ساده و روان منظوم ساخته است :

بنده در قزوین بدنیا آمدم
چندی از بهر تماشا آمدم
اشرف الدین کرد مادر نام من
ریخت شهد معرفت در کام من
نسبت جسمانی بامصطفی است
نسبت روحانی من با خداست
رفت بایم سوی جنات النعیم
من شدم شش ماهه در قزوین یتیم
در یتیمی خانه ام را شیخ برد
ملك و مال مرا روی غصب خورد
من شدم دیوانه از غوغای فقر
در بدر گشتم ز استیلاي فقر
در جوانی با هزاران ابتلا
رفتم از قزوین به سوی کربلا
مدتی در کربلا و در نجف
معتكف بودم به صد وجد و شغف
بر سرم زد باز شور ملك جم
آمدم از کربلا سوی عجم
باز از قزوین به چشم اشکبار

جانب تبریز گشتم رهسپار
در ره تبریز با سوز و تعب
خدمت پیری رسیدم نیمشب
آن قلندر چون مرا دیوانه دید
مست از جام می جانانه دید
کرد تعلیم همه اسرار حق
گشت روشن روحم از انوار حق
پس از آنجا سوی گیلان آمدم
مست از صهبای عرفان آمدم
در هزار و سیصد و بیست و چهار
چونکه شدم مشروطه این شهر و دیار

کردم ایجاد این نسیم نغز را
عطر پاشیدم ز بویش مغز را

او مدت کوتاهی هفته نامه نسیم شمال را در رشت منتشر ساخت و بعد هنگامیکه فتح الله خان اکبر ، سردار منصور، به تهران آمد او نیز همراه وی به تهران نقل مکان نمود و مجدداً نسیم شمال را در پایتخت انتشار داد. سردار منصور در تهران چندی در هیأت دولت سمت وزارت داشت و پس از استعفای مشیرالدوله که در تاریخ پنجم آبانماه ۱۲۹۹ صورت گرفت به نخست وزیری رسید. او آخرین نخست وزیر قبل از کودتاست.

سردار منصور نیز شاید مانند سایر مردم از شیرینی و گیرائی بیان اشرف الدین خوشش میآمده و از هنگامیکه در رشت بوده به او علاقمند شده و از وی حمایت میکرده و این حمایت خود را در تهران نیز ادامه داده باشد. اما اشرف الدین بطور کلی روحاً مرد آزاده ای بود و سایه حمایت اشخاص روی سرش سنگینی مینمود. نمیتوانست بار منت کسی را تحمل کند. مناعت طبع داشت. بعلت شهرتی که بهم زده بود عده ای دوستش داشتند و می خواستند باوی معاشرت نمایند . عده ای هم او را دشمن خود می پنداشتند و شاید برای اینکه از نیش قلمش در امان بمانند میل داشتند که به اصطلاح با پول و پلو او را بخرند ولی او کسی نبود که زیر بار این حرف ها برود. رام دشمنان خود نمی شد و دعوت دوستان را نیز به ندرت می پذیرفت.

نسیم شمال در تهران نیز محبوبیتی را که در گیلان داشت بدست آورد. بعلت اینکه هم زبان و همدرد توده مردم و غمخوار بیچارگان بود بزودی از استقبال عمومی برخوردار گردید و به اوج شهرت و محبوبیت رسید. مشتریان پروپا قرص و عاشقان ثابت قدمی پیدا کرد. او که از میزان محبوبیت خود بخوبی آگاه شده بود حق داشت که این موضوع را از زبان هواخواهان خود بدین نحو بیان کند :

نه طلا خواهم و نه لعل و نه نسیم
عاشقم بر ادبیات نسیم
تشنه گامم به زلال قلمت
سلسبیل است روان از رقمت
آفرین بر قلم محترمت

صاحب امتیاز و مسئول

ح- حریر چیان

مدیر و سردبیر

محسن الحسینی

حریر چیان (ساعی)

عنوان تلگرافی

نسیم شمال

شماره چهارم



محل اداره

خیابان عین الدوا

اداره در طبعم و نشر و حک و اصلاح

کلیه مقالات و اوابج

وارد مطبوعه است

آبونمان سالانه ۳۰ ریال

شرا و محصلین ۲۰ ریال

سالانه خارجه ۴۰ ریال

قیمت اعلانات

با دفتر اداره است

پنج شنبه ها منتشر میشود

قیمت هشت شاهی

بیاد اشرف دین سید ستوده خصال مشام روح معطر کن از نسیم شمال

اسلام عالم گیر شد

قوت و رونق دین مبین اسلام در دنیا

اسلام در ژاپون



بزرگترین فیلسوف انگلیسی (مستروایت)

بشراف دین مقدس اسلام فائل و بوسیله او

شخصد نفر دیگر هم مسلمان شده اند

جریده (الجامعة العربیه) منطبعة مصر اطلاع میدهد که ژاپون فابل واستقبال بدیات حقه اسلام نموده و ضمنا خبر می دهد که ۲۰ هزار نفر تا کنون از ژاپونیا بدن اسلام وارد بملاوه اظهار میدلرد تبلیغات نصرانیت در ژاپن بنا کامی مشاهده می شود و ملت بیدار ژاپن ترجمه قرآن کریم را بزبان ژاپونی انتظار میبرند و (میکادو) نیز دین مقدس اسلام را که از ادیان مقدسه است در ژاپن بنظر خوبی مینگرد

خبر بعد از همان روزنامه ماکی است که قرآن مجید را در ژاپن بزبان ژاپونی ترجمه گردیده است .

به به ، پاینده باد اسلام
زنده باد دین مبین حقه اسلام

(اسلام)

- چورخشنده - خورشید اسلام شد
- فروزنده گردید شام سیاه
- دل خلق را جمله آرام داد
- حقیقت به دنیا نمایان نمود
- چه خوش گفت آن شاعر خوش کلام
- تمدن جز اسلام مقصود نیست
- بشر جاه یابد ز احکام وی
- به کشتی طوفان تن شد چونوح
- شد اسلام سرمایه افتخار
- جهان روشن و تازه ایام شد
- از آن نور تابنده شد قرص ماه
- نجاتش ز سختی و آلام داد
- هر آن حکم حق بود حق آن نمود
- شد اسلام بر دین و دنیا قوام
- تجدد جز مو قابل سود نیست
- فروزان شود شامش از نام وی
- از آن رو دهد برتن مره روح
- از او افتخار جهان پایدار

وفا و سخا صلح و جاه و مقام

در اسلام هر پنج شد و السلام محسن حریر چیان (ساعی)

که بود حامی اطفال یتیم
عاشقم بر ادبیات نسیم
یاور ییوه زنانی به قلم
حامی رنجبرانی به قلم
خلق را روح روانی به قلم
قلمت شاخه جنات نعیم
عاشقم بر ادبیات نسیم
گرچه تهران همه عیش است
وصفاست
جایگاه و کلا و وزراست
لیک فریاد تو بهر فقر است
حامیت باد خداوند کریم
عاشقم بر ادبیات نسیم

یکی از ویژگیهای اودر سخنرانی این بود که مصرعهای مشهور یا عبارات و اصطلاحات رایج و فولکلوریک را بعنوان بند برگردان در مخمس یا مسمط بکار می گرفت. مانند این قطعه:

شبى در خواب دیدم محرمانه
عروس تازه آوردم به خانه
بریدم رخت دامادی شبانه
چنین میگفت رقص زنانه:
شتر در خواب بیند پنبه دانه
گداها را همه مسرور دیدم
شکمها را همه معمور دیدم
به فصل عید جشن و سور دیدم
زدم فی الفور طبل شادمانه
شتر در خواب بیند پنبه دانه
همیشه تشنه نهر آب بیند
گر سینه نان سنگک خواب بیند
برهنه خرقه سنجاب بیند
مقصر خواب بیند تازیانه
شتر در خواب بیند پنبه دانه
گهی لفاف خورد گه دانه دانه

شعر «رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز - تا داد خود از کهنتر و مهتر بستانی» از عبید زاکانی است، اگرچه شادروان دهخدا در امثال و حکم نوشته: «این شعر در نسخه خطی دیوان انوری نیز دیده شده.» اما شاید کسی که بیشتر باعث شهرت این شعر شد اشرف الدین بود که آنرا در قطعه ذیل تضمن نمود:

خواهی که شود بخت تو فرخنده و فیروز؟
خواهی که شود عید سعیدت همه نوروز؟
خواهی که شود طالع تو شمع شب افروز؟
خواهی که رسد خلعت و انعام به هر روز؟
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز
صد سال اگر درس بخوانی همه هیچ است
در مدرسه يك عمر بهمانی همه هیچ است
خود را به حقیقت برسانی همه هیچ است
جز مسخرگی هرچه بدانی همه هیچ است
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز
خواهی تو اگر در همه جا راه دهندت
ترفیع و مقام و لقب و جاه دهندت
زیبا صنی خوب تر از ماه دهندت

خواهی که زر و سیم شبانگاه دهندت
رو مسخرگی پیشه کن و مطربی آموز
البته شاید امروز این اشعار بنظر شما
آنقدرها جالب نیاید ولی بخاطر داشته باشید
که اولاً مردم امروز سطح فکرشان با مردم
پنجاه شصت سال قبل تفاوت زیاد دارد و
ثانیاً از زمان اشرف الدین تاکنون بقدری
سبك فکاهی سرائی او را تقلید کرده اند و
بقدری شما از این قبیل اشعار شنیده اید که
دیگر برایتان تازگی ندارد. اما در آن روزگار
برای همه تازگی داشت.

از علل محبوبیت اشرف الدین یکی دینداری
او بود. گذشته از اینکه با عبا و عمامه راه
میرفت و لباس دین در برداشت، در اغلب
اوقات نیز از دین طرفداری میکرد و به اشعار
خود رنگ مذهبی میداد. اصطلاحات مذهبی
را بنحوی که در میان عامه مردم رواج داشت
در شعر بکار میبرد و هر نکته دینی را همان
طور که مردم عقیده داشتند بیان میکرد.
مثلاً پس از زوال عمر و دولت نیکلای دوم
تزار روسیه که بتوپ بستن آرامگاه حضرت
رضا علیه السلام در زمان وی صورت گرفته
بود این قطعه را سروده است:

دیشب به سرم باز هوای دگر افتاد
در خواب مراسوی خراسان گذر افتاد
چشمم به ضریح شه والا گهر افتاد
این شعر همان لحظه مرا در نظر افتاد
با آل علی هر که در افتاد و رافتاد
این قبر غریب الغر با خسرو طوس است
این قبر مغیث الضعفاء شمس شمس است
خاک در او مرجع ارواح نفوس است
باید زره صدق به این خاک در افتاد
با آل علی هر که در افتاد و رافتاد
اولاد علی شافع یوم عرصا تند
دارای مقامات رفیع الدرجا تند
در روز قیامت همه اسباب نیجا تند
ای وای بر آنکس که بدین دود در افتاد
با آل علی هر که در افتاد و رافتاد
هر کس که به این سلسله پاك جفا کرد
بد کرد، نفهمیده غلط کرد و خطا کرد
دیدنی که یزید از ستم و کینه چها کرد؟
آخر بدرگ رفت و به جانش شر افتاد؟
با آل علی هر که در افتاد و رافتاد

این چند بیت نیز از يك مستزاد در
تجلیل میلاد مسعود حضرت حجت برگزیده
شده است:

آمد بزمین حجت حق رحمت رحمان
در نیمه شعبان
پر نور شد از عارض وی عالم امکان
در نیمه شعبان
گردید عیان حجت حق مهدی موعود
با طالع مسعود
شد سامره خلوتگه خورشید درخشان
در نیمه شعبان
ای حجت حق، آیت و احکام غریب است
اسلام غریب است
باز آکه شد از ظلم جهان یکسر ویران

در نیمه شعبان
وقت است که از پرده غیبت بدر آئی
قدرت بنمائی
امروز توئی حافظ يك مشت مسلمان
در نیمه شعبان

مدیر نسیم شمال مردی گشاده رو،
خوش برخورد و فروتن بود. کمتر کسی
بود که با او همصحبت شود و از او خوشش
نیاید و ملاقات با او را خاطره خوشی بشمارد.
او باینکه آزادانه هر جا عیب می دید انگشت
رویش می گذاشت و هر جا احساس درد می کرد
فریاد بر می آورد معذالك کسی نبود که با
زخم زبان خود اشخاص را به ستوه آورد
و از این جهت روزنامه نویسی بی آزار بود
حرفهایش از شوخی های نرم و طعنه های
خفیف و پوزخندهای ملایم تجاوز نمی کرد.
نیش های او فقط تاحدی بود که طرف را
بیدار کند نه اینکه به کین توزی و انتقام
برانگیزد.

در قطعه ای بدبختی های آن روزگار را
شرح داده ولی به کنایه فقط قضا و قدر را
مسئول آنها دانسته است:

این سرنوشت ما را
دست قضا نوشته
بر دیگران عروسی
بر ما عزا نوشته
ما جای علم و ادراک
ترباك و بنگ داریم
از حقه های وافور
توپ و تفنگ داریم
از لوله های ترباك
بر كف فشنگ داریم
هر روز در جراید
اخبار جنگ داریم
این سرنوشت ما را
دست قضا نوشته

درین جا طعنه های خود را در لفافه پند
و اندرز پیچیده است:

صبر کن، آرام جانم، صبر کن
بعد ازین تهران گلستان می شود
در دکانها نان فراوان می شود
گوشت های شیشك ارزان می شود
مشکلات از صبر آسان می شود
صبر کن، آرام جانم، صبر کن
غم مخور سال دگر نان می خوری
میوه شیرین به شمران می خوری
گوسفند و مرغ بریان می خوری
در سر سفره فسنگان می خوری
صبر کن، آرام جانم، صبر کن

هنگامیکه قانونی مبنی بر منع گدائی و
معرکه گیری گذشته بود، او که میدانست
اینگونه ممنوعیت ها عملاً اجرا نخواهد شد،
اینطور به آن پوزخند زد:

ای وای که در شهر گدائی قدغن شد
ولگردی و انگشت نمائی قدغن شد
برو لبشه تو بگذار
در عدلیه قانون مجازات نوشتند

صاحب امتیاز و مسئول

د.ح. حریریان

مدیر و سرپرست

مخبرین

حریریان، ساعی

عنوان نشراتی

«نسیم شمال»

شماره نوزدهم

قیمت هفت ماهی

محل اداره

خیابان عین الدوله

اداره در طبقه و نشر و حک و اصلاح

کلیه مقالات و نواص

وارده مطر است

سال یازدهم

آبونه ما یا منطقه اول ۵۰ ریال

سایرین ۳۰۰ ریال

سالانه خارج ۵۰۰ ریال

قیمت اعلانات

با دفتر اداره است

پنج شنبه ها منتشر میشود



بیاد اشراف دین نیکو خصال * شام روح سلسله کن از نسیم شمال

در جشن هزارمین سال



آقای جلیل صلی پهلادی

که آن برای حضور در

کنگره فردوسی قبول زحمت نموده اند

بر مردی است مصر و زنده دل و با

نشاط و هوشمند که بر بان فارسی

عربی و کردی و ترکی آثار گرانمایی

داود که در تمام ممالک عرب و عجم

اورا معروف و سرشناس کرده است

این بر مرد جوان فکر که شیخ

الشرای این عصر شمرده میشود در

اولین جلسه کنگره اجازه گرفتند که مقدمه خود

را در مقدمه کنگره قبل از شروع به

نطق های رسمی که با ترتیب حروف

تبعی شروع میشود بفرمایند.

این پیشنهاد که از طرف آقای تقدیر

تقدیم شده بود بایک حرارت فوق

العاده بین کف زدن های متد حضار

تأقی و آقای زهادی در پشت میز خطابه

رفت و با آهنگ رسا و مؤثری اشعار

ذیل را اشعار نموده که در فاصله هر

مصرع چندین دقیقه حضار برای ایشان

کف زده و شایان گفتند. الحقی اشعار آقای زهادی نیز این لیاقت و شایستگی را داشت که با این همه نخستین و

کف زدن تأقی شود زیرا حادی یک سلسله نطق مهم ادبی بود که زبان بکثر شاعر فرسوده ولی بر حرارت

گفته شده و در یک مملکتی بیکانه با حضور نمایندگان تمام زاده های بشر که بنام مقدس فردوسی گرد هم جمع

شده اند گفت و خوانده شده است

اینک عین اشعار را برای احتضار خوانندگان محترم ذیلا درج مینمایم:

پس از عرض حرمت پیامی برید
چنان از نظر دور آن جان پاک
بجز ریزه استخوانی از او
چه شوری است بهرت بروی زمین
که نو در دل یک جهان زنده ای
بیزود از آن قدر شهنشاه است
بر ای تهای تو جمع آمده

فردوسی از من سلامی برید
لای شاعر خسته در زیر خاک
امانده بگوش نشانی از او
سرا از خاک مردار وانگه بین
مکومرده ام گرچه نومرده ای
فرو ریخت امجاز از خامه ات
چانی بر ای تو جمع آمده

چو فردوسی آن شاعر نامدار • ندیده دگر دیده روزگار

برنده مسابقه دوچرخه سواری



آقای محمدعلی خن معرج محصل دبیرستان قدیم کسوار دوچرخه سواری راوی آقای ایزدینا معلم محترم ورزش ابستانه در مسابقه دوچرخه سواری در مجمع ورزش خیام مابین ۳۶ نفر از چهار راه جهان نما تا ایستگاه دربند و بالعکس در روز جمعه ۶ مهر ۱۳۱۳ در عرض یک ساعت و ۱۰ دقیقه و ۷ ثانیه (۳۵ کیلومتر راه راطی کرده و درجه اول را در بین اقران حائز گردیده اند و جایزه از طرف مجمع ورزش خیام بشارت الیه که عبارت از کمدان قره بود داده گردید و ۳ نفر دیگر که تا درجه چهارم از اول بودند هر کدام یاخذ مدالی مفتخر و اسامی آنها به قرار ذیل است :

(۲) رجب علی خان جودیان مدال

(۳) گوزی لوف مدال

(۴) حبیب الله کبای مدال

شخص پادشاه یا شمشیر بشیر حله میکرد و پلنگ را بوسیله تیر صید مینمود و در این مدت برای اوساز مخصوصی مینواختند

اعراب در زمان پادشاهان اسلام ورزش بدنی را از ضروریات و عوامل مؤثره در صحت بدن دانسته و با حفظ الصحه طی طریق مینمودید

میکشند منافع ورزش بدنی معلوم و محقق است زیرا ایزد متعال اخلاط متغایره ای در بدن انسان خلقت فرموده که مواد آن اغذیه مختلفه است هرگاه انسان ب ورزش ادامه دهد آن اخلاط هر يك از منطی خارج شده و بدن با سلامت زیست مینماید و هرگاه فوق العاده استراحت نموده و زیاد در يك جا سکونت نماید آن اخلاط در بدن ثابت مانده و موجب امراض مختلفه خواهد گردید

اعراب ورزش را باقسام مختلفه قرار داده بودند که هر قسمی از ممد يك قسمت از عضلات بدنی بود خلفاء اسلامی اهتمام بسیاری باین ورزش

(ورزش)

عقل سالم در بدن سالم است

رعادت اگر خواهی و نندوستی
تن خوبش باید ب ورزش گداری
میان را ب ورزش اگر تنگ بستی
دل دشمنان را ب ورزش دراری
و گر کاهلی پیشه گردی و هستی
اگر کوهری هیچ ادزش نداری

شاهزاده افسر

این نکته از واضحات است که ساکنین ممالك اروپا تمدن مادی را در قرن اخیر بمافوق تصور رسانیده

عامل و مؤثر عمده در جلو افتادن آنها چیست شبهه ای نیست که سبب عمده و علت اصلی سبقت در تمدن عالم هم چه قدیم و چه جدید واسطه اختلاف ممالك تفاوت میکند زیرا مری هر ملتی همان آب و خاکی است که آن ملت در آن نشود نما مینماید و بقدر لیاقت دارای عقل میگردد پس مری تمام ترفیات در میدان مسابقه زندگانی بسوی عقل هم یافت نمیشود مگر در بدن سالم و سلامت بدن هم منحصر بوسائلی است که موجب نشاط گردیده و بدن را نو می دهد و بهترین وسیله برای صحت بدن ورزش بدنی است ما هم حتی الامکان در اطراف صحت و ورزش بدن تحقیقات علمی نموده شاید هم نکته ای را ناگفته نگذاشته باشیم اما در موقع عمل بقدر گفتار حاضر نیستیم بکس هرچه از سیاحان اروپا ملاحظه نموده بادر جراید و زمانهای آنجا دیده ایم منتها درجه کوشش را در امر ورزش نموده و برای این کار آلات جدیدی ای اختراع نموده اند و بجهت اینکه بامر ورزش ممارست داشته باشند هر کس در خانه شخصی خود بوسیله این کار را برای اطفال کوچک تهیه نموده تاچه رسد بدختران و پسران جوان

ما معتقدیم که شیوع امر ورزش در هر ملتی بهترین دلیل زنده بودن آن ملت است زیرا روح افسرده کمتر در صدد این گونه اعمال است

در قدیم هر ملتی که یا بدائرة تمدن میگذاشت بامر ورزش مشغول میگشت منتها هر يك اسلوب خاصی برای خود تهیه میکردند

مثلا یونانیها (ژیمناستیک) برای خود اتخاذ نمودند که از اقسام آن دویدن و پرش و کشتی و اسب دوانی و جنگ بود

هیچ حکمی پسندیده ملت یونان نمود مگر این که ژیمناستیک را کاملا بدانید

زرمینا بمسابقه با اسب وفیل و کشتی گرفتن با شیرها و ورزش مینمودند

اما ایرانیان قدیم بسیاری مایل و بشکار آهوه کور علاقه داشتند پادشاهان ساسانی بر دیوار قصرهای خود صورت شکارهایی که مینمودند از قبیل بز گومی خوک و کاهیش را مرسم و شیر و پلنگ و گوردا زنده تا وقتی که بشکار صحرایی نمیرسیدند آنها را شکار نمایند

از بهر و لنگار مکافات نوشتند
ما را همه مستوجب آفات نوشتند
آن گردش و آن کامروائی قدغن شد
برو لبشه تو بگذار
باید کسی آواز به بازار نخواند
در راهگذر آدم بیکار نماند
شاعر سخن هجو به مردم نپرانند
فحاشی و بیهوده سرائی قدغن شد
برو لبشه تو بگذار
افسوسگری و مار گرفتن شده ممنوع
و آن عقرب جرار گرفتن شده ممنوع
در معرکه دینار گرفتن شده ممنوع
آن همه و هرزه درائی قدغن شد
برو لبشه تو بگذار
نقال که در معرکه درگفت و شنید است
حرفش همه از رستم و از دیوسفید است
بیچاره مگریخبر از حکم جدید است؟
نقالی و افسانه سرائی قدغن شد
برو لبشه تو بگذار

درین قطعه و عده‌هایی را که وفا نخواهد
شد مورد تمسخر قرار داده است:

گریه مکن عزیز من
موسم نو بهار میاد
بلبل مست نغمه زن
بر سر شاخسار میاد
غله ز «خوار» میرسد
گندم شهریار میاد
بزك نمیر بهار میاد
خر بزه با خیار میاد
دختر ك عزیز من
از غم نان بسر مزون
طفلك با تمیز من
شعله به خشك و تر مزون
طوطی اشکریز من
بر دل من شرر مزون
سال دگر برای تو
شوهر غمگسار میاد
بزك نمیر بهار میاد
خر بزه با خیار میاد
سال دگر بخوشدایی
نان و پنیر میخوری
گوشت کباب میکنی
دیزی سیر میخوری
روغن زرد میخوری
شربت و شیر میخوری
بر در خانه ات همی
خر بزه بار بار میاد
بزك نمیر بهار میاد
خر بزه با خیار میاد

بعضی از اشعار او با وجود ظاهر فکاهی
باطنی غم‌انگیز دارد و گاهی جنبه غم‌انگیزی
آن چنان قوی و چنان تلخ است که شوخی
و شیرینی آنرا تحت الشعاع قرار می‌دهد.
مانند این قطعه که راجع به فوت يك دختر

فقیر از سرما ساخته است:

آخ عجب سرماست امشب ای ننه
تو نگفتی میکنم امشب علو؟
تو نگفتی میخوریم امشب پلو؟
نه پلو داریم امشب نه چلو
سخت افتادیم اندر منگنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
اغیا مرغ و مسما میخورند
با غذا کنیاك و شامپا میخورند
منزل ما جمله سرما میخورند
خانه ما بدتر است از گردنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
میخورد هر شب جناب مستطاب
ماهی و قرقاول و جوجه کباب
ما برای نان جو در انقلاب
وای اگر ممتد شود این دامنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
تخم مرغ و روغن و چوب سفید
با پیاز و نان گر امشب میرسید
مینمودم اشکنه امشب ترید
حیف ممکن نیست پول اشکنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
نیست اصلاً فکر اطفال فقیر
نه وکیل و نه وزیر و نه امیر
ای خدا داد فقیران را بگیر
سیر را نبود خبر از گرسنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
ما ز سرمای زمستان بیقرار
لخت و عریان مات و مبهوت و فکر
اغیا در رختخواب ز رنگار
خفته با جباه و جلا و طنطنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
خانجایی آمد جلو با پیچ و تاب
داشت اندر دست خود يك کاسه آب
گفت: ای دختر باین حال خراب
آب خالی میخوری؟ گفتا که نه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
ما کجا و نعمت الوان کجا؟
صحبت خان و بك و اعیان کجا
دختر آخر ما کجا و نان کجا
عکس نان را بنگر اندر آینه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه
شاباجی وقتی رسید از گرد راه
با زغال و خاکه و حال تپاه
يك نگاهي کرد با افغان و آه
دید یخ کرده ز سرما مومنه
آخ عجب سرماست امشب ای ننه

گاهی بخود هشدار میداد و عاقبت تند
روی را بخاطر می‌آورد اما ضمن همان
ترمزی که ظاهراً میخواست جلوی تندروی
های خود بگذارد حرف‌های خود را میزد:
آهای نسیم شمال اینقدر مکش فریاد
ترا چه کار به شیراز و بصره و بغداد
برای حفظ لسان خوب گفت آن استاد
پسای شمع شنیدم ز قیچی پولاد
زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد
ترا چه کار که سنگ سیاه یا تلخ است

تو را چکار که امروز غره یاسلخ است
همان حکایت دیوان قاضی بلخ است
گناه کردن علاف و کشتن حداد
زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد
ترا که گفت که بر خلق ترجمان باشی؟
بفکر شیعه درین آخر الزمان باشی؟
همیشه حامی زنها و دختران باشی؟
بروزنامه نمائی به دختران امداد؟
زبان سرخ سر سبز می‌دهد بر باد
و در يك جا خود را چنین نصیحت کرده
است:

جائیکه همه دزدند تو دزد چپوگر باش
بزیمیکه همه مستند تو مست و مخمر باش
شهریکه همه کورند تو کور شو و کرباش
دیدي که همه لالند؟ تو لال ز صحبت شو
خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو
اما مشهورترین قطعه‌ای که درخصوص
دست بعضا راه رفتن سروده قطعه ذیل است.
این قطعه بقدری شهرت یافت که بعدها جمله
«آهسته برو آهسته بیا که گربه ساخت نزنه»
مخصوصاً در روزنامه نگاری اصطلاحی شد
که برای برحذر داشتن از تندروی بکار
میرفت:

آهای آهای نسیم شمال مثال شیر ارزنه
گاه زنی به میسره گاه زنی به میمنه
ز لرزه‌ها فکنده‌ای به کوه و دشت و دامنه
آهسته برو آهسته بیا که گربه ساخت نزنه
نسیم شمال خودت و بیا اینجارو تهر و نوش میغن
اینجا که مانشته ایم دروازه شمر و نوش میغن
ز شهر رشت دم‌مزن اونجا رو گیلونش میغن
هیچ نمی‌ترسی مگر ز دزدهای گردنه؟
آهسته برو آهسته بیا که گربه ساخت نزنه
مطالب نسیم را تمام تفسیر میکنم
منکر غول و جن مشو و گرنه تکفیر میکنم
یقین بدان که شیر را ز ترس زنجیر میکنم
برو بکنج مدرسه بخور تو نان و اشکنه
آهسته برو آهسته بیا که گربه ساخت نزنه

درآمد نسیم شمال فقط از راه تکفروشی
بود. اشرف‌الدین اشتراك نمی‌پذیرفت زیرا
اصولاً تشکیلاتی برای این کار نداشت. او
نه اداره‌ای ترتیب داده بود، نه میز، نه دفتر و
نه دسته پادداشت و کاغذهای مارکدار داشت.
حتی اشعار خود را روی کاغذهای باطله می
نوشت. هر جا که تکه کاغذی می‌دید آنرا
بر میداشت و چین و چروك‌هایش را با دست
صاف میکرد و مورد استفاده قرار می‌داد و
هر هفته اشعار و مطالبی را که روی همین
قبیل کاغذها نوشته بود به چاپخانه‌ای میداد
که نزدیک سبزه میدان قرار داشت بنام
«مطبعة کلیمیان» که تمام وسائل حروفچینی
و ماشین چاپ آن در دو باب دکان کوچک
که بیکدیگر راه داشت جا گرفته بود.

مطالب با حروف فرسوده‌ای چیده می‌شد
و اشرف‌الدین پشت میزی که در گوشه همین
چاپخانه کوچک بود می‌نشست و نمونه آنها
را غلط‌گیری میکرد و دستور صفحه‌بندی
میداد. مطالب پس از تصحیح در چهار صفحه

کوچک (به قطع ربعی) صفحه بندی میشد. صفحات آن معمولاً دو ستونی بود که هر ستون قریب ده سائیمتر پهنا داشت. وقتی که نسیم شمال چاپ و برای انتشار آماده میشد اشرفالدین خودش کار توزیع را نیز انجام میداد. نسخه‌های نسیم شمال را خودش می‌شمرد. به هر روزنامه فروشی که برای فروش نسیم شمال آمده بود هرچند نسخه که لازم داشت می‌شمرد و تحویل میداد. برخی ازین روزنامه فروش‌ها درفروختن نسیم شمال خبرگی خاصی پیدا کرده بودند. همینکه مقداری از آنها را برای فروش تحویل می‌گرفتند یا کوره سوادى که داشتند شعر صفحه اول آنرا که معمولاً از سایر اشعارش جالب‌تر بود می‌خواندند و یکی دو بیت گیرای آنرا از بر میکردند سپس در خیابان‌ها راه می‌افتادند و آن دو بیت را بالحن مخصوص به صدای بلند می‌خواندند و نسخه‌های نسیم شمال را بفروش میرساندند. بدین ترتیب خود روزنامه فروش‌ها نیز از عواملی بودند که باعث شهرت اشعار نسیم شمال می‌شدند.

روزنامه فروشهایی که با اشرفالدین سرو کار داشتند نه ضامنی معرفی کرده، نه وثیقه‌ای سپرده و نه تعهد کتبی داده بودند ولی از بس به اشرفالدین علاقه داشتند هیچگاه درصدد برنمی‌آمدند که برایش حساب سازی کنند و طلب او را بالا بکشند. هر مقدار نسیم شمال که صبح میگرفتند تا غروب بفروش میرساندند و غروب پس از برداشت حق‌الزحمه خود بقیه پول را به اشرفالدین تحویل میدادند.

روابط اشرفالدین الحسینی مدیر نسیم شمال با روزنامه فروش‌ها چنان صمیمانه و راست حسینی بود که حساب روزنامه تحویلی به آنها را نگاه نمی‌داشت و مقدار روزنامه‌ای که به هر کدامشان داده بود در هیچ جا ثبت نمی‌کرد. اطمینان داشت که آنها باصطلاح کلاه سرش نخواهند گذاشت. حتی اگر هنگام شمارش و تحویل نسیم شمال اشتباه میکرد و یکی از آنها مثلاً دو نسخه اضافه میداد، او غروب که برای تصفیه حساب می‌آمد می‌گفت: «امروز بجای پنجاه شماره یمن پنجاه و دو شماره داده بودی» و پول آن دو شماره اضافی را نیز حساب می‌کرد. همینطور اگر کسی می‌گفت: «امروز يك شماره بمن کم دادی.» اشرفالدین حرفش را قبول می‌کرد. می‌دانست که راست می‌گوید. اما او که همیشه شاد و خندان بود در پایان عمر سرگذشت غم‌انگیزی پیدا کرد. دچار اختلال مشاعر شد و بالاخره کار به جائی کشید که او را بعنوان بیمار روحی به تیمارستان فرستادند و در همان جا بود تا سال ۱۳۱۳ شمسی که جهان را بدرود

گفت.

اشرفالدین مردی مشروطه طلب و آزادیخواه بود. به مجاهدان راه مشروطیت پیوسته بود و دوره‌های نسیم شمال بهترین گواه مبارزات او در راه مشروطیت شمرده میشد. درین شعر مستبدین را تمسخر و تخطئه کرده است:

اشرف ازین بیش جسارت مکن
در سر مشروطه لجاجت مکن
با همه خلق منم خصم و ضد
می‌نشوم با احدی متحد
مستبدم مستبدم مستبد
هیچ به مشروطه تودعوت مکن
اشرف ازین بیش جسارت مکن
من چکنم زارع ییچاره مرد
یا که فلان پیر زنك جان سپرد؟
کار من امروز بود دستبرد
گریه بر احوال رعیت مکن
اشرف ازین بیش جسارت مکن
مست شرابم سر شب تا سحر
زیر و زبر گرشود این بحر و بر
بیخبرم، بیخبرم، بیخبر
بیخبران را تو شماتت مکن
اشرف ازین بیش جسارت مکن
میخورم از خون جوانان شراب
می‌کنم از گوشت رعیت کباب
هیچ نترسم ز عذاب و عقاب
وعده به فردای قیامت مکن
اشرف ازین بیش جسارت مکن

و در تعریف حکومت مشروطه چنین می‌گوید:

اینک کلمات علما نص صریح است
بر اینکه به نزد عقلا ظلم قبیح است
مشروطه چه در عقل و چه در شرع
صحیح است
هر کس کند انکار ز جمع عقلانیت
زود ای علمامرکب مشروطه برانید
داد دل مظلوم ز ظالم بستانید
هان ای وکلا قدر چنین روز بدانید
زیرا کسی امروز به اعزاز شمانیت
امروز نگهبان خلائق علمانیت
بعد از علما حافظ ملت وکلانیت
مسئول به هر جزئی و کلی وزرانیت
در صحت مشروطه دگر چون و چرا
نیست

و پس از پیروزی مجاهدان آذربایجان گفته است:

دست خدائی کمک کارتان
ملت تبریز خدا یارتان
نام شما در همه بحر و بر
گشت به مردی و هنر مشتهر
درج نمودند به الواح زر
در همه نقشه و آثارتان
ملت تبریز خدا یارتان
ریشه ظالم ز شما کنده شد
نام شما باقی و پاینده شد
دین محمد ز شما زنده شد

احمد مختار نگهدارتان
ملت تبریز خدا یارتان
الحق شیرانه هنر کرده‌اید
دست مرزاد، ظفر کرده‌اید
خلعت مشروطه بپوش کرده‌اید
به به از آن خلعت زرتارتان
ملت تبریز خدا یارتان

وقتی که مبارزات آزادیخواهان در راه برقراری مشروطیت به نتیجه رسید و مجلس افتتاح شد اشرفالدین تحت عنوان مبارکباد، شادی خود را اینطور ابراز داشت:

ای اهل ایران
مجلس مبارک
در شهر تهران
مجلس مبارک
هر چند بسیار
زحمت کشیدیم
حرف بد و خوب
هر جا شنیدیم
از بهر مجلس
هر سو دویدیم
آخر نمردیم
امروز دیدیم
چون ماه تابان
مجلس مبارک
ای اهل ایران
مجلس مبارک

اما شخصیت مبارزی که در هفته نامه نسیم شمال از خود نشان می‌داد با شخصیت واقعی اش فرق داشت. او ذاتاً مردی آرام طلب و صلح‌جو و ملایم بود. پشانی بلند و گشاده، چهره خندان، چشمانی درشت و سیاه و اندامی نسبتاً فربه داشت. خوش‌اشتها و اهل حال بود. غذائی را که زیاد در اشعارش نام می‌برد «فسنجان» بود. او در اغلب اشعار خود از مرغ و فسنجان یاد کرده است. بطوریکه میدانیم فسنجان یکی از غذاهای مردم پسند ایرانی است و مانند «کاری رایس» که پلوخورش هندی است دارد شهرت جهانی پیدا می‌کند و اغلب خارجیانی که به ایران می‌آیند و مزه این غذای لذیذ را می‌چشند شیفته آن میشوند. بهمین جهت مدتی است که در مهمانی‌های رسمی نیز وجود فسنجان در سر میز غذا حتمی است.

برای توده مردم که اکثریت مشتریان نسیم شمال را تشکیل میدادند و درآمد ضعیفشان اجازه نمیداد که هر شب سفره‌ایانی بگسترند، ذکر «مرغ و فسنجان» مطلب شیرینی بود که دهانشان را آب می‌انداخت. لذا شاید این غذای خوشمزه را هم بتوان یکی از چاشنی‌های سخن اشرفالدین شمرده که به جذابیت و گیرندگی اشعار او می‌افزود.

صحبت مکرر مرغ و فسنجان ظاهراً میرساند که او به این غذا علاقه زیاد داشته در صورتیکه غذای واقعی او بیشتر آبگوشت و طاس کباب بوده است. شادروان سعیدنفسی

که در سلسله مقالاتی تحت عنوان خاطرات ادبی يك استاد تصویر جالبی از زندگی سید اشرف الدین بدست داده مینویسد:

«تأپایان جنگ اول جهانی سید در تهران منتهای شهرت را داشت. با این همه در کمال سادگی و قناعت میزیست. سالها حجره‌ای در مدرسه صدر در جلوخان مسجد شاه داشت و ما آنجا نزد وی میرفتیم. روزهای جمعه معمولاً ما را در همان حجره می‌پذیرفت و گاهی بر روی منقل آهن‌سیاه که در آن زمان «منقل فرنگی» می‌گفتند، آبگوشت چرب پراز آجیل و گاهی هم طاس کبابی می‌پخت. مخصوصاً علاقه‌ای داشت که در آبگوشت قیسی و برگه هلو و برگه زرد آلوی بسیار بریزد. آبگوشت را در سه کاسه لعابی می‌کشید و در پادیه مسی نخود و لوبیا و گوشت آن را با گوشت کوب بسیار کار کرده‌ای میکوبید و گوشت کوبیده را هم بر سفره می‌گذاشت. همیشه در سفره او پنیر و سبزی و ماست هم بود. تابستانها اغلب انگور عسگری و زمستانها همیشه حلوا ارده بر سر سفره داشت.

طبع وی به شیرینی بسیار مایل بود و همیشه در جیبهای گشاد لباده خود آب‌نبات و شکرپنیر و نقل و کشمش سبز داشت و هر وقت در راه بما میرسید مشت بزرگ خود را از آن پرمیکرد و از جیب بیرون می‌آورد و بما تعارف میکرد. گاهی که رد میکردیم میگفت «من بمیرم بگیر، روی سید را بزمین نینداز». این دو جمله تقریباً همیشه تکیه کلام او بود. هنگامی که میخواست قسم بخورد میگفت «بجان سید».

در آن روزهای بسیار پرشور جوانی ما چهار تن بودیم که بایک دیگر معاشرت بسیار داشتیم. سید ابوالقاسم دره، سید عبدالحسین حسابی، سیدیحیی ریحان و من. تقریباً هرروز جمعه نزدیک ظهر به حجره سید در همان مدرسه صدر میرفتیم و با آبگوشت و طاس کباب او شریک میشدیم. در حجره مدرسه همیشه سربرهنه بود و با قبای بلند خود مینشست. در کف حجره زیلوی رنگ و رورفته‌ای که پیدا بود وقتی آبی و سفید بوده است انداخته بود.

زمستانها در کنار دیوار حجره کرسی می‌گذاشت و پای همان کرسی ما را به ناهار می‌نشاند.

تابستانها چهار دوشکی را که برای پای کرسی تهیه کرده بود پیوسته بهم کنار دیوار حجره میگسترد و چهار متکای رنگ و رو رفته در کنار آنها می‌گذاشت.

در گوشه‌ای از حجره پرده‌ای را بنخی که بدو دیوار میخ کوب کرده بود آویخته بود. در پشت این پرده منقل فرنگی خود و کلکی را که زمستانها در زیر کرسی می‌گذاشت

ویک سماور حلبی باقوری و چند استکان در سینی لب شکسته‌ای گذاشته بود. سماور و منقل وی را خادم مدرسه آتش می‌انداخت و هر بار که این کار را میکرد فوراً پنج شاهی اجرت او را نقد میداد. جیبهای گشاد لباده سید همیشه پر از پول سیاه بود زیرا که بچه‌های روزنامه فروش بیشتر پولهای سیاهی را که از خریدن روزنامه گرفته بودند برای او می‌آوردند.

یکی از شوخیهای سید این بود که هر وقت بما میرسید يك مشت پول سیاه از جیب بیرون می‌آورد و مشت خود را باز میکرد و نشان میداد و می‌پرسید: «پول خرد لازم ندارید؟» فوراً قام قاه خنده بسیار پر صدای خود را که شباهت بسیاری به خنده کودکان داشت سر میداد. گاهی آنچنان بلند می‌خندید که دست بر روی شکم برآمده خود می‌گذاشت.

مدیر نسیم شمال در عین حال که مفاسد را شرح میداد و انتقاد میکرد از اصلاح امور نیز ناامید نبود و میگفت:

هرچند که قفل بی‌کلید است،

هرچند کناره ناپدید است،

هرچند عذاب ما شدید است،

در نومیدی بسی امید است

پایان شب سیه سفید است

هر چند که ما ذلیل گشتیم،

از غصه و غم علیل گشتیم،

بی‌صاحب و بی‌کفیل گشتیم،

امید به خالق مجید است

در نومیدی بسی امید است

ای رنجبر فقیر و مغموم

تا کی شوی از حقوق محروم؟

ای زارع بینوای مظلوم

رزاق تو رازق حمید است

در نومیدی بسی امید است

اشرف الدین مردی آزاد اندیش و روشنفکر بود. در زمانی که درس خواندن حتی برای پسران هم به سختی، آنهم از طریق مکتب خانه‌ها میسر میشد و باسواد شدن دخترها ابداً مطرح نبود و اغلب افراد متعصب باسواد شدن دخترها را ننگ میدانستند و می‌گفتند دختری که باسواد شد ممکن است پنهانی مکاتبات عاشقانه راه بیندازد و رسوائی بیار آورد، در نسیم شمال مکرر به اشعاری بر می‌خوریم که دختران را به تحصیل دانش ترغیب کرده است:

ای دختر من درس بخوان فصل بهار است
بیکار بخانه منشین، موقع کار است
در مدرسه دایم پی تحصیل و طلب باش
در خانه مواظب به قوانین ادب باش
از علم و ادب منتظر رحمت رب باش
ارباب ادب را دل عشاق شکار است
ای دختر من درس بخوان فصل بهار است
ای دختر من تا رمقی در بدنت هست
از مشق و کتاب و طلب علم مکش دست

وقتی که گل معرفت از لوح دلت رست
آنوقت طلای تو به تکمیل عیار است
ای دختر من درس بخوان فصل بهار است
روحش شاد باد. گوئی با روشن بینی
خاص خود آینده درخشانی را برای ایران
پیش‌بینی می‌کرده که گفته است:

میشود دنیا بکام اهل ایران ای نسیم
مینماید شادمانی هر مسلمان ای نسیم
آفتاب معرفت گردد درخشان ای نسیم
نور باران میشود این شهر تهران ای نسیم
مادران در تربیت مشهور دوران میشوند
دختران از معرفت شیرین تر از جان میشوند
کودکان در مدرسه با علم و عرفان میشوند
میشود هر کوجه‌ای پر حور و غلمان ای نسیم
خاک محنت خیز ایران تاج دنیا میشود
اندر او هر علم و هر صنعت مهیا میشود
عارفان را جای تفریح و تماشا میشود
متصل میگردانند فروین به گیلان ای نسیم
راه آهن می‌کشند آخر قطار اندر قطار
آب شیرین می‌چشند این ساکنان شوره زار
کس دگر قحطی نمی‌بیند درین شهر و دیار
هر گدائی می‌خورد مرغ و فسنجان ای نسیم
قریب بیست هزار بیت از اشعار اشرف
الدین الحسینی در دو کتاب بنام های نسیم
شمال و باغ بهشت چاپ شده است.

پس از درگذشت اشرف الدین نسیم شمال چندسالی نیز به مدیریت آقای محسن ساعی انتشار یافت. ولی دیگر اوضاع تغییر کرده بود. زمان، زمان دیگری بود و این نسیم شمال دیگر نمی‌توانست همانند نسیم شمالی باشد که اشرف الدین مینوشت.

از: ابوالقاسم حالت

حکایت پدید آمدن شراب و اول کس که آنرا نوشید

اندر تواریخ نبشته‌اند که، به هرات پادشاهی بود کامکار و فرمانروا، با گنج و خواسته بسیار و لشکری بشمار و همه خراسان در زیر فرمان او بود، و از خویشان جمشید بود. نام او «شمیران» و این دژ شمیران کی به هرات و هنوز برجاست، آبادان او کرده است و او را پسری بود نام او «بادان» سخت دلیر و مردانه و بازور بود و در آن روزگار تیراندازی چون او نبود، مگر روزی شاه شمیران بر منظره نشسته بود و بزرگان پیش از پسرش بادان پیش پدر قضا را همایی بیامد و بانگ می‌داشت و برابر تخت پاره‌ای دورتر بنیر آمد، و بزمین نشست. شاه شمیران نگاه کرد، ماری دید در گردن همای پیچیده و سرش در آویخته و آهنگ آن می‌کرد که همای را بگزد. شاه شمیران گفت «ای شیرمردان! این همای را از دست این مار که برهاند و تیری را بصواب بیندازد؟» بادان گفت: «ای ملک! کار بنده است» تیری بینداخت چنانکه سر مار در زمین بدوخت و به همای هیچ گزندی نرسید.

همای خلاص یافت و زمانی آنجا می‌پرید و برفت و قضا را سال دیگر همین روز شاه شمیران بر منظره نشسته بود، آن همای بیامد و بر سرایشان می‌پرید و پس بر زمین آمد، همانجا که مار را تیر زده بود چیزی از منقار بر زمین نهاد و بانگی چند بکرد و پیرید. شاه نگاه کرد و آن همای را بدید تاجماعت گفت:

«پنداری این همانست که ما او را از دست آن مار برهاندیم و امسال بمکافات آن باز آمده است و مارا تحفه آورده، زیرا که منقار بر زمین می‌زند.

بروید و بنگرید و آنچه بیابید بیارید.»

دوسه کس برفتند و بجملگی دوسه دانه دیدند آنجا نهاد، برداشتند و پیشی تخت شاه شمیران آوردند. شاه بکار کرد، دانه‌ای سخت دید، دانا آن وزیرکان را بخواند و آن دانه‌ها بدیشان نمود، و گفت:

«هما این دانه‌ها را بمانت تحفه آورده‌است. چه می‌بینید اندرین. ما را با این دانه‌ها چه می‌باید کرد؟»

متفق شدند که این را بیاید کشت و نیک نگاه داشت تا آخر سال چه پدیدار آید.

پس شاه تخم را بیابان خویش داد و گفت:

«در گوشه‌ای بکار و گرداگرد او پرچین کن تا چهار پا اندرو نیاید و از مرغان نگاهدار و بهر وقت احوال او مرا می‌نمای»

پس باغبان همچنین کرد، نوروز ماه بود یکچندی برآمد، شاخکی ازین تخمها برجست.

باغبان پادشاه را خبر کرد شاه بابرگان و دانا آن بر سر آن نهال شد. گفتند: «ما چنین شاخ برگ ندیده‌ایم» و باز گشتند. چون مدتی برآمد شاخه‌هایش بسیار شد و بلكها پهن گشت و خوشه خوشه بمثال «كاوس» از او در آویخت. باغبان نزدیک شاه آمد بگفت: «درباغ هیچ درختی ازین خرمتر نیست.» شاه دگر باره بادانا آن بدیدار درخت شد. نهال او را دید درخت شده و آن خوشه‌ها از او در آویخته. شگفت بماند گفت:

«صبر باید کرد تا همه درختان را بر برسد تا بر این درخت چگونه شود»

چون خوشه بزرگ کرد و دانه‌های غوره بکمال رسید هم دست بدو نیارستند کرد تاخریف در آمد و میوه‌ها چون سیب و امرو و شفتالو و انار و مانند آن در رسید. شاه بباغ آمد، درخت انگور دید، چون عروس آراسته، خوشه‌ها بزرگ شده و از سبزی به سیاهی آمده. چون شبه می‌تافت و يك يك دانه ازو همی ریخت همه دانا آن متقن شدند که میوه این درخت اینست و درختی بکمال رسیده است و دانه از خوشه ریختن آغاز کرد و بر آن دلیل می‌کند که فایده این در آب اینست. آب این بیاید گرفتن و درختی کردن تاچه دیدار آید و هیچکس دانه در دهان نیارست نهادن. از آن همی ترسیدند که نباید که زهر باشد و هلاک شوند و همانجا درباغ خمی نهادند و آب آن انگور بگرفتند و خم پر کردند و باغبان را فرمود: هر چه بینی مرا خبر کن «و باز گشتند چون شیر و درخم بجوش آمد، باغبان بیامد و شاهرا گفت: «این شیر و همچون دیگر بی آتش می‌جوشد و بر نرمی اندازد»

گفت:

«چون بیارامد و مرا آگاه کن»

باغبان روزی دید صافی و روشن شده چون یاقوت سرخ می‌تافت و آرامیده شده. در حال شاه را خبر کرد. شاه بادانا آن حاضر شدند. همگان در رنگ صافی او خیره بماندند و گفتند: مقصود و فایده ازین درخت اینست اما ندانیم که زهرست یا پادزهر! پس بر آن نهادند که مردی خوئی را از زندان بیارند و ازین شربتی بدو دهند تا چه پدیدار آید. چنان کردند و شربتی ازین بخونی دادند. چون بخورد اندکی روی ترش کرد. گفتند:

«دیگر خواهی؟»

گفت:

«بلی.»

شربتی دیگر بدو دادند، در طرب کردن و سرود گفتن و کون و کچل کردن آمد و شکوه پادشاه در چشمش سبک شد و گفت: «يك شربت دیگر بدهید پس هر چه خواهید بمن بکنید که مردان مرگ را زاده‌اند.»

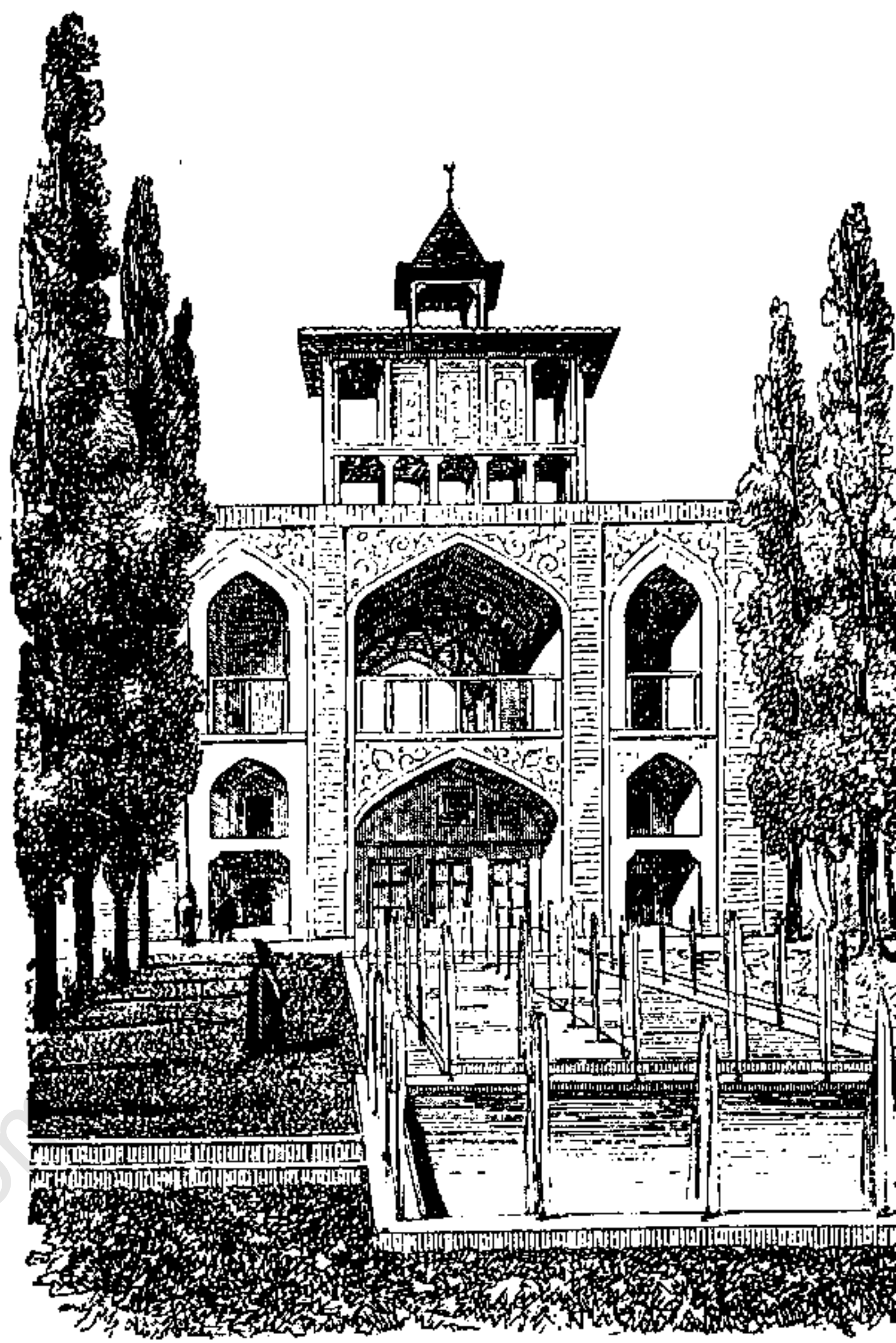
پس شربت سوم بدو دادند بخورد و سرش گران شد و بخت و تا دیگر روز بهوش نیامد. چون بهوش آمد پیش ملک آوردندش. ازو پرسیدند که: «آن چه بود که دیروز خوردی و خویشتن را چون می‌دید؟»

گفت:

«نمی‌دانم که چه می‌خوردم. اما خوش بود، کاشکی امروز سه قدح دیگر از آن بیافتمی. نخستین قدح بر شواری خوردم که تلخ مزه بود. چون در معده‌ام قرار گرفت طبعم آرزوی دیگر کرد چون دوم قدح بخوردم نشاطی و طربی در دل من آمد که شرم از چشم من برفت و جهان پیش من سبک آمد. پنداشتم میان من و شاه هیچ فرقی نیست و غم جهان بردل من فراموش گشت و سوم قدح بخوردم بخواب خوش درختم. شاه ویرا آزاد کرد از گناهی که کرده بود بدین سبب همه دانا آن متفق گشتند که هیچ نعمتی بهتر و بزرگوارتر از شراب نیست از بهر آنکه در هیچ طعامی و میوه‌ای این هنر و خاصیتی نیست که در شرابست.

شاه شمیران را معلوم شد شراب خوردن، و بزم نهادن آیین آورد و بعد از آن هم از شراب روده‌ها بساختند و نواها زدند و آن باغ که درو تخم انگور بگشتند هنوز برجاست. آنرا بهرات غوره می‌خوانند و بر در شهرست و چنین گویند که نهال انگور از هرات همه جهان پراکند و چندان انگور که بهرات باشد بهیچ شهری و ولایتی نباشد چنانکه زیادت از صد گونه انگور را نام بر سر زبان بگویند و فضیلت شراب بسیارست.

از: کتاب «نوروزنامه» منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوری
(قرن پنجم هجری)



حکاکي - كوئك اصلي باغ فين ، «کست»

تحولی بزرگ در روش باغداری ایران

از :

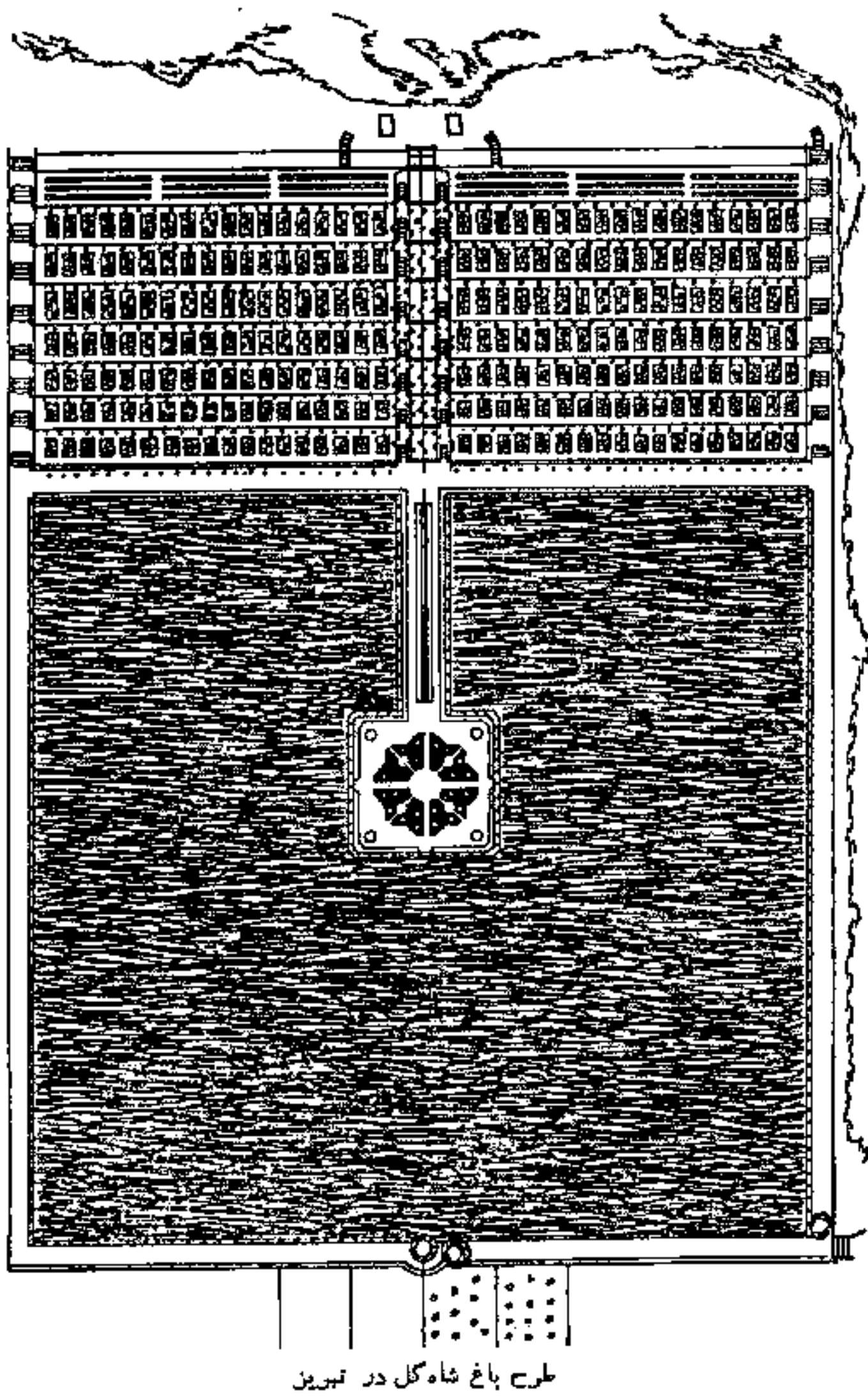
دکتر کمال الدین نوربخش دانشیار دانشگاه تهران و عضو انجمن باغبانی ایران
موضوع باغداری و مسائل مربوطه جزء آن دسته مسائلی هستند که متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و در جریان تحولات و دگرگونی‌هایی که بخصوص در دهه اخیر در تمام شئون مملکت ما بوقوع پیوسته بطور نسبی سهم چندانی نداشته است. با مطالعه وضع و نحوه کشاورزی در ایران ۱۰ یا ۱۵ سال قبل و مقایسه آن با وضع فعلی بخوبی میتوان معنی واقعی تحول و یا مدرنیزه شدن را درك نمود ولی متأسفانه باید اذعان نمود که در مورد طرز باغداری و مقایسه آن با روش های قدیمی درك چنین واقعیتی بسختی امکان پذیر است. البته این امر نه بدان علت است که در این مورد قصد و یا تعمدی در کار بوده بلکه دلیل اصلی آنرا باید در نحوه تصورات و یا برداشتهائی جستجو

نمود که اکثریت قریب باتفاق افراد مملکت ما از «باغبانی» بطور کلی دارا میباشند و شاید بدلیل همین برداشتهای نادرست است که اکثریت افراد اعم از تحصیلکرده و یا بیسواد خود را در مورد مسائل باغبانی صاحب نظر و ذیصلاح میدانند و چون این مسأله از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و علمی دارای نهایت اهمیت است بد نیست چنانچه در این مورد تجزیه و تحلیل بیشتری صورت گیرد. یکی از دلایل مهم و اساسی که باعث گردیده که پیشرفت و تکامل باغبانی در ایران بموازات سایر علوم نبوده و اختلاف فاحشی بین آنها باشد همانا وجه تسمیه آنست. عبارت دیگر اگر از مدتها قبل برای این بخش مهم علمی اسمی غیر از باغبانی انتخاب میشد مسلماً وضع باغداری نیز تا بحال بیش از این پیشرفت کرده بود که تا بحال بدان نائل آمده است. و اما چرا موضوعی باین سادگی (البته بنا بعقیده عده زیادی) مانند اسم میتواند چنین تأثیری در ترقی و تکامل يك امری داشته باشد.

طی چندین سال تجربه و تماس ممتد با طبقات مختلف از کارگر ساده، باغبان، کشاورز، باغدار و دانشجو و سایر افراد از طبقات بالاتر اجتماع و بررسی عقاید و نظریات آنها باین نتیجه رسیدم که چون اکثریت افراد اعم از فقیر یا غنی، دهاتی و یا شهرنشین از طفولیت با افرادی بنام باغبان سر و کار داشته‌اند یعنی با کسی که در حیاط و یا محدوده مشجر محل سکونت بسرپرستی گلها و درختان مشغول بوده و کم و بیش نیز با او یا بدلیل علاقه و یا بجهت صرف وقت در کارهای باغبانی که معمولاً از حدود وجین و آبیاری تجاوز نمیکرده همکاری و همگامی میکردند و عبارت دیگر چون مردم عموماً با اسم باغبان و باغبانی آشنا بوده و با آن خو گرفته‌اند لذا امروزه هیچگاه حاضر نیستند که آنرا بعنوان يك «علم» بشناسند.

معمولاً چنانچه سر و کار اکثریت افراد عادی و معمولی بخصوص طبقه‌ای که فاقد سواد و معلومات اولیه میباشند با امری زیاد شد و یا اینکه هرگاه چنین افراد بیسواد و فاقد دانشی سالها بعنوان «کارشناس» و «متخصص» بلامنازع در رشته‌ای فعالیت کردند و از همه مهمتر اینکه فعالیت آنها از طرف عموم صحیح و درست تلقی گردید و باصطلاح برسمیت شناخته شد، طبیعتاً چنین رشته‌ای هیچگاه نخواهد توانست و یا بهتر بگوئیم بسختی میتواند در بین افراد آن جامعه جای خود را بعنوان يك علم احراز نماید خاصه اینکه در این راه از پشتیبانیهای لازم نیز برخوردار نباشد. بهمین جهت نظریه عمومی در مملکت ما بیشتر براین اصل استوار است که باغ و باغداری بیشتر زائیده «تردستی» «مهارت» و یا فقط تجربه

است و برای اقدام بآن اصولاً معلومات و دانشی ضروری نبوده بلکه تنها سابقه کار کوتاهی کفایت خواهد کرد. بنابراین هیچگاه کسانی که سالها در اینباره تحصیل و کار کرده باشند و دارای معلومات عمیق و عالیه نیز باشند بعنوان متخصصین حقیقی منظور نخواهند شد و این دردی است که باغبانی مملکت ما سالها با آن دست بگریبان است و این نظیر همان دردی است که علم پزشکی در ۳۰ یا ۴۰ سال قبل یعنی زمانی که مردم برای درمان بیماران خود به فالگیرها، رمالها، و دعانویسها متوسل میشدند بآن دچار بود. نظیر چنین پدیده هائی در اجتماع امروز ما زیاد مشاهده میشود منتها درجه و شدتی که علم باغبانی بآن روبروست کمتر نظیر و سابقه دارد. برای درك بهتر این مسأله لازم است یادآور شوم که بسیاری از لغات و اصطلاحات و حتی جملات وجود دارند که همه روزه و همه جا و یا در هر گونه محاوره‌ای آنها را استعمال میکنیم و شاید همین فرط استعمال، ما را از توجه به معنای واقعی آن لغت، اصطلاح و یا جمله غافل نگه میدارد عبارت ساده‌تر ما آنها را جهت ادای منظور خود مرتباً استعمال میکنیم بدون اینکه از تعریف یا مبنای واقعی آن اطلاع دقیق داشته باشیم. بدیهی است هرچه این مسأله بیشتر عمومیت پیدا کند امید به رفع نقائص و معایب کار کمتر وزمان ومدت لازم برای بهبود وضع بیشتر خواهد بود. یکی از علل اساسی این موضوع اختلاف فاحشی است که بین مفهوم اصطلاح خارجی این علم یعنی Horticulture و مفهوم و یا ترجمه فارسی آن یعنی «باغبانی» وجود دارد. اصولاً اصطلاح باغ از نظر تعریف فارسی به قطعه زمین محدود و محصورى اطلاق میشود که در آن پاره‌ای از نباتات مثل درختان، سبزیها و نباتات زینتی کشت میشوند و بطور کلی اکثریت افراد مملکت ما از باغ چنین تصویری دارند و حتی شرای نامی و بسیاری از صاحبان ذخائر ادبی ایران نیز از لفظ باغ تجسم فوق را دارا میباشند ولی چنین تعریفی زمانی صحیح و معتبر بود که از باغ بعنوان محلی جهت تفریح و تفرج و می و میخوارگی و شنیدن آواز بلبل و نظاره کرشمه گل استفاده میشد و باغبان معمولاً به پیر سالخورده‌ای اطلاق میگردد که يك عمر چنین محلی را نگهداری نموده و با مراقبت و آبیاری درختان آنها را شاداب و سر حال نگه میداشت. مسلم است که چنین مفهومی نمیتواند در وضع کنونی مبین و معرف و وجه تسمیه علمی باشد که در زبان های خارجی بآن Horticulture میگویند. مفهوم واقعی این اصطلاح خارجی عبارتست از «زراعت نباتات باغی» در سطح و واحد



طرح باغ شاه گل در تبریز

بهرتر و در عین حال زیباتر، کشت نباتات زینتی و بخصوص گلها نیز از حالت رکود و محدود خود وارد مرحله جدیدی شد و خلاصه ادامه چنان وضعی بعد از گذشت تقریباً نیم قرن همین است که امروز شاهد و ناظر آن هستیم بطوریکه در حال حاضر کشت میوه و سبزی نه تنها از وضع محصولات «غیر - ضروری» خارج گشته بلکه بصورت اقلام مهم و پرارزش غذایی درآمده و در تمام ممالک جهان بمیزان زیاد تولید میشود و این توسعه سطح کشت بحدی فزونی یافته که اقتصاد بسیاری از کشورها متکی به تولید و صادرات محصولات باغی خود میباشد.

بعلاوه امروزه عملاً ثابت گردیده که ممالکی که در آنها میوه و سبزی بیشتر مصرف میشود افراد آن مملکت نیز از سلامت زیادتری برخوردار میباشند.

ارقام جداول زیر افزایش میزان تولید و همچنین مصرف محصولات مختلف باغی را در ممالک مختلف جهان نشان میدهد.

میزان متوسط مصرف سرانه و سالیانه مواد مختلف غذایی در ممالک عضو بازار مشترک در سالهای مختلف بر حسب کیلوگرم.

	آلمان غربی	فرانسه	ایتالیا	هلند	بلژیک و لوکزامبورگ	معدل
غلات	۷۵۰۵	۹۳۸۸	۱۲۷۲۹	۷۵۲۲	۸۶۲۱	۹۶۲۰
	۷۱۲۳	۸۸۲۱	۱۲۷۲۲	۶۹۲۸	۸۵۲۳	۹۲۲۴
سبب زمینی	۱۲۶۲۰	۹۸۲۵	۴۵۲۱	۹۷۲۲	۱۲۶۲۹	۹۳۲۶
	۱۰۸۲۴	۹۸۲۸	۴۰۲۵	۸۹۲۶	۱۱۶۲۳	۸۵۲۷
سبزی	۵۳۲۸	۱۳۴۲۷	۱۳۴۲۴	۷۱۲۴	۸۰۲۳	۱۰۱۲۲
	۵۶۲۱	۱۳۴۲۲	۱۵۱۲۲	۶۳۲۳	۷۴۲۴	۱۰۵۲۶
میوه	۸۲۲۵	۴۴۲۰	۶۷۲۵	۴۰۲۶	۳۹۲۶	۶۲۲۷
	۷۶۲۸	۵۱۲۳	۷۸۲۴	۴۰۲۵	۴۱۲۶	۶۶۲۰
گوشت	۶۳۲۵	۷۹۲۶	۳۱۲۳	۴۶۲۰	۶۱۲۱	۵۷۲۴
	۶۶۲۵	۸۶۲۹	۳۶۲۸	۴۹۲۲	۶۳۲۷	۶۲۲۲

میزان هزینه های مواد غذایی و درصد آن از کل مخارج سالیانه فامیلی در ممالک عضو بازار مشترک طبق آمار سال ۱۹۶۳-۱۹۶۴ (تعداد افراد يك خانواده ۳ تا ۴ نفر)

	آلمان غربی	فرانسه	ایتالیا	هلند	بلژیک	لوکزامبورگ
درصد هزینه های مواد غذایی از کل مخارج	۳۸۲۷	۴۰۲۶	۴۵۲۹	۳۲۲۸	۳۴۲۹	۳۵۲۹
از این مقدار بر حسب % برای نان و مواد آردی	۱۲۲۶	۹۲۸	۱۵۲۵	۱۳۲۵	۱۱۲۸	۹۲۵
سبب زمینی	۲۲۰	۱۲۵	۰۲۸	۲۲۸	۲۲۵	۱۲۹
سبزی	۴۲۹	۶۲۹	۶۲۷	۶۲۳	۵۲۸	۵۲۸
میوه	۶۲۰	۵۲۲	۵۲۶	۶۲۶	۵۲۸	۵۲۷
گوشت و مواد گوشتی	۲۳۲۴	۲۶۲۹	۲۵۲۴	۱۸۲۱	۲۵۲۹	۲۸۲۱

های بزرگ همانند محصولات زراعی. البته منظور از نباتات باغی در درجه اول درختان میوه و بعد از آن سبزی و سپس نباتات زینتی میباشد.

با توجه به تاریخچه علم کشاورزی و باغبانی این موضوع جلب توجه میکند که حتی در ممالک راقیه یعنی اروپا و آمریکا سالهای متمادی توجه دولتها و کوشش بخش خصوصی منحصرآ متوجه تولید محصولاتی میشد که طبق نظریه علمای آندوره از نظر تغذیه بدن انسان در درجه اول اهمیت قرار داشت یعنی غلات و سبب زمینی و گوشت و چربی و بهمین جهت کشتزارها و اراضی کشاورزان تقریباً بطور کامل برای تولید این محصولات اختصاص یافته بودند.

در آندوره اصولاً کسی به کشت درختان میوه و یا سبزیها بمعنای واقعی توجه و علاقهای نشان نمیداد و آنها را محصولاتی لوکس و غیر ضروری و مخصوص طبقه اعیان و اشراف میپنداشتند و اگر هم تعدادی درخت میوه و یا چند نوع سبزی در محدوده جلوی منازل وجود داشت بیشتر جنبه زینتی داشتند و بصورت تفننی با آنها رفتار میشد و میوه آن صرفاً بمصرف داخلی میرسید و اصلاً صورت تجارتی نداشت. تحول و دگرگونی در علم باغبانی موقعی شروع و سپس باوج شدت خود رسید که علم پزشکی و بهداشت بکشفیات تازه ای درباره فیزیولوژی بدن انسان نائل آمد و علمای آندوره باین اصل معتقد شدند که برای حفظ سلامتی و قدرت کامل بدن انسان علاوه بر مواد اولیه غذایی یعنی نشاسته و چربی و گوشت بمواد دیگری از قبیل ویتامینها احتیاج دارد که فقدان و یا کمبود آنها اختلالاتی در طرز کار و میزان فعالیت بدن انسان بوجود خواهد آورد و ادامه آن موجب بروز ناراحتیهای مختلف خواهد گردید. مهمتر از همه اینکه باین موضوع اشاره میشد که چنین مواد بمیزان زیاد در انواع مختلف میوه و سبزی وجود دارد و با مصرف آنها میتوان بحفظ سلامتی بدن کمک فراوانی نمود.

بموازات چنین پیشرفتهائی و با شروع انقلاب صنعتی در اروپا و آمریکا و احتیاج فراوان به نیروی سالم انسانی و همچنین با بهتر شدن وضع زندگی مردم و در نتیجه توجه بیشتر به طرز تغذیه و سلامت تحولی بس عظیم در گسترش و توسعه کشت محصولات باغی بخصوص انواع مختلف میوه و سبزی بوجود آمد بطوریکه بعد از مدت کوتاهی بخش بزرگی از اراضی دایر و بایر به قطعات بزرگ باغ و مزارع وسیع سبزی تبدیل گردید و بالاخره با پیشرفت هرچه بیشتر تمدن و بهبود روز افزون وضع اقتصادی مردم و گرایش طبیعی بطرف زندگی

سبزیهای مختلف نشاسته‌ای *			سایر سبزیها و ارقام مختلف میوه		
بخشهای مختلف جهان	۱۹۳۴۳۸	۱۹۴۸۵۲	۱۹۵۷۶۰	۱۹۳۴۳۸	۱۹۴۸۵۲
ایالات متحده آمریکا	۶۶	۵۴	۴۹	۱۹۸	۲۰۵
اروپای غربی	۱۰۷	۱۱۸	۱۰۱	۱۱۲	۱۲۵
اروپای شرقی + روسیه	۱۵۹	۱۹۶	۱۷۹	۸۲	۸۲
چین	۳۰	۳۶	۸۹	۵۷	۵۷
ژاپن، فرمز و کره جنوبی	۵۱	۶۳	۶۰	۸۵	۷۷
استرالیا و زلاند نو	۴۹	۵۰	۵۳	۱۳۹	۱۵۷
مکزیک و آمریکای مرکزی	۳۹	۳۴	۳۲	۱۹۵	۱۱۶
الجزایر، مراکش و تونس	—	—	۱۸	—	—
آسیای جنوب شرقی	—	—	۱۷	—	—
هندوستان، پاکستان، سیلان	۸	۷	۱۰	۵۱	۳۰
خاورمیانه	۴	۱۰	۱۶	۹۸	۱۱۲
آفریقای مرکزی و غربی	—	—	۳۲۰	—	—
فیلیپین و اندونزی	۱۱۱	۱۰۰	۱۳۶	۶۳	۵۰
برزیل	۹۱	۱۱۲	۱۱۸	۸۸	۸۲
ممالک شمالی و غربی	۸۹	۱۰۳	۹۷	۱۰۴	۱۲۴
آمریکای لاتین	—	—	—	—	—
آفریقای جنوبی و شرقی	—	—	۳۶	—	—

* سبب زمینی و سبب زمینی شیرین و غیره

به برنامه ریزیهای اصولی و دراز مدت نموده‌اند. البته علت اساسی آنرا باید در درجه اول بهبود وضع اقتصادی مردم و در درجه دوم بالا رفتن سطح فرهنگ و پی بردن به خواص این محصولات دانست. بطوریکه همه ما میدانیم تا همین گذشته خیلی نزدیک در مواقع خرید میوه اکثر مردم منحصرأ نوع و میزان آنرا ذکر میکردند مثلاً میگفتند یک یا دو و یا سه کیلو سبب و یا فرضا دو کیلو گلابی و غیره ولی هیچگاه در رقم آن اظهار نظر نمیکردند در صورتیکه امروزه در مواقع خرید مردم فقط طالب میوه نیستند بلکه رقم یا وارپته معین و مخصوصی را خواستارند یعنی میگویند «فلان مقدار سبب گلدن، یا شمیرانی و یا مثلاً فلان مقدار گلابی شاه میوه یا فلسطینی و یا دوشس و اگر هم رقم مورد نظر خود را موجود نبینند از خرید در آن محل خودداری کرده به جای دیگر مراجعه میکنند. نظیر چنین وضعی بلکه شدیدتر در وضع گل و نباتات زینتی وجود دارد به همین جهت نیز مصرف گل و نباتات زینتی در ایران در چند سال اخیر بمیزان قابل ملاحظه و چشمگیری بالا رفته و مرتباً نیز در حال تزايد است. بروز چنین تحولی باعث آن گردیده که باغداری در ایران تا حدودی از صورت ابتدائی و قدیمی خود خارج گشته و در جهت صحیحی رهنمون گردد. این تغییر و یا بهبود وضع متأسفانه تا بحال بیشتر در رشته های گلکاری و نباتات زینتی و سبزیکاری بوجود آمده بطوریکه اثرات آنرا برای العین میبینیم. در مورد درختکاری و کشت درختان میوه این تحول با سرعت کمتری شروع شده است.

بطور کلی در بین فراآورده های مختلف باغی و کشاورزی وضع درختان میوه کاملاً استثنائی و با سایر محصولات دارای اختلافات کلی و اساسی است. نظر باینکه این مسأله

دقت بارقام این جدولها تا حدودی ارزش اقتصادی محصولات باغی و همچنین میزان مصرف آنها را در ممالک مختلف جهان بخصوص کشور های پیشرفته بیشتر برای ما روشن میکند و بخصوص ارقام جدول اخیر اهمیت و ارزش غذائی این محصولات و میزان مصرف آنها را در جوامع پیشرفته امروز کاملاً نشان میدهد و با توجه باینکه مردم ممالک پیشرفته که کشور های عضو بازار مشترک بخشی از آنرا تشکیل میدهند نسبت بسایر ممالک از سلامتی بیشتری برخوردار هستند میتوان اثر این محصولات را در سلامت افراد جامعه که تا حدود زیادی با طرز و میزان تغذیه آنها رابطه مستقیم دارد بآسانی درک نمود.

همانطور که در ابتدا بدان اشاره گردید در کشور خودمان ایران نیز در چند سال اخیر تحولاتی در این مورد بعمل آمده و آنهایکه به نحوی با باغ و باغبانی سروکار دارند وقوع چنین تحولی را بهتر و بیشتر درک میکنند.

بعنوان مثال تا چند سال قبل از نظر اکثریت و حتی در حال حاضر از نظر تعداد کمتری «سبزی» شامل محصولات از قبیل «تره، جعفری، پیازچه و تربچه و یس» باصطلاح «سبزی خوردن» معمولی میشد ولی امروزه مصرف سبزیهای دیگری اگرچه کم یا محدود از قبیل لوبیا سبز، نخود فرنگی، مارچوبه ارتیشو، آندیبو، قارچ و یا کاهو سالادی و غیره مورد توجه مردم قرار گرفته و هر ساله بر میزان تولید و مصرف آن اضافه میشود. نظیر چنین وضعی در مورد انواع مختلف میوه نیز بچشم میخورد. وجود چنین تحولی باعث آن گردیده که دولتها برای تامین مصرف میوه کشور چاره اندیشی نمایند و آنرا جزو برنامه های مهم خود قرار دهند و بطوریکه میبینیم برای رفع مشکل آن مقامات مسئول مبادرت

از نظر وضع باغداری در ایران دارای نهایت اهمیت است لذا جا دارد به این موضوع توجه بیشتری مبذول گردد. برای روشن شدن این نکته کافی است به دو موضوع واصل مهم اشاره شود.

۱- اختلاف اساسی و عمده ای که بین درختکاری و سایر نباتات باغی و زراعی وجود دارد در اینست که اکثر از گیاهان باغی یعنی سبزیها، زینتیها و گیاهان زراعی را گیاهان یکساله تشکیل میدهند در صورتیکه در کشت درختان میوه یا میوه کاری سروکار ما با نباتاتی است که گاهی عمر آنها از کسیکه آنها را کشت کرده بیشتر است و گاهی حتی بدو یا سه نسل میرسد بنابراین میتوانیم چنین نتیجه گیری کنیم که اولاً چنانچه در نحوه کاشت یا برداشت گیاهان یکساله باغی و زراعی دقت کافی بکار نرود و یا اینکه خطائی مرتکب گردد ضرر و خسارت ناشی از آنرا بعد از چند ماه و یا گاهی چند هفته احساس میکنیم و متوجه اشتباه و نقص کار خواهیم شد. مسلم است که در سال بعد نظیر آن اشتباه تکرار نخواهد شد. در مورد درختان وضع کاملاً غیر از این است یعنی زیانهای ناشی از یک یا چند خطا و بی دقتی را ابتدا بعد از گذشت چندین سال یعنی درست در مواقعی که انتظار برداشت محصول زیاد را از درخت داریم و میخواهیم حاصل چندین سال کار و زحمت و سرمایه گذاری را با فروش محصول درختان جبران کنیم متوجه نقص کار خود میشویم. واضح است که در یک واحد بزرگ درختکاری گذشت چندین سال بدین نتیجه تا چه حد موجب خسارات فراوان مالی میگردد.

۲- بطوریکه میدانیم در هیچیک از شعب و رشته های مختلف باغبانی و کشاورزی باندازه درختکاری در وضع و ترکیب و یا بطور کلی نحوه زندگی گیاهان «دخالت» نمیشود. این دخالت و یا بعبارت بهتر «دستکاری» از ابتدای پیدایش و تولد درخت که بصورت بذر یا هسته انتخاب شده شروع گردیده. با انجام عملیاتی از قبیل

خیساندن در آب یا اسید و یا محلولهای قلیائی و یا قراردادن در سردخانه و بالاخره شکستن و قابل نفوذ کردن پوسته آنها و اعمال دیگر باعث سبز شدن یا تندیدن بهتر آنها میشوند و بعد از اینکه قدری رشد کرد با انجام عمل پیوند بدخات امکان تولید محصول بهتری را میدهیم و بالاخره تا پایان عمر یا انجام عمل هرس فرم و وضع ظاهری آنرا تغییر داده و در جهت معین و مخصوصی برای تولید میوه باز هم بهتر بکمک سایر اعمال هدایت مینمائیم. واضح است که جمیع این اقدامات میبایستی طبق اساس و قواعد معین طبیعی یا اصول فیزیولوژیکی انجام گیرد در غیر اینصورت هیچگاه درخت

قادر بادامه زندگی اقتصادی نخواهد بود . با توجه باین نکات لازم است که ما نیز در سیستمهای درختکاری یا میوه کاری خود در درجه اول رعایت اصول علمی را مد نظر قرار داده و تنها باتکای پاره ای از تجربیات منحص و منسوخ گذشته که در میوه کاریهای مدرن و تجارتی امروز و بخصوص رقابتهای بزرگ داخلی و خارجی قابل اجرا و رعایت نیستند اقدام و عملی نمائیم همانطوریکه در اکثر نقاط مهم میوه خیز جهان عمل کردند و نتیجه مثبت نیز گرفتند .

یکی از خصوصیات «انحصاری» باغهای ایران همانا حالت ناخالصی آنست . یعنی برخلاف روشهای مدرن امروزی باغهای ایران اکثرا آمیخته و یا مخلوطی است از فعالیت های درختکاری ، سبزیکاری ، خزانه کاری و کشت نباتات علوفه ای (شکل ۱ و ۲)



شکل ۱ . قسمتی از یک باغ که در کنار درختان جوان گلابی خزانه قلمه های چار وجود دارد و در سمت راست بخش موستان دیده میشود .



شکل ۲ . یک کارگر در حال وجین در بخش سبزیکاری در قسمت دیگری از باغ فوق .

و اگر ما بگذشته دور و نزدیک باغداری در ایران نظر افکنیم بخوبی میبینیم که نظیر چنین سیستمی در ۵۰ یا ۱۰۰ سال پیش نیز وجود داشته و در حالیکه در وضع کنونی مثلاً در کشور هلند بعلت نامساعد بودن شرایط طبیعی خود ، کشت پاره ای از درختان میوه مانند انگور و یا هلو را در واحدهای بزرگ و در داخل گلخانه ها انجام میدهند . باغهای ایران نمیتواند از این تحولات بی بهره مانده و هنوز روشهای قدیمی را بدون کوچکترین تغییری رعایت و اجرا نماید . این خود نمونه بارزی است که بخش بزرگی از باغهای میوه ایران را آشنائی احداث و اداره میکنند که از دانش و یا دانش جدید بی بهره اند . البته دلایل علمی مبنی بر نادرست بودن این روشها آنقدر زیاد است که میتوان در باره آن نشریات متعددی انتشار داد ولی کافی است در اینجا بدو نکته مهم و اساسی اشاره شود . اول اینکه در باغهاییکه باین وضع احداث شده اند امکان بکار بردن ماشین آلات مختلف باغی مطلقاً وجود ندارد . عبارت دیگر امکان مکانیزه کردن آنها خیلی کم است . شکل ۳ و ۴ . و بهمین دلیل اکثر کارهامیابستی بطریق دستی انجام گیرد .



شکل ۳ و ۴ . نمونه ای از باغهای جدید که طبق روشهای قدیمی احداث گردیده اند بطوریکه امکان استفاده از ماشین آلات مختلف باغی در آنها وجود ندارد و بعلاوه روشهای آبیاری نیز منطبق بر اصول صحیحی نمیباشند .

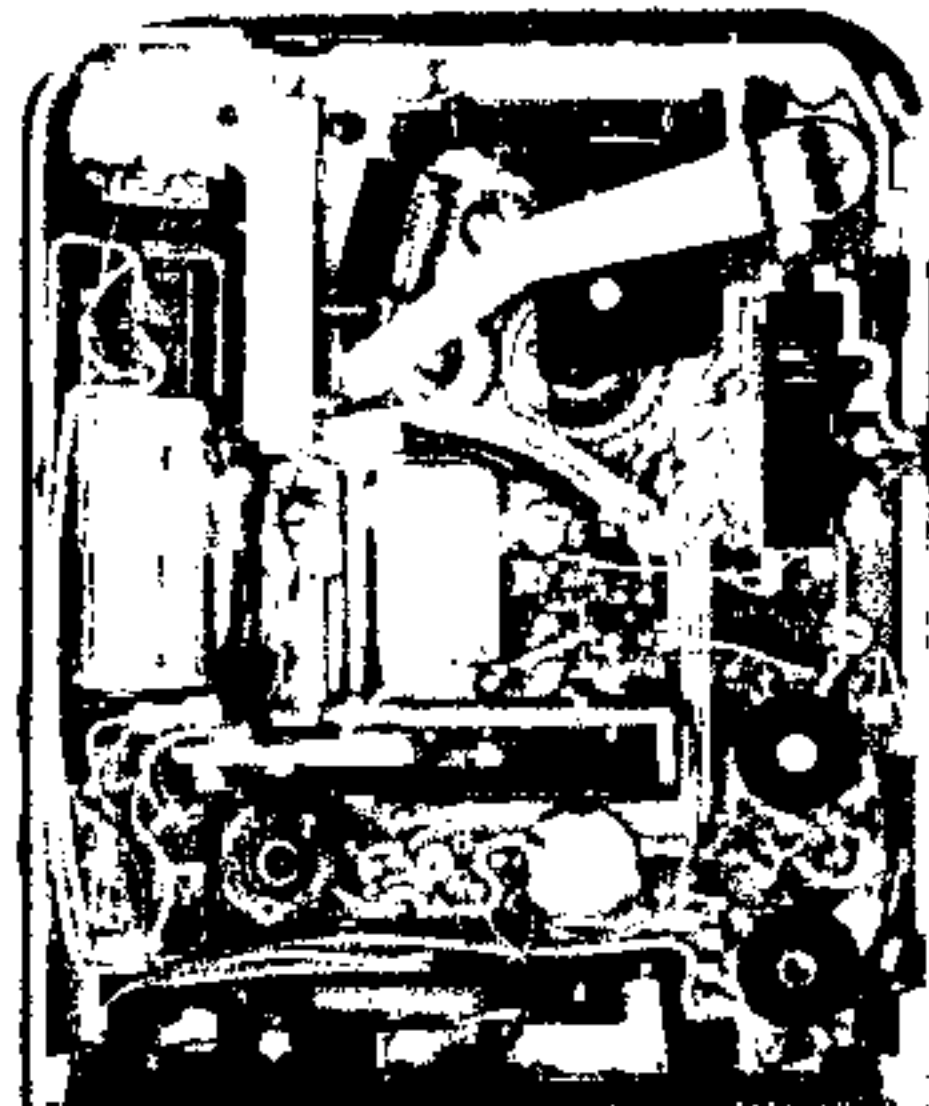


دوم اینکه روشهای آبیاری طوری است که قسمت اعظم آب مصرفی بهدر رفته و گاهی نیز باعث از بین رفتن خود درختان میشود و در کشور ما ایران که آب ماده ایست حیاتی و با ارزش و بامخارج گزافی از اعماق زمین بیرون کشیده میشود لذا چنین بهدر دادن آن در سطح زمین چیزی جز گناه نیست . خوشبختانه در اثر توجه دولت و بخصوص استقبال روزافزون باغداران و تا حدودی نیز بسبب اعتقاد باغ داران به باصرفه و صحیح بودن اتخاذ روشهای جدید و همچنین تعلیم و تربیت افراد متخصص در داخل و خارج کشور در چند سال اخیر تحولی امیدوار کننده در سیستم باغداری ایران بوجود آمده (شکل ۵ و ۶) و چون نتایج حاصله از این دگرگونی تابحال درخشان و رضایت بخش بوده است امید میرود به کمک افراد تعلیم یافته و استقبال بخش خصوصی از آنان این سیر تکاملی با سرعت بیشتری ادامه یابد و یقین است چنانچه اجرای این برنامه ها با پشتیبانی بیشتری دنبال گردد دیری نخواهد پایید که ایران بعنوان یکی از کشور های مهم تولید کننده میوه مقام خود را در بازار های بین المللی احراز خواهد نمود .



نمونه ای از دو باغ جدید و مدرن که طبق روشهای علمی احداث و مراقبت شده اند ، شکل ۵ در کرج . شکل ۶ . باغهای آستان قدس رضوی در مشهد

بیماری تخصص یا پولاریزه شدن



* افراد تحصیل کرده وقتی روی يك موضوع تحقیق و تعمق می کنند درست مانند چشمی که تمام نیروی خود را به رویت يك جسم معین اختصاص دهد نوعی تمرکز اندیشه روی مساله پیدا می کنند نتیجه طبیعی این امر آنست که موضوع مورد تحقیق خود را بزرگتر و مهم تر و مسائل دیگر را در مقایسه با آن کم اهمیت تر می انگارند .

* از داخل بلورها دیده ایم با جمال نور پولاریزه نوری است که پس از عبور از بلورهای خاص بجای آنکه نظیر حالت عادی نور در تمام جهات فضا ارتعاش و نوسان کند فقط در يك جهت معین و مستقیم نوسان می نماید .

* پولاریزه شدن افکار پدیده ایست که در اثر آن تمام دید و استنباط يك فرد تحت تأثیر رشته تخصصی او قرار می گیرد و اکثر یا تمام پدیده هایی را که دوربر او رخ می دهند از دریچه رشته تخصصی خود می نگرد .

* بروز بیماری تخصص در تمام رشته های علمی یکسان نیست برخی از شعب علوم زاویه دید محدود تر و برخی دیگر افق دید وسیع تر دارند .
* محققین جامع ترین مسائل نیز از آثار بیماری غلو در تخصص مصون نمانده اند .

* قسمت مهمی از علم امروزی به استنباط و نتیجه گیری هایی تعلق دارد که از پولاریزه شدن فکرها تاثیر پذیرفته و بهمین دلیل از حقیقت علم فاصله گرفته است .

* جامعه های پیشرفته نه تنها در امر تحقیقات علمی با مشکل پولاریزه شدن روبرو هستند بلکه در زندگی عادی جامعه نیز با آثار این پدیده برخورد می کنند .

* این افراد برشته تخصصی خود اهمیت بیش از حد قائل اند هر کدام ناخود آگاهانه بمسائل مربوط به تخصص خود بیشتر توجه می دارند .

مکانیسم بینائی چشم انسان براساس قوانین اپتیک فیزیک استوار است و نحوه کار چشم وقتی کاملاً ساده در نظر گرفته شود با طرز عمل عدسیها مشابهت دارد. یک عدسی ساده تصویر اجسامی را که در مقابل آن قرار گرفته‌اند در پشت سر خود ایجاد می‌کند و با استفاده از همین خاصیت دوربین عکاسی را ساخته‌اند که تصویر اشیاء را روی فیلم و کاغذ حساس منتقل می‌کند.

مطالعه سطحی روی یک عکس معمولی حقیقت ساده و آشکاری را بخوبی نشان می‌دهد و آن اینکه اجسام وقتی نزدیک عدسی دوربین قرار دارند تصویر آنها بزرگ است و زمانی که در فاصله زیادتری از دوربین واقع شده باشند تصویر کوچکتر بدست می‌دهند همین واقعیت ساده در کار چشم انسان نیز قابل مشاهده است ساده‌ترین مثال تصویر هواپیما است وقتی هواپیما را در آسمان نگاه می‌کنیم کوچک بنظر می‌رسد ولی کنار باند فرودگاه وقتی بتماشای هواپیما می‌ایستیم آنرا بزرگ و غول پیکر می‌یابیم.

چشم ما نه تنها اجسام نزدیک را درشت می‌بیند بلکه وقتی کاملاً نیروی بینائی روی یک جسم نزدیک تمرکز یابد از رویت واضح اشیاء دیگر که در دوروبر قرار دارند ناتوان می‌گردد.

تجربه ساده زیر درك و تجسم این مطلب را آسانتر می‌سازد. مداد کوچکی بردارید و مقابل دیدگان خود بگیرید بتدریج فاصله آنرا با چشمان خود کمتر کنید وقتی تمام نیروی بینائی روی مداد متمرکز شود نه تنها ابعاد آن درشت‌تر بنظر می‌رسد بلکه اشیاء دیگری که در شعاع دید چشم قرار دارند مبهم و غیر واضح دیده می‌شوند نظیر آنست که در هاله‌ای از تصویر مداد گم شده باشند.

این قاعده جالب و در عین حال کلی بینائی است که اجسام را از نزدیک درشت‌تر می‌بیند و وقتی بروی یک شیئی دقت بیش از حد گذارد دیگر اشیاء محیط را بروشنی نظاره نمی‌کند.

جالب‌تر آنست که این قاعده بینائی جسمی بر بصیرت دل نیز حکمرواست. افکار مغز های اندیشمند، آنانکه بسطح ممتازی از تبحر و تخصص در مسائل گوناگون می‌رسند از این خطای بینائی دل مصون نمی‌مانند. افراد تحصیل کرده وقتی روی یک موضوع تعمق می‌کنند درست مانند چشمی که تمام نیروی خود را به رویت یک جسم معین اختصاص دهد نوعی تمرکز اندیشه روی مساله پیدا می‌کنند نتیجه طبیعی این امر آنست که موضوع مورد تحقیق خود را بزرگ‌تر و مهم‌تر و مسائل دیگر را در مقایسه با آن کم اهمیت‌تر می‌انگارند تعبیر دیگر این کیفیت آنستکه زاویه دید متخصصان جهت معین و ثابتی برای خود انتخاب می‌کند و خارج از حدود آن جهت و زاویه خاص

را چنانکه باید رویت نمی‌کند. طبقه تحصیل کرده و محققین فرانسوی در محاورات عادی این پدیده را با اصطلاح «پولاریزه شدن» بیان می‌کنند کلمه «پولاریزه» از لغت «پول» به معنای قطب گرفته شده و معادل آنرا در زبان فارسی «قطبی شده» انتخاب کرده‌اند (ولی کلمه جهت‌دار بنظر نگارنده اغلب بهتر از اصطلاح قطبی شده بیان مقصود می‌کند) اکثر ما کار برد کلمه پولاریزه را در مطالعه نورو انتشار آن از داخل بلورها دیده‌ایم با جمال نور پولاریزه نوری است که پس از عبور از بلورهای خاص بجای آنکه نظیر حالت عادی نور در تمام جهات فضا ارتعاش و نوسان کند فقط در یک جهت معین و مستقیم نوسان می‌نماید استعمال کلمه پولاریزه یا جهت‌دار نیز از همین جا است و بهمین قیاس انگیزه اطلاق کلمه پولاریزه به کیفیت استنباط و بینش محدود متخصصان نیز این است که دید علمی آنها نظیر نور پولاریزه فقط در یک جهت معین نافذ است و خارج از حدود تخصص جولان فکری ندارند.

بهر حال کاربرد کلمه پولاریزه در این معنای جدید ظاهراً تازگی دارد و هنوز جای خود را در انسیکلوپدی‌ها باز نکرده ولی مفهوم آن بشرحیکه گذشت حداقل برای قشری از مردم که این گرفتاری مبتلا به آنانست بیش و کم آشنا است.

پولاریزه شدن افکار پدیده‌ایست که در اثر آن تمام دید و استنباط یک فرد تحت تأثیر رشته تخصصی او قرار می‌گیرد و اکثر یا تمام پدیده‌هایی را که در دوروبر او رخ می‌دهند از دریچه رشته تخصصی خود می‌نگرد. یا به بیان دیگر تمام جهان را در هاله مبهمی از تخصص خود گم می‌کنند.

پولاریزه شدن فکر را یک نوع بیماری می‌توان دانست و نظیر غالب بیماری مراحل و درجات متفاوتی در آن می‌توان شناخت. آثار آن در نوشته‌ها و رفتار و درك محققان و متخصصان با اندکی دقت سهولت قابل شناسائی است در محیط کوچک کار و فعالیت خود و در میان دوستان دانشگاهی‌ام مثالهای ساده‌ای می‌توانم بیاورم که بخوبی این واقعیت را بازگو می‌کند.

دوستی دارم که چند سال قبل مساله استاندارد کردن تولیدات کشاورزی را بعنوان رساله دکترا مورد مطالعه قرار می‌داد پس از دو سال کار مساله استاندارد را مشکل اساسی جامعه ایرانی می‌دانست و تصور داشت که تنها توجه به مساله استاندارد چاره‌گزار کلیه مشکلات اقتصادی جامعه است.

بسیاری از مسائل مهم که در بادی امر با موضوع استاندارد مرتبط بنظر نمی‌رسند با این مساله وابسته می‌گردند.

و برآستی بازتاب گسترده‌ای از مشکل استاندارد در غالب مسائل تولید عرضه داد و ستد و غیره ارائه می‌نمود. تمام برداشت او

از این مساله باغلو «خاصی» همراه بود نباید اشتباه کرد که این رفتار بمنظور فهم جلوه دادن کار و تحقیق و از روی خودآگاهی صورت می‌گرفت یقین دارم که این غلو ناخودآگاهانه بود و محقق مورد نظر اگر مشکلات دیگر را از نظر دور می‌داشت باین دلیل نبود که اهمیت آنها را در مقابل مطلب مورد تفحص خود کوچک جلوه دهد.

رفیق دیگری دارم که در امراض کودکان تخصص دارد، وقتی از تخصص خود صحبت می‌کند اهمیت زیاد آنرا بی اختیار برخ مستمع می‌کشد و سایر رشته‌های تخصصی «طب» را کم اهمیت می‌داند بنظر او تأمین سلامتی یک فرد مسن از نظر افزایش و انرژی مفید چندان قابل توجه نیست.

یک طبیب بیماریهای داخلی وقتی بیمار شصت‌ساله‌ای را معالجه می‌کند حداکثر ده سال به عمر یک انسان می‌افزاید و از ده سال زندگی چنین انسانی نفع مهمی عاید جامعه نیست. ولی نجات یک طفل بیمار از چنگال مرگ نجات یک عمر تمام انسانی و جلوگیری از اتلاف یک انرژی سی چهل‌ساله و مفید است. چنین نگرشی بموضوع ناشی از تعمق چندین ساله یا چندین ده ساله روی این مساله خاص است. وقتی با دوست دیگری که متخصص امراض قلب و عروق است به گفتگو می‌نشینم با اینکه هر دو طبیب‌انسد اختلاف دید مهمی بین آنها می‌یابم بنظر رفیق اخیر امراض قلبی مهمترین گرفتاری اجتماع بشری عامل مهم مرگ و میر در سالیهای اخیرند ارقام و آمار بكمك اومی‌شتابند زمانی که از اهمیت اقتصادی بیماریهای قلبی صحبت می‌کند به بسیاری از نارسائیه‌ها ضعف نیروی کار در افراد تحصیل کرده جامعه و کارگران صنایع سنگین را ناشی از بیماریهای قلبی می‌داند. اگر پای صحبت یک متخصص

بیماریهای اعصاب بنشینید ناراحتی‌های عصبی را از دید او مهمترین بلای نسل حاضر خواهید دید و مختصر کلام آن که غلو خارج از حد راهمه‌جا عمومی خواهید یافت، کتابها و مخصوصاً رساله‌های تحقیقاتی را که روی مسائل باریک و عمیق تخصصی بحث می‌کنند ورق بزنید اغلب همه دارای مقدمه یا موخره‌اند نظری کوتاه به محتوای آنها آثار پولاریزه شدن فکر را بخوبی نشان خواهد داد.

بروز بیماری تخصص در تمام رشته‌های علمی یکسان نیست برخی از شعب علوم زاویه دید محدودتر و برخی دیگر افق دید وسیع‌تر دارند طبعاً کسی که در امور روانشناسی یا جامعه‌شناسی تحقیق می‌کند باقتضای طبیعت کار خود افق دید گسترده‌تری نسبت به متخصصین بیولوژی یا پزشکی و غیره پیدا می‌کند.

و بهمین دلیل آثار پولاریزه شدن فکر کمتر باید در بین آنان تجلی کند. ولی

بحکایت تاریخ علوم حتی محققین جامع ترین مسائل نیز از آثار بیماری غلو در تخصص مصون نمانده اند.

توجه بیش از حد فروید با اهمیت تمایلات جنسی در روانشناسی و یا اغراق مکتب کمونیسم در موضوع روابط تولیدی جامعه همه گونه های مختلفی از این مسأله اند. در تمام پژوهشهای علمی جهان دیده باریک بین سهولت آثار غلودر تخصص را باز می شناسد. و اگر روزی منصفانه در روی این مسأله داوری شود و سهمی از گفته ها که معلول آثار پولاریزه شدن محققان است بکنار رود بسیاری از آنچه که امروز در ردیف «دانشته ها» جای گرفته اند و در واقع امر آلودگی های دانش بشوند پالوده خواهند شد و خواهیم دید قسمت مهمی از علم امروزی با استنباط و نتیجه گیری تعلق دارد که از پولاریزه شدن فکرها تأثیر پذیرفته و به همین دلیل از حقیقت علم فاصله گرفته است.

پژوهشهای امروز وقتی برپایه چنین معلوماتی پیش رود بالطبع نمی تواند از راه خطا کاملاً مصون ماند و این یکی از بزرگترین مشکلات کارهای پژوهشی است. جامعه های پیشرفته نه تنها در امر تحقیقات علمی با مشکل پولاریزه شدن روبرو هستند بلکه در زندگی عادی جامعه نیز با آثار این پدیده برخورد می کنند.

جوامعی که بنیان آنها صرف نظر از مرامهای فلسفی بیش و کم برپایه عدالت اجتماعی گذاشته شده مسئولیتها و مشاغل مهم جامعه را بقرهای متخصص محول می کنند و از آنجا که این افراد برشته تخصصی خود اهمیت بیش از حد قائل اند هر کدام ناخودآگاهانه به مسائل مربوط به تخصص خود بیشتر توجه می دارند. و طبیعی است که دسته ای دیگر از مسائل جامعه از توجه و دقت کافی محروم می گردند.

برای احتراز از این گرفتاریها همزمان با تقویت دید تخصصی افراد ایجاد نوعی بینش عمومی نیز ضروری است و به موازات تعمق در مسائل باریک تقویت درک کلی و حس جهان بینی نیز لازم است این تقویت عمومی فکراز بروز آنچه که بیماری تخصص نامیده ایم جلوگیری می کند و از طریق گسترش افقهای دید بزرگ عمیق تر و جامع تر مسائل تخصصی نیز کمک می نماید.

اکثر مؤسسات آموزش عالی با درک این واقعیت در مقام چاره برآمده اند و صاحب نظران تدریس فلسفه علوم و تاریخ علوم را در چهارچوب برنامه های دانشگاهی مفید و موثر دانسته اند. جای نهایت خوشوقتی است که در برنامه های جدید دانشگاه ها فلسفه علوم و تاریخ علوم را نیز در ردیف درسها می یابیم و آرزو آنکه در عمل نیز توجه و اهمیت کافی در حق آنها مبذول شود.

از : لطائف الطوائف

روزی وزیر خلیفه بهلول را گفت :

«دل خوش دار که خلیفه ترا تربیت کرد و بر سرخوگ و خرس حاکم گردانید» .
بهلول گفت :

«اینزمان حاضر خودباش وقدم از فرمان من بیرون منه که رعیت منی» .
خلیفه و اهل مجلس بخندیدند و وزیر منفعل شد .

یکی از علمای بزرگ عصر حکایت کردست که مرا «عزیز مصر» برسالت نزد «هرقل» عظیم روم فرستاد . چون به بارگاه او درآمدم ، پیش تخت او دیوانه ای دیدم که یکسر زنجیر زرین برپای او نهاده بودند و یکسر زنجیر برپایه تخت بسته و از او حرکات شیرین و افعال موزون صادر می شد . من به او متوجه شدم ، وقتی که هرقل به امری مشغول بود و با جمعی سخن می گفت . پس زبان خود بیرون آوردم و حرکت دادم . او به آواز بلند گفت : «سبحان الله ! کرا بسته اند و کرا گشاده !»
شخصی نزد پادشاهی رفت که :

«من پیغمبر خدایم ، بمن ایمان آر» .

گفت :

«معجزه تو چیست ؟»

گفت :

«هرچه خواهی .»

پادشاه قفل مشکل گشایی پیش او بنهاد و گفت که :

«اگر راست می گویی این قفل را بی کلید

بگشای .»

گفت :

«من دعوی پیغمبری می کنم نه دعوی آهنگری !»

یکی از ندمای خلیفه بهلول را گفت :

«اینجا چه نشسته ای ؟ برخیز و نزد

خلیفه برو که هر دیوانه را پنج درم می دهد .»
گفت :

«اگر راست می گویی تو برو که ترا

ده درم خواهد داد .»

شخصی نزد خلیفه بغداد رفت که من پیغمبرم .

خلیفه گفت :

«معجزه تو چیست ؟»

گفت :

«هرچه اراده کنی .»

گفت :

«تخم خربزه را در پیش من بکار که

فی الفور سبز شود و گل کند و خربزه بندد و

پخته گردد» .

گفت :

«مرا چارروز مهلت ده .»

گفت :

«مهلت نیست»

گفت :

«ای بی انصاف . خدای عزوجل را با

وجود قدرت کامله اش چارماه مهلت میدهی تا

خربزه می رساند و مرا چار روز مهلت نمی دهی ؟»

جلوه‌هایی زندگانی ابوسعید ابوالخیر

تحقیق و نگارش

از : دکتر سید محمد دامادی

استبان و ادبیات فارسی دانشگاه جندی‌شاپور (اهواز)

ابوسعید فضل‌الله بن ابوالخیر معین احمد میهنی صوفی نامبردار ایران در اواخر قرن ارم و اوایل قرن پنجم هجری است که در روزیکشنبه اول محرم سال سیصد و پنجاه و هفت هجری قمری^۱ (برابر با ۵ دسامبر سال ۹۶۷ نهصد و شصت و هفت میلادی)^۲ در میهنه‌آده شده است و در روز پنجشنبه چهارم ماه شعبان سال چهل و چهل هجری قمری (برابر با دوازدهم ژانویه سال هزارچهل و نه ۱۰۴۹ میلادی)^۳ شب آدینه‌نگام نماز خفتن^۴ دنان شهر درگذشته است.

ابوسعید از آن چالاک رهروانی است که به‌قدم صدق و اخلاص^۵ راه بادیه طلب را در نوردید و به‌غوتان و قدوصلت^۶ مراحل تحصیل و ریاضت و مجاهدت را پایان برد. وی در شمار مردان فرشته صید و پیمبر شکار وین‌گیر^۷ و از مفاخر ایران است که اندیشه‌های پاک و آسمانی تصوف ایرانی را

استقلال و امتیاز و تابشی خاص بخشیده است. با توجه به تأثیر او در ادبیات فارسی و احترام و اهمیتی که نویسندگان قدیم تراجم صوفیه برای او قائل شده‌اند،

ناگفته پیداست که او تاجه پایه و مایه در اشاعه و تکامل و تکوین تصوف تأثیر نهاده است. علاوه بر آنکه در مدت زندگانی طولانی و سرشار از بدایع خود فردی مفید و مؤثر و مثبت و گره‌گشا برای انسان‌های هم‌روزگار خود بشمار می‌رفته است.

مقاله ذیل تنها به ذکر «جلوه‌هایی از زندگانی ابوسعید ابوالخیر» اختصاص دارد که برای انتشار در نشریه تلاش در نظر گرفته شده است و امیدوار است که مقبول طبع مردم صاحب هنر شود.

دکتر محمد دامادی



۱ - نقش ابوسعید در تربیت مردم

ابوسعید به یاری روشن بینی و مهارت خاص خود و با نشر اخلاص و ترویج ایثار^۹ نقشی اساسی و مثبت در تربیت مردم برعهده داشته و تأثیری شگرف و قابل ملاحظه در میان مردم روزگار خود برجای نهاده است. از سراسر سخنان شیخ، صدق و صفا آشکار است. صدق وصفای کسی که ریاورزی و پرده پوشی نمی کند و هر چه را به حس و عقل خود، در تربیت مردم مفید می شناسد، بدون بیم و هراس بر زبان می آورد. فکر روشن و درخشان او در قالب بیان ساده و بی پیرایه می درخشد و چنان عاری از تکلف سخن می گوید که انسان را بدون آنکه لحظه ای در سطح لفظ و ظاهر توقف نماید، به غور و باطن می برد و به فکر و تأمل وامی دارد و سرانجام تحت تأثیر قرار می دهد. از لحن این سخنان او که در اسرار التوحید، فرزند زاده اش محمد بن منور آمده، پیداست که شیوه تربیت او با قاطعیت و قدرت همراه بوده است. لحن کلام خطابی در سخنان تربیتی او آمرانه است. سخن شیخ قوت و صلابت و عظمت بی مانند دارد. و مانند سیل گران و تند است که از فراز برخاسته و در مسیر خود به فرود، خس و خاشاک لفظ را نیز همراه با خود ببرد و سرانجام روان گردد و طراوت و تازگی پذیرد. گویی شنونده در برابر او، چون صعوه بی در چنگال باز است که یارای کوچکترین حرکت و تخلف در خود نمی بیند و شیخ آن چنان روح او را به تصرف در آورده و بر مخاطب استیلا معنوی یافته که مطیع محض و بی چون و چرای اوست^{۱۰}.

لحن کلام او نیز خشک و خالی از لطف نیست و همواره با عبرت از یک واقعیت خارجی از پدیده های محیط یا رویدادها و مسایل دیگری که روزانه همه ما با آن ها به میزان وسیعی سروکار داریم و متوجه ظرافت ها و نکته های مکتوم در آن نیستیم توأم است اما ذهن وقاد ابوسعید، از آن ها دقیقه ها برگرفته است و در استفاده از همه مقدمات و امکانات محدود محیط زمان خود، بنحوی نامحدود و همراه با ظرافت و نکته سنجی، هنری کم نظیر نشان داده و گفتار عبرت آموز خود را از ملال و خشکی سخن واعظان و ادیبان برکنار داشته است.^{۱۱}

مستمعان و مستفیدان از مجالس ارشاد ابوسعید، بیشتر عوام مردم^{۱۲} بودند. مردمی که خانقاه شیخ را تنها پناهگاه و ابوسعید را تکیه گاه روح خود یافته و شناخته بودند. خلایقی که اسرار التوحید حاوی احوال دقیق و کیفیت معیشت آنها در آن روزگاران است.^{۱۳} مردمی ساده و بی پیرایه و آزاد از

قیود - که بسائقه فطرت سلیم و طبیعت مستعد و مستدار ابوسعید گردیده، به خدمتشان میان جان کمر بسته بودند. انسان های - همچون ما - در تاروپود زندگی بودند - تباهاکار و نیکوکار از خوداخته آن روزگار بود - از راز رازها - سر در - نداشتند و در سرینجه تقدیر و سرنوشت گرا آورد و بادستیابی به درون اشیاء - و نفوذ بودند و مجبور - همانها که از يك به آن سوی هستی ها - و راه یافتن به ساحت سودجویان و خود کامگان آنها را نادان و وعلتها و حقیقتها - به تمایز اندیشه از لوح و بی اهمیت می شمردند و به اقتضای موقعیت، این گروه پاك نهاد باصفای را وسیله ارضاء اغراض و خود کامگی خود قرار می دادند و از جانب دیگر در پرستان و اهل تشرع آن روزگار به استه یك مشت معلومات ناقص یا آلوده به اغر خود، آنها را قابل تعقیب و گناهکار می دانستند. ابوسعید با نثار محبت به این خلایق، در حقیقت به میزان وسیعی از درد های نهانی و پنهانی این گروه می کا، رفتار و گفتار و کردار او چنان بود که «ب کس رادست گرفته و از غرور عقل برآه آو بود»^{۱۵}.

ابوسعید بخوبی می دانست که هنر تر بدان و فاسقان و تحمل وجود آنهاست. خود

که بخودی خود خوبند. در داستان ذی نمونه ای از گذشت و تحمل پیرمیهنه را برابر لغزش های مریدان اومی خوانیم: «وقتی شیخ به شهر طوس رسید، حمزه را طلب کرد گفتند شیخ او را بنت دید مدت چهل شبانروز است تا او به مشغول است و صبح بر صبح دارد و غلا و کنیزکان را خمر داده است و همه را بر کرده است و مست بهم در نشاند. شیخ گفت: عجب! بر چنان در گاهی گناه کم ا نباید کرد. و بیش از این نگفت و هیچ اعتراض نکرد چون سید حمزه را خبر دادند که، ابوسعید رسیده است حالی به ترک آن بگفت و دیگر روزا خدمت شیخ آمد و، بقرار هر بار مراعاتش کرد و آن سخن روی او نیاورد و آن نظر که در حق سید دا هیچ نقصان نپذیرفت»^{۱۶}.

این داستان نمودار آنست که دین ا، وزهد و پارسایی در سال های جوانی - ابوسعید را نرم کرده و رفتار مردم را به توجیه و گذشت می دانست و برای اثبات خویش از زبان پیشوای اسلام پیغمبر می گفت: «هر که قبول نکند عذر مجرم که بعد از پش آید راست یا دروغ از حم من آب نخورد»^{۱۷}.

ابوسعید خویشتر خویش را فرو کو «و از همگی خویش دست نداشته بود». و اگر چه در طی سال ها با دانشمندان و ادیب و واعظان و کتابهای آنها در خراسان آشن تمام یافته بود و از مذاهب و عقاید ملل و ن گوناگون و نیز علوم زمان، آگاهی داشت و در برخی از آنها سرآمد اهل روزگار به اما آنچه ابوسعید را از معاصرانش امتیاز می بخشید این بود که او هر گاه مجال غو

ابوسعید از مردانی نبود که به جهان وجود، به ویژه عالم انسانی از دریچه خیال بافی و رؤیا بنگرد - او با توجه و واقع بینی خاص خود - همه چیز و همه کس را در جای خود مطلوب و نیکو و بجا می دید.^{۱۹} مگر نه این بود که اگر بر مردم خرده می گرفت، عیب نقاش می نمود^{۲۰}؟

خاطر از مدرسه رمیده او، وی را به میان مردم کشانید.^{۲۱} و ازین پس همواره سعی داشت با شناخت درست عالم انسانی، به درمان دردهای روحی آنها بپردازد و در این طبابت روحی نیز رفتار مردم را منطبق بر اوراق و صحایف کتاب و دفتر - که جهان ایدئال را تصویر می کند و آدمی را از واقعیات ملموس و محسوس بدور می دارد - نمی دانست. ازینرو حکم نویسندگان کتابها را در برخورد و رفتار با مردم معتبر نمی شناخت. او جنبه عملی علم را می نگریست نه خیال بافی و رؤیای حاصل از دروس نظری را که نتیجه مستقیم آن سرزنش و نیکو هوش اواز مردم و دوری هر چه بیشتر از آنها و تنفر و فاصله مردم از او می بود.

ابوسعید بهتر و بیشتر از هر کس دیگر، نبض مردمی را که در میان آنها بر می برد در دست داشت، و استعداد هریک را نیکو می شناخت. ازینرو باقلبی سرشار از ايمان بدصالت طریق خود و سری پر شور از مصلحت خواهی و خیر اندیشی، مصالح مردم را از همان راه و طریق که با آن عادت یافته و در طی سالهای عمر خود با آن روش خو گرفته بودند با آنها باز می نمود و ریشه مفاسدی را که موجب گمراهی و عذاب روحی آنها می شد با تدبیر و هوشیاری از میان آن ها بر می کند.

پیرمیهنه بمنظور تهذیب مریدان و تربیت مستفیدان، «روش تمثیل» را می پسندید و بکار می بست نه شیوه تعلیم را^{۲۲} و ظاهراً در این مورد ابوسعید پیشرو و پیشوای عارفان بعد از خود مانند سنایی و عطار و جلال الدین محمد بلخی و دیگر عارفان شاعر باشد چه این دسته از شاعران عارف نیز ترجیح نهاده اند که حقایق زندگانی و معانی دقیق عرفانی را در قالب داستان های دلنشین و افسانه های متداول در میان مردم بیان کنند.

- رفتار ابوسعید با مردم روزگار خود ابوسعید از لحاظ حدت ذهن و فراست و سرعت انتقال و اصابت نظر بر معاصران خود تفوق و برتری بارزی داشت. علاوه بر آنکه

صاحب طبعی لطیف و خویی پاکیزه بودن نگراری بتو التفات نکنند اگر چه پیوسته با طبقات گوناگون مردم و قشرهای هندی است.

مختلف جامعه و صاحبان مشاغل و اصناف و از این سخنان، شم سیاسی و روشن بینی پیشه‌وران آن روزگار، رفت و آمد و نشست‌دم شناسی ابوسعید بخوبی آشکارست، و برخاست داشت. شاه، وزیر، رئیس، شیخ، بهر آنکه نمودار شیوه پایداری و دستگیری صوفی، عارف و توده تهی‌دستان و بینوایان از بینوایان و محرومان است که به مقتضای آن عصر همواره با ابوسعید در ارتباط و تماس و منزلت و حشمت و جاهی که داشته، نزدیک بودند. از مطالعه مجموعه این روابط حکام و اکابر و اعیان رجال به معرفی و او با مردم حسن خلق و بزرگواری و سعه صدرت از فقرا و بیچارگان می‌پرداخته و تا نیکو نهادی او آشکار است.

ابوسعید در رفتار با مردم روش خاص و رفتارش با ترکمانان سلجوقی در آغاز هدف معین داشت هدف او در «ارباب» و «تجیب» خلاصه می‌شد. «ارباب زورمندان» و «تجیب نیازمندان» و بهر صورت «او مردم بزرگی بود که عتایش با مردم زمانه بسیار خرد بود.»

اما روش زندگانی او عبارت بود از : تشخیص دشمن اصلی - که در آن عهد ارباب روز و زور و صاحبان جاه و مقام و مسند نشینان و ظاهر پرستان بودند - و یکار بردن تمام وسیله‌ها برای جلب توجه آنها - بی طرف کردن دشمنان کوچک و فرعی و دوست ساختن افراد بی طرف و بی تفاوت با گذشت‌های متواتر و محبت‌های پیاپی و سرانجام بهره بر گرفتن از جمله جوانب ضعف حریفان و کشف جریان‌های مخالفی که در درون قلمرو آنها بی گمان وجود داشت و استفاده کامل از آن جریان‌ها بمنظور وصول به هدف متعالی خود که همان ایجاد وسایل رفاه برای تهی‌دستان حق پرست و صاحبان ذوق و حال و بسط و اشاعه تصوف در میان مردم آن روزگار بود.

ابوسعید مردم را دوست می‌داشت. وی نیکو دریافته بود که دوست داشتن مردم و تاب تحمل خواست‌های آنان خود والاترین هنر هاست. او با رفتار نیکوی خود، روح مردم را مسخر ساخته بود. از سخنان خود او است : «هر که را خلق بود همه چیز او را بخلق پیش آید.»

ابوسعید از دل و جان و بواقع میان بخدمت مردم بر بسته بود با معاریف مهم عهد نیز آشنایی و رفت و آمد و مابین معاصران خود به مزید جاه و حشمت و اعتبار، اختصاص داشت و از این آشنایی‌ها برای بهبود احوال مردم بهره کامل بر می‌گرفت. از فقراء و درویشان، خاصه جماعتی را که اهل معرفت و سیر و سلوک و در طبقه اهل علم و فضل بودند، دلجویی و تیمارداری و رعایت مردانه می‌کرد. پیرمیهنه هنگام گفت و گو با بزرگان عصر و آریاب قدرت ظاهری از زبانی تند و طبعی - تاه طلب بهره‌مند بود، چنان که خطاب به (بومصور ورقانی) که به نزد شیخ آمده بود می‌گوید :

«این خلق جمله ابتاء دولت تواند بجمله بنظر فرزندی نگر، به حطام دنیا و زحمت خلق فریفته میشود که خلق بنده حاجات خویشند اگر به حاجات ایشان و فانیایی قبولت کنند اگر چه بسیار عیب‌داری و اگر حاجات

بود مردمی که خداوند متعال در قرآن کریم بارها در حق آنها بایان «اکثرهم لایعلمون» و «اکثرهم لایعقلون» و «اکثرهم بی‌جهلون» تصریح می‌فرماید، کسی که بخواهد در میان این مردم بسربرد و با آنها به حشر و نشر بپردازد، ناگزیر از تحمل نادانی‌ها و کم خردی‌های آنها و داشتن روح گنشت و مدارا و مسامحه است. از این رو هنگامی که از او پرسیدند :

«یا شیخ کیف الطریق ؟» گفت : «الصدق والرفق . الصدق مع الحق والرفق مع الخلق و قد اتفق المشایخ علی ان المروءة احتمال زلل الاخوان و لایسود الرجل حتی یكون فيه خصلتان : الیأس عمافی ایدی الناس والتغافل عما یكون منهم .»

ابوسعید در این راه تا آنجا پیش رفت که گفت : «هر چه خلق را نشاید خدای را نشاید و هر چه خدای را نشاید خلق را نشاید.»

پیرمیهنه از آن کسان نبود که به ادعای پیشوایی و به بهانه هدایت عامه مردم به حقایق و معارف قیام می‌کنند، اما چون خود آن ایمانی را که لازمه این طی طریق است ندارند، همچون راهزنانی طرار مردمی را که از سادگی ضمیر و صفای باطن و ایمان قلبی به خدا بر خور دارند، فریفته و زاده و راحله آنها را به غارت برند. بلکه او به مقام اتحاد واقعی رسیده بود، یعنی خدا را مایه رحمت و سرچشمه فیض و برکت برای مردم و مردم را آفریده برتر خداوند می‌دانست و بجای آنکه مردم را از خدا بترساند، پیوند میان خالق و مخلوق را استوارتر می‌ساخت از سخنان او است : «به عدد هر ذراتی از موجودات راهی است بحق اما هیچ راه نزدیک تر و سبک تر از آن نیست که راحتی بکسی رسد و مابین راه رفتیم و همه را بدین وصیت می‌کنیم .»

از ورای خاموشی و فراموشی روزگاران گذشته، پیام دلنشین و عبرت آموزی که ابوسعید در بیان شیوه رفتار با مردم - بر زبان آورده است، همچنان در گوش جان‌ها طنین می‌اندازد :

عاشقی خواهی که تا پایان بری بس که پسندید باید ناپسند زشت باید دید و انگارید خوب زهر باید دید و انگارید قند رقت احساس و انسان دوستی ابوسعید در اسرار التوحید، ابوسعید را محبوب و مقبول در میان خاص و عام مردم زمان خود می‌یابیم و داستان‌های متعدد و دلکشی بتفصیل و ایجاز و توالی و تکرار در این باره می‌خوانیم. طبقات مختلف مردم از برگزیدگان تا فقرا و عوام، مرد و زن، نیکو کار و تباهاکار صالح و طالح، فقیر و غنی، گبر و ترسا و جهود و مسلمان، کارگر و دهقان و خلاصه از شیخ تا به شاهد بازاری، چشم بر حکم و گوش و فرمان پیرمیهنه به جان و دل ایستاده بودند. راستی اگر درست باشد آنچه را که بعدها گفته‌اند : زندگانی به مراد همه کس

توان کرد،^{۴۴} اهمیت نفوذ و قبولیت ابوسعید را در میان مردم بهتر و بیشتر احساس می کنیم که او این توفیق اجتماعی کم نظیر را یافته است که بارفتار بزرگوارانه و کریمانه اش، در هنگام تماس و دیدار با اصناف گوناگون جامعه، توجه همگان را به شخصیت بارز خویش جلب کند و همه آنها را فرمانبردار و مطیع خویش سازد. ابوسعید خود به مقام اجتماعی و مکانت معنوی خویش در میان مردم آگاه بود و در بیان علت این مایه قبولیت و احترام مردم گفته است:

«هیچ کس در چشم ما خرد نیست و هر که قدم در طریقت نهاد اگر چه جوان باشد بنظر پیران باید نگاه کردن که آنچه به هفتاد سال بهماننداده اند روا بود که بروزی بدو دهند. چون اعتقاد چنین باشد هیچ کس در چشم خرد ننماید»^{۴۵}

ابوسعید به عالم انسانی عشق می ورزید. مردم را بواقع دوست می داشت بیشتر اوقات زندگانی روزانه خود را در میان آنها سپری می کرد.^{۴۶} به دقایق روحی و جزئیات اخلاق و رفتار و حتی اوهام و خرافات آنها بطور کامل آشنایی و بصیرت داشت^{۴۷} و بر اساس این آگاهی ها، متناسب با شرایط خاص زمان و مکان و مقتضیات و مصالح عالم بشری با آنها نشست و برخاست و گفت و گو می کرد. در سایه این انسان دوستی از محبت بی پایان مردم برخوردار بود و حل دشواری های روزانه مردم را از وظایف اساسی خود می شمرد. از جلوه های بشر دوستی او یکی آنکه وقتی در بازار نیشابور کنیزگی را نزد برده فروشی مشاهده کرد که همراه بانوای چنگ چین می خواند:

امروز در این شهر چومن یاری نی آورده به بازار و خریداری نی آن کس که خریدار بدورایم نی و آنکس که بدورای خریدارم نی

ابوسعید به یکی از مریدان آواز داد که هزار دینار از واجبات بدین خصم کنیز کرده و در حال وی را خرید و بزنی به مردی داد که کنیزك دوستار او بود^{۴۸}

روزی دیگر که مادر و پدر دختر بی علوی نزد شیخ در نیشابور به تقاضای کمک آمده بودند، شیخ دختر را پیش خود نشاند و خطاب به مریدان گفت این پوشیده از فرزندان پیغامبر است و شما دعوی دوستی اومی کنید و در وقت صلوات دادن بروی آوازا بلند می کنید، اکنون برهان آن دعوی بنمایید که در حق جد او می کنید به نیکویی کردن با این فرزندان و باذریت او. پس شیخ جامه از سر بر کشید و بدان دختر داد و آن جمع که آنجا حاضر بودند، موافقت کردند و دختر بمراد تمام رسید.^{۴۹}

زمانی دیگر در حمام کوی عدنی کوبان «جبه صوف را بادستار قیمتی به موی ستر بخشید تا برگ عروسی کند»^{۵۰} و خود عریان ماند و چون بونصر شیروانی مردی منعم و از معارف بزرگانان که در نیشابور متوطن

صفحه چهل و چهارم

شده و نعمتی وافر داشت^{۵۱} «صد دینار نقد گویم؟.... گفت: هیچ کس بن هیچ کس حمام به خدمت شیخ بنهاد» گفت: «این و وقتی دیگر در جواب درویشی به نام حمزه را به استاد حمامی باید دادن، کم از آن التراب که در نامه یی به ابوسعید بر سر رقه چون شاگرد عروسی می کند استاد نیز شربت تواضع را بنوشت که «تراب قدمه» - شیخ بسازد»

حسن ترحم و احسان و عطوفت و دلنمویی ابوسعید، اختصاص به نزدیکان و مریدان و پیروانش نداشت بلکه رقت قلب و لطف او چنان عام بود که وی از احوال حیوانات و بدین ترتیب تواضع را می ستود و از غفلت نمی کرد و سگان و لگرد شهر نیز مشغول به تعلیم به پیروان و مریدان نیز به آوردن احسان و نرم دلی و تیمارداری وی واقف می شدند. چنانکه وقتی جوانی قصاب گویا را بقصد فروش به مردم «بر سر با آهن گران» بردار او پیخته بود، به دست ابوسعید حسن مؤدب آن مردار را خریا در گوی^{۵۲} انداخت و جانوران نیز لبی چوبه خدا پناه برد.^{۵۳}

در پایان این مقال بی مناسبت نیست اشاره یی به کیفیت درآمد ابوسعید و شیوه پذیرایی او از فقرا و تهی دستان بنماید که بدون تردید از درخشان ترین جلوه های بشر دوستی او بشمار می آید.

ابوسعید اعتقاد داشت که «به خدمت درویشان مشغول باید بود و خدمت ایشان را میان باید بست»^{۵۴} فتوح و ثنار فراوانی که از جانب مردم عصر، نصیب ابوسعید می شد هیچ گاه تکافوی بخشش ها و کرامت های بی دریغ او را نمی نمود. و وجوه و اموالی که در نتیجه اعتبار و مکانت و نفوذ معنوی پیر میهنه، ثنار قدم او می گردید برای تأمین هزینه های گزاف «دعوت های باتکلف»^{۵۵} و مهمانی های مجلل او که «هزار دینار زیادت در یک دعوت خرج می کرد»^{۵۶} کافی نبود.

زیرا ابوسعید از طرفی «مرد توکل» و بسیار کریم طبع و بافتوت و گشاده دست و نیک خواه و پاکیزه فطرت بود و به جمع وادخار رغبتی نداشت^{۵۷} و از جانب دیگر در مجالس میهمانی برای درویشان مقیم و مجتاز صوفی نهاد، بر سفره خانقاه خود، لوزینه و گوزینه و مرغ بریان و فواکه^{۵۸} الوان و گاه «سر بریان و سر بره با شکر کوفته که بر آن مغز بره می پاشیدند»^{۵۹} و حلوائی خلیفتی و گلاب و قلیه جگر بند^{۶۰} و کلیچه و حلوا^{۶۱} و شکنبه و^{۶۲} و مویز با^{۶۳} و زیره با^{۶۴} و حلوائی فانید^{۶۵} و مزعفر و قلیه گزر^{۶۶} و سرخربزه در شکر سوده و کاک کنجد سپید و پسته مغز دروی نشاند^{۶۷} می نهاد. و با این اطعام و احسان کریمانه او، حسن مؤدب که خادم خاص و پیشکار و سرپرست امین و صدیق در آمدهای خانقاه ابوسعید بود، گاه بدهکار و وام دار می شد و به فرمان شیخ نزد مردم که به بوسعید ارادت می ورزیدند و احیاناً به استهزاء و انکار شیخ می پرداختند^{۶۸} می رفت و از آنها برای گشایشی در کار خانقاه استعانت می کرد و بدین ترتیب وضع معیشت درویشان را بصورتی پسندیده فراهم می ساخت تا درویشان از مذلت گدایی رهایی یابند.^{۶۹}

از جنبه افسانه آمیز این داستان ها بگذریم، در همه این داستان ها، بنحوبار حسن سلوک او با همه مردم آشکار است و نمود این واقعیت است که این «پیر صوفیان» رفتار فتوت آمیز و جوانمردانه خود، توانا است، در دل عارف و عامی، مفتی و فقیه زاهد و دانشمند و تمام اصناف و طبقات جای خود را باز کند و از سلطنت معنوی روزگار خود برخوردار باشد.^{۷۰}

ابوسعید در زندگانی اجتماعی خود در سنین کمال آن مایه عاشقی ها و دلفری های روزگار جوانی را که در عالم بشری نیز همواره بخاطر داشت، از اینرو، به جوانان شاد خوار و بیدار دلان فارغ اندوه و ملال که به اقتضای جوانی بدن چشمان آهوشکار زیبا رویان مشک موی دل و جادو نگاهان سیم ذقن می رفتند و دوستند این راهزنان دلها و بی تاب کنندگان روهای لطیف بودند، هیچ گاه لب به اعتراض خرده گیری نمی گشود. بدین جهت خطا به امام قشیری که درویشی را بواسطه خطا خرقة بر کشیده و بسیار رنجانیده و از شایرون کرده و رسوا ساخته بود گفت:

«درویشی را که به نیم لقمه لوزینه، شهر برون توان کرد و به حجاز افکنند چندین رنجانیدن و خرقة بر کشیدن چرا؟» تردید نیست که با این نگرش به عالم انسانی، او هیچ گاه در ارزیابی مردم بر تخیل توأم با اشتباه مواجه نمی شد زیرا چنان که معلوم می شود، او انسان را با تمام خصایص وجودی نیک و بدش مدنظر داشت است و نه انسان ایدئال منزله را که یافت می نشود و جسته ایم ما.^{۷۱}

حشمت و مقام معنوی ابوسعید نیز، هرگاه مانع تواضع و فروتنی او نمی شد گویا از یک اعتدال روحی برخوردار بود و بواقع متحقق به یکسو نگرستن و یکسان زیستن که در بیان تصوف خود بر زبان آورده بود گردیده بود. از اینرو در عمل به مریدان و پیروان خود، آزادمنشی و مردم دوستی حسن خلق را می آموخت چنانکه در پاسخ یکی از مریدان که گفت: شیخ را چه لقب

دکتر سیدمحمد دامادی در سال ۱۳۲۰ در اسفهان در خانواده‌ای روحانی متولد گردید. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس آن شهر دنبال کرده و در خرداد سال ۱۳۳۸ باخذ دیپلم متوسطه ادبی نایل آمده است. تحصیلات دانشگاهی را در دانشسرای عالی تهران و دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران پیان رسانیده و با دفاع از رساله دکتری خود به عنوان «تحقیق و تتبع در اسرارالتوحید» باخذ درجه دکتری زبان و ادبیات فارسی در شهریور ماه ۱۳۴۹ نایل آمده است.

وی خدمات اجتماعی و فرهنگی خویش را با دبیری آغاز کرده و مدت ۸ سال در رشته‌های ادبی مدارس اسفهان و طهران بتدریس و تعلیم زبان و ادبیات فارسی پرداخته و از آغاز سال تحصیلی ۱۳۴۹ بتدریس در دانشگاه طهران اشتغال ورزیده و اکنون استادیار زبان و ادبیات فارسی و رئیس اداره انتشارات و روابط عمومی و آموزشی دانشگاه چندی شاپور اهواز است.

فهرست یادداشت‌ها و گزیده مراجع

۱- اسرارالتوحید فی مقامات الشيخ ابی سعید چاپ آقای دکتر ذبیح الله سفا تهران ۱۳۳۲ ص ۱۵

۲- دایرة المعارف اسلام ج ۱ ص ۱۰۴

۳- این کلمه که در کتب جغرافیا و دواوین شمر و تراجم هرفاء بصورت‌های میهنه، میهنه (دیسوان) عطار از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب شماره ۴۴ با اهتمام دکتر تقی تفضلی ص ۵۶۲ طبع ۱۳۵۲ ۸۵۹۷ از سر نام طبع میهنه ۱۳۳۸-۱۳۳۹ (۱۴۱) و میهنه (در بسیاری از مواضع خاصه منظومه‌های عراقی عطار مانند مصیبت نامه ص ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۶۸، ۳۷۷ و الهی نامه ص ۱۰۰، ۱۵۵، ۲۳۵، ۲۶۷ و منظوم الطیر ص ۳۹ چاپ دکتر الطهرین و چاپ دکتر مشکور ص ۱۶۸ و ۲۳۲ و ص ۲۵۹ گوهرین و ۳۲۷ مشکور) ضبط شده است، قرایندهای بوده است از فرای خابرن آن ناحیه‌یی بوده است بین ابیورد و سرخس و بسیاری از اهل علم و تصوف به آن شویند از این جمله است ابوسعید اسدین ابی سعید فضل‌الله بن ابی‌الخیر و ابوالفتح طاهر (معجم البلدان ج ۸ ص ۳۳۲ چاپ مصر ۱۳۳۳ ص ۸ ق.)

شادروان سعید نفیسی این کلمه را تفسیر لفظ «میهن» یعنی «زادگاه» دانسته است (مقدمه سخنان منظوم ابوسعید ص ۲).

این شهر امروز خارج از مرز ایران و در خاک جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان شوروی است در جنوب غربی مرو و در جنوب شرقی ابیورد و در شمال شرقی سرخس و در ۲۰۰ کیلو متری جنوب شرقی عشق‌آباد کنونی پایتخت ترکمنستان، بافاصله ۸ کیلومتری شهر اخیر واقع است (همان کتاب ص ۴ مقدمه).

اینک مردم محل به آن شهر «مانه» می‌گویند و به همین جهت مزار ابوسعید بنام «مانه بابا» معروف شده و شهر میهنه یا سرجهه جزو بخش قهقره است (سید نفیسی ص ۲۶۶).

۴- دایرة المعارف اسلام ج ۱ ص ۱۰۴

۵- اسرارالتوحید ص ۳۵۶ حالات و سخنان ص ۱۰۹ طبقات النافیه سبکی ج ۴ ص ۱۰۰ العالم‌الخلاص ص ۱۰۰ اغلاس لونی قله‌فلاغم له فی دینه و شرعه ... (اسرارالتوحید ص ۵۲، ۳۰۴ و ۳۰۵)

۶- اسرارالتوحید ص ۷۰ «بنده بدو قدم به خدای رسد»

۷- ابوسعید آورد عبارت «خطواتان و فیدوسله» را که شیخ فریدالدین عطار نیشابوری شاعر نامدار در تذکرة الاولیاء ج ۲ ص ۱۱۲ شن من بیان و ترجمه احوال ابوالنفیس حسین بن منصور حلاج از مشاهیر عارفان و صوفیه، مقتول در سبینه ۲۴ ذی‌القمده ۳۰۹ (طبقات الصوفیه ص ۳۰۷ - ۳۱۱) بوی نسبت داده است. عبارت تذکرة الاولیاء چنین است:

«پرسیدند (از حسین بن منصور) که طریق بغدادی چگونه است؟ گفت: «دو قدم است و رسیدی. یک قدم از دنیا بر گریخته یک قدم از عقی‌ایک رسیدی بسوی... این عبارت بصورت (خطواتان و قد و صلت)

در (جوامع‌الحکایات ج ۲ ص ۲۷۸) بدون انتساب به گوینده آمده است. مولانا می‌فرماید: چو ماریوم رمدل هزار فرسنگت چو خطوین دل آمد کجا بود فرسنگ؟

کلیات شمس ج ۳ غزل ۱۳۲۷ بیت ۱۴۰۴۹

این راه بی‌نهایت گردور و گسر دراز است از فضل بی‌نهایت بر ما دوگام گردان

کلیات شمس ج ۴ غزل ۲۰۳۳ بیت ۱۴۵۳۳

«حوشی نشة المصنوع تصحیح دکتریزدگردی ص ۱۳۵، ۱۳۴» دوگام باشد اگر زلف‌اندازی در این دوگام میرز زکریا ایمان

۸- زیر کنگره کبریا ش مرادند

فرشته سید و پیر شکار و بزبان گیر

۹- اسرارالتوحید ص ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۳۴۸ و بسیاری از مواضع دیگر.

۱۰- اسرارالتوحید ص ۲۳۲

گفته ابوسعید خطاب به مریدان هنگام مواجهه با امیرمقامان در بازار نیشابور که گفت: «داست باز و پاک باز و امیر باش» و یا گفتار او به خادم خاص خود: «حکایت نویسی، شایسته چنان باش که از تو حکایت کنند» همان مأخذ ص ۲۰۳، و این سخن ابوسعید به گفتار فرانسوادامیز به تاریخ نویسان را ملات کرده، مقایسه شده است که گفته است: «تاریخ نویسان خودکاری انجام نمی‌دهند و دایم از کار دیگران می‌نویسند» کارنامه اسلام ص ۱۶۳- از آقای دکتر عبدالحمید زرین کوب.

و یا سخن ابوسعید به درویش خادم خاقانه: «ای آخی چون گوی می‌باش در پیش چاروب، چون کوهی می‌باش در پس چاروب» ص ۲۸۷ - و آنجا که از تقدیر و تدبیر سخن در میان است گفته: «از راه تدبیر برخیز و بر راه تقدیر نشین» ص ۲۰۹

۱۱- اسرارالتوحید ص ۲۹۲ و ۲۹۳ داستان کاهی که بر معاش شیخ افتاده بود که خود شمر بر تنفر پیر میهنه از خوش خدمتی و چالپوسی است و یا گفتار شیخ به مریدان هنگام توقف و تماشای آسیا، ص ۲۷۸ که در شعر صائب نیز بصورتی دیگر چنین آمده است: «بستان خلق خام و بدبخته در سرگرم خوش معاملگی چون تنور باش

و در بسیاری از موارد دیگر اسرارالتوحید.

۱۲- «شیخ مجلسی تمام کرد و عوام پراکنده» و ۲۸۱ و بسیاری دیگر از موارد.

۱۳- از جمله مایلی که فحن خواننده نکته‌سنج اسرارالتوحید را سخت بخود مشغول می‌دارد، درماندگی و تهی - دستی، بی‌نوازی و فقر مکی است که بیشتر داستان های اسرارالتوحید را سایه وار دنبال می‌کند و همین طرز گذران عمر و چگونگی تأمین نیازمندی‌های مردم کسوی و برز در آن روزگار است که ابوسعید قسمت اعظم زندگی خود را در میان آنها بر سرده است.

و نویسنده کتاب، محمد بن

منور، با بیانی روان و سرشار از توجه به جزئیات و دقایق، هنرمندانه آنها را در کتاب خود مجسم و منمک ساخته است. چنانکه محض مثال گرچه از طرفی شوخ و جدی و ذوق و نکته شوری و جدی و گرمی سخنان ابوسعید در مجالس ویا خاقانه او بر مریدان و پیروان و دوستان ازان فراوان او نثار می‌شود، از جانب دیگر سیاسی شوم فخر وادبار و درماندگی را که بر سر مستحان این گونه مجلسی‌ها سایه افکنده است، نباید نادیده انگاشت و درحقیقت خاقانه ابوسعید، آن چنان کدر اسرارالتوحید و صف آن آمده است، «کاخ زور آوران» نیست که خوش‌زیوری داشته باشد بلکه «بزم تهی‌بستان» است که صفای دیگر دارد. خاصه اگر بخاطر بیابوریم قسلی و محاجت هولناکی را که در سال ۴۰۹ هـ در نیشابور آنجا بوقت اقامت ابوسعید در آنجا بوده است (شیخ ابوسعید را ... عادت چنان بوده است که زمستان‌ها بیشتر به میهنه بودی و تابستان‌ها نیشابور (حالات و سخنان ابوسعید ص ۲۵) - استغراق افتاد، و در نتیجه تا سالهای دراز پندار آن فقر و بی‌نوازی، استیلا و غلبه جایزانه خود را بر مردم امتداد بخشید. و اگر تفصیلات

بلای آسمانی را در ترجمه تاریخ یمنی از ابوالشرف ناصح بن - ظفر جرفادقانی ص ۳۱۸ طبع ۱۳۴۵ بنگاه ترجمه و نشر کتاب، بخوانیم، تصویر روشن‌تری از مردم خاقانه‌نشین آن روزگار را در دستر ابوسعید بدست خواهیم داشت.

۱۴- اسرارالتوحید ص ۳۲۴: ابوسعید خطاب به یکی از آنها «ندانی و ندانی که ندانی و ندانوی بدانی که ندانی» و در کلام مولانا جلال‌الدین نیز در مثنوی شریف چنین آمده است:

علنی بدتر ز پندار کنال لیست اندر جان توای دودلال

۱۵- اسرارالتوحید ص ۲۳۴

۱۶- اسرارالتوحید ص ۲۲۲

۱۷- اسرارالتوحید ص ۲۲۲

۱۸- اسرارالتوحید ص ۲۵۳

۱۹- باتوجه به بیت معروف: در عالم عالم آفرین زین به توان رقم کشیدن

۲۰- مقول بر داستان معروف حدیقه‌الحقیقه حکیم‌نایب شاعر عارف نامدار قرن پنجم هجری: ابایی دید اشتری به چرا گفت: نشت همه کز است چرا گفت: اشتر که اندرین پیکار عیب نقاشی می‌کنی متدار...

۲۱- اسرارالتوحید ص ۴۷ «شیخ از علم قانت روی به علم حالت کرد...»

۲۲- اسرارالتوحید ص ۲۵۸

۲۳- بوسیله از کلیله و دمنه یاد کرده است و ص ۲۶۰ که به بیان داستان پادشاه و وزیر برای مریدان پرداخته است، و ص ۲۸۹ که به نقل داستان مور و زنبور همت گاشته است.

۲۴- «سوره ۶ - الانعام»

۲۵- اسرارالتوحید ص ۳۰۸

۲۶- «سوره ۳۱۹

۲۷- اسرارالتوحید ص ۳۹

جهله عن الناس و یسل جهلهم یترک مالی ایدیهم و یبدل مافی یدلههم.

۲۴- اسرارالتوحید ص ۲۴۷: خطاب ابوسعید به والی نیشابور:

«از مایه‌زنی که ظلم‌کنی و لشکر را دست کوتاه داری تا بر رعیت ظلم نکنند» گفت کردم شیخ گفت ترا به فرزندی قبول کردم. و بسیاری از موارد دیگر.

۲۵- اسرارالتوحید ص ۱۳۷

داستان شمر برداف شیخ از جانه شوی فقیر در برابر مستحکم‌گرایی نیشابور. و ص ۲۲۵: ماجرای امام ابوالقاسم قسری (۴۶۵-۳۷۶ هـ ق) و نفی روستایی بر سر آسیای دیه حسین‌آباد، و سخن چالب بوسعید در حمایت از قبول روستایی و یا (ص ۲۳۲):

از درویشان بوسعید خطاب به یکی: «بار تو ما کشیم به از آنکه دیگران»

۲۶- این گفتار پسرزن معاور خاقانه شیخ در نیشابور است که پیوسته خاطر درویشان را با هاون تهی کوفتن می‌شورید. برای اطلاع از کفایت این داستان دلکش (در اسرارالتوحید ص ۲۲۲).

۲۷- اسرارالتوحید ص ۲۰۰

۲۸- اسرارالتوحید ص ۳۴۸

۲۹- اسرارالتوحید ص ۲۳۰

۳۰- خواجه امام ابو احمد المظفرین احمد بن جسدان که از مشایخ صوفیه بوده و استاد ابوالحسن هجویری بوده است. مؤلف کشف‌المحجوب او را در ردیف ائمه تأخرین که هم عصر یا نزدیک به عصر خودش بوده‌اند، نام برده و چنانکه می‌نویسد در جوانی در کرمان به خدمت او رسیده است. (کشف‌المحجوب طبع ژوکفکی ص ۲۱۲ تا ۲۱۴)

۳۱- «نوغان» (شهرک) است از طوس حدود العالم ص ۹۰) اکنون محله‌یی از شهر مشهد را «نوغان» می‌گویند. (شادروان احمد بهمنیار)

۳۲- اسرارالتوحید ص ۲۰۸

۳۳- اسرارالتوحید ص ۲۴۹

۳۴- قرآن کریم آیه ۷۷ سوره ۱۶ - النحل

۳۵- قرآن کریم آیه ۲۴ سوره ۲۱ - الانبیاء

۳۶- قرآن کریم آیه ۶۲ سوره ۲۷ - النمل

۳۷- قرآن کریم آیه ۲۴ سوره ۳۱ - لقمان

۳۸- قرآن کریم آیه ۳۰ سوره ۳۹ - زمر، و موارد بسیار دیگر.

۳۹- قرآن کریم آیه ۹۳ سوره ۲۹ - عنکبوت

۴۰- «الحجرات»

۴۱- قرآن کریم آیه ۱۰۲ سوره ۵ - المائدة

۴۲- قرآن کریم آیه ۱۱۱ سوره ۶ - الانعام

۴۳- اسرارالتوحید ص ۳۰۸

۴۴- «سوره ۳۱۹

۴۵- اسرارالتوحید ص ۳۹

۳۲۰- مورد دیگر:

«بهار قدم باید زدن تا مرد بدوست برسد چون ما آتیا رسیدیم، کجا رویم» ص ۲۰۹

۴۰- اسرارالتوحید ص ۳۵۲

۴۱- اسرارالتوحید ص ۱۲۳

۴۲- اسرارالتوحید ص ۱۴۲

۴۳- اسرارالتوحید ص ۲۴۲ و ۱۴۱

۴۴- از صائب است (مثنوی ۱۰۸۱ هـ ق):

خاطری چند اگر از تو شود شاد، ز زندگانی به مراد همه کسی نتواند کرد.

۴۵- اسرارالتوحید ص ۲۲۴

۴۶- اسرارالتوحید ص ۳۴۸

۴۷- اسرارالتوحید ص ۲۷۷

۴۸- اسرارالتوحید ص ۲۶۶

۴۹- اسرارالتوحید ص ۲۸۲

۵۰- اسرارالتوحید ص ۱۴۴

۵۱- اسرارالتوحید ص ۱۴۳ تا ۱۴۵

۵۲- «کلمات معنی «لا اقل» سعدی گوید:

دیر آمدی ای نگار سر مست زودت ندیم دامن از دست معشوقه که دیر دیر بیند آخر کم از آن که سیر بیند (گلشن سعدی باب پنجم در عشق و جوانی چاپ بهمنیار عبدالعظیم قریب ص ۱۳۷)

زبان پیر که دست و پا فرو بندد ترک

آخر کم از آن که دست و پای بر زمین

۵۳- کبر: صبح اول: گودال و منک

۵۴- اسرارالتوحید ص ۱۱۹ و ۱۲۰ و حالات و سخنان ص ۱۱۱ و ۱۱۲

۵۵- حالات و سخنان ص ۱۱۱ و ۱۱۲ و اسرارالتوحید ص ۱۲۰ و ۱۱۹

۵۶- به یاد می‌آمد شعر حافظ:

هر سلطنت دلیری بدان فرسد که در دلی به هنر خویش را بکنجانی

۵۷- اسرارالتوحید ص ۹۰

۵۸- داستان دلکش و خوندنی مربوط به دل سیر برویش مولی ترشیزی به آفتاب چهره خواجه اسماعیل دقاق فرزند ابوعلی دقاق (مثنوی ۴۰۵ هجری) و برادر دن ابوالقاسم قسری.

۵۹- مأخوذ از شعر مولوی:

دی شیخ با چراغ همی

گشت گرد شهر کردی بود ملول و انسانم آرزوست گفتند: یافت می‌تود چه بیما

گفت آنک یافت می‌شود، آتم آرزوست دیوان شمس جزء ۱ ص ۲۵۵

۵۹- اسرارالتوحید ص ۳۰۹: شیخ ما گفت که گفته‌اند «صوف دو چیز است: سونگرستن و یاکسان زیستن»

۶۰- اسرارالتوحید ص ۶۱

۶۱- اسرارالتوحید ص ۲۱۸

۶۲- اسرارالتوحید ص ۲۷۴

۶۳- اسرارالتوحید ص ۳۴۸

۶۴- اسرارالتوحید ص ۲۷۷ و ۱۳۶ و مواضع فراوان دیگر.

۶۵- اسرارالتوحید ص ۷۷

۶۶- اسرارالتوحید ص ۱۰۷

۶۷- معجاز: راه گذر، کسی که از جای بگذرد و مآثری را برد. «مثنوی» ص ۱۰۰: «عبر خلاف «مقیم».

۶۸- معجاز: راه گذر، و نه لحظه در او آرام گیرد، و نه مقیم را معناه، که با او سرگذشت حوادث ایام گوید، «نفاذ المصنوع ص ۲۵ و ۲۶ و ص ۵۴

فرهنگ لغات از دکتر یزدگردی (۰)

۶۸- اسرارالتوحید ص ۲۷

۶۹- اسرارالتوحید ص ۲۸

۷۰- اسرارالتوحید ص ۱۵۷

۷۱- اسرارالتوحید ص ۲۱

۷۲- اسرارالتوحید ص ۲۲

۷۳- اسرارالتوحید ص ۱۶۶

۷۴- اسرارالتوحید ص ۱۳۸

۷۵- اسرارالتوحید ص ۱۶۶

۷۶- اسرارالتوحید ص ۲۶

۷۷- اسرارالتوحید ص ۱۶۶

۷۸- اسرارالتوحید ص ۲۷

۷۹- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۰- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۱- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۲- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۳- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۴- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۵- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۶- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۷- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۸- اسرارالتوحید ص ۲۸

۸۹- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۰- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۱- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۲- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۳- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۴- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۵- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۶- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۷- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۸- اسرارالتوحید ص ۲۸

۹۹- اسرارالتوحید ص ۲۸

۱۰۰- اسرارالتوحید ص ۲۸

IV - گزیده مراجع

۱- اسرارالتوحید فی مقامات الشيخ ابی سعید به اهتمام دکتر ذبیح الله سفا طهران ۱۳۳۲

۲- اسرارنامه عطار نیشابوری به اهتمام دکتر سید صادق گوهرین طهران ۱۳۳۸

۳- الهی نامه عطار نیشابوری به اهتمام فواد روحانی طهران ۱۳۳۹

۴- ترجمه تاریخ یمنی از ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب به اهتمام دکتر شاعر، تهران ۱۳۴۵

۵- حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر میهنی به کوشش ایرج افشار ۱۳۴۱

۶- حدود العالم من - الشرق الى المغرب به اهتمام دکتر ستوده چاپ دانشگاه تهران

۷- دیوان عطار به اهتمام دکتر تقی تفضلی بنگاه ترجمه و نشر کتاب شماره ۴۴

۸- دایرة المعارف اسلام ج ۱ - سخنان منظوم ابوسعید، سعید نفیسی طهران ۱۳۳۴

۹- سرچشمه تصوف در ایران سعید نفیسی طهران ۱۳۴۳

۱۰- طبقات الشافیه سبکی ص ۱۲ - قرآن کریم

۱۱- کارنامه اسلام دکتر عبدالحمید زرین کوب شرکت سهامی انتشار

۱۲- کشف‌المحجوب طبع ژوکفکی ۱۹۲۶ م، ۱۳۴۴ هـ ق

۱۳- کلیات شمس یا دیوان کبیر از گفتار جلال‌الدین محمد مولوی به اهتمام بدیع الزمان فروزانفر انتشارات دانشگاه طهران

۱۴- گلستان سعدی چاپ عبدالعظیم قریب طهران ۱۳۱۰

۱۵- مصیبت نامه عطار نیشابوری به اهتمام دکتر نورانی وصال ۱۳۳۸

۱۶- معجم البلدان چاپ مصر ۱۳۲۳ هـ ق

۱۷- مطلق الطیر عطار تبریز ۱۳۳۷ دکتر مشکور و طهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۴۲) دکتر گوهرین

۱۸- نشة المصنوع تصحیح دکتر یزدگردی طهران ۱۳۴۳

۱۹- مطلق الطیر عطار تبریز ۱۳۳۷ دکتر مشکور و طهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب (۱۳۴۲) دکتر گوهرین

۲۰- نشة المصنوع تصحیح دکتر یزدگردی طهران ۱۳۴۳

 لطفی منصوری
 و
 کارمن

لطفی منصوری اولین کارگردان ایرانی است که از اروپا برای کارگردانی
 ایران به ایران دعوت شده است
 لطفی منصوری تحصیلات متوسطه را در دبیرستان فیروز بهرام گذرانده
 و بعد برای ادامه تحصیل به کشور آمریکا مسافرت نموده است ، وی در
 دانشکده طب شروع به تحصیل کرد و این درست همان خواسته و آرزوی
 خانواده اش بود .
 اما با وجود اینکه ۷ سال در دانشکده طب به تحصیل رشته پزشکی ادامه
 داد همواره در جستجوی چشمه ای بود که وجودش را و خواسته نهانی اش را
 سیراب کند .



لطفی منصوری در طول تحصیل، وقت زیادی را به نواختن پیانو و خواندن آواز گذراند و در تمام کلاسهای موسیقی دانشگاه حاضر شد و حتی پا از این هم فراتر گذاشت و به آموختن خصوصی موسیقی پرداخت. در آن زمان علاقه زیادی به موسیقی، سینما، تاتر و کارگردانی بخصوص در رشته تاترهای موزیکال و تلویزیون در خود احساس کرد. او اکنون چشمهای را یافته بود که می توانست روح تشنه اش را آرام کند.

و با شرکت در فیلم های تلویزیونی در هالیوود مسیر خویش را کم کمک تغییر داد.



«منیر و کیلی» (میکائلا) و «آلبینو توفولی» (دون خوزه)



کارل ارف CARL ORFF

وارد سالن بزرگ انتظار تالار رودکی می شوم منتظر همه و هیاهوی بسیار خبر-نگاران و عکاسان هستم اما چشمان تعجب زده ام تنها گروه کوچکی را که شامل ۴ خبرنگار (بجزمن) و یک عکاس و رئیس روابط عمومی تالار و لطفی منصوری می شود می بیند که دور یک میز مستطیل شکل کوچک گرد آمده اند.

اما این گروه کوچک آنچنان به هیجان آمده اند «از دیدن یک کارگردان ایرانی که در اروپا کارگردانی می کند» که فراموش کرده اند هدف مصاحبه درباره لطفی منصوری است و به همین جهت درباره مطالبی از قبیل نبودن پارکینگ و شلوغی شهر و بی نظمی ترافیک حرف می زنند گاهی نیز کلامی چند درباره اینکه برنامه های سبک و قابل فهم همگان کم به روی صحنه می آید یا اصلاحی به فکر آن نیست گفته می شود.

یکی از خبرنگاران می گوید مردم ایران با هنر اپرا آشنا نیستند و باید تالار رودکی ترتیباتی برای آشنا کردن مردم بخصوص کودکان دبستانی و جوانان دبیرستانی بدهد و لطفی منصوری در تائید حرفهای این خانم خبرنگار می گوید بطور کلی باید در موقع تمرین سعی شود از وجود بچه ها بعنوان تماشاچی استفاده شود. باید جزیجز و ریزه کاریهای اپرا به مردم شناسانده شود. باید هنرمندان اپرا خود به میان توده مردم بروند و از نزدیک درباره مفاهیم اپرا و توجیه و تفسیر آن صحبت کنند. اما متأسفانه من می بینم که هنرمندان اپرای تهران هیچ تماس مستقیمی با مردم ندارند و این یکی از اشکالات مهمی است که باعث می شود مردم کمتر به اپرا روی بیاورند «امیدواریم تالار رودکی کوشش خود را در این زمینه اضافه کند».

و بالاخره صحبت به خود او کشیده می شود با چهره ای که در تمام طول جلسه مطبوعاتی متبسم بود درباره چگونگی ورودش به کار اپرا گفت:

«بعد از اینکه فارغ التحصیل شدم از طرف اپرای زوریخ از من دعوت شد که برای کارگردانی اپرا به زوریخ بروم و این درست هم زمان با این آگاهی بود که فهمیدم هرگز نمی توانم یک پزشک خوب باشم.

بنابراین تصمیم خودم را گرفتم و علی-رغم ۷ سال مطالعه در دانشکده پزشکی این دعوت را پذیرفتم چون بجز این راهی راضی کننده برای خود نمی دیدم. بنابراین همکاری خود را با اپرای زوریخ شروع کردم که مدت ۵ سال ادامه یافت و به این ترتیب فارغ التحصیل دانشکده طب سر از تالار اپرا درآورد و بجای طبابت به کارگردانی پرداخت. البته در طول این ۵ سال مرتب به کشورهای دیگر سفر می کردم و برنامه هائی داشتم. و بعد از خنده کوتاهی که

حاصل رضایت او از تغییر مسیر زندگی می باشد ادامه می دهد که: «پس از اپرای زوریخ همکاری من با «گراند تاتر» ژنو آغاز شد که هنوز هم ادامه دارد.

من بطور مرتب ۵ ماه از سال را در ژنو می گذرانم و ۷ ماه بقیه را در سفر هستم و با اپراهای دیگر کار می کنم.

البته معمولاً ۳ ماه را در آمریکا با اپراهای شیکاگو و سانفرانسیسکو همکاری دارم. و سال گذشته مدتی را هم در میلان گذراندم و با اپرای اسکالا» کار کردم و مدتی هم در وین صرف همکاری با «فولکس اپرا» گردید. و منصوری بعد از یک آه طولانی که حکایت از درد دلی فراوان دارد ادامه می دهد.

«هنرمندان معروف که به شهرت و ثروت رسیده اند هیچ عنوان بدرد کار کردن نمی خورند چون خود را بدون عیب و نقص می دانند، به توضیحات توجه ندارند، سر وقت حاضر نمی شوند با کوچکترین مسئله ای قهر می کنند و اصولاً کار کردن را بسیار طاقت فرسا می سازند. در حالیکه جوانان و آنها که مشهور نیستند همه شرایط بد و خوب را قبول دارند و پیشرفت را با دقتی که دارند آسان می سازند.

در صحنه یکی از اپراهای که در ژنو کارگردانیش بعهده من بود یکی از معروف ترین هنرمندان زن اپرا نقش اول را بعهده داشت او می بایست در روی تخت خواب قسمتی را اجرا کند، اول چندین تخت خواب آوردیم و بردیم و خانم گفت اصلاً حاضر نیستند به روی تخت خواب آواز بخوانند چون زست و صدایشان خراب می شود به اجبار از صندلی استفاده شد ولی این بار هم مجبور شدیم تعداد زیادی صندلی را وارد صحنه کرده و بعد از اینکه آزمایش های لازم بعمل آمد دوباره از صحنه خارج کردیم و بعد از صرف و اتلاف وقت زیادی بالاخره یک صندلی مورد قبول واقع شد و کار را ادامه دادیم.

بنابراین طبیعی است که من کار کردن با جوانهای با استعداد را ترجیح می دهم. از او راجع به وضع هنرمندان اپرای تهران سووال می کنم و او با اشتیاق جواب می دهد.

اغلب آنها عجیب با استعداد و قادر هستند اما متأسفانه در ایران جائی برای تعلیم آنها وجود ندارد. اگر این عده مدتی را صرف تعلیم گرفتن بکنند با صدای رسا و بازی که دارند خواهند توانست نه تنها بهترین هنرمندان اپرای تهران بلکه جزء بهترین هنرمندان اپرای دنیا درآیند. می پرسیم چرا اپرای کارمن را انتخاب کردی؟

جواب می شنوم که «کارمن را خیلی دوست دارم و موقعی که اپرای تهران از من دعوت کرد تا از بین چند اپرای پیشنهادی

یکی را انتخاب کنم من بلافاصله کارمن را مطرح کردم. بنابر اعتقاد من کارمن علاوه بر اینکه اصولاً اپرای زیبایی است و موسیقی و داستانی دلچسب دارد، برای اجرا در تهران هم بسیار مناسب است.

او برگردان فارسی اپرای «عروسی فیگارو» را در شب ورودش به تهران دیده بود و حالا نوبت آن بود که درباره این اپرا سخنی بگوید.

کار ترجمه اپراها به فارسی بخصوص در مورد اپرای موزارت کاملاً ضروری است، چون اینگونه اپراها برخلاف برخی دیگر مانند کارمن که داستانی نسبتاً شناخته شده دارد و بیشتر مجلل بودن آنهاست که می تواند مردم را جلب کند برای بیشتر مردم ناشناس و غریبه است و فهمیدن داستان و شناخت و تحلیل شخصیت ها دارای اهمیت زیادی است. به این ترتیب بدیهی است که

ترجمه کمک بسیاری به تفهیم اپرا می کند. لطفی منصوری قصد دارد بعد از اتمام کار اپرای کارمن به امریکا، ژنو و آمستردام برای اجرای اپراهای مختلف مسافرت کند.

یکی از برنامه هایی که در دست دارد کارگردانی اپرائی است بسیار مدرن که برای اولین بار در دنیا اجرا می گردد براین اپرا که در واشنگتن بروی صحنه آورده خواهد شد هنوز نامی نهاده نشده و حتی موسیقی آن نیز پایان نرسیده است.

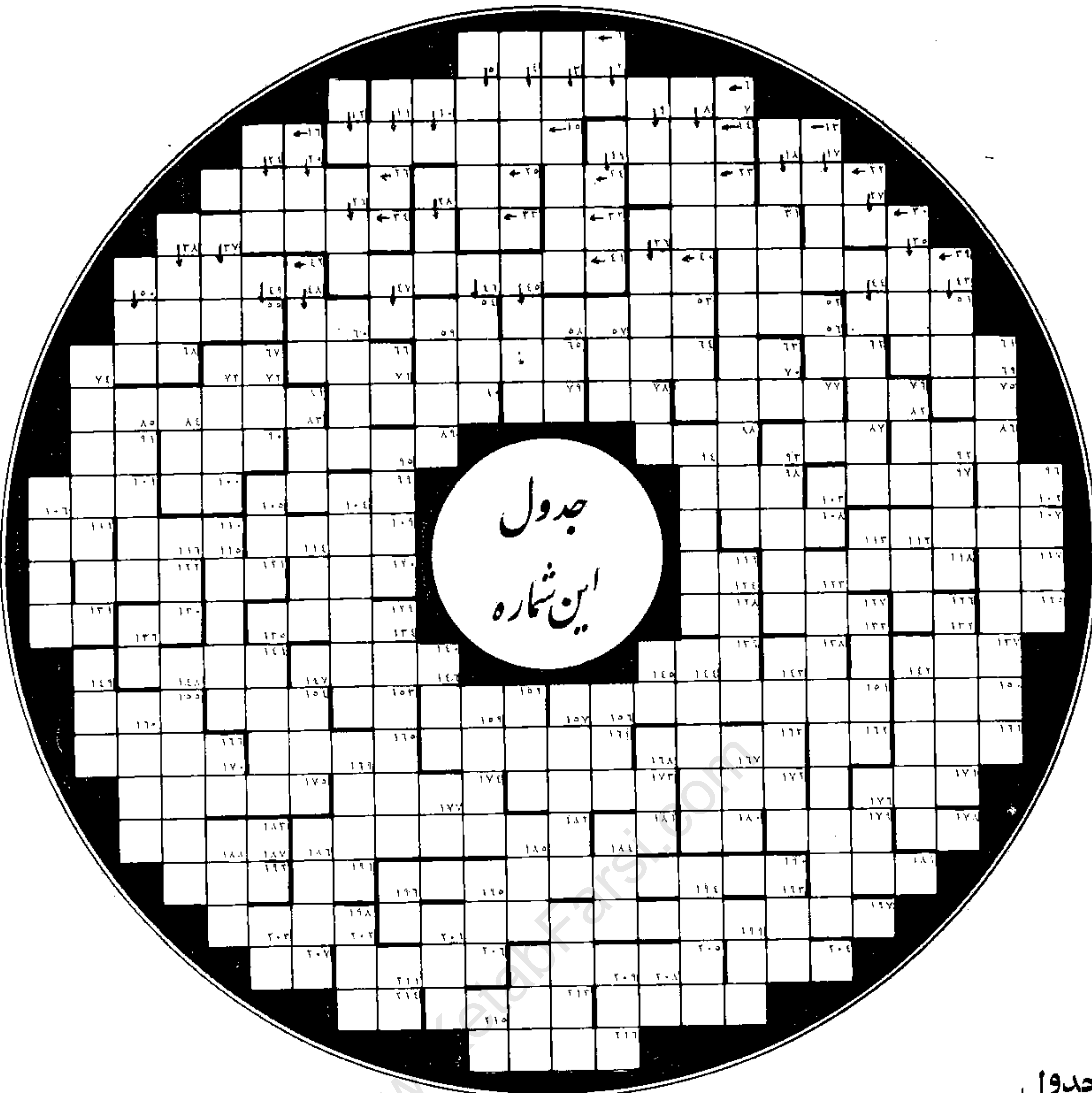
منصوری قبل از آمدن به ایران اپرای «لولو» اثر «آلبان برگ» را که اجرای بسیار مشکل دارد در ژنو کارگردانی کرده است هم چنین همزمان با موسیقی در سایر زمینه ها از جمله سینما، تاتر و تلویزیون فعالیت هایی دارد.

منصوری آنقدر از پیشرفت و ازدحام و ترافیک به هیجان آمده که آنرا باور نکردنی می داند او معتقد است.

که چهره ایران بکلی عوض شده و با وضعیت کنونی وجود یک اپرای مجهز و کامل بسیار ضروری بوده است اما برای جلب بیشتر مردم بطرف اپرا می باید بیشتر از برنامه های سبک موزیکال و با نشاط استفاده شود تا آهسته آهسته گوش مردم به صدای اپرا آشنا گردد.



«اولین باغچه بان» و «آلبینو توفولی» در اپرای کارمن (پرده چهارم)



جدول

با قال میآید ۱۶۹- تردست ۱۷۰- فلزیست
۱۷۱- از شن کمی درشت تر و گاهی توی
کفش است ۱۷۲- جواب های ۱۷۳- پسر
معاویه ۱۷۴- از وظیفه خوران ۱۷۵-
کوهسار است ۱۷۶- سوخت فعلی آشپزخانه
ها ۱۷۷- پایتخت ایتالیا ۱۷۸- اگر طیب
بود سر خود را علاج میکرد ۱۷۹- از
اسامی آقا پسر ها ۱۸۰- تکه ۱۸۱- فن
۱۸۲- بخار ماهیها ۱۸۳- کوهی در
آذربایجان ۱۸۴- از خزندگان ۱۸۵-
اندازه هم معنی میدهد ۱۸۶- راست ۱۸۷-
سق ۱۸۸- شرکت هواپیمائی ملی ایران
۱۸۹- آتشفشان معروفی است ۱۹۰- کتابی
است از شاهنشاه آریامهر ۱۹۱- صفت آهو
۱۹۲- نوعی اسلحه سرد ۱۹۳- ولی ۱۹۴-
نوعی بازی ۱۹۵- اینهم گردشگاه و دهی
نزدیک تهران است ۱۹۶- عدد روستا ۱۹۷-
یکی از بزرگترین سدهای خاور میانه ۱۹۸-
نویسنده کتاب شفا ۱۹۹- استخر کوچک
۲۰۰- کار ضمانت را بهمه میگردد ۲۰۱-
قطب مثبت ۲۰۲- ردیف ۲۰۳- اثر آب
۲۰۴- کشتی جنگی ۲۰۵- پیمان دوستی
۲۰۶- جنیان آن در اصفهان است ۲۰۷-
معکوس شد والی معادل سه کیلو است ۲۰۸-
بعد از ۳۷ درجه حرارت بدن ۲۰۹- یقین
۲۱۰- همان در است ۲۱۱- نوعی گیوه
۲۱۲- زدن است اما با شمشیر ۲۱۳- مقصود
۲۱۴- پادگانی است ۲۱۵- واحد سطح
۲۱۶- در مسجد بجویندش

۱۱۱- برعکس خبر ۱۱۲- نوعی غذای ساده
۱۱۳- حرفی تکرار شده ۱۱۴- ماه شب
چهارده ۱۱۵- سال جدید ۱۱۶- قبل از
خمیر ۱۱۷- رنگی است ۱۱۸- بیمارستان
معروفی در شیراز ۱۱۹- ماهی در سال ۱۲۰-
خاطر ۱۲۱- تکه کلام خانها ۱۲۲- کید
۱۲۳- رودی در اصفهان ۱۲۴- کاسب از
داندن وجش معذور است ۱۲۵- رب ۱۲۶-
سازش سوزی دارد ۱۲۷- حرف آرزو
۱۲۸- لقبی در انگلستان ۱۲۹- طاق آن
معروف بوده ۱۳۰- قلب ۱۳۱- از علامات
جمع ۱۳۲- کشتزار نی ۱۳۳- نوعی حساسیت
است ۱۳۴- نوعی پارچه ۱۳۵- یکتا ۱۳۶-
زیرپا مانده ۱۳۷- نوعی ترشی ۱۳۸- واحد
پول ژاپن ۱۳۹- از سازه های ایرانی ۱۴۰-
از تو حرکت از خدا ... ۱۴۱- بزرگ
خودمانی ۱۴۲- رای ۱۴۳- سرزنی ۱۴۴-
انسانیت ۱۴۵- رودی در اروپا ۱۴۶- نوعی
کلاه ۱۴۷- اگر حرف اولش را نادیده گیرید
لوکس است ۱۴۸- کنگره ۱۴۹- حبله
۱۵۰- شهر باقلوا ۱۵۱- کشور امریکا
۱۵۲- از وسائل دفاعی قدیمی ۱۵۳- آش
۱۵۴- شاعر شوخ طبع ایرلندی ۱۵۵-
خوب ۱۵۶- جانوری درنده ۱۵۷- گندم را
در آنجا بآرد تبدیل میکنند ۱۵۸- بهره
۱۵۹- خندانش بهتر است ۱۶۰- واحد
طول ۱۶۱- با توان میآید و وسیله ورزشی
میشود ۱۶۲- اثر ۱۶۳- از عشاق است
۱۶۴- کار شیطان انداختن آن دردناک است
۱۶۵- بهتر است امانت خود را باو بسپارید
۱۶۶- قسمتی از کره ۱۶۷- نخست ۱۶۸-

دو کوه ۵۸- جوهر بدن ۵۹- سخت ۶۰-
آهسته ۶۱- گله ۶۲- کتابی از مائیس ۶۳-
عرب شمسی و قمری آنرا دارد ۶۴- در
بیابانهای عربستان بجویندش ۶۵- رها ۶۶-
بعضی ها از کاه ... میسازند ۶۷- متقار
۶۸- حمام معروفی در کاشان ۶۹- نمایشنامه ای
از شکسپیر ۷۰- یازده ۷۱- زیاد نیست
۷۲- طلای سیاه ۷۳- رودی و سدی بر آن
در خوزستان ۷۴- از پادشاهان جهانگشای
ایران ۷۵- میزنند و مست میشوند ۷۶- از
کوه کوچکتر ۷۷- نامی برای خانها ۷۸-
کلمه شگفتی ۷۹- رازی اهل آنجا بود ۸۰-
شاعر نوپرداز ایران ۸۱- قاره سیاهان ۸۲-
گاهی با توپ میآید ۸۳- از مواد شیمیائی
فرار ۸۴- از کشور های آسیائی ۸۵-
پرنده ایست و جزایر معروفی باین نام ۸۶-
یکی بیش نیست ۸۷- ضمیر اشاره ۸۸-
مقام ۸۹- ریز نیست ۹۰- دانه ۹۱- اگر
معکوس نمیشد رودی در فرانسه بود ۹۲-
نوعی پارچه ۹۳- بازیگران تئاتر میدهند
۹۴- میوه ای است ۹۵- ورزش مخصوص
امریکاییها ۹۶- جانشین وی ۹۷- بزدل
۹۸- دامی انفجاری برای دشمن ۹۹- از
اصطلاحات بازی پوکر ۱۰۰- خسته بسیار
زند ۱۰۱- جمع رای ۱۰۲- میوه وارداتی
و نوعی ترشی ۱۰۳- مثل و مانند ۱۰۴-
ایالتی در امریکا ۱۰۵- پوست کنده اش بهتر
است ۱۰۶- تژاد خودمان ۱۰۷- صحرائی
در امریکا ۱۰۸- خوشحال ۱۰۹- هزار
دستان و عندلیب ۱۱۰- اینهم پرنده ایست
که با آش ایجاد ضرب المثل معروفی شده

۱- از پادشاهان بزرگ هخامنشی ۲-
زیاد نیست ۳- بخشی از اوستا ۴- دلاوری
۵- شهری در استان فارس ۶- از سلسله
های درخشان ایران ۷- از خلفای بنی عباس
۸- از پادشاهان هخامنشی ۹- پایتختی در
اروپا ۱۰- کلمه ندا ۱۱- جدید ۱۲- با
۱۳- مایه حیات ۱۴- بعد از قهر ۱۵- از
پادشاهان بزرگ هخامنشی که کتیبه های
پیستون مربوط باوست ۱۶- بعضی ها توی
آنها میروند ۱۷- یکی از ماههای سال ۱۸-
اخوی ۱۹- کمک ۲۰- عددی است ۲۱- رب
۲۲- یکی از دروس دبیرستان ۲۳- قسمتی از
پا ۲۴- کلمه ندا ۲۵- تله ۲۶- چندی پیش
فیلم ... سرگردانش را نمایش دادند ۲۷- از
حیوانات افسانه ای ۲۸- صورت حساب رستوران
۲۹- جواب هوی ۳۰- یکی از مجلسین ۳۱-
گردشگاهی نزدیک تهران ۳۲- اثر ۳۳-
پایان نامه تحصیلی ۳۴- بدترین مرضها
۳۵- بعضی ها دچار قلبی اش شوند ۳۶-
فیلسوف و ریاضی دان انگلیسی ۳۷- نامی
برای آقایان ۳۸- ماه کنعان ۳۹- نویسنده
امریکائی ۴۰- حرفی در زبان انگلیسی
۴۱- برای آنکه فراموش نکنند میدهند ۴۲-
از سنگهای گرانبها ۴۳- طرفدار ۴۴-
ریاضی دان فرانسوی ۴۵- غذای اغلب
کارگران ۴۶- گازی است ۴۷- زیر نیست
۴۸- قسمتی از پیراهن و کت ۴۹- درد ۵۰-
خالی ۵۱- پدر ترك ۵۲- ضمیر مفعولی
۵۳- از شعرا معروف ایران ۵۴- گاهی
بعنوان آن هورا میکشند ۵۵- کارگر حمام
میکشد ۵۶- تشکر فرانسوی ۵۷- میان

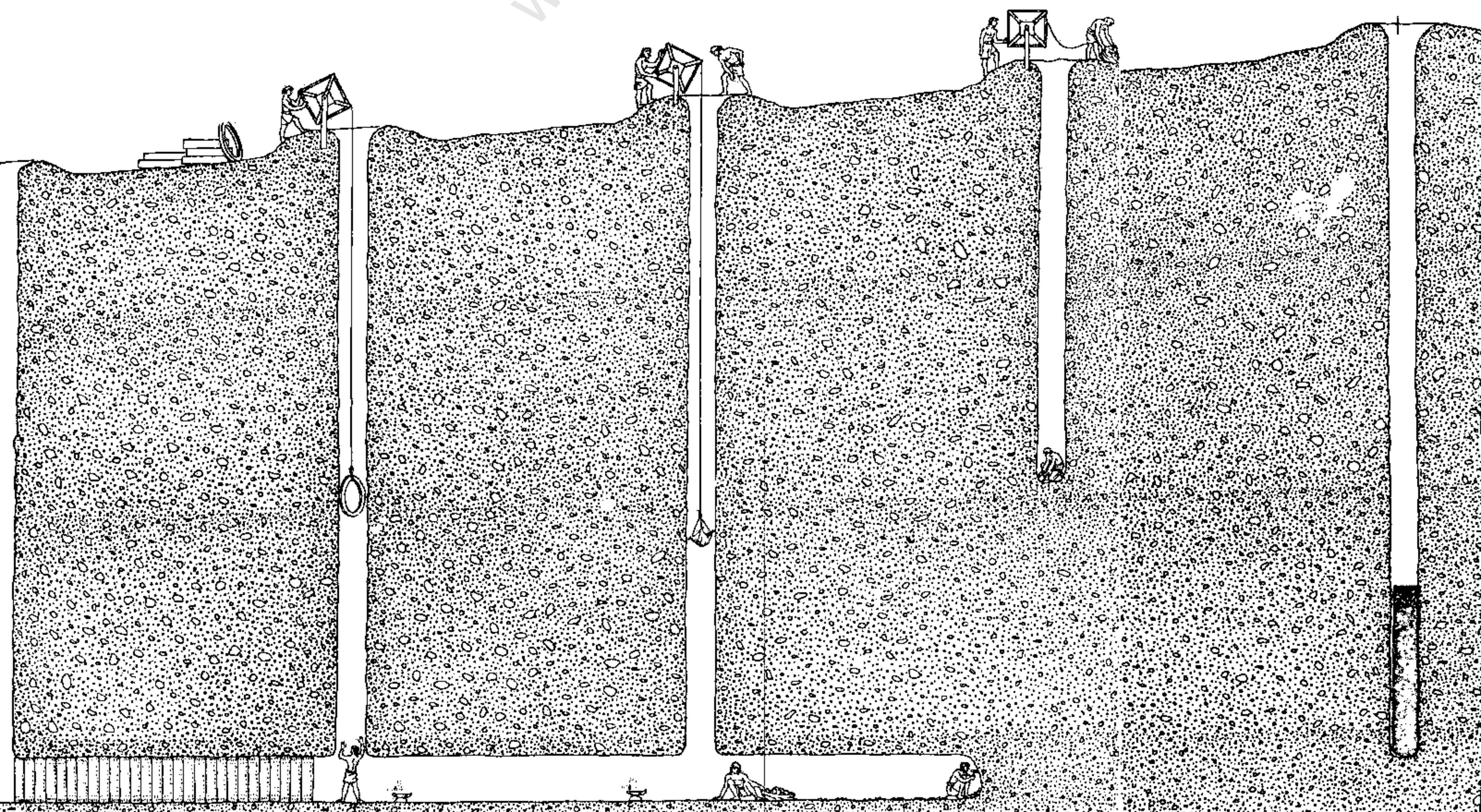
طراح و تهیه و تنظیم : کاظم کمالی

رسم : جاوید فهمی

ایران و ایرانیان از نظر دیگران

در فن اکتشاف و هدایت آب هیچ خلقی بیای ایرانیان نمی‌رسد

در ایران چهارگونه آب وجود دارد: دو قسم آن در روی زمین، و عبارتست از رودخانه‌ها و چشمه‌ها و دودیک‌در زیر زمین یعنی چاهها و مجاری تحت‌الارضی که خودشان کهریز نامند. ایرانیان برای پیدا کردن آب پای کوهها را می‌شکافند و بعد از اکتشاف رشته‌آبی، آنرا بوسیله قنوت زیرزمینی بفواصل هشت تا ده فرسنگی و بعضی اوقات بسی بیشتر هدایت می‌کنند و از نقاط بلندتر بمناطق پست‌تر جاری می‌سازند تا آب بهتر جریان کند، در فن اکتشاف و هدایت آب، هیچ مردمی در جهان بیای ایرانیان نمی‌رسد. این مجاری زیرزمینی بعضی اوقات ده تا پانزده تراز است و چنین قنوت عمیقی من بچشم خود دیده‌ام. اندازه‌گیری مجاری مزبور سهل می‌باشد چون در فواصل هشت توازی، یادگشایی که بقطر چاههای ما (اروپائیان) است تعبیه کرده‌اند.



چهل و دوهزار کاریز در خراسان

یکی از همسایگان اصفهانی من که فرزند خراسان باختریان باستان بود برایم اغلب اوقات حکایت می کرد که پدرش در دفاتر ثبت ایالت مزبور دیده است که در عهد سابق چهل و دوهزار کاریز وجود داشته و کهریزهایی دیده که ته چاههای آن ناپیدا و بقراریکه می گفتند عمقشان هفتصد و پنجاه گز است . گز ذراع ایرانی است و معادل سی و چهار شست می باشد . بدین طریق سیصد و پنجاه و چهار تراز عمق داشته که باور نکردنی است معهذرا از احصائیه مزبور می توان بشماره قنوات زیرزمینی سرتاسر امپراطوری ایران پی برد و از مراتب این فن شایان تحسین اطلاع پیدا کرد . درماد (آذربایجان) نیز برایم حکایت کردند که فقط در ظرف شصت سال اخیر از تعداد کاریزهای این ایالت چهارصد رشته کاسته شده است . درجهان هرگز ملتی پیدا نمی شود که بمانند ایرانیان در حفر و احداث چشمه های زیرزمینی و ایجاد مسیرهای مناسب تحت الارضی مهارت داشته باشد . این قنوات معمولا دارای هشت تا نه پا عمق (ارتفاع) و دوتاسه پا عرض می باشند .

آب چاه و خصوصیات شایان توجه آن

ایرانیان علاوه بر انهار و قنوات از آب چاه نیز تقریبا در سرتاسر امپراطوری استفاده می کنند . آب چاه را بوسیله گاو یا سطهای بزرگ چرمی که معمولا بوزن دویست تا دویست و پنجاه لیور آب می گیرد استخراج می کنند . این سطل دارای حلقی (لوله ای) در قسمت پائین بطول دو تا سه پا و بقطر نیم پاست که طنابی بدان تعبیه شده و همیشه بطرف بالای چاه نگهش می دارد و مانع خروج آب از دهانه آن می گردد گاو دلورا بوسیله طناب ضخیمی که بدور چرخ بقطر سه پا و بمانند قرقره ای در بالای چاه بسته شده می پیچد، بیرون می کشد و آنرا بحوضچه ای که در همان نزدیکی است، بوسیله لوله مزبور خالی می سازد و آب از آنجا باراضی مربوطه توزیع می گردد. باید متوجه بود که برای تسهیل استخراج آب بوسیله گاو یک سراسیمبی در حدود سی درجه احداث می کنند و حیوان را سرازیری هدایت می نمایند و باغبان نیز روی طناب می نشیند و بدین طریق هم خودش آسوده می شود و هم از گاو دلجوبی می کند بطوریکه این طرز عمل علیرغم بدویت کامل آن، مناسب و راحت و کم خرج می شود. چون مستلزم بیشتر از یک نفر برای کار نمی باشد .

ساعت آبی و خصوصیات آن

اما توزیع آب انهار و چشمه ها بر حسب احتیاج هفتگی یا ماهیانه است و بدین طریق می باشد: یک فنجان گرد مسین بسیار نازکی که در مرکز قاعده آن سوراخ کوچکی احداث شده و از آنجا آب بتدریج داخل می شود ، بروی چشمه آبی که بمرزعه هدایت می شود قرار می دهند و هنگامی که فنجان فرو می رود پیمانه پر شده یعنی بمیزان لازم رسیده است و از نو همین حرکت را تجدید می کنند تا آب مقرر بمرزعه برود. معمولا دو تا سه ساعت می کشد که این فنجان فرو رود. از این اختراع برای سنجیدن زمان نیز در مشرق زمین استفاده می کنند چنانکه در اکثر نواحی هندوستان بویژه در قلعه ها و در منازل بزرگان که مستحفظین در آن کشیک می دهند این یگانه ساعت دیواری موجود در دست مردم است. باغها بر حسب میزان دفعاتی که ماهیانه از آب استفاده می کنند ، سالیانه پول می پردازند . در روز مقرر بهیچوجه از دادن آب امتناع بعمل نمی آید و در نوبت معین همه کس جوی آب باغ خویش را برای آبیاری بازمی کند و چون یک ناحیه دفعه واحده از آب استفاده می نماید خیلی سهل است که کسی آب بیشتری داخل باغ خویش کند و از باغ دیگری جریانشرا منحرف سازد، بهمین جهت اینگونه دغلبازی اکیدا قدغن و مرتکبین بسختی کیفر می یابند .

طرز توزیع و تنظیم آب، میراب، شهاب

برای اینکه فهم خصوصیات توزیع آب کاملا روشن باشد باید دانست که در هر ایالتی افسری (ماموری) وجود دارد که متصدی آبهای ایالت است و او را میراب نامند که بمعنی شهاب (شاه آب) است و تنظیم توزیع آب در همه جای آن ناحیه بمعده وی می باشد و او با کمال صحت، توسط آدمهای خویش که مامور انهار و چشمه ها می باشند این وظیفه را صورت می دهد و طبق دستورات وی آنها را ناحیه بناحیه، مرزعه بمرزعه توزیع و تقسیم می کنند . میرابی شغل بسیار پرسودی است. فی المثل میراب اصفهان سالیانه چهار هزار تومان درآمد دارد که معادل شصت هزار اکو (سکه طلا) می باشد و البته آنچه که مامورین وی برای خودشان می گیرند در جزو این رقم بحساب نیامده است . اراضی و باغات دارالسلطنه اصفهان و حومه های آن سالیانه برای هر جریبی بیست سو به شاهنشاه می پردازند : جریب مقیاس معمولی ایرانیان برای مساحی سطح زمین است و کمتر از یک آرپان می باشد ، البته این مبلغ فقط از بابت مصرف آب انهار یا چشمه ها پرداخت می گردد و بانهای دیگر مالیاتی تعلق نمی گیرد . علاوه بر حقوق بیست سو برای هر جریب تحف و هدایای عادی و غیرعادی نیز تادیه می گردد که بایستی به میراب تقدیم شود. فی المثل هنگامی که آب ندارند برای شکایت به حضور مشارالیه می شتابند و میراب نیز در پاسخ می گوید که احلا در ولایات آب وجود ندارد اما بمحض اینکه هدیه ای برایش تسلیم داشتند و این مطلبی است که هرگز فراموش نمی شود چون در غیر این صورت بیم از بین رفتن محصولات باغ و مرزعه در میان است ، بدین طریق اطمینان کامل پیدا می کنند که بقدر کافی آب لازم خواهند داشت .

بهای آب رودخانه با آب چشمه متفاوت است . این یکی ارزان تر از آن دیگری است چون آنقدر صاف و بآن اندازه گوارا نمی باشد .

چگونه مقدار آب با مرغابی میزان می شود

شخم بوسیله گاو آهن که بوسیله گاوهای لاغری کشیده می شود بعمل می آید . گاوهای ایران بمانند مال ما (اروپائیان) چاق نمی باشند . خیش را بشاخ حیوان نمی بندند بلکه با دایره ای بسینه اش تعبیه می کنند . گاو آهن خیلی کوچک و بالنتیجه تیغه اش فقط سطح زمین را خراش می دهد و بتدریج که شیارها احداث می شود شخم زنان کلوخه خاکها را بوسیله تخماقهای درشت چوبی و بامسلفه خرد می کنند . این آلت کوچکی است که دارای دندانهای کوچکی میباشد و آنگاه بوسیله بلی زمین را مسطح و بمانند قطعات اراضی باغچه مربعاتی درست می کنند و در اطراف آن لبه هایی بارتفاع یک پا یا کمتر و بیشتر بر حسب مقتضیات آبیاری بوجود می آورند . مقدار آبی که برای آبیاری مربعات ضرورت دارد معادل میزانی است که یک مرغابی بتواند در آن بشنا پردازد و بدین طریق برای باغ و بوستان هر هفته آب می دهند .



از : دکتر احمد قهرمان

* در تاکزینومی مدرن از علوم پایه دیگر مانند ریاضی و آمار و بیومتری نیز استفاده می شود .
 * در سرولوژی مواد پروتئینیک بدست آمده از گیاه را در حیوانی مانند Cobayes (خوکچه هندی) تزریق نموده عکس العمل آنی یا بعدی حیوان را نسبت بآن معلوم می کنند و در حقیقت تشکیلات آنتی کورو عکس العمل انافیلاکتیک و غیره را می سنجند .

* یکی از روشهایی که امروزه در تاکزینومی بسیار متداول است وامکان تحقیق و پی گیری دقیق را در تعیین و خلوص گونه و واریاسیون های آن میدهد ، روش بیومتری یعنی استفاده از ریاضی و آمار می باشد .

* اخیراً که ماشین کامپیوتر در خدمت رشته های مختلف علوم قرار گرفته است ، در کشورهای امریکا و روسیه نیز در تاکزینومی مدرن از آن استفاده شایانی می شود . البته باید متذکر شد که از ماشین کامپیوتر برای قرابت گونه های یک جنس نسبت بهم و یا تعیین آنکه کدام گونه از جنس ارزش گونه بودن را نداشته یا وارپته و فرم گونه دیگر است ، استفاده می گردد .

* استفاده از کامپیوتر در تاکزینومی موارد متعددی دارد که در این مختصر جای بحث آن

نیست .

صفحه نجاه و دوم

سابقه علم گیاه شناسی بدون شك از سایر علوم كه ریشه چند هزار ساله دارند قدیمتر است، ویزمانهای بسیار دور ارتباط دارد. سرآغاز دانش شناسائی گیاهان در حقیقت بزمانی مربوط میشود كه انسان ابتدائی برای سدجوع و خوراك از گیاهان محیط خود بعنوان غذا استفاده مینمود، و بر اثر تكرار و تجربه كم و بیش به برخی از اختصاصات گیاهان مانند طعم و مزه و احیاناً ارزش و یا زیان بخش بودن آنها آشنائی پیدا كرد و تا آنجا كه مغز او اجازه میداد بین آنها فرق میگذاشت. ولی سر آغاز آشنائی بشر با گیاهان از زمانی است كه انسان به كشاورزی روی آورد و بكار آن پرداخت و باصطلاح گیاه مستقیماً مورد لمس او قرار گرفت. اولین گیاه شناس اطبا و داروسازان عهد عتیق بودند كه از گیاهان برای درمان بیماران خود استفاده میکردند و برای این منظور میبایست خواص مختلف گیاهان را در نظر میگرفتند و بین آنها فرق میگذاشتند. بنابراین بحكم ضرورت میبایست آنها را دسته بندی میکردند و باین ترتیب اولین طبقه بندی گیاهان آغاز شد و چنانكه ملاحظه می شود، طبقه بندی آنها مآخذ صحیح نداشته و تنها فایده آن این بود كه معلوم نمود برای بررسی جهان گیاهی حتماً باید به رده بندی گیاهان پرداخت.

قدیمترین رده بندیها مربوط به Chou — King از اهالی چین در ۲۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است كه برخی از گیاهان را از روی گل آنها طبقه بندی نمود. بعد از این رده بندی طبقه بندی ثئوفراست Theophrast یکی از شاگردان ارسطو را باید نام برد كه در سال ۲۸۷ — ۳۷۲ قبل از میلاد گیاهان را به گروه سبزیها، گیاهانكه دانه آنها خوراکی است و بالاخره گیاهانكه خود مورد استفاده و تغذیه قرار میگیرند طبقه بندی كرد. در سال ۲۰ قبل از میلاد دیوسكوریوس Dioscori te ضمن شناساندن ۷۰۰ گیاه آنها را به چهار گروه تقسیم نمود.

۱- گیاهان معطر و دارای اسانس ۲- گیاهان خوراکی ۳- گیاهان طبی ۴- گیاهان سمی.

پس از این تاریخ در سال ۷۹ میلادی نخستین كتاب در رده بندی گیاهان در شش جلد مصور انتشار یافت كه از جهت تاریخی امروزه ارزش فراوان دارد و بنام پلن آنسین Plin — ancien معروف است.

بعد از انقراض تمدن یونان بخصوص در اوایل قرون وسطی كه همگام با بسط تمدن اسلامی است و بخصوص ظهور دانشمندان نامی و محقق ایرانی شیخ الرئیس ابوعلی سینا (۱۰۳۷ — ۹۸۰ میلادی) گیاهان بشماري توسط او برای اولین بار شناخته و نامگذاری گردید و شرح علمی آنها با خواص درمانی

وسایر اختصاصات گیاه برای شناسائی آن تحریر شد. ازدوره رنسانس اروپا به بعد گیاه شناسان بشماري در اقصی نقاط اروپا بامر گیاه شناسی ورده بندی آن پرداختند. ولی در اروپای آن زمان دانش گیاه شناسی بیشتر جنبه فانتزی و تفنن اشرافی داشته و دارو سازان نیز كه از گیاه یا عصاره آن برای تهیه دارو استفاده میکردند، كارهای خود و گیاه مورد استفاده را همیشه در خفا نگاه می داشتند.

كتابه های قدیمی ایران كه همزمان با این عصر اروپا است بیشتر بدست اطبا و دارو سازان نوشته شده و طرز درمان بیماریه ها براساس مفردات پزشکی شرح داده شده كه از این میان معروفتر از همه نوشته های ابوعلی سینا و رازی و دیگران است. اسامی گیاهانی كه در این كتابه ها نوشته شده است برخی ریشه یونانی دارند و بعضی توسط مؤلفین بالا نام گذاری شده است. در پیدایش دانش گیاه شناسی، صحرائشینان و مصریان و هندوها نیز سهم قابل توجهی دارند زیرا نویسندگان كتابه های طبی آن دوره به كمك همین عوامل موفق به جمع آوری گیاهان داروئی شده و آنها را بر حسب خواص طبی رده بندی نمودند. با پیشرفت سایر علوم در امر گیاه شناسی نیز پژوهندگانی بكار گیاه شناسی پرداختند كه كار آنها منحصراً شناسایی گیاه و اختصاصات محیط رویش آن بوده است. كار این دانشمندان سبب شد تا اهمیت شناسائی گیاه در شناخت طبیعت و محیط معلوم گردد. آنچه مسلم است برای شناخت هر محیط واقلیمی گیاهان ثابت ترین و بهترین عامل مؤثر این شناسائی هستند. زیرا تنها موجودات ثابت و پابرجای محیط میباشند كه در تمام دوره زندگی تحت عوامل و تغییر فاكتهورهای آن بسر می برند و بهترین نشان دهنده وضع آب و هوا — جنس زمین، مقدار رطوبت و باران بوده و امروزه نیز میتوان از روی گیاهان مخصوصی كه در برخی از مناطق میرویند وجود معادن و آبهای زیرزمینی را احیاناً معلوم نمود. از قرن هیجدهم به بعد بررسی طبیعت توسط گیاه شناسان بطور جدی آغاز شد و جمع آوری گیاهان اهمیت فوق العاده پیدا نمود. در اواسط این قرن گیاه شناسان اروپائی علاوه بر گیاهان قاره اروپا در تمام دنیا شروع به جمع آوری گیاهان نمودند و با ازدیاد نمونه ها ناچاراً موزه گیاهی Herbarium در بعضی نقاط اروپا بوجود آمد و برای حفظ و نگاهداری و خشك نمودن گیاهان جمع آوری شده روشهای علمی معمول گردید. در قرن نوزدهم علاوه بر سازمانهای علمی كه غالباً تحت حمایت کلیسا یا دولت بكار جمع آوری گیاهان و نامگذاری آنها می پرداختند، دوستداران گیاه شناسی نیز فراوان بودند كه با هزینه شخصی باین كار مبادرت

نموده بمسافرتها های كم و بیش دور و نزدیک می پرداختند و جهت غنی نمودن كلكسیون یا مجموعه گیاهی خود به مبادله گیاهان جمع آوری شده با مجموعه داران کشورهای مختلف اقدام مینمودند و علاوه بر این دسته، عده ای نیز شغل جمع آوری و فروش گیاهان به مؤسسات خصوصی یا دولتی را در پیش گرفتند. نتیجه این اقدامات و مسافرتها مكرر باقصی نقاط دنیا و مبادلات گیاه يك قاره به قاره دیگر (بخصوص در اروپا) سبب غنی شدن كلكسیون ها شد. در این زمان سرزمین پهناور ایران كه از نظر تنوع گیاهی بیش از هفت هزار گونه گیاه دارد طبعاً از دیده حریص این گیاه شناسان دور نماند و عده بشماري از آنها بایران روی آوردند.

ارسال گیاهان ایران بموزه های خارج بخصوص موزه گیاهان پاریس و ژنو و كیولندن بیشتر در سالهای ۱۹۰۰ میلادی بعد از آن یعنی از اوایل قرن بیستم انجام گرفت و در سالهای ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۲ نیز بعضی از این افراد بعنوان كارشناس در مؤسسات آموزشی و وزارت كشاورزی شغل و اغلب قراردادی داشته اند و بیشتر گیاهان ایران در همین فاصله زمانی به موزه های خارج فرستاده شد و این موزه ها را از نمونه های گیاهان ایران غنی ساخت.

قبل از جنگ جهانی دوم در اروپا و امریکا در حدود ۶۰۰ — ۵۵۰ مجموعه گیاهی وجود داشت كه در آنها نزدیک به ۱۲۰ میلیون نمونه از سیصد هزار گونه گیاهی جمع شده بود. متأسفانه در دوران جنگ جهانی دوم كه اروپا از آن آسیب فراوان دید. مقدار زیادی از این مجموعه ها نیز آسیب دیده دچار حریق شده، منهدم گردید. پس از جنگ جهانی دوم و شكست آلمان متفقین بچندین صندوق از گیاهان ارسالی ایران كه توسط گاوپا اطریشی (گاوپا در استخدام وزارت كشاورزی بوده و در دانشكده كشاورزی نیز گیاه شناسی تدریس مینمود) بآلمان فرستاده شده بود دسترسی یافتند. روسها و انگلیسها و فرانسویها هر سه بتصاحب آن اظهار علاقه شدید نمودند و سرانجام با اقدامات دولت ایران این گیاهان بایران بازگشت داده شد و مقدمه كارهای گیاه شناسی در ایران شد و با اهمیت و پشت كار پرفسور احمد پازسا استاد و گیاه شناس ایرانی كار گیاه شناسی ایران سروسامانی گرفت و فلور ایران توسط ایشان با كمك وزارت فرهنگ در پنج جلد و در چند هزار صفحه بزبان فرانسه تدوین شد. در تاریخ دیپلوماسی کشورهای اروپا در قرن هیجدهم و حتی اواخر این قرن موضوع كلكسیونهای گیاهی بخصوص مجموعه لینه (دانشمند نامی سوئد كه در انگلستان نگاهداری میشود) سبب كشمكشهایی گردید كه منجر به اعزام كشتیهای جنگی طرفین شد.

در پایان این مختصر تاریخچه گیاه شناسی لازم میدانم از گیاه شناسان ایرانی که در شناسائی گیاهان و رویش این مرز و بوم زحمت کشیده و اثر با ارزش آنها را هنما و چراغ راه پویندگان گیاه شناسی و دوستداران این دانش میباشد یعنی از دکتر احمد پارسا - دکتر مبین - دکتر زرگری - دکتر ملکی - دکتر ثابتی - دکتر اسفندیاری که همگی از استادان علم گیاه شناسی میباشند . نامی برده شود .

گذشته از مقدمه فوق مطلب اساسی این مقاله مسئله نامگذاری و اشکالات رده بندی گیاهان است که با توسعه علوم مختلف از سادگی گذشته خارج شده علمی جدید بوجود آورده است که بآن تاکزینومی میگویند . مطالعات تاکزینومیک در حقیقت مراعات قواعد و قوانین خاصی است که در تنظیم رده بندیها باید منظور گردد . ریشه نام تاکزینومی از تاکری Taxo بمعنی نظم و ترتیب گرفته شده مانند فیلو تاکسی که ترتیب و آرایش برگ بر روی ساقه را گویند . و Nomie نیز قانون یا قواعد است .

اصطلاح تاکزینومی از دو کاندل De candoll دانشمند گیاه شناسی سوئیسی است که بیشتر عمر خود را در فرانسه و در مون پلیه گذرانده است . دو کاندل در ابتدا اصطلاح تاکزینومی Taxeonomie را پیشنهاد نمود ولی بعداً خود او با حذف حرف (e) آنرا ساده تر کرده و تاکزینومی Taxonomie گفت و بعدها شاید بدلیل ریشه این نام بخصوص در فرانسه بیشتر تاکزینومی Taxinomie گفته شد . هر چند هر دو نوع تلفظ این نام يك معنی دارد ولی گاهی نیز ایجاد کشمکش نموده است .

در سال ۱۹۵۵ نورماند D. Normande پیشنهاد نمود که برای تاکزینومی مطالعه نامگذاری Nomenclature و برای تاکزینومی مطالعه علم رده بندی Classification در نظر گرفته شود ، ولی به این پیشنهاد توجهی نشد و هر دو فرم این نام را معادل هم شناختند . بعضی از مؤلفین معتقد هستند چون واحد سیستماتیک در گیاهان تاکسون Taxon و جمع آن تاکرا Taxa است بنابراین باید تاکرانومی یا تاکسانومی گفته شود . اگر در نظر بگیریم که نام تاکزینومی خیلی قدیمتر از واژه تاکرا است بی ارتباط بودن این دو را متوجه میشویم . البته تلفظ تاکزینومی ساده تر از تاکزینومی است ولی آخری بنظر صحیح تر میرسد .

رده بندی پراتیک - تقسیم کلی گیاهان و تشکیل گروه های بزرگ بر مبنای صفات مورفولوژی امروزه نیز مورد تأیید همه است و اگر هم برجسب فیلوژنی یا تکامل و قدمت گیاه در این سطح از تقسیمات تغییراتی بوجود آید در تقسیمات سطح پائین تر از نظر اصل تأثیری ندارد . معمولاً صفاتی که تقسیمات

بزرگ و گروه بندی گیاه بر روی آن قرار میگیرد صفاتی است کلی ، متکی بر اختصاصات دستگاه زایشی یا رویشی گیاه و این تقسیمات تا حد فامیل و جنس خالی از اشکال و تردید است ولی در تقسیمات پائین تر از سطح جنس چون صفات اندامهای غیر اصلی ملاک تقسیم قرار میگیرد ، و این صفات فرعی امکان دارد تحت تأثیر عوامل محیط مانند موقعیت جغرافیائی و شرایط اکولوژیکی تغییر کند ، بنابراین باید در این مورد احتیاط و دقت بیشتری بکنیم . اگر در نظر بگیریم در شجره گیاهی گونه ها و تاکسونهای پائین آن آخرین انشعاب این درخت را تشکیل میدهد ، و آنچه را که ما با آن سروکار داریم و احتیاج به شناسائی آن است همین گونه ها میباشد اهمیت کلید استوار بر پایه ای محکم که ما را در شناسائی گونه ها راهنمایی بکند بخوبی معلوم میشود .

در گیاهان پست و سلولر (جلبکها - قارچها و گیاهان تک سلولی) چون شکلیا صفات مورفولوژی تقریباً ثابت است ، شناسائی از روی آن بآسانی امکان پذیر میباشد . اما در گیاهان گلدار که تنوع زیاد داشته و پلی مورفسم در آنها شدید میباشد ، شناسایی گیاه از روی اختصاصات ظاهری غالباً کافی نبوده و ما را قانع نمیسازد . زیرا ممکن است افرادی را که از روی صفات ظاهری در گونه ای قرار میگیرند بعلت اختصاصات غیر مورفولوژی ولی ثابت بگونه های چند دیگر تعلق داشته باشند . و بهمین علت است که امروزه این همه تغییرات و تقسیمات متعدد در حد گونه انجام میگیرد و هر نشریه گیاهی را که مورد مطالعه قرار دهیم نام چند گونه تازه و جدا شده از گونه دیگر را می بینیم . برای آنکه جلو این گونه سازی گرفته شود و یا با اصطلاح چرخ گونه خرد کنی متوقف گردد باید در جستجوی صفت ثابت و احیاناً غیر مورفولوژی بود که گذشته از اختصاصات ظاهری محک شناسائی گونه باشد .

تحقیق و جستجو و استفاده از روش - هائیکه متکی بر سایر دانشهای بیولوژی باشد ، مانند روش آناتومی ، انتوژنی ، ژنتیک و سیتولوژی ، بیوشیمی و اکولوژی و بالاخره بیولوگرافی و تاکزینومی یا سیستماتیک تجربی را تاکزینومی مدرن میگویند . در تاکزینومی مدرن از علوم پایه دیگر مانند ریاضی و آمار و بیومتری نیز استفاده میشود تاکزینومی مدرن را میتوان گفت مطالعه و تحقیقی در حد گونه و واحدهای پائین تر از گونه است ، و در این مقاله سعی میشود باختصار از روشهایی که در تاکزینومی مدرن مورد استفاده قرار میگیرد بحث شود . آزمایشهای متعدد نشان داد چنانچه افراد يك گونه گیاهی را که ساختمان آناتومی مشخص دارند ، بوسیله رویش در شرایط غیر عادی بتوان در آنها ایجاد تغییرات مورفولوژی

داد این تغییرات ظاهری یا شکلی در اختصاصات ساختمانی اسپسفیک گیاه هیچ اثری ندارد ، و تقریباً معلوم شد شکل کرک و نحوه نمو آن ، فرم و تیپ و تشکیل روزنه ، فرم و انتشار اکسالات کلسیم وجود سیستمیت صفاتی ثابت و تغییر ناپذیر میباشد .

در روش آناتومی اندام انتخابی معمولاً برگ میباشد ، زیرا برگ بیش از سایر اندامهای گیاه در معرض تغییرات محیط قرار دارد و ثانیاً تهیه آن از گیاه تازه و از هر باریوم (موزه نگاهداری گیاهان خشک شده) بآسانی میسر است .

بطوریکه اشاره کردیم در روش آناتومی تشخیص اسپس بر اختصاصات عناصر ساختمانی بشره متکی است و در تقسیمات سطح بالا مخصوصاً در گروه های بزرگ گیاهی نیز روش آناتومی بسیار قاطع است (چون صفات مورفولوژی کافی است بنابراین احتیاجی به این روش نیست) . موضوعیکه در اینجا باید متذکر شد اینست که روش آناتومی در تیرم های مختلف گیاهی ارزش یکسان ندارد . مثلاً روش تشریح در گونه های تیره نعناع بی مورد است و برعکس در گونه های تیره Thymeleaceae و Plombaginaceae و تیره جعفری ارزش زیاد دارد . روش آناتومی در تیره گندم نیز نشان داد ، بشره برگ در شناسائی گیاه ارزش بسیار زیاد دارد و از روی قطعه ای برگ می توان گونه گیاه را تشخیص داد .

مطالعه انتوژنی Ontogenie

در جانورشناسی نقش مهمی دارد حتی می تواند پایه رده بندی قرار گیرد ، بنابراین نمی توان گفت این روش در تاکزینومی گیاهی قابل استفاده نیست ؟

اگر در روش مورفولوژی و آناتومی ، فرم گیاه و ساختمان نمو یافته و کامل آن مورد بررسی قرار میگیرد و بعبارت دیگر آخرین مرحله نمو گیاه مورد نظر است در انتوژنی اولین مرحله نمو یعنی نمو سلول تخم تا تشکیل جنین و از تشکیل جنین تا پیدایش طرح اولین عضو اصلی گیاه باید بررسی شود . و این مرحله از نظر تحقیق اهمیت خاص دارد .

بعنوان مثال دریك گونه مشخص اگر نمو جنین عادی باشد تقریباً فرم توده جنینی حاصل از بلاستومر Blastomer همیشه ثابت است . البته تحقیقات انتوژنی برعکس آن که در بخش حیوانی پیشرفت کرده است در وقت گیاهی در مرحله ابتدائی است و امید است که در آینده جای خود را در تاکزینومی گیاهی بخوبی پیدا نماید .

استفاده بیوشیمی در تاکزینومی - تحقیقات بیوشیمی نشان داد در بین ژانرهای گیاهی که از نظر اختصاصات مورفولوژی کاملاً یکنواخت میباشند ، از نظر محتویات شیمیایی ممکن است دارای بخشهای متعدد باشند ، مثلاً تجزیه شیمیایی که از دانه بارهنگ Plantago بعمل آمد نشان داد همه آنها

دارای گلاکتوزیدی بنام پلانتهاوز Planteose هستند و فقط چهارتای آنها گلوئیدی بنام استاکیوز Stachyose دارند، بنابراین بخشی باین طریق در جنس پلانتاگو حاصل شد که بآن بخش شیمیک میگویند، و این تقسیم بخش مورفولوژی قبلی را کاملاً نفی نمود.

مطالعات میکروآنالیز در افراد یک گونه نیز نشان داد، با وجود آنکه همه به ظاهر مشابه اند، غالباً پلی شیمسم در آنها فراوان دیده میشود، بنابراین بیوشیمی ممکن است سبب تقسیماتی در گونه بشود که بآن نه وارینه و نه فرم میتوان گفت، بلکه کنوتیپ های Chentotypes گونه بشمار میرود.

مطالعات بیوشیمی همچنین نشان داد فامیلها یکی که دارای سیستمیت میباشد جنس های واجد سیستمیت در آنها یک طایفه Tribu و جنس های فاقد آن به طایفه دیگر ارتباط دارند و ضمناً فرم سیستمیت و آکسالات کلسم نیز در هر فامیل گیاهی مشخص است.

موضوعیکه جالب بنظر میرسد، بیوشیمیستها در تاکزینومی تنها به روش کلاسیک تجزیه اکتفا نمیکند بلکه فرم سیستمیت و بلورهای آکسالات کلسم، نیز مورد نظر آنها است و در حقیقت بکار مورفولوژی نیز میپردازند. و از روشهای مختلف دیگر مانند کروماتوگرافی Chromatographie و بخصوص از سرولوژی Serologie استفاده میکنند که آخری یک روش فیزیولوژیکی است. در سرولوژی مواد پروتئیک بدست آمده از گیاه رادرجوانی مانند Cobayes (خوکچه هندی) تزریق نموده عکس العمل آنی یا بعدی حیوان را نسبت بآن معلوم میکنند و در حقیقت تشکیلات آنتی کورو عکس العمل انافیلکتیک و غیره را میسنجند. و باین طریق از روی عصاره تزریق شده معلوم می کنند دو گیاه چقدر بهم نزدیک و یا با وجود اختصاصات مورفولوژی مشترک چقدر از هم دور هستند.

نتیجه روش سرولوژی در بعضی گروه های بزرگ گیاهی و در تقسیمات پائین گونه مانند زیرگونه Sussepece و وارینه و فرم و غیره بسیار عالی است.

روش سیتولوژی و ژنتیک - مسائلی که از سیتولوژی و ژنتیک در تاکزینومی مطرح میشود یکی اثر محیط، دیگر موتاسیون و (جهش) بالاخره هیبریداسیون (دورکی) است ولی آنچه در اینجا مورد نظر ما است سیتوتاکنومی Cytotaxinomie است که عبارت است از مطالعه تعداد کروموسوم و تأثیر پولیپلوئید و آنپلوئید در کیفیت پلی مورفسم گیاه، و دیگر مطالعه هسته و کروموسومها میباشد. مطالعات ژنتیکی و سیتولوژی معمولاً بر روی گیاه کاشته شده

و یا مشخص شده انجام میگیرد. و درشناسائی گیاه نامشخص نمیتوان از این روش استفاده نمود. ولی با همه اینها بهره ای که تاکزینومی از سیتولوژی و ژنتیک گرفته از سایر دانش های بیولوژی بیشتر بوده است.

از روشهای دیگری که در تاکزینومی از آن استفاده میشود، روش اکولوژی است و آن استفاده از ارتباط گیاه با محیط در تاکزینومی است. این روش در بیشتر موارد محک خوبی در شناسائی خلوص گونه و جدا نمودن گونه های واقعی از گونه های کاذب است بعنوان مثال اگر افراد چند گونه گیاهی را که اختصاصات معینی داشته و هر یک به محیط خاصی از نظر خاکشناسی و کلیما سایر شرایط اکولوژی ارتباط دارند و شرایط دیگری که با محیط زیست آنها فرق میکند ولی برای همه یکسان است منتقل سازیم و بقول اکولوژیستها Côte-a-côte بکاریم مشاهدات جالبی حاصل خواهد شد. دسته ای از آنها خیلی زود و عده ای در فاصله زمانی بیشتر و بتدریج از بین میروند و عده ای هم که تغییر شرایط محیط را تحمل میکنند، رشد طبیعی خود را از دست داده و نقاط ضعف آنها نسبت به محیط سبب میشود تا در اثر رقابت با سایر گونه ها از محیط شوند باین دسته که در هر حال هیچگاه اختصاصات مورفولوژی و طبیعی خود را از دست نمیدهند آکوتیپ Ecotype می گویند که گونه های خالص و واقعی میباشند (ژنوتیپ).

دسته دیگر تغییر شرایط محیط را بخوبی تحمل نموده و سازش با محیط سبب تغییراتی در آنها میگردد که گاهی این تغییرات بسیار عمیق بوده بکلی با گونه اصلی اختلاف دارد. و این اختلاف در نسلهای بعد نیز اگر گیاه در همان محیط پرورش یابد باقی خواهد بود ولی بمحض آنکه گیاه یا دانه آن را پس از چندین نسل به محیط اول برگردانیم همان اختصاصات اولیه گیاه ظاهر میگردد. این کیفیت و این گیاهان را اکوفن Ecophene میگویند (فنتیپ) بنابراین اگر یک سیستماسین (گیاه شناس) پدیده اکوفن را در نظر نگیرد، امکان دارد یک چنین گونه ای را در چند محیط مختلف که صفات مورفولوژی متفاوت دارد، چند گونه مستقل بشناسد.

یکی از روشهاییکه امروزه در تاکزینومی بسیار متداول است و امکان تحقیق و پی گیری دقیق را در تعیین خلوص گونه و واریاسیون های آن میدهد، روش بیومتری یعنی استفاده از ریاضی و آمار میباشد. در روش هائیکه قبلاً ذکر شد بخصوص در روش مورفولوژی که تاکزینومی عملی بر آن متکی است، صفت هائیکه جنبه کیفی دارند مورد نظر است و کمیت یا اندازه مورد توجه نیست. مثلاً میگوئیم در این گیاه برگ کامل و در آن دیگر دنداندار است یا برگ این ساده

و برگ آن منقسم است و یا گل این جام آبی و گل آن جام قرمز دارد. ولی در روش بیومتری و آمار اندازه و کمیت است که اساس قرار میگیرد. مانند طول اندام و مقدار آن و چنانچه مثال انتخابی برگ باشد، طول و عرض برگ - تعداد رگبرگها، طول رگبرگ - تعداد روزنه در میلیمتر - مربع و امثال آن مورد توجه قرار میگیرد. استفاده از روش بیومتری احتیاج به مراعات تکنیک خاصی دارد، چنانچه صفت مورد انتخاب طول اندام باشد، بدیهی است همه نمونه ها باید شرایطی یکسان داشته، همه آنها نمو یافته و کامل بوده، و همه از یک قسمت ساقه مثلاً سومین برگ از سومین بند ساقه باشند.

بعنوان مثال اگر بخواهیم حد واریاسیون را در گونه چنار *Platanus orientalis* معین نمائیم و صفت مورد نظر بنا بفرض طولترین رگبرگ باشد. نمونه گیری ما (Echantillonnage) عبارت خواهد بود از ۱۰۰ یا ۳۰ عدد برگ که از شاخه های متعدد درخت ولی از قسمت های معین شاخه انتخاب شده باشد. چنانچه بهمین طریق بخواهیم تحقیق کنیم، چنار هائیکه در تهران و اطراف کاشته میشود یک گونه خالص است (Unimodale) یا یک گونه ناخالص (Plurimodale) و همراه با واریته های چندباید *Collections de masse* تهیه نمائیم و آن عبارت است از تعداد زیادی برگ مثلاً (۷۵۰) عدد که از هفتصد و پنجاه درخت در نقاط مختلف تهران که بطور اتفاقی ولی از ناحیه معین شاخه های فرعی چنار تهیه کرده باشیم، فرض کنیم تغییرات بر حسب میلیمتر از بالای ۱۰۰ آغاز شده به ۱۸۹ ختم گردد. برای تنظیم و ترتیب اعداد بدست آمده و استفاده از آنها سه ستون از اعداد تشکیل میدهم. اولی ستون ردیف یا کلاس است که تواتر تغییرات را از حدی تا حد دیگر نشان می دهد. ستون دوم Median یا میانه این تغییرات است و بالاخره ستون سوم تعداد و تواتر برگ است.

تواتر و تعداد برك	ميانه تغييرات	ستون ردیف يا كلاس
۴۰	۱۰۷	۱۰۰ - ۱۱۴
۹۰	۱۲۲	۱۱۵ - ۱۲۹
۱۵۰	۱۳۷	۱۳۰ - ۱۴۴
۲۶۰	۱۵۲	۱۴۵ - ۱۵۹
۱۵۰	۱۶۷	۱۶۰ - ۱۷۴
۶۰	۱۸۲	۱۷۵ - ۱۸۹
۷۵۰		

اوليه دارد كه باختصار بآن اشاره ميشود .
فرض كنيم يك جنس داراي ۱۰ گونه با
مشخصات زير باشد :

الف - صفات كل :

۲ گونه با جام قرمز $A_1 =$ صفت قرمزی
۷ گونه با جام سفید $A_2 =$ صفت سفیدی
۳ گونه با جام آبی روشن $A_3 =$ صفت آبی روشن

$$2A_1 + 7A_2 + 3A_3 = 10$$

ب - صفات برك :

۴ گونه برك كامل $B_1 =$ صفت كامل بودن برك
۶ گونه برك با حاشيه كنگره‌ای $B_2 =$ صفت كنگره‌ای

$$4B_1 + 6B_2 = 10$$

اگر صفات در نظر گرفته شده ارزشهای
مثبت باشند ، بنابراین گونه های فاقد آن
هم ارز آن ارزش منفي دارند كه خود صفتي
بشمار ميرود . مثلاً ارزش واقعي صفات ده
گونه بالا در مقايسه با هم عبارت خواهد بود
از :

$$\begin{aligned} 2A_1 + 8a_1 &= 10 \\ 7A_2 + 3a_2 &= 10 \\ 3A_3 + 9a_3 &= 10 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} 4B_1 + 6b_1 &= 10 \\ 6B_2 + 4b_2 &= 10 \end{aligned}$$

حال اگر بخواهيم مثلاً دو گونه X و Y را با هم مقايسه نمائيم ميشود :

$$\begin{matrix} X & a_1A_1 & a_2B_1 & b_2 \\ Y & A_1a_1 & A_2a_2 & B_2b_2 \end{matrix} > (Co)$$

احياناً وارياسيونهاي در حد يکديگرند .
استفاده از کامپيوتر در تاکزينومي موارد
متعددي دارد كه در اين مختصر جای بحث
آن نيست .

روش ديگري كه در تاکزينومي معمول
است مطالعات بيوزئوگرافي گونه و تاكسون
های پائين گونه است ، و در حقيقت روشي
است كه با آن ميتوان مسائل مربوط
سيستماتيک را توجيه نمود .

آنچه مسلم است بين مسائل سيستماتيک
و بيوزئوگرافي گياه ارتباط خيلي نزديكي
وجود دارد و تنها با روش بيوزئوگرافي است
كه ميتوان ارتباط يك اجتماع پلي مورفيسم و

برای آنكه درجه شباهت اين دو گونه را
معين كنيم بايد در نظر بگيريم كه صفات در
نظر گرفته شده برای دو گونه يك ارزش
و اهميت نيستند . مثلاً صفت A_1 برای X
خيلي بيشتر اهميت دارد تا a_3 زیرا برای X
۹ گونه ديگر فاقد جام آبی و روشن هستند
يعنی a_3 را دارند در صورتيكه فقط دو گونه
دارای جام قرمز رنگ A_1 هستند از اين
جا ايده ارزش مشخصه اسپسيك صفات بدست
ميآيد كه آنرا با (Co) نشان ميدهند باين
صفات ، صفات داراي وزن مخصوص گونه‌ای
ميگويند بعنوان مثال در نمونه های قبل

از اعداد بدست آمده درستون يك ميتوان
منحنی تغييرات يا تواتر را رسم نمود
و از اعداد ستون دوم ميتوان هيستوگرام
Histograme يا نمودار آماری اين
تغييرات را بدست آورد . اگر منحنی يا
نمودار آماری فقط يك حداكثر داشته باشد .
چنارهای تهران گونه‌ای يکنواخت (هموزن)
و خالص بوده فاقد واريته با تقسيمات پائين
گونه است . البته نبايد يك عضو گياه اکتفا
کرد . بلکه چندين صفت را بايد مورد تحقيق
قرار داد تا مطمئن شد .

بطورکلی پنج نوع منحنی تواتر می-
شناسيم - منحنی بشکل زنگوله قريبه $\cap$
(منحنی تببيك گوس ، بشکل زنگوله غير
متقارن $\cap$ بشکل J بفرم U وبالاخره به-
شکل S . دو منحنی اولی در بيولوژی بسيار
مورد پيدا ميکند . منحنی بشکل U نيز در
توزيع و تواتر ژن در ژنتيك گاهی مورد
پيدا ميکند .

اخيراً كه ماشين کامپيوتر در خدمت
رشته های مختلف علوم قرار گرفته است ، در
کشورهای آمريکا و روسيه نيز در تاکزينومي
مدرن از آن استفاده شايانی ميشود البته بايد
متذکر شد كه از ماشين کامپيوتر برای قرابت
گونه‌های يك جنس نسبت به هم و ياتعيين آنكه
كدام گونه از جنس ارزش گونه بودن را
نداشته يا واريته و فرم گونه ديگر است ،
استفاده ميگردد .

شيفري كه برای ماشين کامپيوتر جهت
اين منظور تهيه ميگردد محاسباتی مخصوص و

هیبریداسیونهای مولد آنرا در موقعیت جغرافیائی خاص محل مطالعه نمود .

بیوژئوگرافی : دانشی مخصوص بخود نیست و از دانشهای متعدد دیگری نتیجه میشود و بجزئیات میتوان گفت بهترین روشی است که با آن میتوان منشأ گونه های یک جنس را و بخصوص تقسیمات پائین گونه را مورد مطالعه قرار داد ، و مسائل بیولوژی مربوط بآنها که گاهی به زمانهای خیلی دور مثلاً به ابتدای دوران چهارم زمین شناسی میرسد بررسی نمود تا معلوم شود وقتی يك پدیده تاكسونی بوجود میآید ، در چه کلیما و در چه شرایطی این پدیده ظاهر میگردد و چه عواملی در تثبیت آن دخالت دارند . برای توضیح این مطلب مثال جالبی وجود دارد و آن جنس زنبق در آمریکای شمالی است در آمریکای شمالی سه گونه زنبق با صفات مورفولوژی نزدیک بهم وجود دارد این سه گونه عبارتند از :

پنجم : با مشاهده اختصاصات ژنتیکی این سه گونه (چنانکه انتشار جغرافیائی آنها در نظر گرفته نشود) باسانی میتوان گفت سومی هیبریدی است از دوتای اول اما وقتی فاصله آنها را باهم مقایسه میکنیم که اولی در جنوب شرقی امریکای شمالی (منطقه گرم) دومی در آلاسکا (منطقه نسبتاً سرد) سومی که باید هیبرید این دو باشد در شمال شرقی امریکای شمالی (منطقه سرد) انتشار دارد ، تماس جغرافیائی والدین احتمالی آنها بعید بنظر میرسد .

این عمل برای مطالعه چگونگی تشکیل گونه انجام میگردد که اختصاصات آن حد واسطه صفات دو گونه دیگر است و قبل از مبادرت بکشت نیز هر سه گونه را (هیبرید و والدین احتمالی) از نظر ژنتیک و احتمالات آماری آزمایش مینمایند. بهترین نمونه و مثالی که در این مورد میتوان اشاره نمود جنس *Galeopsis* است که آزمایش جالبی بر روی آن انجام گرفته .

مونترینگ *Muntzing* دو گونه *G. Speciosa* و *G. Pupesens* را که

منطقه سرد	شمال شرقی آمریکای شمالی	<i>Iris Versicolor</i>	اریس ورسی کلر
منطقه گرم	جنوب شرقی آمریکای شمالی	<i>Iris Virginica</i>	اریس ویرژینیکا
منطقه نسبتاً سرد	در آلاسکا	<i>Iris Setosa var interior</i>	اریس ستوزا

چنانکه بخواهیم ارتباط این سه گونه را با یکدیگر مطالعه کنیم ، بعلت انتشار جغرافیائی و پراکندگی آنها جز از طریق بیوژئوگرافی امکان پذیر نیست ، بنابراین باید نکاتی را در نظر گرفت که عبارتند از : اول - استعداد انتشار و پراکندگی گیاه که بعلت داشتن دانه سنگین هیچگاه بذر آن از چند متری پایه مادر دورتر نمیرود . دوم - اگر بوضع جغرافیائی آمریکای شمالی توجه کنیم ، مشاهده میشود که دو گونه اولی در يك منطقه وسیع باهم در تماس هستند ولی گونه سوم در يك گوشه دور افتاده تبعید شده است و بین او و دو گونه دیگر سه هزار کیلو متر فاصله و سلسله جبالی مرتفع قرار دارد .

سوم - نگاهی ساده به اوضاع پالئوژئو-گرافی آمریکای شمالی ما را متوجه میسازد که یخچالهای دوره *Wisconsinienne* و یسکونسین که چهارمین دوره یخچالی است تقریباً تمام کانادا را میپوشاند و بعبارت دیگر محل انتشار فعلی *I. Setosa* (Aire) بطور کلی و قسمت وسیعی از منطقه انتشار کنونی *I. Virginica* پوشیده از یخ بوده است .

چهارم - اختصاصات ژنتیکی این سه گونه نشان میدهد که تعداد کروموسومهای آنها (2n) بقرایزیر است .

<i>I. Virginica</i>	2n = ۷۲
<i>I. Setosa</i>	2n = ۳۶
<i>I. Versicolor</i>	2n = ۱۰۸

نتیجه : آنچه بنظر میرسد و میتواند تماس بین دو گونه ویرجینیکا و ستوزا را توجیه کند اینست که : بعد از آخرین توسعه یخچالهای دوره ویسکونسین و آغاز عقب نشینی آن زنبق ستوزا در پیشانی یخچال یعنی در آخرین نقطه توسعه آن انتشار داشته با ذوب تدریجی یخها و بر اثر یکنوع انتشار متلاشی و پراکنده شده و نیز با زنبق ویرجینیکا که با گرم شدن مداوم هوا انتشار آن بطرف شمال کشیده میشد . تماس یافته و هیبریدی بوجود آورده است این هیبرید با سرمای بالاتر از حد زنبق ستوزا سازش یافته و بعلت مقاومت با سرما جانشین والدین خود گردیده و گونه ای مستقل بنام *I. Versicolor* در شمال شرقی امریکای شمالی تشکیل داده است.

آخرین قسمت این بحث را به روش سیستماتیک تجربی یا *Taxinomie experimentale* اختصاص میدهم. این روش با وجود آنکه از خیلی پیش سابقه داشته است . ولی فرم فعلی آن با آنچه در گذشته متداول بود بکلی فرق دارد . مثلاً در گذشته دو گونه مختلف را در مجاور هم کشت میدادند تا نتیجه تلقیح بین آنها را بررسی کنند . اما امروزه

هر دو دارای $2n = ۱۶$ میباشد مجاور هم کشت نمود ، هیبرید حاصل از این اختلاط بعضیها استریل بودند در نسل دوم این هیبریدها که باهم مزدوج شده بودند تریپلوئید $3n = ۲۴$ حاصل شد در تلقیح که بین این تریپلوئید $3n$ انجام گرفت نتیجه تتراپلوئیدی *G. Pupesens* با $2n = ۳۲$ کروموسوم بود که تمام اختصاصات گونه *G. Tetrahit* را که در طبیعت وجود دارد دارا بود . در حقیقت *Muntzing* با ترکیب مصنوعی دو گونه گونه ای را بوجود آورد که بطور طبیعی وجود دارد البته راهی را که مونت زینگ برای بوجود آوردن *G. Tetrahit* پیموده است شاید همان راهی نباشد که طبیعت رفته و میرود ولی میتوان گفت ممکن است احتمالاً راه طبیعت نیز مشابه آن باشد .

در پایان این حقیقت باید گفته شود که تاکزینومی مدرن همیشه بر پایه تاکزینومی عملی که پایه آن مورفولوژی است قرار دارد زیرا تا گونه ای با روش مورفولوژی مشخص نشود ، تحقیق روشهای دیگر انجام پذیر نیست و بعبارت دیگر هنوز سیستماتیک عملی و فلورلینه ایست که ما را به شناسائی گیاهان يك منطقه یاری میدهد .



گفتگوئی
با هر مز فرهنگ
درباره موسیقی

موسیقی اصیل
یا سنتی
و موسیقی سبک یا تجارتي

● کیفیت و کمیت موسیقی اصیل ما
طوری است که عرضه زیاد آن به اهمیت
و ارزش آن لطمه می زند.

● موسیقی ما چیزی ظریف و شکننده است که
جلوی دست و پا قرار دادن برای آن
خطرناک است.

نظر او را درباره آنچه که امروز بعنوان موسیقی ایرانی نام دارد می‌پرسم، می‌گوید: — بنظر من ما در زندگی شهری خود با دو نوع موسیقی مواجه هستیم — البته بگذریم از اینکه این خود يك محدودیت شدیدی را نشان می‌دهد باین مفهوم که من فکر نمی‌کنم در هیچ محیط دیگری انسان فقط با دو نوع موسیقی سروکار داشته باشد می‌پردازیم باین دو نوع موسیقی که یکی اصیل یاستنی ما است و دیگری موسیقی سبك و یا تجارتي... موسیقی اصیل مادرای ارزش قابل توجه و عمیقی از نظر شخصی و انسانی است و موسیقی سبك ما يك پدیده وحادثه‌یی نسبة جدید است. از عوامل موسیقی ایرانی و موسیقی‌های سبك خارجی که ارزش آن حداکثر در حدود موسیقی‌های سبك کشور — های مغرب است، مانند موسیقی پاپ و یا آنچه را که ما بطور کلی بنام «موسیقی جاز» می‌خوانیم.

تلاش — شما راجع به نحوه ارائه این دو نوع موسیقی مخصوصاً موسیقی اصیل ما چه نظری دارید؟

فرهت — بنظر من موسیقی ایرانی در رادیو خیلی زیاد پخش می‌شود مخصوصاً موسیقی اصیل — البته همانطور که گفتم موسیقی اصیل دارای ارزشهای انسانی بسیاری است معهذا کیفیت و کمیت موسیقی اصیل ما طوری است که عرضه زیاد به اهمیت و ارزش این موسیقی لطمه می‌زند — واضح تر بگویم موسیقی اصیل ما تا حدی شباهت به يك شیئی بسیار ظریف و شکننده دارد. باید توجه کنیم که موسیقی اصیل ما يك نوع موسیقی خصوصی و محفلی است که ارزشهایش در عوالم عاطفی و حتی عرفانی است و این عوالم تحت شرایط مناسب و خاص می‌تواند جلوه گر شود که هرگز با صبح و ظهر و شب و نیمه‌شب شنیدن وفق نمی‌دهد، و لسی موسیقی سبك ما

* شاید به همین دلیل است که ما هنوز اصول علمی و پایه‌های تئوریک موسیقی ایرانی را بطور واقعی نمی‌شناسیم و تحقیقات و نوشته‌هایی که در نیم قرن اخیر در این زمینه پدید آمده هنوز از مرحله قاطعیت خیلی دور است.

* جنبه دیگر فعالیت این مرکز تحقیقاتی بوجود آوردن يك آرشیو جامع از ردیف‌های مختلف موسیقی اصیل و انواع موسیقی‌های محلی اطراف ایران خواهد بود و همچنین امیدوارم که لابراتواری برای مطالعه فیزیکی روی اصوات داشته باشیم.

* مشکلی که ما با آن مواجه هستیم بنظر من گرفتاری دموکراتیزاسیون هنرهاست در عین اینکه دموکراسی يك شیوه خیلی مقبولی از نظر اقتصادی و اجتماعی برای جامعه هست از نظر فرهنگی می‌تواند نتایج خیلی نامطلوبی را ببار بیاورد. بدین معنی که اگر فکر کنیم همانطور که مقبول است هر کدام از ما صاحب يك اتومبیل باشیم بهمان صورت مقبول باشد که هر کدام از ما يك سنفونی بسازیم، آنوقت می‌بینیم که نتیجه این مساوات اضمحلال ارزشهای هنری خواهد شد.

* منظور من این است که موسیقی را باید شناساند و در يك سطح وسیع آموزش بچه‌ها را با دوران‌های مختلف موسیقی مخصوصاً موسیقی ایرانی آشنا کرد تا مردم بدانند که واقعا «دستگاه» یعنی چه؟

* شك نیست که موسیقی ایرانی با آشنایی ذهن و عادت که با آن داریم و ارتباطی که با سایر شوؤن ملی ما دارد برای مادلپذیر تر و عزیز تر است ولی این دلیل نمی‌شود که از سایر موسیقی‌های ارزنده جهانی خود را محروم کنیم.

هم دارای چنان ارزشهایی نیست که با زیاده عرضه شدن نقصانی بر آن وارد شود. بعلاوه عموم مردم نسبت باین نوع موسیقی گرایش زیادی پیدا کرده اند از این روعرضه شدنش تا حدودی مسأله ای نخواهد بود. تنها عاملی که در اینجا باید در نظر گرفته شود این است که اگر قبول کنیم این موسیقی امروز دارای ارزشهای هنری قابل بحثی نیست، پس چرا آنرا اشاعه می دهیم؟ و چرا روز بروز مردم را بیشتر بآن عادت می دهیم؟ و بعد می گوئیم که «مردم آنرا می خواهند»، آیا بهتر نیست که بجای عرضه ساعات متمادی از این نوع موسیقی «ترانه ای» مقداری از وقت را بانواع موسیقی جهانی که دارای ارزشهای هنری بثبوت رسیده می باشد بسپاریم؟ من معتقدم که اگر امروز مردم در مقابل این کار عکس العمل خوش نشان ندهند، شاید همانطور که به موسیقی نوظهور «ترانه ای» در عرض کمتر از ۴۰ سال خو گرفتند به موسیقی ارزنده و معتبر جهانی نیز در زمان مشابهی بتوانند عادت کنند.

تلاش - لطفاً بفرمایید در مورد کار گروه نوازی موسیقی ایرانی بصورت ارکسترهای بزرگ چه نظری دارید و هم چنین درباره ارزش کار این ارکسترها؟
فرهت - بله موضوع ارکستر نوازی در حال حاضر خیلی توسعه پیدا کرده و بعضی اوقات کارهایی از این ارکسترها می شنوم که از لحاظ نوازندگی هیچ بدنیت و قطعاتی که اجرا می کنند محتوای موزیکال قابل ملاحظه ای ندارد مثلاً این اواخر من گاهی قطعاتی از رادیو می شنوم که از لحاظ ارکستر نوازی و اکستراسیون قابل ملاحظه است ولی موزیکی که اجرا می شود به هیچ وجه قابل ملاحظه نیست. مثلاً يك «سنوریت» ارکستری بزرگی ایجاد می شود با مواد و محتوایی که بسیار پیش پا افتاده است و معمولاً این بصورت يك همکاری وسیع يك عده بعنوان ارکستر برای همراهی يك خواننده صورت می گیرد که صدایش اصلاً قابل شنیدن نیست. در واقع تعادل بین ارزش نوازندگی و خوانندگی اصلاً فهمیده نمی شود.

تلاش - آنچه که امروز بعنوان موسیقی ایرانی می شنویم از چه قدمتی برخوردار است؟

فرهت - ردیف های موسیقی ایرانی آنطور که امروز شناخته شده ارثیه دوران دور نیست ولی سنت این موسیقی بدون شك بدوران خیلی عقب تری مربوط می شود، کما این که اسامی گوشه هایی از ردیف موسیقی امروز را در بین مقامهای موسیقی قدیم ایران که در کتبی از «ابن سینا»، «فارابی»، و «صفی الدین ارموی» و دیگران آورده شده مشابه است و در مواردی حتی با اسامی آلحانی که در دوران ساسانیان وجود داشته مطابقت می کند مانند اسامی: راست، خسروانی و بوسلیک و غیره.

تلاش - تنها تعدادی نامها از آن دوران

باقی مانده؟

فرهت - چون موسیقی ما يك موسیقی مستند نیست یعنی اینکه اصوات موسیقی ما ثبت نشده مانمی توانیم مطمئن باشیم که تا چه اندازه قطعاتی را که امروز می شناسیم با همین قطعات در قرون گذشته شباهت و ارتباط دارد. بدون شك ارتباط موجود است ولی تا چه اندازه دستخوش تحولات شده است، بطور قطعی قابل سنجش نیست، البته ما می توانیم مطمئن باشیم که هنرها در ایران تا اوائل قرن بیستم دستخوش تحولات خیلی زیادی نبوده کما اینکه سبکهای کلاسیک شعر تا دوران معاصر پیروی می شود.

و هم چنین نقاشی مینیاتور و هنرهای تزئینی دیگر گونی شدیدی با گذشت زمان پیدا نکرده است، از این رو شاید بتوان باین نتیجه رسید که گوشه های موسیقی اصیل امروز فی الواقع با مقامهای که همنامشان بوده است و در قرون گذشته مورد استفاده قرار گرفته است نزدیکی بسیار دارد.

تلاش - ممکن است نظر تان را راجع به ماهیت این دوران از تاریخ موسیقی ما بفرمائید؟

فرهت - در دوران قاجار حتی تا یکی دو قرن پیش از آن دوران، موسیقی ایرانی بطور کلی بصورت يك هنر اجرایی موجودیت داشته و متأسفانه عمل خلاقه و کارهای علمی و تحقیقاتی در زمینه موسیقی در سرزمین ما مطرود بوده است. شاید به همین دلیل است که ما هنوز اصول علمی و پایه های تئوریک موسیقی ایرانی را بطور واقعی نمی شناسیم و تحقیقات و نوشته هایی که در نیم قرن اخیر در این زمینه پدید آمده هنوز از مرحله قاطعیت خیلی دور است.

تلاش - بنظر شما چه عواملی باعث گردیده که موسیقی ما از تحولات عمیق تا این اندازه بدور بماند؟

فرهت - فی الواقع تا يك قرن اخیر ما از تحولات جهانی در تمام رشته های فرهنگی و اجتماعی کنار مانده ایم و این تنها منحصراً به موسیقی نیست باین دلیل که ایران يك محیط فرهنگی مجزایی داشته است. و تنها در يك قرن اخیر است که به فعالیت هایی در این زمینه پرداخته شده است و ایران فاقد ارتباطات سریع و آسان بوده که ملت ها را بهم نزدیک می کند پس جای تعجب نیست که ایران از تحولات موسیقی در غرب برکنار بوده باشد بایستی هم همین طور بود، موسیقی ایران يك سر نوشت و يك خط سیر جدا گانه ای داشته است، موسیقی ما تحت شرایط فرهنگی و اجتماعی و فشار يك موجودیت خصوصی و انفرادی پیدا کرده است و در راه وسعت و عظمت و تنوع نتوانسته است پرورش یابد و در عوض ارزشهای عاطفی و انسانی آن در زمینه ای بسیار فشرده و محدود تقویت شده است.

تلاش - پس بنظر شما موسیقی ما فرم موزه ای دارد؟

فرهت - در زمانی موسیقی فرم موزه ای بخود می گیرد که دیگر در زندگی مردم نقشی نداشته باشد مثل آوازهای مذهبی گریگوری ولی موسیقی ایرانی هنوز چنین وضعی را پیدا نکرده و مخصوصاً موسیقی ترانه ای نمی تواند چنین وضعی را پیدا بکند.
تلاش - بنظر شما امروز زمان آن نرسیده که ما يك مرکز تحقیق و آرشو دقیقی در زمینه موسیقی ایرانی داشته باشیم.
فرهت - این کار را ما در نظر داریم و در باره اش بسیار هم مطالعه شده و بدون شك تا یکی دو سال دیگر این مرکز تحقیقات علمی روی موسیقی بعنوان ضمیمه ای بر گروه موسیقی دانشگاه تهران بوجود خواهد آمد. وظیفه این مرکز بطور کلی تحقیق روی موسیقی است و بالطبع چون موسیقی ایرانی برای ما اهمیت خاص دارد بدون شك در وهله اول پی بردن باصول علمی و جنبه های تئوریک موسیقی ایران که هنوز مجهول مانده و تحقیق در فرم های مختلف موسیقی محلی قسمتی از کارهای اساسی این مرکز خواهد بود و بعلاوه تحقیق در زمینه موسیقی کشورهای دیگر شرق مانند کشورهای همسایه که تا حدودی فرهنگ های مشترکی با ایران دارند مخصوصاً در زمینه موسیقی هند و خاور دور بدون شك فعالیت خواهیم داشت و جنبه دیگر فعالیت این مرکز تحقیقاتی بوجود آوردن يك آرشو جامع از ردیف های مختلف موسیقی اصیل و انواع موسیقی های محلی اطراف ایران خواهد بود و هم چنین امیدوارم که لابراتواری برای مطالعه فیزیکی روی اصوات داشته باشیم.

تلاش - می خواستم نظر شما را راجع به مراکز تدریس موسیقی بیرسم چون هنرستانها و هم چنین درباره بخش موسیقی دانشکده هنرهای زیبا؟

فرهت - تا آنجا که من می دانم وزارت فرهنگ و هنر دوهنرستان را در تهران اداره می کند، یکی هنرستان ملی موسیقی است و دیگری هنرستان عالی موسیقی است که بطور کلی در این دومدرسه آموزش سازها و تئوری موسیقی انجام می شود که کار بسیار لازم و مهمی است و من امیدوارم فعالیتشان در تهران توسعه پیدا کند و در شهرهای بزرگ ایران اینگونه دبستانها دایر شود و اما در مورد گروه موسیقی دانشگاه تهران این گروه چندسالی بیش نیست که بوجود آمده و بنظر من می تواند يك نقش اساسی در آموزش موسیقی در کشور را بعهده بگیرد. کار این گروه در حال حاضر بیشتر در زمینه آموزش موسیقی شناسی و کمپوزیسیون و مخصوصاً امور تحقیقاتی در زمینه موسیقی ملی و بین المللی می باشد که من امیدوارم این مرکز در دانشگاه تهران وسعت یافته و بتواند خدمت شایانی در امر آموزش و تحقیق علمی

موسیقی انجام دهد و بعلاوه امیدوارم سایر دانشگاه‌های کشور بتدریج از آن پیروی کرده و دپارتمانهای موسیقی تشکیل دهند. تلاش - می‌خواستم نظر شما را که به آهنگسازان و موزیسین‌های نسل جدید تعلق دارید درباره موسیقی پیشنهادی بپرسم و همین از شما که گفته می‌شود نقش تعیین کننده‌ی در مورد شرکت گروهها در جشن هنر شیراز دارید درباره شرکت این نوع موسیقی در جشن هنر شیراز؟

فرهت - راجع به هنر نو و یا هنر پیشتاز در موسیقی من نمی‌توانم يك نظر خیلی مشخص را بیان کنم که باید دید نظر شما از موسیقی پیشتاز چیست؟ آنچه که من می‌توانم بگویم این است که در زمینه آهنگسازی در دنیا هیچ دوفری نیستند که کاری مشابه انجام دهند. و ارزیابی صحنه‌ی از فعالیت‌های هنری که هر کس کاری مجزا برای خود انجام می‌دهد غیر ممکن است بدون شك بین آهنگسازان افراد با ذوق که کارشان دارای ارزش جهانی باشد وجود دارد و هم چنین افراد بی‌ذوق و بی‌سوادی که در این صحنه مغشوش که ارزشها کاملاً گم شده‌اند مشغول فعالیت هستند. مشکلی که ما با آن مواجه هستیم بنظر من گرفتاری دموکراتیزاسیون هنرها است در عین اینکه دموکراسی يك شیوه خیلی مقبولى از نظر اقتصادی و اجتماعی برای جامعه هست از نظر فرهنگی می‌تواند نتایج خیلی نامطلوبی را بیاریاورد بدین معنی که اگر فکر کنیم همانطور که مقبول است هر کدام از ما صاحب يك اتومبیل باشیم بهمان صورت مقبول باشد که هر کدام از ما يك سنفونی بسازیم، آنوقت می‌بینیم که نتیجه این مساوات اضمحلال ارزشهای هنری خواهد شد. امروزه هنرها مثل اکثر جنبه‌های دیگر متوجه‌خواست عامه شده‌است در نتیجه گرایش بابتدال بوجود آمده، شهرت طلبی و ایجاد سروصدا کردن مورد توجه اکثریت است و برای نیل به این هدف اقداماتی صورت می‌گیرد که خواست اکثریت و توده مردم در آن منظور شده، نتایج این گونه اقدامات آثار ارزنده و جاودان ببار نخواهد آورد و اما در مورد آنچه که در زمینه موسیقی معاصر به جشن و هنر شیراز آورده می‌شود بنظر من با توجه به هدفی که در این زمینه سازمان جشن هنر دارد نتایج مطلوب و اقدامات بطور کلی مثبت بوده است، توجه اینکه يك هدف جشن و هنر این است که نمونه‌هایی از هنر معاصر جهانی که مرجع عرضه در ایران ندارد به نظر هموطنان برساند، این هدف به عقیده من قابل ستایش است.

تلاش - بنظر شما امروز اهمیت و لزوم وارد ساختن موسیقی در شئون آموزشی کشور حس نمی‌شود؟ این امر بچه صورت بایستی عملی شود؟

فرهت - من معتقدم که تفاهمی از

موسیقی، بعنوان یکی از محترم‌ترین هنرهای بشری و آشنایی با موسیقی‌های ارزنده جهانی از جمله موسیقی ایرانی باید جزو برنامه‌های فرهنگی این کشور باشد. بنظر من این توضیح واضح است. همانگونه که در حال حاضر تاریخ باید جزو برنامه باشد و هیچ کس هم منکر این نیست و همه قبول دارند که تاریخ لازم است، موسیقی هم لازم است و باید جزو برنامه‌های فرهنگی باشد و حالا چرانیست برای اینکه موسیقی از نظر اکثریت ما شناخته نشده نیست و چون شناخته شده نیست، احترام و اهمیت لازم را ندارد. تفاهم عامه از موسیقی در مرحله پایین این هنر قرار دارد یعنی در جنبه تفنن و مبتذل و این دید، البته می‌گویند چیزی که تفنن و مبتذل باشد چرا باید تدریس شود، درحالیکه این يك دید کوتاهی است و موسیقی دید تفنن ندارد و جنبه‌های جدی موسیقی است که باید در آموزش بآن بپردازیم، منظور من این نیست که در دبستانها و دبیرستانها، تار ویلن و پیانو درس بدهند که هر وقت صحبت از آموزش موسیقی می‌شود این مساله فوراً پیش چشم می‌آید که به بچه‌ها باید ساز زدن درس داد، هرچند که این خود صحیح است ولی منظور من این است که موسیقی را باید شناساند و در يك سطح وسیع آموزش بچه‌ها را با دوران‌های مختلف موسیقی مخصوصاً موسیقی ایران آشنا کرد تا مردم بدانند که واقعاً دستگاه یعنی چه؟

دستگاه شور چه ارزشهایی دارد؟ و موسیقی ما از کجا آمده و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته، بدانند کلاسیک یعنی چه و موسیقی ارگ از کجا سرچشمه گرفته، و موسیقی ما با فرهنگهای همجوار چه شباهتهایی دارد. و این ارزشها است که من می‌گویم باید در شئون آموزشی کشور مورد توجه قرار گیرد که من امیدوارم بزودی امکانات دانشگاههای مختلف این کشور اجازه بدهد و در دانشگاه تهران بخشی تأسیس گردد و بطور جدی و مفصل به آموزش موسیقی بپردازند، بنظر من هیچ عذری وجود ندارد که يك فرد تحصیل کرده با بی‌خوبی و راحتی بتواند اذعان کند که از موسیقی هیچ نمی‌داند مؤسسات آموزشی کشور باید جداً در رفع این نقصان اهتمام بکنند.

تلاش - در حال حاضر ارکستر مجلسی تلویزیون ملی ایران اقدام به برنامه‌هایی آموزشی کرده است بنظر شما بهتر نیست که سایر ارکسترها مخصوصاً ارکسترهای ایرانی این را سرمشق قرار دهند؟

فرهت - این برنامه‌های کنسرت آموزشی با این هدف تنظیم شده‌اند که يك تماسی بانحوه اجرا و مجری موسیقی و يك تفاهمی از چگونگی ساختمان پیداشدن آثار موسیقی از طریق شنیدن و بحث بوجود آید

و من تصور می‌کنم چنانچه نظیر این گونه کنسرتها از طرف گروههای دیگر موسیقی در کشور نیز ارائه شود خدمت مؤثری است در راه آشنا نمودن مردم با ارزشهای موسیقی اعم از ملی و یا بین‌المللی. تلاش - بنظر شما موسیقی غربی در اجتماع ما چه محلی دارد؟

فرهت - من موسیقی را بعنوان يك موضوع جهانی نگاه می‌کنم و اهمیت آنرا از این زاویه مورد بحث قرار می‌دهم شك نیست که موسیقی ایرانی با آشنائی ذهن و عادت‌ی که با آن داریم و ارتباطی که با سایر شئون ملی ما دارد برای ما دلپذیرتر و عزیزتر است ولی این دلیل نمی‌شود که از سایر موسیقی‌های ارزنده جهانی خود را محروم کنیم. در ادبیات جهان، ما صاحب فرهنگی بسیار وسیع و غنی هستیم مع هذا این واقعیت مانع آن نشده که ما به ارزش ادبیات سایر کشورها پی‌نبریم و براین اساس آثار ادبی نویسندگان خارجی از ملل مختلف ترجمه شده در دسترس ما هست و هیچ کسی هم سؤال نمی‌کند که ادبیات ایرانی در اجتماع ما چه رلی می‌تواند داشته باشد در موسیقی هم باین کیفیت ما می‌توانیم موسیقی ملی خود را حفظ بکنیم و با دیگر فرهنگهای ارزنده موسیقی چه غربی و چه شرقی هم آشنا بشویم و در نتیجه خود، زندگی و اجتماع خود را پرو بهتر بسازیم.

این مصاحبه قبل از شروع جشن هنر شیراز انجام گرفت

دکتر هرمز فرهت تحصیلات ابتدایی و متوسطه‌اش را در تهران پایان رسانید و از سال ۱۳۲۸ برای تحصیلات موسیقی بامریکا رفت و فعلاً دارای درجه دکترا در «موسیقی شناسی» می‌باشد. وی با سه تن از مهمترین آهنگسازان معاصر جهانی چون داریوش دومی، لو، لوکاس فاس، و روی هاریس به تحصیل فنون آهنگسازی پرداخته و آثار او در زمینه موسیقی مجلسی و سنوونیک و آوازی متعدد است و بسیاری از آثار فرهت در ایران و امریکا اجرا گردیده است.

دکتر فرهت از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ استاد آهنگسازی در دانشگاه لونگ بیج در کالیفرنیا شده است، و در حال حاضر مدیر گروه آموزشی موسیقی دانشگاه تهران و رئیس شورای موسیقی تلویزیون ملی ایران و عضو کمیته جشن هنر شیراز می‌باشد. در امریکا نوشته‌هایی از دکتر فرهت در زمینه تحقیق موسیقی ایران منتشر گردید که از جمله آنها تاز دکترای وی بنام «منیوم دستگاه در موسیقی ایرانی» را می‌توان نام برد.

تخت سلیمان

سربرافراشته آثار رسوبات آبهای معدنی است که بتعداد نسبتاً زیاد هزاران سال است که میجوشد و املاح رسوبی خود را بصورت تراورتن در تمام ناحیه گسترده است.

بنیان تپه‌ای که تخت سلیمان بر روی آن قرار گرفته از رسوبات املاح همین آبها می‌باشد که چون منشاء آن چشمه پرآب‌تری بوده تپه بزرگتر و وسیع‌تری بجای نهاده است و چشمه‌های کم‌آب ارتفاعات کوتاه‌تری بوجود آورده‌اند. کوه زندان که در فاصله ۱۵ کیلومتری تخت سلیمان قرار گرفته از لحاظ حجم رسوبات سخت و خشن در درجه دوم قرار گرفته است و علت شهرت آن به زندان وجود حفره مخروطی شکل معکوسی است که در قله آن وجود دارد و عمق آن را که شبیه سیرک آتشفشانی است در حدود ۱۰۰ متر گفته‌اند و قطر دهانه آن در حدود ۵۰ متر می‌باشد که بنابر افسانه رایج در محل حضرت سلیمان دیوان متعبد رادر این حفره زندانی می‌کرده است و در سطوح جانبی آن آثار بناهایی وجود دارد که بنابر نظر متخصصان، مربوط به ما قبل تاریخ می‌باشد.

در اطراف این مخروط برجستگی‌های سنگی کوتاه‌تر وجود دارد که منشاء آن عموماً املاح موجود در آبهای معدنی است که بعضی از آنها خشک و برخی هنوز جریان دارند و درجانهائی که ایجاد کرده همه‌ساله تعدادی زن و مرد و کودک روستایی که عده‌ای از آنان با چهارپا و برخی با جیب از راههای دور و در فصل مناسب بآنجا می‌آیند مجزا از یکدیگر با استحمام می‌پردازند.

در مورد چگونگی تشکیل صفه یا تپه تخت سلیمان که مشتمل بر بقایای رسوبات خشن حاصل از آبهای معدنی و بقایای آثار اجتماعات قرون گذشته است باید گفت که در بدو امر چشمه معدنی موجود بعلل مختلف طبیعی از این نقطه جریان پیدا کرده و بهرور در قرون متعددی رسوبات همین چشمه تدریجاً باطراف آن ارتفاع داده است و این وضع هنوز هم ادامه دارد، بعدها بعلت موقع مناسب طبیعی و شاید گرم بودن آب (احتمالاً در گذشته آب استخر فعلی گرم بوده چون در حال حاضر نیز تعدادی چشمه‌های کوچکتر در فاصله کمی از این محل با آب گرم فوران دارند) (۱) سبب جلب جوامع انسانی شده است.

نظریه جدیدی که هیئت حفاری بدست آورده و مبتنی بر دلایلی نیز می‌باشد فوران گازهای قابل اشتعال در گذشته بوده است که وجود آن عامل ایجاد آتشکده عظیم آذرگشسب در این ناحیه گردیده و نبودن بقایای خاکستر آتشکده دلیل عمده‌ای بر این فرض است و میرساند که سوخت مصرفی بوسیله همین گازها تامین میشده و قطعاً بانیان و اداره کنندگان آتشکده با استفاده از این وسیله براهمیت آن افزوده و احتمالاً آنرا حمل براعجاز کرده‌اند تا جائیکه سلاطین بزرگ ساسانی آنهمه اهمیت برای آن قائل بوده و در تاریخ موارد متعددی از اهداء اشیاء گرانبها و وجه و جواهرات که بصورت نذر و نیاز از طرف پادشاهان باین آتشکده اختصاص داده شده آمده است.

ثروت هنگفت موجود در آن چنان شهرتی ایجاد کرده بود که هراکلیوس امپراطور روم پس از غلبه بر خسرو پرویز بقصد تاراج و ویرانی آن حرکت کرد و بمقصود خود نیز نائل شد.

طول و عرض استخر طبیعی بالای تپه ۸۰×۱۲۰ و عمق آن در حدود ۶۵ متر می‌باشد و مقدار آبی که از طرفین آن سرازیر میگردد تقریباً اندکی بیش از ۴۰ لیتر در ثانیه است. تراورتن‌های طرفین یکی از نهرهای منشعب از استخر در پائین تپه پیچ و خمی (ماندر) ایجاد کرده که شباهت به اژدها دارد و مشهور است که حضرت سلیمان آنرا بصورت سنگ درآورده است.

ترکیب آب چشمه مورد بحث با خاک، ملاطی بسیار سخت و مستحکم میسازد و میشود احتمال داد که استحکام و مقاومت قسمتهایی از آثار که باقیمانده است بعلت وجود همین املاح محلول در آب باشد. با اینکه آثار تاریخی عمده یعنی بنای عظیم آتشکده آذرگشسب (یا آذرگشسپ) و ایوان خسرو پرویز مربوط بدوره ساسانی است و تعدادی از آثار نیز بدوره ایلخانات مغول تعلق دارد اما آثار دوره اشکانی و هخامنشی نیز بتعداد زیاد در آن کشف گردیده است.

(۱) بنقل از روستائینی که در قسمت حفاری کار میکردند بقلیس زن سلیمان خواسته بود از این آب برای استحمام استفاده کند و بعلت سردی نتوانسته بود، سلیمان به دیوان دستور داد که کوره‌های آتشی در زیر استخر بسازند تا آب حرارت کافی برای استفاده بقلیس پیدا کند. بطور کلی مردم آبادیهای اطراف افسانه‌های زیادی باین محل نسبت می‌دهند و همین داستانها تا قبل از حفاری یکنوع اعتقاد توأم با ترس در آنها ایجاد کرده بود که بعد از حفاری و احیانا بسبب بیدار شدن فکر، معتقداتشان در این مورد متزلزل شده است.

در کشور ما نام سلیمان بر آثار و ابنیه متعددی اضافه شده است که عموماً بازمانده قرون و اعصار پیش از اسلام و بیشتر آنها معبد یا پرستشگاهی بوده که محتملاً نام دیگری داشته و بعد از نفوذ اسلام بنا باقوال محققان تاریخی برای مصون ماندن از تعرض اعراب با نام سلیمان که مورد احترام مسلمانان نیز بوده همراه گشته است از آن جمله اند: مسجد سلیمان - مشهد مادر سلیمان - زندان سلیمان - تخت سلیمان و غیره در دو ناحیه از ایران بنام تخت سلیمان برمیخوریم، یکی توده عظیم کوهستانی مشرف بر شهرستان شسوار است که در شمال علم کوه قرار دارد و پدیده طبیعی است و دومی بنائی باستانی است که در منطقه شگرفی از لحاظ طبیعی در بخش تکاب تابع شهرستان میاندوآب در گذشته دور ساخته شده است.

برای نویسنده که بدلیل تخصص تحصیلی با مسائل جغرافیائی مشغول است توفیق مشاهده آن از نزدیک دست داده است و حاصل این دیدار توصیفی از موقعیت و مشخصات جغرافیائی و اشاره‌ای به گذشته تاریخی محل که سخنان نویسنده آن مبتنی بر مشاهدات عینی و مصاحبه با اعضاء هیأت آلمانی و ایرانی است که برای حفاریات و اکتشافات باستانی در تابستان ۱۳۴۸ مقیم تخت سلیمان بوده‌اند. وصول باین مکان از دو طریق امکان دارد یکی از راه تکاب و دومی راهی است که از زنجان به تخت سلیمان متصل میشود و هر دو راه نامساعد و صعب‌العبور است.

در میان آثار تاریخی کشور ایران از لحاظ عظمت بدیهی است که باقیمانده بناهای تخت جمشید و جاده‌های است ولی پس از مشاهده تخت سلیمان با اینکه از لحاظ نوع آثار قابل مقایسه با تخت جمشید نیست و تفاوت‌های آشکاری دارد اما از نقطه نظر جاذبه برای جلب سیاح، خصوصاً که در تخت سلیمان به چشم می‌خورد در بعضی زمینه‌ها بخصوص از جهت موقعیت جالب طبیعی و چشمه‌های آبگرم و ارتفاعات مشرف بآن با دامنه‌های سبز و خرم و لطافتی که در هوای آن وجود دارد و نیز وجود فاصله ناچیز آن با شاهراه آسیائی که دائماً مورد تردد سیاحان داخلی و خارجی است و در صورت ایجاد یا ترمیم راه ارتباطی هر ساله جمعیت زیادی را بخود جلب خواهد کرد می‌توان نظر داد که این نقطه بالقوه هم‌شان و هم‌پایه با بیشتر آثار تاریخی درخشان ایران است چون از نظر وسعت بنا فقط تخت جمشید در فارس و احتمالاً شوش و معبد چغازنبیل در خوزستان می‌تواند با آن تا حدودی برابری کند. شاید هم‌چنانچه منطقه دارای شرایط اقلیمی نسبتاً خشک مانند فارس یا خوزستان بود یعنی ریزش‌های جوی کمتری داشت و در نتیجه ابنیه بیشتری در این محل از گرد باد و باران مصون میماند بهتر عظمت این یادگارهای تاریخی که معرف مجد و عظمت گذشته ایران است مشخص میشد.

درباره خصوصیات آثار تاریخی مورد بحث محققان ایرانی و خارجی بررسی‌هایی کرده و مطالبی باجمال و تفصیل بنگارش درآورده‌اند که جنبه تاریخی آن بیشتر اهمیت دارد ولی در شرح زیر بیشتر بر مسائل جغرافیائی و بخصوص مشخصات طبیعی منطقه تکیه شده است.

موقع جغرافیائی و مشخصات: تخت سلیمان در جنوب شرقی میاندوآب و جنوب غربی زنجان واقع شده و فاصله آن از دوشهر مذکور تقریباً یک اندازه است. و مسافران و بیماران مشتاق چشمه‌های آب گرم اطراف آن بیشتر از توابع این دو شهرستان باین محل می‌آیند.

سرچشمه اولین شاخه‌های زرينه رود از ارتفاعات مشرف باین ناحیه آغاز میگردد و کوههای شرقی منطقه مورد بحث مقسم‌المیاء برخی از شاخه‌های قزل‌اوزن و زرينه‌رود میباشد.

کوه تخت بقلیس که دنباله قافلانکوه است و قله آن دارای آثار تاریخی است در شمال غربی تخت سلیمان و در فاصله ۱۵ کیلومتری آن (به تقریب) واقع است.

تعدادی برجستگی بصورت مخروط ناقص در یک دره شبه دایره وسیع که محاط در کوههای نسبتاً مرتفع است با ارتفاعی متفاوت و از ۱۰ تا ۱۵۰ متر تقریبی از سطح زمین سربرافراشته که دو مخروط یکی با قاعده کوچکتر و ارتفاع بیشتر (۲۵۹۹ متر) بنام زندان سلیمان معروف است و دیگری با قاعده بزرگتر و ارتفاع کمتر (۲۴۰۰ متر) همان تخت سلیمان مشهور است که تشبیه شکل دومی به مخروط ناقص خیلی تقریبی است و اصولاً شکل هندسی منظمی ندارد و بصورت تپه‌یی در حدود ۲۰ متر ارتفاع از سطح زمین است و قاعده آن تقریباً شبیه بیضی است که طول و عرض آن ۴۰۰×۳۰۰ متر بوده ولی مساحت آن از ۱۲۰۰۰۰ متر متجاوز است و آثار تاریخی و دریاچه طبیعی عمیقی که در عکسهای ضمیمه مشاهده میشود بر روی همین برجستگی تپه‌مانند قرار گرفته است. بیشتر ارتفاعات شبه مخروط که در این دره



کوه مشهوریه
زندان تخت سلیمان



تخت سلیمان



گوشه ای از تخت سلیمان
مشهوریه ایوان خسرو پرویز



بعضی از آثار مکشوفه
در تخت سلیمان

در خاطر یار هست یانه

در خاطر یار هست یا نه ؟
 میخواند و زوج درقص می کرد
 من بودم و عشق بود و او بود
 صحن فلک از ستاره پر بود
 که سرسره شهاب ثاقب
 در دامن قوس مه نشسته
 زانو بنهاد روی زانو
 مه نیز خریده غمزه نجم
 گیسوش گرفته در کف دست
 برفرق سرش نهاده گوئی
 از ماه و ستاره شد پیامی
 کای عاشق پاکباز بشنو
 ز آن عشق فنا پذیر بگذر
 آن بزم که در زمین ترا هست
 افسانه جاودان بعرض است
 سیر آب نگردي از سر آبی
 تا چند زاصل خویش دوری ؟
 جای تو در اوج آسمانهاست
 اینجاست که جز وفا دگر نیست
 آنجاست که میزنند هر دم
 برگیر ره فلک که اینجاست
 مهد ازلی عشق اینجا است
 ناگه ز فضا شرار نوری
 دست من و او زهم جدا ساخت
 در دامن ماه جا گرفتم
 هر مرغ که زآشیان سفر کرد
 عشق صفی ابد همین است
 اکنون منم و مه و ستاره

آن بزم که فارغ از زمانه
 با چنگ و رباب و با چغانه
 یکجا شده جمع دام و دانه
 وه وه که چه بود شاعرانه
 بر سطح فلک زدی کمانه
 استاره بطور عاشقانه
 بر سینه ماه هشته شانه
 و آن عشوه و ناز دلبرانه
 با دست دگر زندش شانه
 تاجی ز تلالو شبانه
 آن لحظه بسوی من روانه
 از ساحت عرش این ترانه
 بگرای بعشق جاودانه
 بزمی است ولی نه خسروانه
 در فرش فسون بود فسانه
 دل برکن از این قمارخانه
 برگرد و بیا باآشیانه
 از ما بشنو تو دوستانه
 دریای صفا است بیکرانه
 بر روح ظریف تازیانه
 گهواره عشق عارفانه
 برخیز و بیا مجو بهانه
 افروخت بسوی من زبانه
 بر بود مرا از آن میانه
 زاستاره گزیدم آستانه
 آخر پیرد بسوی لانه
 کاینجاست نه نام و نه نشانه
 وز چرخ باو کنم نظاره

* قشم در آینده احتمالا بصورت بندری آزاد
در خواهد آمد و در سواحل با ارزش آن
تاسیساتی برای جلب جماعت علاقه‌مند بآب
تنی در آبهای گرم ایجاد خواهد شد ...
* آنطور که ظواهر امر نشان می‌دهد هنوز
این قلعه با تمام عظمتش مورد عنایت گروه‌های
باستانشناس قرار نگرفته و برای همین هم
هیچ تابلو و نشانی از فعالیت باستانشناسی در
این قلعه در دست نیست .
* جزایر خلیج فارس از قدیم الایام پایگاه‌های
نیروی دریائی شاهنشاهی ایران بوده است که
بوسیله ایرانیان همواره سرسبز و آبادان
نگهداری و اداره می‌شده است .

جزیره قشم بزرگترین جزیره خلیج فارس



دریا همیشه برای ما ساکنین قسمت های مرکزی ایران يك افسانه بوده است و دنیائی ناشناخته بخصوص دریای جنوب ، و تنها آشنائی با دریا ، دریای شمال است و پلاژ - هایش و ماهی سفید و یکی دو نوع ماهی دیگر که تمام آشنائی ما را از غذاهای دریائی تشکیل می دهد ، البته این عدم شناسائی تنها منحصر به دریای جنوب نمی شود . ایران سرزمینی است که تقریباً مناطق مختلف آن برای اکثریت مردم نقاطی است کاملاً نا آشنا که در این عدم آشنائی مسائلی چون جاده ها و هتل های قابل اقامت و هزینه مسافرت و ... دخالت مستقیم دارند. برای دیداری از جنوب

و جزائر خلیج فارس از جزیره قشم آغاز می کنم که نزدیک ترین و بزرگترین جزیره ایرانی خلیج فارس است و این نزدیکی در حدی است که در منطقه بندر خمیر به يك کیلومتر ونیم می رسد که در روایت آمده در گذشته پلی از قایق این فاصله را می پوشانده که از روی آن عبور و مرور انجام می شده است و امروز هم صحبت از این است که چنانچه قشم بندری آزاد اعلام گردد این پل از سنگ و بتن و آهن ، نه از قایق در این منطقه برقرار شود . بما گفتند که برای رفتن به جزیره قشم باید صبح زود در محل اسکله جدید بندر عباس حاضر شوید تا با کشتی

بندر همراه با جماعت عازم قشم راهی این جزیره شوید . البته سرویسی است که به خاطر افزایش ناگهانی علاقه مندان دیدار جزیره قشم ایجاد شده و گرنه راهبان جزیره قشم باید از اسکله قدیم عبور کنند . بعد از عبور از این ناحیه باید بوسیله قایق های چوبی که ظاهرشان نشان می دهد مدت اندکی است موتور در قایقشان جانشین پارو شده ، می توان روانه جزیره قشم و یا هریک از جزایر دیگر شد. البته تنها در مورد جزیره قشم است که می توان خیلی راحت وسیله ای برای سفر پیدا کرد ولی برای جزایر دیگر چون «هرمز» و یا «هنگام» باید مدتها منتظر ماند



گرم کننده برمیخورد .

بازار را بقصد دیدن قلعه عظیم پرتغالی ها ترك می كنیم . جزیره قسم بخاطر بزرگی و موقعیتی كه داشته همواره از جزایر پرجمعیت و آباد خلیج فارس بشمار می رفته و در نتیجه مورد توجه همسایگان و بیگانگان بوده است . متأسفانه در این چند قرن اخیر بواسطه سوانح و حوادث تاریخی و قهر طبیعت و كم آبی از رونق و جمعیت سابق خبری نیست و تنها یادگار هائی از آن دوران باقی است و هم چنین شهرهائی كه در شرایط موجود امکان دیدار از آنها بسیار اندك است پس تنها باید دیدن قلعه پرتغالی ها و سدداریوش اکتفا كرد .

قلعه پرتغالی ها فاصله زیادی از بندر قسم ندارد . قلعه تماماً از سنگ است و ساروج و توپهاست كه در گوشه و كنار قلعه افتاده اند و حكایت از روزی می كنند كه این برج و بارو و قلعه عظیم باتمام استحكاماتش بدست سربازان شاه عباس فتح گردید و به عمر حكومت ۱۱۰ ساله پرتغالی ها در این سرزمین پایان داده شد . در مورد حضور پرتغالی ها در این منطقه در كتاب خلیج فارس نوشته صادق نشأت مطالبی را می آوریم كه در ضمن گوشه ئی از تاریخ این جزیره را

نشان می دهد .

اومی نویسد « در سال ۱۴۹۷ واسكادو گاما ملاح پرتغالی توانست از دماغه امید بگذرد و اقیانوس هند را بیماید و بسواحل هند برسد كه با تصرف سواحل هند برای دولت خود نخستین پایه استعمار را طرح ریزی كرد . چند سال بعد آلبو كرك ملاح پرتغالی كه به اهمیت خلیج فارس و ارزش آن در کوتاه ساختن راه پرتقال بشرق پی برده بود بفرمان امانوئل پادشاه آنكشور با شانزده كشتی حركت كرد و بعد از تلاشها و جنگ های فراوان توانست در زمان شاه اسماعیل

صفوی كه گرفتار جنگ با عثمانی ها بود به جزیره های خلیج فارس دست یابد و پرتغالی ها ابتدا در جزیره هرمز و بعد در جزایر دیگر از جمله قسم شروع بساختن قلعه های نظامی و سربازخانه نمودند .

تاوریه جهانگرد فرانسوی می نویسد : البو كرك بعد از دو سال توقف در جزیره هرمز بواسطه نفاقی كه در میان سرداران او پیدا شد ناچار گردید كه جزیره را ترك نموده عازم هندوستان شود ولی در سال هزار و پانصد و چهارده میلادی مطابق نهصد و بیست هجری مجدداً به جزیره هرمز برگشت

و آنجا را به تصرف درآورد . جهانگرد فرانسوی می گوید تا زمان شاه عباس كبر یعنی بیش از صد سال این جزیره و بلکه تمام جزایر خلیج فارس در تصرف پرتغالی ها بود تا اینکه در سال ۱۳۰۲ هجری شاه عباس سرداری امام قلیخان این جزیره و تمام جزایر خلیج فارس را از تصرف پرتغالی ها خارج كرد و برای همیشه بدوران فرمانروائی آنها خاتمه داد .

آنطور كه ظواهر امر نشان می دهد هنوز این قلعه با تمام عظمتش مورد عنایت گروه های باستانشناس قرار نگرفته و برای همین هم هیچ تابلو و نشانی از فعالیت باستانشناسی در این قلعه در دست نیست . قلعه ای كه قاعدتاً باید ارزش فراوانی برایش قائل شد زیرا كه مدتهای مدید مركز مقاومت غاصبین جزیره بودند و فتح آن برای نیروی دریائی ایران چندان ارزان بدست نیامده است . امروز تنها از استحكامات داخلی قلعه آب انبار باقی است .

از روزگار پروتقی و درخشان این جزیره آثار فراوانی بدست آمده كه نشان دهنده زندگی بسیار فعال مردم این جزیره در گذشته است كه در گزارش گروه

جزیره قسم

در تپه قسمی اید جنوب باختری آن جزیره
منظره از جنوب جنوب باختر



تپه باختری تپه مرکزی تپه رفعت

قسمی از جزیره قسم

در تپه قسمی اید جنوب باختری آن جزیره
منظره از جنوب باختر



تپه باختری تپه رفعت تپه مرکزی

جزیره بوموسی

كوه صواب منظره

منظره از جنوب خاوری



خانه های

اكسيد دوز

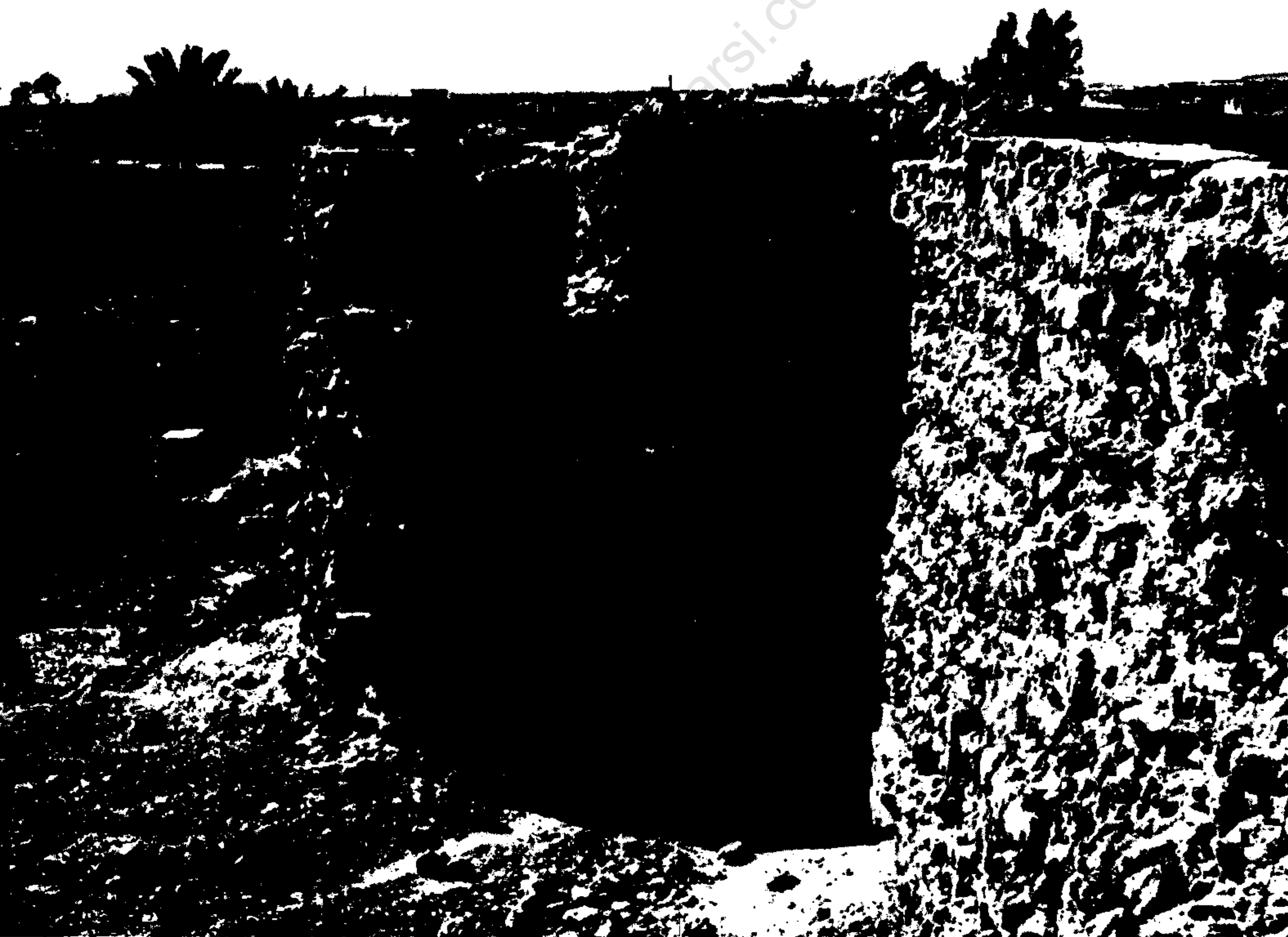
باستانشناسی اداره باستانشناسی آمده است .
 اکتشافات این هیأت نشان می‌دهد که جزایر
 خلیج فارس از قدیم‌الایام پایگاههای نیروی
 دریائی شاهنشاهی ایران بوده است که بوسیله
 ایرانیان همواره سرسبز و آبادان نگهداری
 و اداره می‌شده است . اقوام آریائی پس از
 استقرار در این منطقه و از جمله جزایر قشم
 متوجه کم آبی و خطری شدند که از این
 جهت برای ادامه زیست وجود داشت و از
 این رو مخازن بزرگ و آبگیرهای متعدد
 و سد های عظیم ساخته‌اند و با ذخیره نمودن
 آب باران در این مخازن مشکل بی آبی را
 از بین برده‌اند . در زمان هخامنشیان در
 جزایر قشم مخازن بزرگی نظیر مخزن عظیم
 خوش آب و لافت خریس و همچنین برکه
 های بزرگی نظیر برکه تیزکی و برکه کوله
 قان ساخته شده است و چاههای زیادی نیز
 حفر گردیده مهمتر از همه مخزن بزرگ
 و جالب لافت می‌باشد که قطر دهانه آن
 نوزده متر و عمق آن ۸ متر است که با ۲۵
 پلکان برکف آن می‌رسد و در همین دوره
 در نزدیکی قریه لافت اسکله عظیم لافت در
 جزیره قشم ساخته شده است که در دوران

باشکوه شاهنشاهان هخامنشی یکی از بزرگترین
 مراکز نیروی دریائی ایران بوده است و بعداً
 در زمان اشکانیان و سپس در عصر ساسانیان
 مورد استفاده بوده است . پایه‌سنگی این اسکله
 که از سنگهای عظیم احداث شده است تا
 امروز باقی و پابرجاست ، در عهد ساسانی
 علاوه بر احیاء و استفاده از اسکله لافت بعنوان
 يك پایگاه عظیم دریائی در سواحل خلیج
 فارس نیز شهر و آبادی های بزرگی احداث
 گردیده که بزرگترین آنها خریس یا فوریس
 می‌باشد که آثار آن هنوز باقی است و همچنین
 در این دوره سدهای عظیمی چون سد تل
 بالا و سردم ساخته شد که بقایای این دوسد
 هم اکنون یکی در حاشیه شمال شرقی و دیگری
 در سمت شمال غربی جزیره قشم وجود دارد .
 بعد از این دوران درخشان در تاریخ ایران
 سواحل و جزایر خلیج فارس از جمله جزیره
 قشم بار دیگر در زمان صفویه اهمیت بسزائی
 یافت .

باتمام اینها آنچه امروزه درباره این
 جزیره می‌دانیم و کاوشهایی که شده بسیار
 اندك است . آنقدر اندك که می‌توان گفت
 که قشم از این لحاظ سرزمین بکر و دست

نخورده‌ایست و مردم جزیره از يك زندگی
 ابتدائی و سالمی برخوردارند .

قشم یکی از مراکز مهم ماهیگیری خلیج
 فارس است و اکثر ساکنانش زندگی خود را
 از این راه تأمین می‌کنند . این کار مانند تمام
 شئون زندگی مردم جزیره با همان وسائل
 قدیمی صورت می‌گیرد ، تازه ماهیگیران این
 جزیره مانند ماهیگیران تمامی این جزایر
 خود کمتر از تلاش و کوشش خود که در
 آفتاب سوزان خلیج انجام می‌گیرد سود می-
 برند زیرا که بازار فروش دست آنها نیست
 و ناچارند که با حداقل بسازند ، در اینجاست
 که شیلات می‌تواند دست‌اندرکار کوتاه کردن
 دست واسطه ها و دلالان و مزاحمین دیگر
 باشد ... و امروز بهترین فرصت برای
 سرمایه‌گذاری در امر ماهیگیری صحیح در
 خلیج و همچنین استفاده از سایر منابع طبیعی
 جزیره قشم می‌تواند باشد . در جستجوی
 تحقیقات و آمار بدست آمده در مورد اوضاع
 جزیره قشم نوشته‌ای از سرتیپ حسینعلی
 رزم‌آرا را در مجموعه سمینار خلیج فارس
 در حد خود جامع و کامل می‌یابیم که در
 اینجا می‌آوریم .



کرانه‌ها

کرانه‌های جزیره غالباً مضرس و از قشم تا جزیره هنگام دارای عمقی زیاد است که ناوها می‌توانند نزدیک کرانه حرکت کنند ولی از آن بعد بعثت کمی عمق آب «بیشتر» بر اثر وجود سنگهای زیر دریائی، ناوها ناچارند از کرانه دور شوند به نحوی که در محاذات گوشه‌ی جنوب غربی جزیره بایستی از فاصله ۸ تا ۲۶ کیلومتری عبور کنند.

هم‌چنین در کرانه‌های شمالی جزیره در تمام طول تنگه‌ی کلارنس یعنی تنگه‌ی بین کرانه‌ی شمالی جزیره و کرانه‌ی شمالی خلیج کمی عمق بحدی است که ورود ناوها را اجازه نمی‌دهد حتی عبور قایقهای موتوری هم مستلزم احتیاط و دقت خاص است و اغلب کرانه مستور از جنگل‌های لور و یا حراست. این جزیره در طرف شمال دارای دماغه یعنی دماغه‌ی «قشم» و «لافت» و «باسعیدو» است و در طرف جنوب، دماغه‌ی دیرستان با نخلستانهای بسیار خود قرار دارد و این جزیره بطرف کرانه‌ی ایران دارای ۹ لنگرگاه کوچک و بزرگ است بدین قرار، قشم، درگهان، لافت، کوران، چهو، نمکدان، باسعیدوی نو «معروف به سینکو» باسعیدوی کهنه. بطرف دریا جزیره قشم دارای ۵ لنگرگاه است که مهمترین آنها دیرستان در مقابل جزیره هنگام است. این بندر در زمان جنگ بین‌الملل محل توقف کشتی‌های جنگی و غیرجنگی انگلیس بوده و در آن مراکز بی‌سیم، انبار ذغال و مهمات تهیه شده بود. بندر دیگر این کرانه «گارکه» است که شرکت نفت آنرا برای مرکز امور خود انتخاب کرده بود.

آب و هوا

هواي این جزیره گرم و مرطوب است و بارندگی هم بندرت اتفاق می‌افتد و بهمین علت رودخانه در آن وجود ندارد لذا کشاورزی در آن مشکل و آب آشامیدنی اهالی آب‌باران است که در آب انبارها ذخیره می‌شود. آب چاه و آبهای را که آن محل‌های مناسبی برای نشوونمای میکروب مرض پیوک است که بصورت کرم طویلی در نقاط مختلفه‌ی بدن ظاهر می‌شود. این بیماری دردناک بوده و معالجه‌ی آن چندین ماه بطول می‌انجامد لیکن وجود چاه اکنون در بعضی آبادی‌ها اهالی را از بیماری پیوک مصون می‌دارد ولی آب آنها کمی شور است.

درخت لور که بعضی از اهالی آنرا انجیر پرتقالی می‌نامند در این جزیره دیده می‌شود. این درخت زیبا و مرتفع و پربرگ است و دارای میوه‌های قرمز کوچکی است که اهالی آنها را می‌خورند و از مختصات این درخت آنست که شاخه‌های آن سرازیر می‌شود و در زمین خود بخود وارد می‌گردد و ریشه گرفته تنه جدیدی را تشکیل می‌دهد. بهمین ترتیب از اطراف وسعت می‌یابد

قسم بزرگترین جزیره تنگه‌ی هرمز و پرجمعیت‌ترین آنها است و دارای تاریخ مفصلی است چه سابقاً دارا بودن نیروی زمینی و دریائی حاکمیت خود را در این محل حفظ می‌کرده‌اند. از امکان قدیمه و بقایای خرابه‌های این جزیره می‌توان بخوبی پی به آبادی گذشته‌ی آن برد. ساختمانهای نظامی متعدد در قشم، سوزا، باسعیدو، و سایر نقاط از اهمیت نظامی این جزیره در گذشته حکایت دارد و بخوبی ثابت می‌کند همان گونه که این جزیره از بزرگترین جزایر خلیج است از لحاظ اقتصادی، اداری و نظامی نیز مهمترین جزایر محسوب می‌شده است. وجود لوحه‌ای بخط کوفی در مسجد داخل جزیره موسوم به گوشه مشهور به برج حاکی از آن است که این مسجد در سال ۲۴۴ هجری قمری تعمیر شده است.

تصور می‌رود این مسجد قبلاً آتشکده بوده است بعلاوه قید می‌نماید که در ۲۶ رمضان ۸۲۶ هجری قمری بر اثر زلزله شدید مجدداً خراب گردیده است گویا این مسجد در زمان خلیفه ثانی ساخته شده است. آنچه از لوحه استفاده می‌شود اینست که این جزیره قبل از اسلام هم ساکنینی داشته و مورد توجه بوده است. آثار قلعه‌ی پرتقالی‌ها که قبل از سلطنت شاه عباس کبیر ساخته شده و با توپهای بزرگ آن زمان مجهز بوده است در قشم دیده می‌شود.

یک سلسله قلاع دیگری در خاور لافت و مشرف به آن مشاهده می‌شود که معروف به قلاع نادری است و حاکی از آن می‌باشد که این جزیره در هریک از ادوار تاریخی مورد توجه مخصوص بوده است.

جزیره قشم بطول ۱۱۵ کیلومتر و بعرض مختلف از ۳۵ تا ۱۰ کیلومتر در مجاورت باب هرمز قرار دارد و بعثت دراز بودن اعراب آنرا جزیره الطویله نامیده‌اند. این جزیره را کوهستانهای آهکی با بریدگیهای غالباً تند و قائمی احاطه کرده است که از کرانه‌ی جزیره فواصلی مختلف دارند، بعضی به کرانه چسبیده‌اند و در بعضی قسمتها تا چند کیلومتر از آن فاصله دارند. مرتفع ترین نقاط این کوهستان در ۳۵ کیلومتری خاور «باسعیدو» بنام کیش کوه ۳۵۰ متر ارتفاع دارد و از نمک تشکیل شده است و بهمین جهت در نزد اهالی بنام نمکدان شهرت دارد.

در نزدیکی‌های جزیره صخره‌های زیر دریائی موجود است که یک قطعه‌ی بزرگ آن از محاذات کامل نمک در جنوب جزیره شروع می‌شود و پس از انحنا متابعت از شکل جزیره بطرف شمال باختری متوجه می‌گردد و تا نزدیکی‌های «باسعیدو» امتداد دارد و بهین‌ترین قسمت آن در جنوب جزیره، بعرض ۱۵ کیلومتر می‌رسد. محیط جزیره قشم در حدود ۲۶۲ کیلومتر است.

وفضای زیادی را اشغال می‌کند. چوب این درخت بسیار محکم است. در این جزیره انواع شکارها از قبیل بز وحشی و آهو دیده می‌شود.

هواي جزیره

به علت جریان هوا از بندر عباس خنک‌تر و کم رطوبت‌تر است. جهت باد در این جزیره، هنگام زمستان شمالی جنوبی ولی در سایر فصول از تمام جهات می‌وزد. جزر و مد دریا مانند سایر جزایر صورت می‌گیرد و برای صید ماهی وسیله‌ی خوبی است.

خطر زلزله

این جزیره در مسیر خطر زلزله قرار دارد و طبق مدارك تاریخی زلزله‌های زیادی در آن رخ داده است.

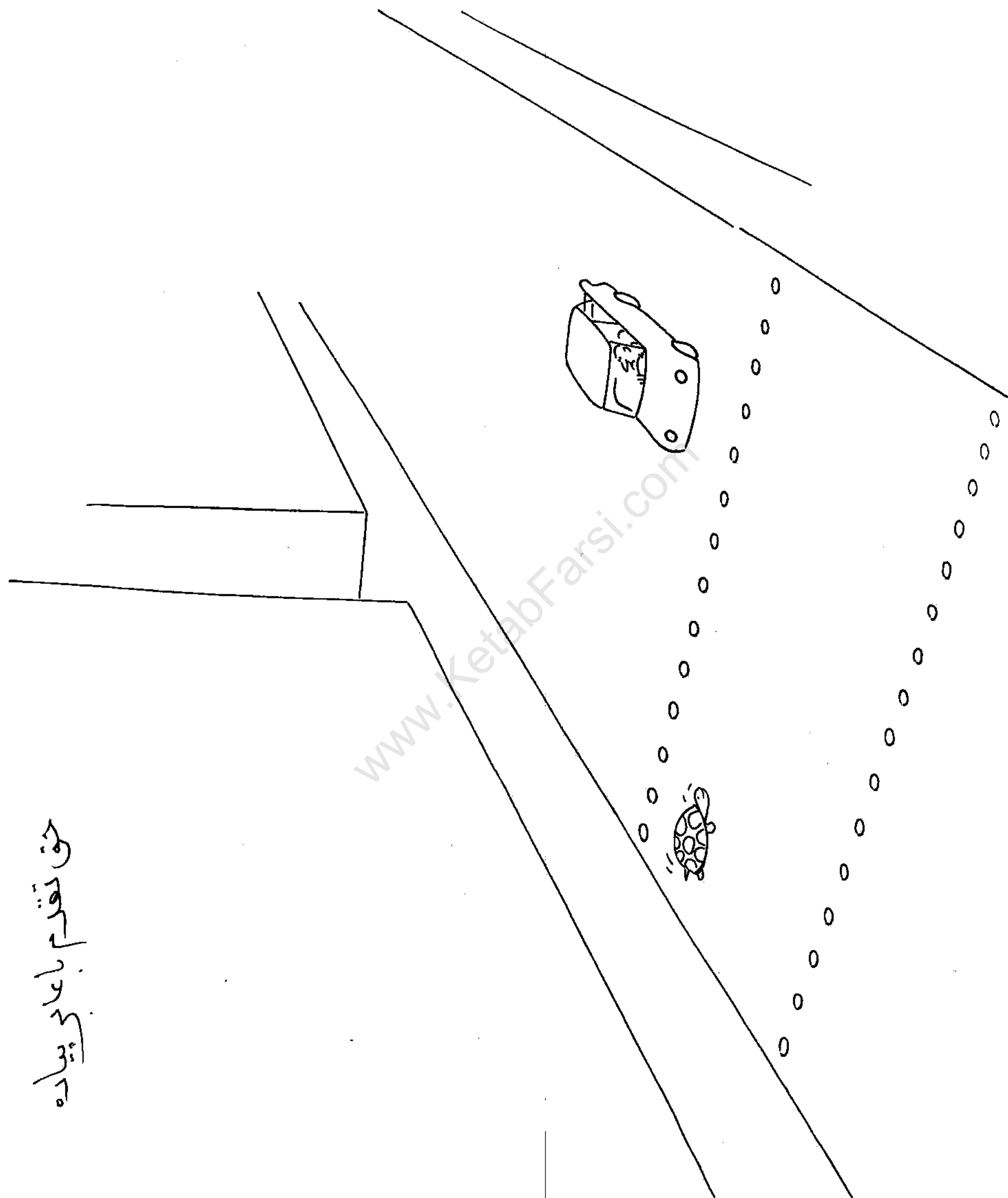
کانه‌ها

در جنوب جزیره يك كان نمك در کوهی مرتفع موجود است که نمک آن سفید و خوب است و می‌تواند قلم صادراتی مهمی را تشکیل دهد. خاک سرخ و سرب نیز در این جزیره یافت می‌شود. از همه مهمتر وجود نفت در این جزیره است.

اوضاع سیاسی و اداری

این جزیره دارای متجاوز از ۴۰ پارچه آبادی بزرگ و کوچک است که مهمترین آنها قشم درگهان، باسعیدو و لافت است. جمعیت این جزیره در حدود ۱۵۰۰۰ تن و شغل اغلب آنها ماهیگیری و قایقرانی و قریب ۵۰۰ قایق کوچک و بزرگ بظرفیت از يك تا چند تن دارند و دین اهالی اسلام و زبان آنها فارسی است.

حق تقدم باعني پياده



سؤال هائی از شهردار تهران درباره آلودگی هوا، شرکت واحد، مترو تهران، اسفالت خیابان‌ها، سیل‌های تهران و آینده پایتخت کشورمان.

تهران را می‌توان بصورت عروس شهرهای دنیا درآورد

بشرط داشتن اعتبار کافی و همکاری صمیمانه مردم؛ شهر تهران را که از هر لحاظ دارای زیبایی‌های طبیعی فراوان است و در دامنه یکی از زیباترین سلسله کوه‌های دنیا قرار دارد می‌توان بصورت عروس شهرهای دنیا درآورد.

بوجود آمدن این وضع را نرخ بسیار کم بلیط‌های شرکت واحد اتوبوسرانی می‌باشد و بهمین دلیل این شرکت قادر به خرید وسائط نقلیه جدید نیست.

معهدا در این زمینه اقدامات مثمرثمری انجام گرفته و مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال در اختیار شرکت گذاشته شده است تا در این مورد خیلی فوری اقدامات لازم را عملی سازد.

اقدام دیگر صدور دستور به نواحی ۱۲ گانه شهربانی است برای جلوگیری از کارخانجات و اماکن و حمامها و نانوایی‌ها و سایر موسساتی که از نفت گاز استفاده کرده و دود بوجود می‌آورند.

سومین اقدام که ظاهراً اثری از آلودگی هوا ندارد اما در اصل یکی از عوامل مهم آلودگی هواست مسئله زباله است. تا يك سال و نیم قبل زباله تهران یا سوزانده می‌شد و یا بعنوان کود مورد استفاده قرار می‌گرفت که بعلمت تخمیر باعث آلودگی هوا می‌گردید. اکنون زباله های مردم تهران حداکثر تا ساعت ۱۰ از شهر خارج می‌شود و در زیر شن‌های دامنه کویر دفن می‌گردد و ماشین‌های مربوطه آنچنان روی زباله‌ها را با شن می‌پوشانند که اصلاً اثری از آنها

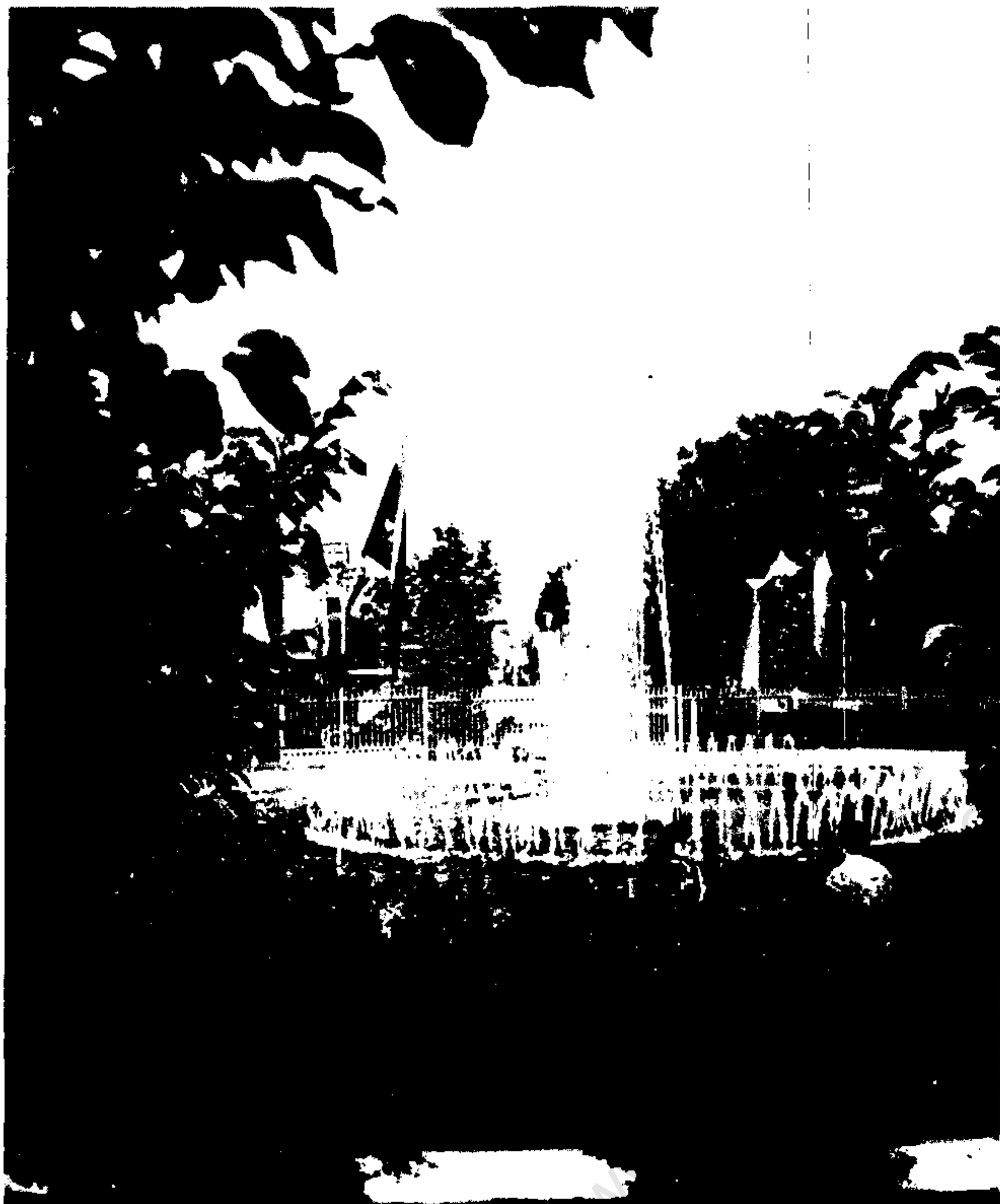
شهردار - اگرچه تهران هنوز از لحاظ آلودگی هوا به وضع اسفانگیز شهرهای بزرگ جهان در نیامده است (بعلمت استفاده از نفت سفید و نیروی برق بجای ذغال سنگ) ولی خوب مشکل اساسی و محدود ترافیک و دود حاصله از آن را هم نمی‌توان از نظر دور داشت چون امری بسیار جدی و مهم می‌باشد.

بهر حال لازم بود که اقدامات اساسی برای مبارزه با آلودگی بخصوص آلودگی هوا بوسیله دود بعمل آید. شهرداری تهران به استناد قانون شهرداریها اجازه دارد هر وسیله نقلیه یا کارخانه یا منزل و یا هر محلی را که بوجود آورنده دود باشد متوقف سازد بنابراین مبادرت به تشکیل گروه‌های متعددی برای مبارزه با دود کرد که يك گروه مسؤول متوقف کردن کلیه وسایل دودی می‌باشند و با کندن بیش از ۴۰۰ پلاک از اتومبیل‌های دودزا و جمع‌آوری و ارسال آنها به شهربانی قدم اساسی و مهمی در راه جلوگیری از اتومبیل و هروسيله نقلیه دودزای دیگری برداشته شد. تنها استثنائاً شرکت واحد اتوبوسرانی است که با وجود اینکه از اتوبوس‌های دودزا استفاده می‌کند به کندن پلاک آنها اقدام نشده است و علت

تلاش - وارد اطاق کار آقای نیک پی شهردار پایتخت می‌شوم که مشغول خواندن شعری است و حتی متوجه ورود من نمی‌شود.

تا نزدیک میز کارش می‌روم و بعد از مدتی انتظار و سلام و احوالپرسی کوتاهی با عجله‌ای که همیشه در کلامشان دیده‌ام می‌خواهند که خیلی فوری سؤال را مطرح کنم تنها مسئله‌ای که مرا نگران می‌کند تیز هوشی و زرنگی خارق‌العاده‌ای است که در کلامش دیده‌ام او از ساعت ۵ الی ۹ شب مشغول کارهای شهر است و می‌گویند در مورد احداث پارک‌ها و اسفالت اساسی و تعمیر و روکش خیابانها موفق شده ولی در مقابل گران فروشی تاکنون آن توفیق لازم را بدست نیاورده است.

تلاش - یکی از مسائل چشمگیر و هراسناک مسئله مهم آلودگی هوای تهران است. می‌بینیم که با وجود اینکه تهران در دامنه کوه قرار گرفته و باید هوای صاف و خوبی داشته باشد سرعت بر میزان آلودگی آن اضافه می‌شود در این مورد چه کرده‌اید؟



یافت نمی‌شود .
تلاش - اما اگر از جاده قم مسافرت کرده باشید درست در نزدیکی همین محل دفن تقریباً بفاصله يك كيلومتر از جاده هوا آنچنان متعفن و بد بو است که انسان را ناراحت می‌کند، بنظر شما این راه حل صحیحی است ؟

شهردار - خوب باید هوای داخل شهر خراب باشد یا گوشه‌ای از کویر . ولی طبق قراردادی که چندی قبل منعقد گردید بفاصله مدت کوتاهی کارخانه تبدیل زباله به کود مرغوب در ایران بکار می‌افتد آنگاه آن بوی بد و متعفن هم از بین خواهد رفت .
همزمان با این اقدامات شهرداری در صدد تهیه و بوجود آوردن سه مرکز کنترل وسائط نقلیه می‌باشد که در این سه مرکز کلیه وسائط نقلیه در چهل مورد کنترل می‌شوند .

تلاش - آنچه که همیشه مورد نگرانی مردم پایتخت بوده بخصوص آنها که وسیله نقلیه شخصی دارند خیابانهای پرچاله و چوله تهران است که مزاحمتی شدید و خسارتی زیاد به مردم وارد می‌کند ولی می‌بینیم که شهرداری در این مورد اقداماتی انجام داده ...

بگوئید میزان موفقیت شما در این مورد چقدر بوده و چه برنامه‌هایی برای سالهای آتی دارید ؟

شهردار - سال گذشته شهرداری تهران موفق شد جمعاً ۴۲۹ خیابان را با مساحت سه میلیون و هفتصد هزار متر مربع اسفالت اساسی یا تعمیر و روکش بنماید که البته این کار توسط مقاطعه کاران و دستگاه امانی شهرداری انجام گرفته است در سال جاری ۴۴۸ خیابان به مساحت تقریبی سال قبل و سال آینده ۱۰۰۰ خیابان اسفالت خواهد شد .

تلاش - این اسفالت ها هم مثل اسفالت های قبل پوست کبریتی نازک و کم دوام است ؟

شهردار - نخیر این اسفالت ها از بهترین انواع ممکن است و تمام جزئیات و هر قشر آن که کوبیده می‌شود توسط آزمایشگاه ارتش کنترل می‌گردد . اسفالت های اساسی قاعدتاً بین ۱۵ تا ۲۰ سال عمر می‌کند .

تلاش - البته اگر سازمان های آب و برق و تلفن و گاز اجازه بدهند .

شهردار - می‌دانید حفاری لطمه شدید و غیر قابل جبرانی به اسفالت می‌زند و بطور کلی باعث متلاشی شدن آن می‌گردد بهمین علت در وضع و حالت کنونی حداکثر همکاری و هم آهنگی بین شهرداری و موسسات آب و برق و تلفن موجود است . منتهی در تهران بعلت نداشتن شبکه صحیح آب و برق و گاز و تلفن و تونل های لازم که مبالغ هنگفتی هزینه می‌خواهد ، بناچار پی در پی

می‌کرده، شهرداری تهران در مورد اول مبادرت به ساختن ۲۷ کیلومتر مسیل نموده و سیلابها را بکلی بطرف این مسیل هام منحرف ساخته است ازین جهت هیچ خطری مشروط براینکه مقدار سیل از دسسال گذشته بیشتر نباشد تهران را تهدید نمی‌کند . در مورد سیلابهای ناشی از باران چون شهر تهران فاقد «اگو»ی باشد و جوی ها هم تدریجاً باریکتر و کم عمق تر شده لذا شهرداری مبادرت به ایجاد يك تونل زیرزمینی بطول ۶ کیلومتر و قطر متوسط ۵ متر نموده است . که يك رشته آن از خیابان اسلامبول و در امتداد خیابان های شاه آباد و سرچشمه و شوش صاحب جمع تا مسیل سرخه حصار قرار گرفته است و این برنامه، هم چنان ادامه دارد .

تلاش - مردم معتقد هستند میزان پولی را که شهرداری برای گرفتن عوارض نو سازی بابت تبلیغات کرد اگر از میزان عوارض کم می‌کرد بسیار جالب تر و صحیح تر بود و در این مورد چه جواب قانع کننده ای به این دسته می‌دهید ؟

حفاری می‌شود .
علاوه بر اسفالت ، شهرداری در سال گذشته بیش از ۳۰۰ هزار متر مربع پیاده‌رو و سازی نموده ، که در سال جاری به يك میلیون متر می‌رسد .

تلاش - حتماً با وجود رسیدن تابستان، هنوز زمستان را فراموش نکرده‌اید بیاد دارید که کمترین میزان بارندگی باعث بوجود آمدن سیلاب در خیابانها و در نتیجه کندی و حتی توقف کامل عبور و مرور در بعضی از خیابانها بود . برای برطرف کردن این نقیصه بزرگ و چشمگیر که بسیار هم بد منظره است شهرداری تهران چه اقدامات مثمر ثمری انجام داده ؟

شهردار - شهر تهران بعلت وقوع در دامنه سلسله کوههای البرز و در شیب تند خیابانها از دو جهت همواره مورد تهدید آب قرار داشته است . یکی سیلاب های بهاره که بین ۱۵ اسفند تا آخر فروردین از کوهستان جاری می‌شود، دوم سیلابهایی که در نتیجه بارانهای مداوم مزاحمت برای مردم فراهم

شهردار - باتوجه به اینکه مسئله عوارض نوسازی در تهران کاملاً نو و جدید بوده و مردم با آن آشنائی نداشتند اجباراً لازم بود تبلیغات وسیعی در این باره انجام شود که کل هزینه‌ای که برای این کار صرف شد حتی کمتر از ۵۰۰ هزار تومان شد البته در ۳ مرحله که از سال ۱۳۴۸ آغاز گردید. ضمناً شهرداری موفق شد بدین ترتیب توجه مودیان را به پرداخت عوارض نوسازی معطوف دارد ولی نکته اساسی‌تر آن است که این قانون عملاً در نیمه دوم سال ۱۳۴۸ بمرحله اجرا درآمد و شهرداری توانست ۶۰۰ رفته ملک را در تهران ممیزی کند و عوارض هر یک را معلوم دارد اخیراً نیز این برنامه کاملاً مکانیزه شده و با استفاده از ماشین‌های I.B.M. اوراقی شبیه به اوراق آب و برق به منازل مودیان تسلیم می‌گردد.

تلاش - مدتهای مدید است که گروه‌های مختلف فرانسوی و ژاپنی و غیره به ایران می‌آیند برای ایجاد «مترو» و پل هوایی از نتیجه کار آنها کسی اطلاع ندارد حال بفرمایید واقعا در این مورد شهرداری چه نقشه‌ای دارد و در آینده چه برنامه‌ای را پیاده خواهد نمود.

شهردار - مسئله ترافیک تهران از هر جهت توسط شهرداری بررسی شده است و اکنون یک گروه فرانسوی بنابه دعوت شهرداری از محل وجوه عمرانی مشغول بررسی کامل این امر مهم هستند، تا بتوان در مورد ایجاد مترو یا پل هوایی و یا تونل‌های زیرزمینی باتوجه به ارقام دقیق ترافیک اقدام نمود. البته هزینه مترو که مستلزم وجود آگو و فاضلاب می‌باشد به حدود دو هزار میلیون تومان می‌رسد.

تلاش - بدنیت کمی هم راجع به برنامه‌های اصولی و آبادانی آینده شهرداری بگویید...

شهردار - بشرط داشتن اعتبار کافی و همکاری صمیمانه مردم، شهر تهران را که از هر لحاظ دارای زیبایی‌های طبیعی فراوان است و در دامنه یکی از زیباترین سلسله کوه‌های دنیا قرار دارد می‌توان بصورت عروس شهرهای دنیا درآورد. شهرداری در نظر دارد با تهیه نقشه‌های تفصیلی که متکی به نقشه جامع شهر است (که خود راساً توسط اداره مجوز شهرسازی بکمک بیش از ۵۰۰ تن مهندس شهرساز تهیه شده) بتواند در گسترش صحیح و اصولی شهر تهران کنترل دقیقی داشته باشد و مناطق قدیمی منطبق با این نقشه‌ها نوسازی و عمران شود.

در جهت برنامه‌های آینده می‌توان از خرید کودهای جنوب شهر نیز یاد کرد که تبدیل به پارک و دریاچه می‌شوند همین‌طور دربارہ خرید اراضی عباس‌آباد از مالکان زمین و آبادانی و عمران این منطقه طبق آخرین اصول شهرسازی، ضمناً در نظر است

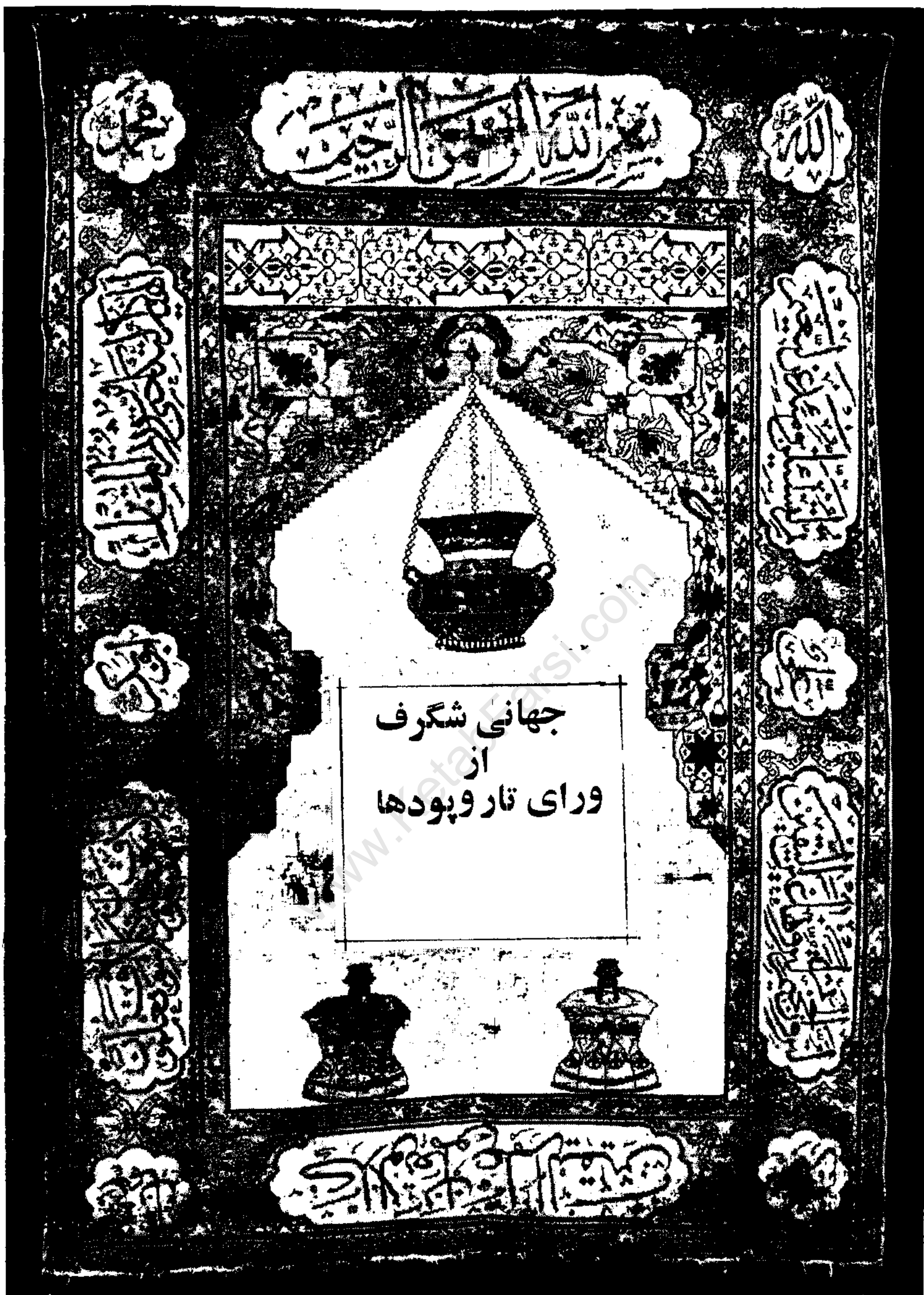
باشد که در این صورت مسافت پارک‌های مورد استفاده مردم برابر نیم میلیون متر مربع خواهد بود.

البته به موازات این پارک‌های بزرگ و عمومی پارک‌های کوچک بخصوص پارک‌های مخصوص کودکان و استخر و رختشویخانه و سرپوش جایگاه‌های اتوبوس شرکت واحد و آبریزگاه احداث خواهد شد که این برنامه تا دو سال آینده عملی خواهد شد.

مسئله مهم دیگر این است که ساختمانهایی که تاکنون بدون وجود هیچگونه ضابطه‌ای ساخته می‌شد از این پس تحت نظارت دقیق و مستقیم شهرداری خواهد بود.

جاده کمربندی دور تهران بعرض ۴۵ متر احداث شود تا نسبت به تجدید حیات قسمت‌های مختلف شهر که کندی ترافیک مانع سرعت انجام امور مختلف بازرگانی و اداری و غیره می‌شود جلوگیری کنند. طبق این ضوابط تعداد کثیری خیابان ۴۵ و ۳۵ متری شرقی غربی و شمالی، جنوبی احداث می‌شود. در ظرف ۱۸ ماه گذشته هر ماه یک پارک احداث شده و اکنون ۳۳ پارک در تهران وجود دارد و امید می‌رود بتوان یک میلیون و ۹۰۰ هزار متر مربع پارک شاهنشاهی را نیز در آینده بسیار نزدیک درختکاری و آماده بهره‌برداری نمود که این کار همزمان با احداث پارک در کودهای جنوب شهر می



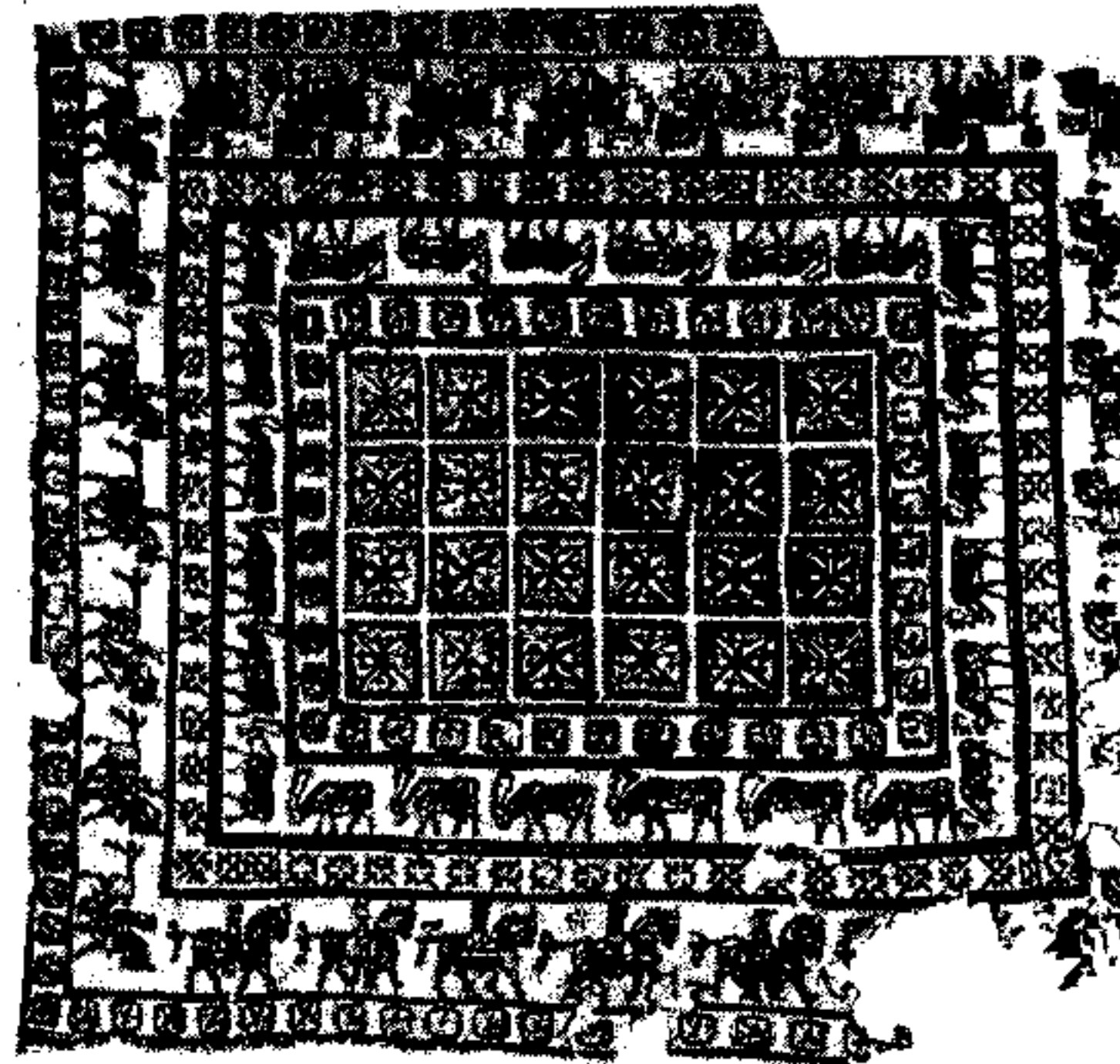


برکت ، بید مجنون نشانه مرك ، و درخت سرو نشانه
صبحگاه است .

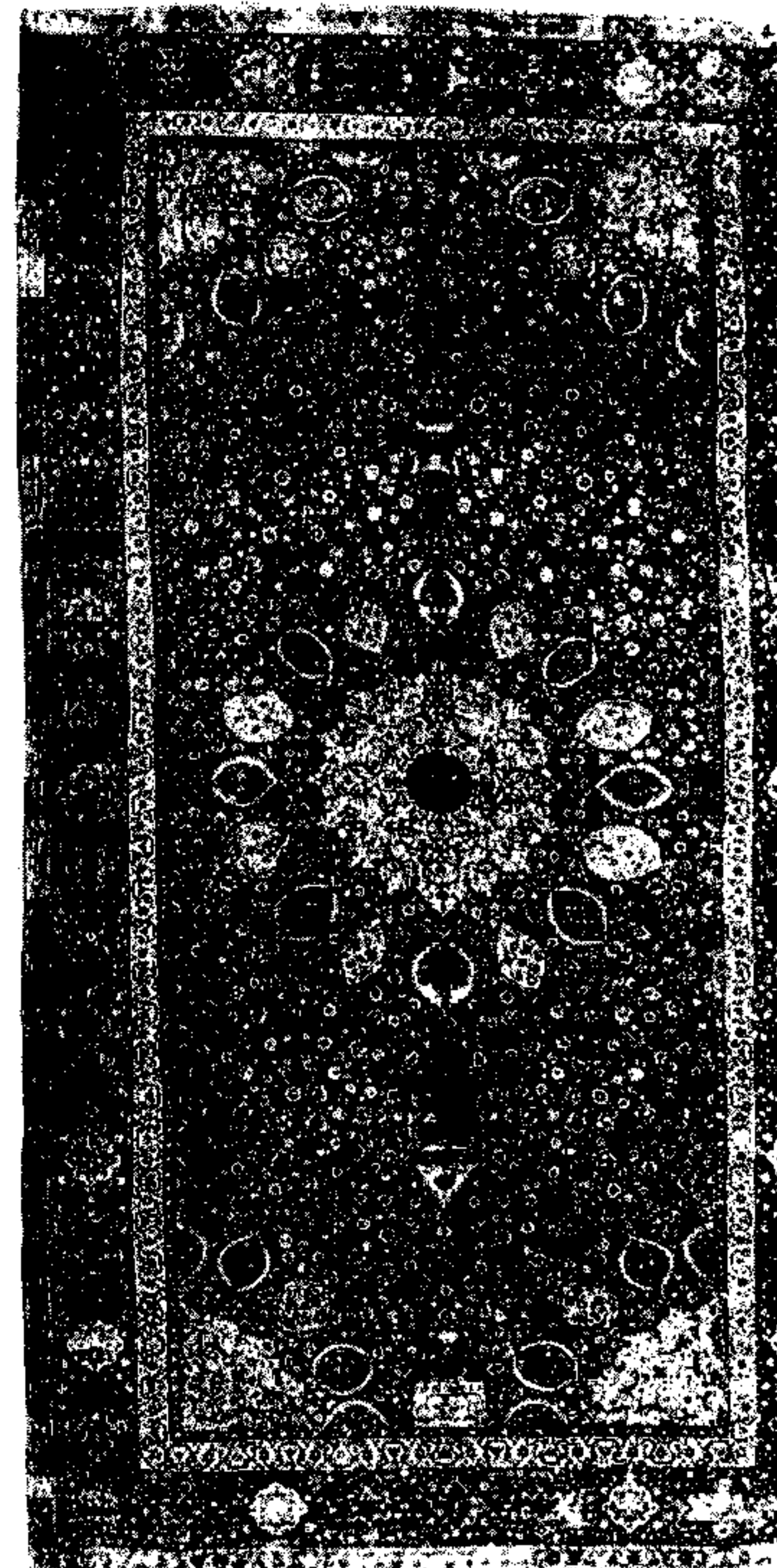
نوشته : غلامعلی شاملو

قالیچه‌های شرقی با زیبایی و غنای شگرف
خود شیفتگان را روح و نفس تازه می‌بخشد .
برای درك زیبایی نقش‌ها و مقصود از طرح‌های
قالیچه‌ها بایستی رمز نشانه‌ها و مفهوم طرح‌های
روی آنها را شناخت درخت نخل بمعنی نعمت و

قدیم‌ترین قالی ایران : باندازه ۶×۶۵ پا
موتیف های عمده : گوزنهای نر خالدار ، اسب
سواران کوهستانی .



تصور می‌رود این شاهکار طرح و نقش با
استفاده از نمونه طرح سقف مسجد اردبیل تهیه
شده است .



هنری که ثمره تلاش‌ها و پیکار توان-
فرسا و وقفه‌ناپذیر با مصائب و دشواریهای
زندگی است و با رؤیاهای افسانه‌های مردمی
بیشمار عجین گردیده و زمانی با اشتیاق و
توجه فراوان بدان میپرداختند ، اکنون
آن رونق دیرین و رواج پیشین را چنانکه
باید ندارد .

هنری که زمانی از کرانه های دریای
چین تا سواحل نیل مورد نظر و علاقه
فراوان بود و اشتغال بآن رواج کامل
داشت ، اکنون آن گسترش و توسعه را
میان طبقات مختلف ندارد و شاید بتوان
گفت تا حدی فراموش شده است .

اما این چه هنری است ؟
هنر قالی و قالیچه بافی :

میان دریای خزر و خلیج فارس ،
و در شهرهای هنرپروری چون : کرمانشاه ،
لرستان ، شیراز ، اردبیل ، مشهد و اصفهان
و غیره طبقات صنعتگر و هنرمندی زندگی
میکنند که تعدادشان مرتباً روبهکاهش میرود
و غالب آنها باوجود کهنولت سن و فرسودگی
هنوز هم سرگرم کاری هستند که اجدادشان
در گذشته بدان اشتغال داشتند و در فاصله
زمانی درازی ، رموز و شیوه های این هنر
اصل و ملی دهان بدهان و از دیده بدیده به
نسل های بعدی انتقال یافته است .

این هنرمندان ، قالیچه هایی با رنگهای
شگفت و سرشار از اعمال ذوق و اندیشه زرف
می‌بافند که چشم را خیره میسازد و زبان
بی‌اختیار به تحسین گشوده میگردد .

مردمی که این قالیچه های زیبارا می-
بافند ، غالباً خود بر روی فرآورده ذوق و
زحمت و ابتکارشان می‌نشینند ، می‌خوابند ،
غذا می‌خورند و آن دسته که کوچ میکنند ،
بهنگام کوچ لوازم زندگی‌شان را میان
مفرش‌ها و قالیچه ها می‌پیچند و براه
می‌افتند .

بد نیست بدانید در ترکیه مرسوم است
دختری که میخواهد ازدواج کند باید
قالیچه‌یی ببافد و بشوهر آینده‌اش بعنوان
جهیز و هدیه بدهد و روز عروسی نیز
والدین داماد يك قالیچه ویژه حمام بدختر
میدهند و این عادت اکنون نیز میان ترکمانان
رایج است .

هر فرد مسلمان پابند عبادت و ایمان ،
پنوسنه قالیچه‌یی ویژه برگزاری و انجام
مراسم پرهیزگاری و عبادت خود با خدای
یکتا دارد و بر روی همین قالیچه روزی
پنج بار پرهیزگاران و مؤمنان رو بدرگاه
خدای متعال زانو می‌زنند و با خلوص نیت
به درگاهی سرشار از نور و ایمان و حقیقت
روی می‌آورند .

وقتی مؤمنان بزیارت خانه خدا بمکه
معظمه میروند ، غالباً نفیس‌ترین قالیچه های
خود را بعنوان هدیه عرضه میکنند و بهنگام

مرك نیز ، پرهیزگاران قالیچه‌یی به مسجدی
هدیه می‌کنند .

هومر و هرودوت درباره قدمت قالی
مطالبی بیان داشته‌اند و در تورات نیز این
قدمت تأیید میشود . «پلینی» (۱) مهارت
و ورزیدگی آشوریها را در زمینه بافندگی
تمجید و ستایش کرده است (توضیح اینکه
منسوجات آنها بنام Babilonica Peritromata
نامیده میشد) .

از قصر آشوربانی‌پال سنك مرمی
بدست آمده که مربوط به ۱۵۰۰ سال پیش
از میلاد مسیح است و تصور میرود نقوش
روی آن از يك قالی آشوری گر شده باشد
ولی تاکنون نمونه‌هایی از منسوجات بافته
شده آشوری و بابلی بدست نیامده است .

در تپه‌یی در «پازیریک» (۲) واقع در
کوه های آلتایی در آسیای مرکزی ،
قالیچه‌یی همراه با اجساد انسان و اسب
مدفون در یخ مکشوف گردید که بسیار
حائز اهمیت میباشد .

دوران مهم و برجسته بزرگترین
شاهکارهای قالیچه‌بافی ایران آنطور که
در دنیای نو شناخته شده ، عصر صفویان
است : سلسله ایرانی مقتدر و نیرومندی
که حدود قرن شانزدهم میلادی در ایران
حکومت میکردند و شاه اسماعیل ، بنیانگذار
سلسله صفوی ، شهر تبریز را پایتختی بر-
گزید که تدریجاً کانون جنبش و نهضت
عظیم هنری ایران گردید .

صفویان قالیچه‌بافی را تا سطح ارزنده
نقاشی ارتقاء دادند و در احیاء این هنر
کهن بیش از پیش کوشیدند . آنان زبده-
ترین هنرمندان را برای نظارت برکار
بافندگان برگماشتند و این عده نیز غالباً
موتیف‌ها را مستقیماً از زیباترین نقاشی‌های
میناتور ایران به عاریت گرفته و بر روی
قالیچه ها انتقال میدادند . شگفت اینجا
است که در تمام کارگاه ها و مرکز بافندگی
قالیچه چون قزوین ، تبریز و کاشان ،
هیچگاه دو قالیچه شبیه یکدیگر بافته
نمیشد مگر در صورتیکه از ابتدا تصمیم
بیافتن دو قالیچه يك طرح و شکل کرده
میشد یا کسی و مقامی چنین چیزی را سفارش
میداد .

کارهای معتبر طراحان قالیچه واقعاً
در زمره آثار زیبا و سحرآمیز قرار داشتند
از جمله قالی معروف به «تاجگذاری» (۳)
(وجه تسمیه این قالی بنام تاجگذاری از
این جهت است که نخستین بار در روز
تاجگذاری ادوارد هفتم در وست‌منیسترآبی
مورد استفاده قرار گرفت و ظاهر شد) .

نقوش روی این قالی بهشتی را توصیف
و نشان میدهد که در آن درخت ها ،
بوته ها ، و گلبن ها شکوفان و سرسبز

نمونه تحسین انگیز هنر استادان قالی باف :
ترکیب رنگها ، نقشها و طرح های این قالی
تبریز و هارمونی متناسب تمام عوامل تزیینی و
ترکیبی آن ، انسان را دستخوش شگفتی و اعجاب
می کند .



قالیچه ابریشمی کاشان ، نیمه قرن شانزدهم
میلادی دوره صفویان .



موجودات رمزی که بر روی قالیچه‌ها
نقش گردیده است عبارت است از: قفس‌ها، مارها و شیر،
که مظهر بدی و اهریمنی بوده است و بسیاری
موجودات دیگر .

میشوند که برای ساکنان بهشت شراب و
شربت تهیه میکنند . این قالی اکنون در
موزه شهر «لس آنجلس» قرار دارد .
سمبولیسم :

از میان تصاویر و اشکالی که ویژه نقش
و طرح و زینت قالیچه ها بکار برده شده
است ، آفرینندگان و طراحان این نقوش
از چیز هایی سخن گفته‌اند که اکنون
بعنوان زبانی منسوخ و متروک قلمداد
میگردد .

در برخی موارد بافنده ممکن است
خودش هم مفاهیم و معانی برخی موتیف‌ها
را واقعاً نشناخته و ندانسته باشد . این

هستند . در وسط نقش دو غزال که با آرامی
خم شده‌اند دیده میشود و در جای دیگر ،
دو نیمدایره بزرگ از درناها ، که در هر
نیمدایره بیش از بیست پرنده بحال پرواز
هستند مشاهده میگردند و تمام اینها بوسیله
توده‌های ابر بشیوه چینی از یکدیگر
متمایز گشته است .

در قسمت های دیگر حیواناتی در حال
نزاع ترسیم شده‌اند و برخی حیوانات
افسانه‌یی چون ققنس و اژدها و برخی مانند
مرغان و حیواناتی که خاص مواقع شکار
تربیت میشوند نیز وجود دارند. هم‌چنین در
گوشه‌های قالی مزبور حوران بهشتی دیده

پنج خفاش دیده میشود که نشانه و مظهر ثروت، طول عمر، صحت و سلامت و عشق به فضیلت و تقوی است. مظاهر دیگر چینی عبارتند از: پروانه بمعنای بطالت و بی‌ارزشی و سوسک بمعنای خلقت، رستاخیز یا زندگانی نو.

در قالیچه های هندی، گراز (خوک وحشی) نمودار و مظهر «ویشنوه» (۶)، حامی و پشتیبانی که زمین را از ویرانی و فاجعه سیلی عظیم رهایی بخشید، است.

طرح:

در میان مردمان چادر نشین، هرطایفه طرحی ویژه خود داشت که همچنان بکر و اصیل از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته بود و تدریجاً در اثر نقل مکانها و کوچ های مردمان مهاجر، موتیف ها و طرح های آنان نیز به نقاط دیگر سرایت و نفوذ کرد و تدریجاً گسترش یافت و از طرف دیگر، طرح های قالیچه طی قرون و اعصار قهرمانان خاموشی بودند و بامردمانی که قاره های پهناور را در می‌نوردیدند باینطرف و آنطرف نقل مکان میکردند. قالیچه های آسیای غربی و مرکزی غالباً در طرح واجد تقارن میباشند و در آنها جنبه های مشخص ملی و محلی دیده میشود از جمله تسلط ترینات و ریزه کاریهای متعلق به گل و طومارها در قالیچه های ایرانی و هندی تحت نفوذ ایران قرار گرفت و بافندگان قفقازی، تاتار، ترکمن، و ترک اشکال طبیعی را به نمونه های هندی تبدیل کردند.

یکی از نمونه های برجسته طرح و نقش بر روی قالی، قالی معروف به «قالی اردبیل» است که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن میباشد و از نظر اهمیتی که نقوش و طرح های این قالی دارد و جنبه ها و ریزه - کاریهای شگرف و تحسین انگیزی در آن دیده میشود شایسته توصیف بیشتری است. قالی اردبیل از قالیهای جالب دوران صفوی است و به طول ۳۴۵ پا و عرض ۱۷۵ پا است. در وسط آن ترنجی است که اطرافش را با گلهای زیبایی زینت داده‌اند. زمینه قالی سورمه‌یی رنگ بوده تمام متن آن را با گل و برگهای زیبا و گوناگون تزیین کرده‌اند و در حاشیه قالی نام مقصود کاشانی و تاریخ ۹۴۲ هجری بافته شده است. همانطور که گفته شد این قالی متعلق به موزه ویکتوریا و آلبرت میباشد و از جمله آثار بسیار ممتاز و مهم موزه مزبور بشمار میرود. به عقیده صاحب نظران قالی اردبیل یکی از شاهکار های زمان شاه تهماسب بوده و شاید مشهورترین قالی بافت ایران باشد.

همچنین با احتمال زیاد، مقصود کاشانی، بافنده زبردست و توانای قالی اردبیل،

موتیف ها و نقش ها غالباً در خلال کوچها، برخورد ها، مسافرتها و دیدار کسانی که خدایان دیگری را پرستش میکردند و عادات و شعائر مذهبی دیگری داشتند به هنرمند الهام میشد و آنگاه مشهوداتش را گاه با تغییراتی و گاه با اصالت تمام عیناً بر روی آفریده‌اش باز می‌آورد و جلوه گر میساخت. يك مسأله مهم و سودمند برای مطالعات و تحقیقات نو، بررسی و تحلیل این نوع مظاهر و منابع آنها است و در این زمینه، يك کارشناس برجسته قالیچه های شرقی بنام «رافائلیان» بمدت پنجاه سال اساس کار خود را بر چنین تحقیقی قرار داده است.

«رافائلیان» در کتابی که تحت عنوان: «زبان نهانی نشانه ها در قالیچه های شرقی» (۴) نوشته و نیز در دو اثر تحقیقی دیگر خود، اثر متقابل احساس و اندیشه را که به طراحان و بافندگان قالیچه ها الهام میشده روشن ساخته و جزئیات و ویژگیهای کار این هنرمندان و خصایص روحی آنان را توصیف کرده است. نقش پیکار حیوانات که در قالیچه های ایرانی فراوان دیده میشود بنظر میرسد یادگار و مظهری از عقیده کهن ایرانیان مبتنی بر اندیشه و سنت مبارزه همان اهورامزدا و اهریمن، یا میان نور و تاریکی بوده باشد که این نور بمنزله نیکی و صداقت، و تاریکی نشانه شیطان و بدسیرتی بوده است.

میان حیوانات موجود در جهان، ققنس در زمره مظاهر خوب بود و غالباً علیه اهریمن که بصورت شیر یا اژدها تصویر و متجلی میشد مبارزه میکرد. قالیچه شرقی با زیبایی و غنای شگرف خود نه تنها همچون واحه‌یی شیفتگان و خسته دلانش را روح و نفس تازه می‌بخشید، بلکه بعنوان يك احساس پیش از وقوع و مرئی يك زندگی آرام آینده نیز جلوه گر میشد.

نمایش توده ابر که توسط ایرانیان از هنرچینی گرفته شده، مظهر و نمودار فنا - ناپذیری برای مغولان بود که احتمالاً آن را طی مهاجرت هایشان به خاورمیانه آوردند. از طرف دیگر، درختان هم واجد مفهوم ویژه‌یی هستند از جمله درخت نخل بمعنی برکت و نعمت، بیدمجنون (۵) نشانه مرگ، و درخت سرو نشانه صبحگاه است. نقش متداول در قالیچه های سجاده‌یی آسیای صغیر غالباً آفتابه یا سبو است که مظهر صفا و پاکی فرد مسلمان میباشد. عامل تریینی دیگر در این نوع قالیچه ها نقش شانه است که نمودار ایمان و اعتقاد است.

در مرکز قالیچه های چینی، غالباً نقش



شستشوی قالی و قالیچه در چشمه‌علی که تدریجاً بشکل يك سنت اجتناب ناپذیر درآمده است: با وجود کارخانه‌های شستشوی قالی و قالیچه، بسیاری از مردم به تمیز کردن آنها در آب چشمه علی تمایل زیادتری نشان می‌دهند.



زنان ترکمن سرگرم بافتن يك قالی هستند. روی آن، نقش سوارکاران ترکمن در صحرا دیده می‌شود.



بافندگان کرمانی رشته ها و نخهای يك قالی را صاف می‌کنند.



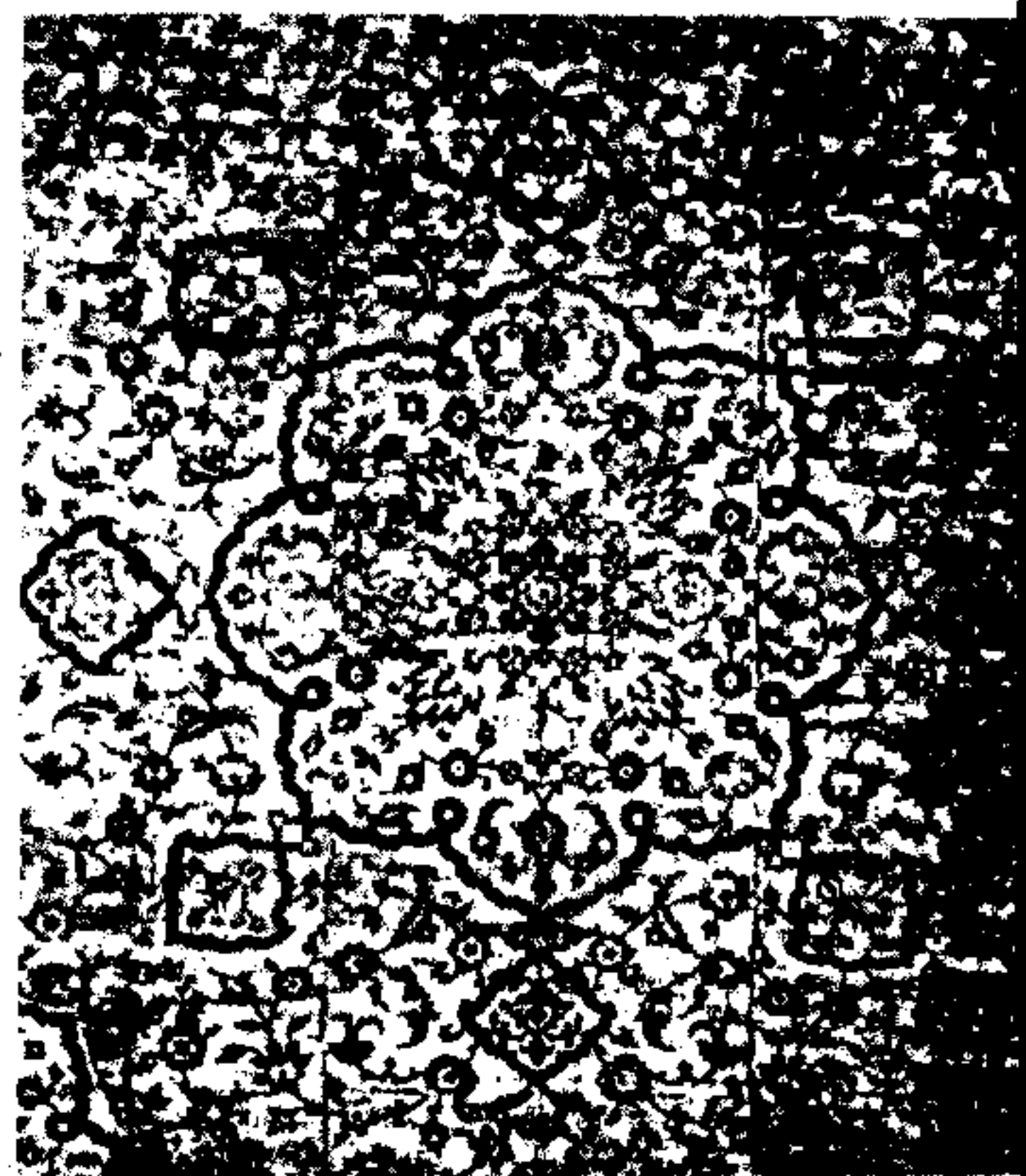
موزه داران برجسته موزه کالیفرنیا «قالی تاجگذاری» را که متعلق به دوره صفویان (قرن شانزدهم) است بازرسی و تعمیر می کنند. این قالی، نخستین بار سال ۱۹۰۲، بهنگام تاجگذاری «ادوارد هفتم» بمعرض تماشای عموم گذارده شد.

بزرگترین استاد و بافنده زمان خود بوده است.

بطور کلی قالی بافی در قرن دهم هجری در ایران باوج ترقی و اشتها رسید و در همین قرن بود که سجاده های بسیاری طرح و بافته گردید.

ابوجعفر محمد بن جریر طبری که در سال ۲۲۵ هجری تولد یافته و سال ۳۱۱ (*) هجری در گذشته در تاریخ خود نوشته است یک قالی بسیار ممتاز کار ایران موسوم به «بهار خسرو» در قصر تیسفون - که در نوشته های فارسی به طاق کسری معروف است - موجود میباشد به طول ۴۵۰ پا و عرض ۹۰ پا. طبری سپس تاریخ بافت آن را مربوط به قرن ششم میلادی دانسته و معلوم میدارد قالی مزبور را برای خسرو اول بافته بودند و بهمین جهت نیز بنام «بهار خسرو» مشهور شده بود.

بطور کلی در زمینه این هنر پرکار و شگفت و اصیل ایران سخن بسیار توان گفت و در این مورد از این چکیده ذوق و توانایی هنرمندان و صنعتگران ایران نمونه های فراوان میتوان ارائه داد. خوشبختانه امروز سیاست فرهنگی کشور در راه شناخت هنری که در فاصله زمانی درازی رموز و شیوه های آن دهان به دهان و دیده بدیده به نسلهای بعدی انتقال یافته است، همچون زمینه های دیگر هنری گام برمیدارد و تمهیدات و هدفهای این سیاست در احیای تمام ارزش های فرهنگی و نیز این هنر ارزنده و اصیل ایرانی منشاء اثر فراوان خواهد بود.



قالی گلدار - اواخر قرن شانزدهم تصور می رود طرح مرکزی، خورشید باشد که باطراف اشعه پراکنده است: خورشید مظهر نیرو و زندگی.

۱ - Pliny

۲ - Pazyryk

۳ - Coronation Carpet

۴ - The Hidden Language of Symbols in

Oriental Rugs

۵ - Weeping Willow

۶ - Vishnu

(*) - وفات محمد بن جریر طبری بنا براصح اقوال از قبیل «ابن خلکان» و «ابن اثیر» و «یاقوت» ۳۱۰ هجری بوده است. (مجله تلاش)



سالروز تولد والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

سالروز ولادت والاحضرت
نیکوکار و نوعیور را صمیمانه
شادباش میگوئیم و برای
والاحضرت در تحقق آرمان های
بشری خود ، موفقیت کامل مسئلت
داریم

امروز تمدنی اصیل و بشری بوده است و این حقیقتی است که
شما خود آنرا بهتر از مادر صفحات آثار تحقیقی فراوان خویش
منعکس کرده اید .

شما خوب میدانید که در این سرزمین کهنسال
ایران ، در طول قرون متمادی ، فرهنگی مایه گرفته و
گسترش یافته است که درخشندگی آن کمتر از صفا و
زیبائی آسمان ایران نیست ، زیرا این فرهنگ از آغاز
براصیل ترین ارزش های اندیشه و اخلاق تکیه داشته
است .

در این فرصت سخنان خود را در هنگام گشایش
نخستین کنگره جهانی ایران شناسان که در سال ۱۹۶۶
در تهران تشکیل شد تکرار می کنم :

«ما افتخار می کنیم که تمدن و فرهنگ ما از آغاز
تمدن و فرهنگی انسانی و دنیائی بوده است ، متفکران ما ،
فلاسفه و عرفا و نویسندگان و شعرا ما همواره دیدی بشری
داشته و از دیدگاه اخلاق و معنویت به جهان و جهانیان
نگریسته اند ، آنچه مایه اصلی ادب و حکمت ایران است
محبت و پیوستگی است و آنچه اساس تاریخ کهنسال ما
است نیز همین توجه عمیق به اصول معنویت و اخلاق
است ، ما از آن جهت به تاریخ تمدن و فرهنگ خود احترام
می گذاریم که سابقه پیروزی ها و استیلا های نظامی
نداشته باشیم ، زیرا شما خود بهتر از ما میدانید که ما در
گذشته طولانی خویش یکی از پهنادر ترین امپراطوری های
جهان را داشته ایم و میدانید که تاریخ ما آکنده از این
پیروزیهاست .

با این همه ما افتخار اصلی خویش را آن پیروزیهای
میدانیم که در طول تاریخ در راه توسعه و تکامل تمدن و
فرهنگ بشری ، در راه ترویج دانستی و اندیشه بدست آورده ایم .
برای ترین سپاهیان ، طی هزاران سال ، آن مردان و
زنانی بودند که در تمام تاریخ کهنسال ایران مشغول دانش و
فرهنگ را در برابر تند بادهای حوادث فروزان نگاه داشته اند .
و آنرا درخشانتر و فروزندهتر به نسل های دیگر سپرده اند .
برای ما پیروزیهای واقعی در احساس همین حقیقت نهفته
است . زیرا هر استیلائی جغرافیائی و نظامی خواه ناخواه با دوران
بازگشت و انحطاطی ، همراه است ولی این ارزش های معنوی
هیچ وقت و با هیچ نیروئی از میان نمی رود .

امروز شما آمده اید تا همراه با ابراز دوستی خود به
تاریخ و فرهنگ ایران صفات تازه ای از این تاریخ را ورق
بزنید و شاید مطالب ناگفته ای را در این باره بگوئید .
ما این تاریخ را با اطمینان خاطر در معرض و نقد و بررسی
شما می گذاریم زیرا یقین داریم که در حساب سود و زیان آن
سر بلند خواهیم بود . ما همواره بر این عقیده بوده ایم و هستیم
که فرهنگ ما از فرهنگ کلی بشری جدا نیست .
و خوب میدانیم که در طول این تاریخ کهن بیش از آنچه
به دیگران داده ایم از دیگران گرفته ایم .

ما این واقعیت را با سربلندی تذکر می دهیم زیرا شاید
در بازار سود و زیان تاریخ ، این تنها کالائی باشد که دهنده
آن نه تنها چیزی از دست نمی دهد بلکه چیز زیاده تری نیز
به دست می آورد .

موضوع کنگره کنونی شما که « استمرار تمدن و فرهنگ
ایران » است به شما امکان آنرا خواهد داد که درباره این
خصیصه شگفت آور تاریخ ایران که راز اصلی بقای ملیت ما
است ارزیابی بیشتری کنید ، تا در این هنگام که پیام جاودانی و
انسانی کوروش بزرگ از ماورای قرون و اعصار روشن تر و
طنین تر از همیشه بگوش مامی رسد ، حقیقتی است که در
این پیام نهفته است ، در آینده نیز ما را در ادامه این راه
استمرار رهنمون گردد .

پیام شاهنشاه بکنگره جهانی ایران شناسی

شما امروز با تاریخ ایران وعده دیدار دارید

* ما آنچه را که در طول تاریخ در راه توسعه و تکامل
تمدن و فرهنگ بشری انجام داده ایم ، افتخار
اصلی خویش میدانیم

تشکیل کنگره جهانی ایران شناسی شیراز را که
امروز با شرکت دانشمندان عالیه بین المللی و دانشمندان
برجسته ایرانی آغاز بکار می کند به همه اعضای محترم
این کنگره تبریک میگویم و آرزو مندم که کار خطیر علمی
آنها در این مجمع جهانی مانند همه کار های علمی دیگر
آنان با موفقیت همراه باشد .

در میان تمام مراسمی که به مناسبت جشن دوهزار
و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در کشور
ما برگزار میشود ، تشکیل کنگره جهانی ایران شناسی
شیراز از نظر ما مفهومی استثنائی دارد ، زیرا این جشن
قبل از هر چیز جشن تاریخ و تمدن فرهنگ ایران است و بر
این اساس طبیعی است که دانشمندان عالیه در این جشن
خود را وقف پژوهشی در جنبه های مختلف این فرهنگ و
تاریخ کرده اند در این جشن و در قلوب مردم ایران جای
خاصی داشته باشند .

ملت ایران که از دیرباز به حق شناسی شهرت داشته
است ، در این فرصت از مساعی همه ایران شناسان جهان
صمیمانه تقدیر میکند و کوشش های آنان را در راه شناسائی
هر چه بیشتر این فرهنگ و تمدن کهن بادیده ستایش
می نگرد .

شما امروز بار دیگر به دیدار کشوری آمده اید که
حقا آنرا مبین معنوی و فکری خویش می شمارید ، ولی
اجتماع کنونی شما مفهومی بالاتر و عمیق تر از هر مورد دیگر
دارد ، زیرا شما که همه عمر با تاریخ ایران سروکار
داشته اید ، امروز با خود این « تاریخ » وعده دیدار دارید .
امروز شما آمده اید تا در سرزمین های پارس که داریوش
بزرگ آنرا « سرزمین مردان نیکو و اسپان خوب » نام داده
است خود را در متن تاریخ ما و نه در حاشیه آن ، احساس
کنید .

امروز ۲۵۰۰ سال تاریخ ایران که شما صفحات آن
را در روز ها و شب های بسیار با علاقه و دقتی خاص مردان
دانش ، ورق زده اید ، میزبان شما هست تا دست شما
آشنایان خویش را بگرمی بفشارد .

امروز سنگ نوشته های تخت جمشید و نقش رستم و
دیگر کتیبه هایی که از دوران کهن در سینه کوه ها و
بر دیوار ها و ستون های تاریخی این سرزمین نقش بسته اند
باشما و اسلاف عالیه در تان که در قرائت و تفسیر این نوشته
ها سهمی بزرگ داشته اید به زبانی آشناتر از همیشه سخن
میگویند .

شما خوب میدانید که تمدن ایرانی از آغاز تا به

فهرست رویدادها :

شما امروز با تاریخ ایران وعده دیدار دارید	۸۱
سیاسی	۸۲
نفت	۸۲
پتروشیمی	۸۳
گاز	۸۳
باستانی	۸۴
آبادانی	۸۵
فرهنگی	۸۶
متفرقه	۸۷
نرخ اجناس	۸۸
پاسخ جهان مرقی به پیام پر شکوه اعصار و قرون	۸۹
پیک تلاش	۹۳
اقتصادی	۹۵
عمرانی	۹۹
همکاری های توریستی	۱۰۱
اجلاس ایران شناسی	۱۰۱
رفاه معلمان	۱۰۲
اتومبیلرانی	۱۰۲
نمایشگاه بین المللی شکار	۱۰۲
همکاری ایران و یونسکو	۱۰۲
علم باید برای حفظ صلح بکار رود	۱۰۳
گفتگو با پیمانانه خواننده رادیو ایران	۱۰۴

تجدید روابط ایران و لبنان

لبنان مبنی بر تجدید مناسبات سیاسی میان دو کشور ۲۵ تیرماه در یک زمان در تهران و بیروت انتشار یافت . به موجب این اعلامیه ایران و لبنان از ۲۵ تیرماه ۱۳۵۰ روابط سیاسی خود را که از فروردین ۴۹ قطع شده بود مجدداً برقرار کردند .

محیط تفاهم برای برقراری مجدد روابط سیاسی تهران با بیروت را سعی جمیل کامیل شمعون رئیس جمهوری سابق لبنان و شخصیت برجسته سیاسی این کشور فراهم آورد . شمعون روز ۲۱ تیرماه با هدف و مأموریت مذاکره با مقامات تهران و فراهم آوردن امکانات تجدید روابط سیاسی ایران با لبنان به تهران آمد .

او روز ۲۲ تیرماه بحضور شاهنشاه شرفیاب شد و در این شرفیابی مسئله تجدید روابط میان دو کشور را عنوان و شاهنشاه با استدعای شمعون موافقت فرمودند .

صدور اعلامیه مشترک نخستین اقدام رسمی در تجدید مناسبات تهران و بیروت است . دو کشور ظرف چندین روز آینده بنا بر عرف بین‌المللی نمایندگان سیاسی در سطح کاردار تعیین و مبادله می‌کنند و پس از آنکه تجدید مناسبات وارد مرحله عملی گردید سفیران دو کشور تعیین و مبادله خواهند شد .

بدنبال تجدید مناسبات سیاسی تهران و بیروت مناسبات بازرگانی دو کشور نیز از سر گرفته میشود . انتظار

می‌رود دستوروزارت خارجه به مقامات مسئول اقتصادی و بانکها درگشایش اعتبار برای تجارت با لبنان صادر گردد .

حجم مبادلات بازرگانی سالیانه ایران و لبنان یک میلیون و نیم دلار است .

ایران از عضویت بحرین در سازمان ملل پشتیبانی میکند

با تلگرام تبریکی که روز ۲۳ مرداد پس از اعلام استقلال بحرین از جانب شاهنشاه بعنوان شیخ عیسی بن سلمان آل خلیفه امیر بحرین مخابره شد ایران نخستین کشوری بود که استقلال بحرین را برسمیت شناخت .

منابع وزارت خارجه تأیید کردند که پیام تبریک همایونی را که بمناسبت اعلام استقلال بحرین برای شیخ عیسی مخابره شد میتوان بعنوان برسمیت شناختن استقلال بحرین از جانب ایران تلقی کرد و نیازی به صدور اعلامیه دیگری نیست .

این محافل در عین حال گفتند که روش دولت ایران در قبال دولت بحرین همواره مشخص بوده و پشتیبانی ایران از این تصمیم بارها به مقامات بحرینی در ماههای اخیر تأکید گردیده است .

منابع نزدیک به وزارت خارجه تأیید کردند که به هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد دستور داده شده است که از هیچگونه کوششی برای راه یافتن بحرین به پارلمان جهانی دریغ نکند .

ایران چین کمونیست را برسمیت شناخت

اعلامیه مشترک ایران و جمهوری خلق چین مبنی بر استقرار روابط دیپلماتیک روز ۲۶ مرداد ماه بطور همزمان در تهران و پکن انتشار یافت و بدین ترتیب تهران دولت جمهوری خلق چین را بعنوان «تنها دولت قانونی چین» برسمیت شناخت . متن اعلامیه مذکور بشرح زیر است .

«دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری خلق چین بنابر تمایل مشترک به ایجاد و بسط مناسبات دوستانه بین دو کشور توافق نمودند روابط سیاسی برقرار نمایند . و همچنین موافقت نمودند که در کوتاهترین مدت ممکن به تعیین سفیر مبادرت ورزند .» «دولت جمهوری خلق چین از مجاهدات محقانه دولت شاهنشاهی ایران در حفظ حاکمیت و استقلال ملی و حراست منابع ملی خود قویاً پشتیبانی میکند .»

«دولت شاهنشاهی ایران دولت خلق چین را تنها دولت قانونی چین می‌شناسد .» با برسمیت شناختن دولت جمهوری چین ، «شین نیک دو» سفیر چین ملی بطور ناگهانی از تهران عزیمت کرد و عزیمت او از تهران را محافل

سیاسی بمنزله تصمیم دولت «تایوان» به تعلیق مناسبات با تهران تلقی کردند .

با برقراری مناسبات سیاسی میان ایران و جمهوری خلق چین روز ۲۶ مرداد بین تهران و پکن ارتباط تلفنی برقرار گردید .

تأیید برنامه‌های دولت

هیئت های رئیس سنا و مجلس شورای ملی روز ۲۸ شهریور ضمن تقدیم عریضه جوابیه بحضور شاهنشاه آمادگی دو مجلس را برای آغاز فعالیت های پارلمانی اعلام داشتند .

در عریضه جوابیه که بوسیله جعفر شریف امامی رئیس‌سنا خوانده شد نمایندگان دو مجلس مراتب سپاسگزاری خود را بحضور شاهنشاه تقدیم داشتند و پیشرفت های ایران در چهار سال گذشته را نتیجه مستقیم ثبات و امنیت کشور و سازندگی و خلوقیت ملی در سایه تدابیر حکیمانه رهبر ایران دانستند .

در مورد تقارن گشایش دوره تقنینیه جاری با برگزاری مراسم دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در عریضه جوابیه گفته شد .

نمایندگان مجلسین ایمان دارند که ملت ایران این جشن را تنها بعنوان بزرگداشت تاریخ و فرهنگ و هنر و تمدن ایران و در دوران دو هزار و پانصدسال شاهنشاهی و پیوند های روحی و معنوی خود برگزار نمی‌کند بلکه این مراسم را بعنوان قدرشناسی و حق‌گزاری از پیشرفت های ارزنده و برازنده دوران شهریاری آن شاهنشاه گرانقدر و مقام ارجمندی که در سایه رهبری پیشوای بزرگ خود در میان کشورهای جهان احراز کرده است نیز می‌ستاید و جشن می‌گیرد .

در عریضه جوابیه دو مجلس همچنین پیشرفت های کشور در دوره چهار ساله اخیر در زمینه های اقتصادی اجتماعی ، فرهنگی ، هنری و سیاسی مورد تأیید نمایندگان دو مجلس قرار گرفته است .

نمایندگان سنا و مجلس شورای ملی اجرای اصول انقلاب را در زمینه های مختلف ستودند و پیشرفتهای حاصله از اجرای این اصول را مورد تقدیر و تحسین قرار دادند .

نمایندگان ، برنامه های همکاری دولت ، و بخش خصوصی را بخصوص در مورد خانه سازی مورد حمایت قرار داده و اظهار امیدواری کردند که این برنامه ها هرچه زودتر به نتیجه مطلوب برسد .

همچنین در مجلس ضمن تأیید لزوم افزایش تدریجی حقوقها و ایجاد تعادل در این باب اعلام کرده اند که

آماده اند در این مورد با دولت همکاری کنند .

اجرای سیاست مستقل ملی و در نتیجه حیثیت و احترامی را که ایران در صحنه بین‌المللی کسب کرده است ، سیاست ایران در مورد خلیج فارس روابط با همسایگان و روش ایران در مورد اختلافات اعراب و اسرائیل از جمله مواردی است که در عریضه جوابیه در مجلس مورد تأیید نمایندگان مردم قرار گرفته است .

نمایندگان دو مجلس در پایان عریضه جوابیه خود اظهار امیدواری کرده اند که دوره تازه تقنینیه نمایندگان بتواند با صداقت و صمیمیت و احساس مسئولیت خدمت کنند و موجبات سربلندی خود را در پیشگاه شاهنشاه و ملت ایران فراهم سازند .

سومین کابینه هویدا روز ۲۲ شهریور امیر عباس هویدا که بیست و چهار ساعت قبل از آن مأمور تشکیل کابینه شده بود وزرای سومین کابینه دوره زمامداری خود را به پیشگاه شاهنشاه معرفی کرد .

در بین وزرای جدید چهار چهره تازه دیده میشود . عباسعلی خلعتبری ، صادق احمدی ، حمید رهنما ، منوچهر کلالی و چهار وزیر نیز جای خود را در کابینه عوض کرده اند ، روحانی ، ولیان ، وحیدی و سام .

پنج وزیر نیز از کابینه خارج شده اند : اردشیر زاهدی ، حسن زاهدی ، ناصر گلرخی ، منوچهر پرتو و منوچهر گودرزی .

وزرای سومین کابینه هویدا عبارتند از : جمشید آموزگار وزیر دارائی

عباسعلی خلعتبری وزیر امور خارجه

مهداد پهلبد وزیر فرهنگ و هنر

حسن شالچیان وزیر راه

منصور روحانی وزیر کشاورزی و سرپرست وزارت منابع طبیعی .

فتح‌الله ستوده وزیر پست و تلگراف و تلفن

دکتر منوچهر شاهقلی وزیر بهداری

هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد

عبدالمجید مجیدی وزیر کار و امور اجتماعی

عبدالعظیم ولیان وزیر تعاون و امور روستا ها و سرپرست وزارت تولیدات کشاورزی

فرخ‌روپارسای وزیر آموزش و پرورش

حسین کاظمزاده وزیر علوم و آموزش عالی

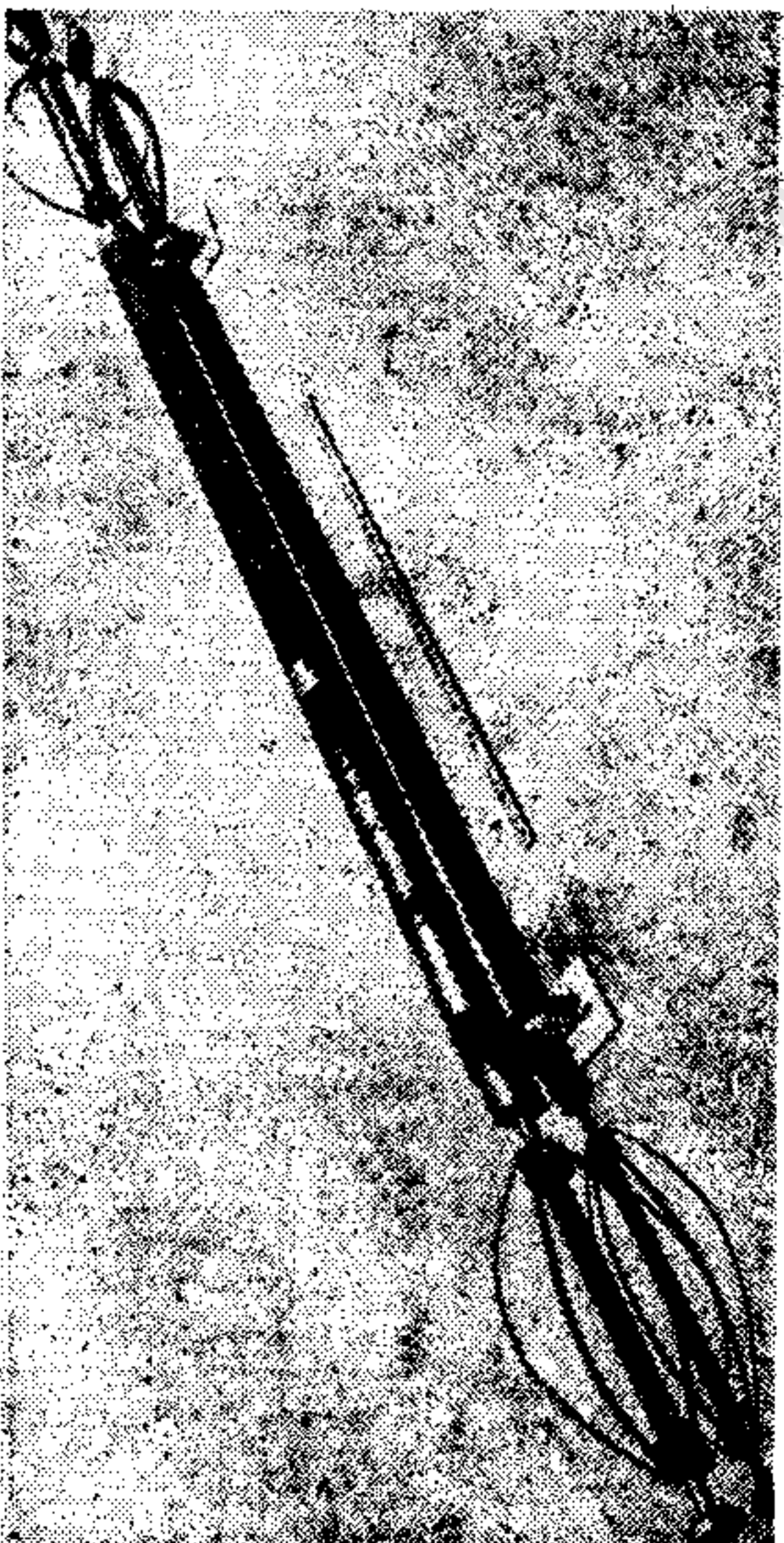
کورس آموزگار وزیر آب و برق

ارتشبد رضا عظیمی وزیر جنگ

دستگاه جدید برای تعیین عمق چاههای نفت

دستگاه اختراعی دکتر «ج - زمانک» از اداره تحقیق و توسعه شرکت نفت «موبیل» قادر است محل و جهت شکاف های موجود در لایه های زیرزمینی نفت را تعیین نماید . وی که برای مدت کوتاهی

در جنوب اقامت داشت عمق چند چاه نفت را در مناطق مختلف بوسیله دستگاه اختراعی خود مورد بررسی قرار داد . وی اظهار داشت که بوسیله این دستگاه میتوان محل و جهت شکافهای طبقات را تعیین کرد . جهت این شکافها ممکن است طولی و یا عرضی باشد . دستگاه مزبور دارای یازده فوت طول و در حدود چهار



نخست وزیر و وزیران جدید

صادق احمدی وزیر	نخست وزیر
دادگستری	قوام صدوری وزیر مشاور
حمید رهنما وزیر	و معاون پارلمانی نخست وزیر
اطلاعات	
صفی اسفیا وزیر مشاور	منوچهر کلالی وزیر
و نایب نخست وزیر در امور اقتصادی	
محمود کشفیان وزیر	تیمسار نصیری ، تدین ،
مشاور و دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی	شهبازی ، عصار ، تیمسار
هادی هدایتی وزیر	امجدی و تیمسار بهروز
مشاور و معاون اجرایی	همچنان معاون نخست وزیر هستند .

نفت

اینچ قطر میباشد. همچنین دارای دو فتر کافی است که همواره آنرا در دیواره چاه ثابت نگاه میدارد. سرعت این دستگاه در داخل چاه نفت بطور متوسط پنج تا هفت فوت در دقیقه است.

کارخانه عظیم تولید «کربن بلاك» در اهواز

براساس قراردادی که میان شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت آمریکائی «کابوت کورپوریشن» و بانك توسعه صنعتی و معدنی پامنا رسید در دو سال آینده يك واحد عظیم برای تولید «کربن بلاك» یا ماده اولیه لاستیک در اهواز احداث میشود.

کارخانه مذکور پساً استفاده از گاز و فرآورده های سنگین نفتی به تولید کربن بلاك خواهد پرداخت. این ماده در صنایع لاستیک سازی یکبار گرفته میشود و مازاد آن به خارج صادر خواهد شد.

در حال حاضر عملیات طراحی و مهندسی نخستین کارخانه «کربن بلاك» آغاز شد و ظرفیت اولیه آن در حدود ۱۶ هزار تن در سال پیشبینی شده است که تا دو برابر نیز قابل افزایش است.

جزئیات ۳ قرارداد تازه نفتی

براساس این قراردادها که برای استخراج نفت از اراضی استردادشده کنسرسیوم میان ایران و گروه شرکت های نفتی ژاپن و دو کمپانی نفتی آمریکائی باامضاء رسیده است، ایران در وهله نخست ۴۲ میلیون دلار پذیره نقدی دریافت میکند و در مراحل بعدی آغاز بهره برداری از حوزه عملیات ۲۶ میلیون دلار دیگر به عنوان پذیره مشروط به بست خواهد آورد. باین ترتیب طرف خارجی قرارداد اول یعنی گروه ژاپنی ۳۵ میلیون دلار پذیره نقدی و ده میلیون دلار پذیره مشروط، شرکت آمریکائی «امرادا هس» پنج میلیون دلار پذیره نقدی و ۶ میلیون دلار پذیره مشروط و شرکت نفتی موبیل ۲ میلیون دلار پذیره نقدی و ۱۰ میلیون دلار پذیره مشروط در اختیار ایران قرار خواهند داد.

حدافل سرمایه گذاری به شرکت فوق الذکر به ترتیب در مورد شرکت ژاپنی ۲۵ میلیون دلار، شرکت امراد ا هس ۱۲ میلیون دلار و شرکت موبیل ۱۱ میلیون دلار تعیین شده است و در صورتی که در جریان اکتشاف شرکت های مذکور به نفت دسترسی پیدا نکنند بقیه هزینه اکتشافی مصرف نشده را شرکت ملی

نفت ایران خواهند پرداخت. شرکت های طرف قرارداد يك شرکت مختلط با شرکت ملی نفت ایران تشکیل میدهند که تابعیت آن ایرانی بوده و در ایران به ثبت میرسد و مدت قراردادها ۲۰ سال تعیین شده است که از تاریخ شروع بهره برداری از نفت مناطق زیر قرارداد آغاز میگردد. عملیات اکتشافی نیز حداکثر بایستی شش سال بطول انجامد.

هیات مدیره هر يك از شرکت های مختلف از هشت نفر و تعداد مساوی از طرفین قراردادها تشکیل خواهد شد.

علاوه براین در هر يك از شرکت های فوق الذکر در طول هشت سال اول اجرای قرارداد تعداد کارکنان ایرانی نباید از ۸۸ درصد کل کارکنان کمتر باشد و در خاتمه این هشت سال بایستی هفتاد درصد پست های اجرائی مهم شرکت های مذکور در اختیار کارکنان ایرانی قرار گیرد. از مزایای مهم سه قراردادی که در شرکت نفت به امضا رسید میتوان تامین نفت خام مورد نیاز داخلی را که مقدم بر صادرات شناخته شده است بشمار آورد. علاوه براین در مورد گاز تولیدی توام با نفت چنانچه طرف دوم قرار دادها ظرف شش ماه تمایل و برنامه برداشت سهم گاز خود را اعلام نکنند، حق نیست به گاز های حاصله نخواهد داشت و کلیه گاز تولیدی در اختیار شرکت ملی نفت ایران قرار خواهد گرفت.

همچنین در قراردادها تصریح شده است که در صورت بروز اختلاف در اجرای قرارداد حق تعیین داور ثالث به رئیس دیوان عالی کشور ایران و در يك مورد به مدیر عامل بانك مرکزی ایران تفویض میشود و قانون حاکم بر متون قراردادها قانون ایران شناخته شده است که تفسیر و تعبیر مقررات آن طبق قوانین جاری کشور صورت میگردد.

تغییراتی در صنعت پلاستیک ایران

مذاکراتی از طرف شرکت ملی پتروشیمی بابخش خصوصی در جریان است که دهها واحد و کارخانه جدید پتروشیمی برای تولید انواع کالا های پلاستیک، لاستیک مصنوعی، رنگها، حلالها و دیگر کالا های پتروشیمی با شرکت ملی پتروشیمی تاسیس شود. علاوه پیشبینی میشود تا سال های ۱۳۵۵ و ۵۶ که سال بهره برداری از مجتمع ۳۵۰ میلیون دلاری پتروشیمی است بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون دلار بخش خصوصی در زمینه پتروشیمی سرمایه گذاری کند. برای صنعت پتروشیمی سه پایه اساسی

وجود دارد. پایه اول تولید گوگرد، آمونیاك و کود های شیمیائی است که در ایران قبلاً پایه گذاری شده و مجتمع فعلی پتروشیمی شاهپور مربوط به همین تولیدات است و در آن بیش از ۲۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری شده است. دو پایه دیگر «اولفین ها» و «اروماتیک ها» هستند که در مجتمع ۳۵۰ میلیون دلاری با شرکت ژاپنیا در شاهپور تاسیس خواهند شد. باین ترتیب بندر شاهپور بصورت یکی از بزرگترین مراکز مجتمع پتروشیمی جهان درخواهد آمد و قادر است از مواد اولیه پتروشیمی (گاز) تمام مواد میانه را تولید کند.

ایران پس از بنگار افتادن مجتمع جدید قادر است تمام مواد میانه مورد احتیاج انواع کالا های پتروشیمی را عرضه کند و از این راه سالی دهها میلیون دلار ارز صرفه جوئی خواهد شد و همچنین کمپانی «میتسویی» ژاپنی مازاد تولید را که ارزش تقریبی آن احتمالاً صد میلیون دلار میشود بخارج صادر خواهد کرد. این امر تحول و رشدی در پتروشیمی ایران بوجود می آورد. در طرح جدید ۳۵۰ میلیون دلار سرمایه -

گذاری میشود که ۵۰ میلیون دلار آنرا ایران نقدا می پردازد و ۲۵۰ میلیون دلار دیگر از منابع دولتی ژاپن با بهره ای نصف بهره متداول فعلی و مدتی دو برابر مدت رایج فعلی تامین خواهد شد.

صدور گاز مایع به ژاپن

ایران قرار است سالی ده میلیون تن گاز مایع به ژاپن بفروشد. چهل درصد از این گاز، از گاز تازه کشف شده جزیره قشم تامین می گردد و بقیه از گازهای استخراجی حوزه کنسرسیوم استفاده خواهد شد.

گاز که تا چند سال قبل در جنوب دیشاری ارزش نداشت و هرسال دهها میلیون دلار آن میسوخت و به هوا میرفت امروز یکی از منابع عظیم درآمد و منبع تولید کارخانه های پتروشیمی و گاز شده است که ارزش آنها به سدها میلیون دلار بالغ میشود. در حال حاضر از گاز جنوب برای مجتمع پتروشیمی شاهپور، آبادان، شیراز، خارک و پالایشگاه آبادان استفاده میشود. در بید بلند بزرگترین تصفیه خانه گاز جهان احداث شده و بزرگ ترین لوله گاز چه از نظر حجم و چه از نظر طول، گاز خشك این تصفیه خانه را به شوروی می برد. مقدار زیادی از گاز این تصفیه

خانه با يك شبکه لوله به ماهشهر می رود و در تصفیه خانه مخصوص کنسرسیوم مبدل به گاز مایع میشود و روزانه در حدود ۳۰ هزار بشكه بخارج از کشور صادر میشود. ظرفیت این تصفیه خانه در سال قریب ۱۹۵ میلیون تن میشود. برای این تصفیه خانه و شبکه مربوطه مبلغی در حدود ۵۰۰ میلیون دلار سرمایه گذاری شده است. در برنامه بعدی قرار است يك خط سراسری دوم گاز احداث شود که گاز را از جنوب به شهر های صنعتی اصفهان برای ذوب آهن و صنایع تابعه و وابسته آن و اراك و قزوین و تبریز برسد و از همان خط و خط سراسری فعلی گاز شهرهای میسر تامين گردد. برای تهران و شبکه توزیع خانگی که سرمایه بزرگی لازم است با بخش خصوصی براساس ۵۱ و ۴۹ درصد مشارکت بعمل خواهد آمد. علاوه براین طرح قرار است سالی ده میلیون تن گاز مایع طبق طرحی که شرح داده شد بخارج صادر گردد. از این خط به کارخانه ده میلیون دلاری تولید دوده و دو واحد عظیم پتروشیمی ۳۵۰ میلیون دلاری که با مشارکت ژاپن در بندر شاهپور احداث میشود گاز خواهد رسید. با ایجاد صنایع و تاسیسات مربوطه گاز ایران یکی از بزرگترین منابع درآمد بعد از نفت خواهد شد. برای این منظور شبکه وسیع گاز جمع کتی و تصفیه خانه های عظیم گاز مایع در جزیره قشم و حوزه قرارداد کنسرسیوم احداث خواهد شد.

قیمت گاز صادراتی به ژاپن سالانه در حدود ۲۰۰ میلیون دلار میشود، زیرا گاز مایع تحویل بندرخلیج فارس در حدود تنی ۲۰ دلار ارزش دارد. برای تولید این مقدار گاز ده میلیون دلار سرمایه گذاری لازم است که از طرف شرکت ملی نفت تامین خواهد شد.

سهیم شدن اعضاء «اوپك» در سهام شرکتهای نفتی

سازمان کشور های صادر کننده نفت (اوپك) اعلام کرد هدف این سازمان آن است که دول عضو درارائی و اداره امور شرکتهای نفتی که در کشور های عضو عضو «اوپك» فعالیت میکنند، تا ۲۰ درصد سهیم شوند. این پتروشیمی ۸ نوع محصول مطلب در قطعنامه کنفرانس اخیر «اوپك» که در «وین» و سالانه ۳۰۰ هزار تن اتمیل منتشر شده دیده میشود. در اعلامیه «اوپك» از جزئیات دیگری سخن بمیان نیامده است لکن گفته میشود میزان سهیم شدن کشور های عضو در مایلك و اداره امور شرکتهای نفتی تا حد ۲۰ درصد است. «اوپك» این

نكته را روشن کرده است که مایل نیست افزایش قیمتی که بتازگی نصیب کشور های عضو شد متزلزل گردد. در قطعنامه «اوپك» گفته میشود که کشور های عضو اقدامات موثری جهت شكل دادن به «اصل مشاركت» در امتیازات موجود شرکتهای نفتی بعمل خواهند آورد. برای رسیدن به این هدف، کمیته ای از نمایندگان کشور های ایران، عراق، کویت، لیبی، عربستان سعودی در سطح وزیران تشکیل خواهد شد و توصیه های لازم برای تقدیم به کنفرانس فوق العاده «اوپك» که قرار است ۲۲ سپتامبر سال ۱۹۷۱ تشکیل شود تهیه خواهد کرد.

توافق های نفتی ایران و ژاپن

براساس قراردادی که اخیراً بین ایران و ژاپن بامضا رسید ژاپن حق امتیاز اکتشاف و بهره برداری از منابع نفتی در لرستان را بمدت ۲۰ سال اعتبار دارد و پس از انقضای این مدت میشود آنرا دوباره و هر بار بمدت ۵ سال تمدید کرد. قرار است هنگام آغاز بهره برداری از منابع جدید نفتی توسط ژاپن و صنایع ژاپنی ۳۵ میلیون دلار به شرکت ملی نفت ایران بپردازند. همچنین بین ایران و ژاپن توافق گردید که پس از گذشتن میزان تولید از يك صد میلیون بشكه مبلغ ۵ میلیون دلار دیگر نیز از طرف ژاپن بشركت ملی نفت ایران پرداخت شود.

ژاپن ۴۰ درصد از احتیاجات نفتی خود را از ایران تامین میکند. ژاپن روزانه يك میلیون و ۴۵۰ هزار بشكه نفت برای تامین مصارف داخلی خود احتیاج دارد و علاوه ایران و ژاپن برای احداث بزرگترین واحد های پتروشیمی در ایران با سرمایه ای قریب ۳۵۰ میلیون دلار توافق نمودند.

دو شريك در بندر شاهپور شهر پتروشیمی ایران، واحد های عظیمی با سرمایه بیش از ۳۵۰ میلیون دلار برای تولید مواد اولیه انواع لاستیک مصنوعی و پلاستیک، الیاف مصنوعی و نظایر آن احداث خواهند کرد.

احداث این کارخانه يك صد میلیون دلار هزینه خواهد داشت و کار های ساختمانی آن از سال ۱۹۷۳ آغاز خواهد شد. کارخانه ۲۰ درصد سهیم شوند. این پتروشیمی ۸ نوع محصول مطلب در قطعنامه کنفرانس اخیر «اوپك» که در «وین» و سالانه ۳۰۰ هزار تن اتمیل تولید خواهد کرد.

در اعلامیه «اوپك» از جزئیات دیگری سخن بمیان نیامده است لکن گفته میشود میزان سهیم شدن کشور های عضو در مایلك و اداره امور شرکتهای نفتی تا حد ۲۰ درصد است. «اوپك» این

تولید روزانه نفت خام

شرکت های عامل نفت ایران اعلام کرد که میانگین تولید روزانه نفت خام از حوزه قرارداد کنسرسیوم طی شش ماه اول سال مسیوم از ۴ میلیون بشكه در روز تجاوز کرده است. اطلاعات مطبوعاتی شرکتهای عامل نفت ایران نشان می دهد که تولیدخالص نفت خام از حوزه کنسرسیوم در ششماه سال مسیوم ۳۹۸۴ میلیون بشكه در روز بوده و باین ترتیب تولید نفت خام طی شش ماه اول سال مسیوم بطور متوسط به ۴ میلیون و ۱۱۳ هزار بشكه در روز رسیده است.

تولید نفت خام ایران از حوزه کنسرسیوم در پنج ماه اول سال ۱۹۷۱ همواره از ۴ میلیون بشكه در روز متجاوز بوده است. تولید ناخالص نفت خام در ماه ژوئیه رقمی نزدیک به ۴ میلیون بشكه در روز بود.

علاوه طی همین مدت جمع کل تولید به ۱۲۴ میلیون و ۱۴۲ هزار بشكه و با بطور متوسط رقمی متجاوز از ۴ میلیون بشكه در روز بوده است.

طی ماه ژوئیه متجاوز از ۱۷۰ میلیون بشكه از مرکز بارگیری خارک صادر شده که میانگین آن به رقم جالب ۳ میلیون و ۴۷۳ هزار بشكه در روز رسیده است. طی همین ماه ۱۸۷ کشتی نفتی، نفت صادراتی ایران را به گوشه و کنار جهان حمل کرده اند.

شرکت های عامل نفت خبر می دهد که مقدار گاز تحویلی به شرکت ملی نفت ایران برای لوله سراسری گاز ایران از منابع گاز آغاجاری و مارون ۶۹۷ میلیون و ۶۸۰ فوت مکعب در روز بوده است.

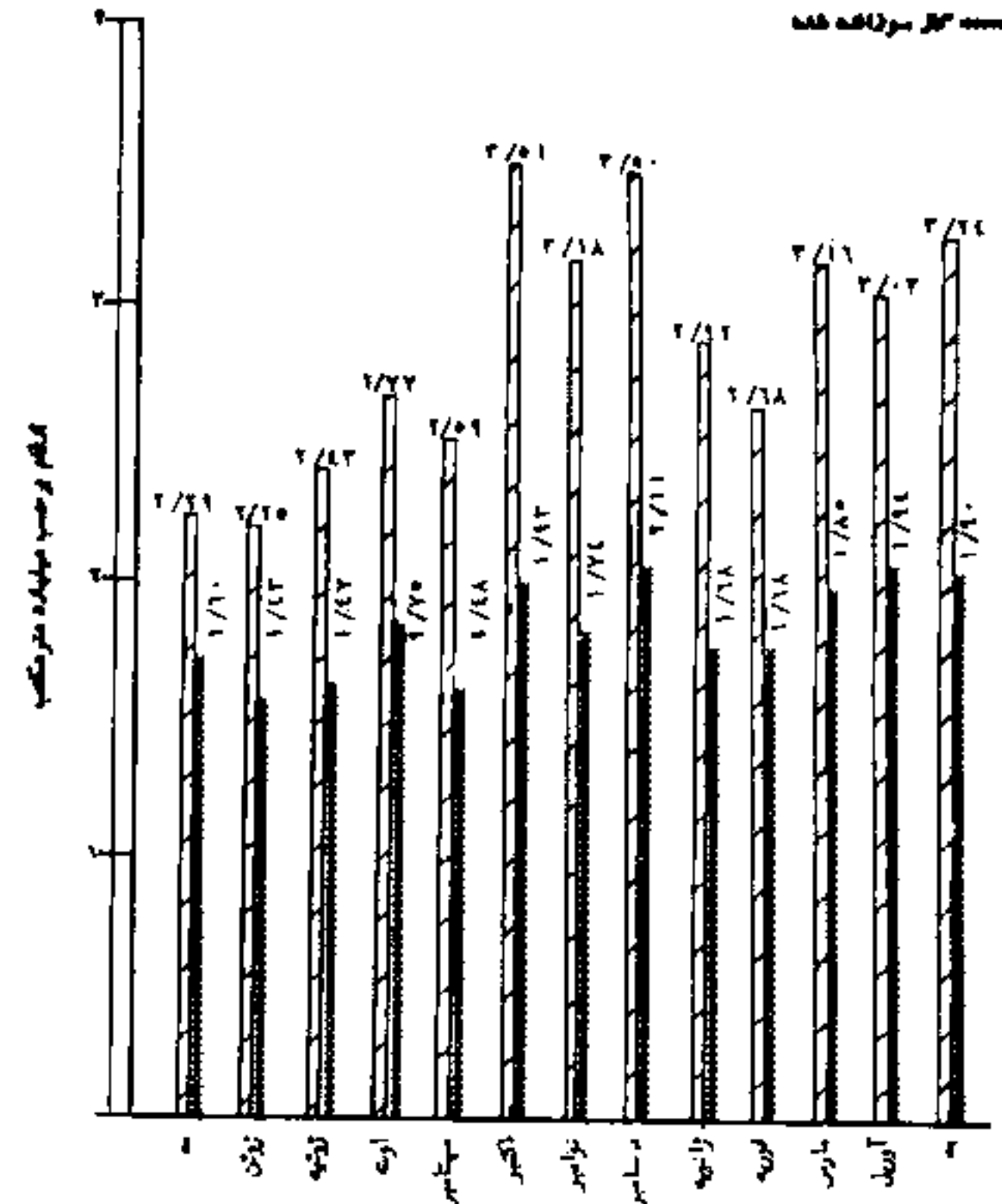
شرکت ملی گاز ایران در ماه ژوئن

۱۹۷۱

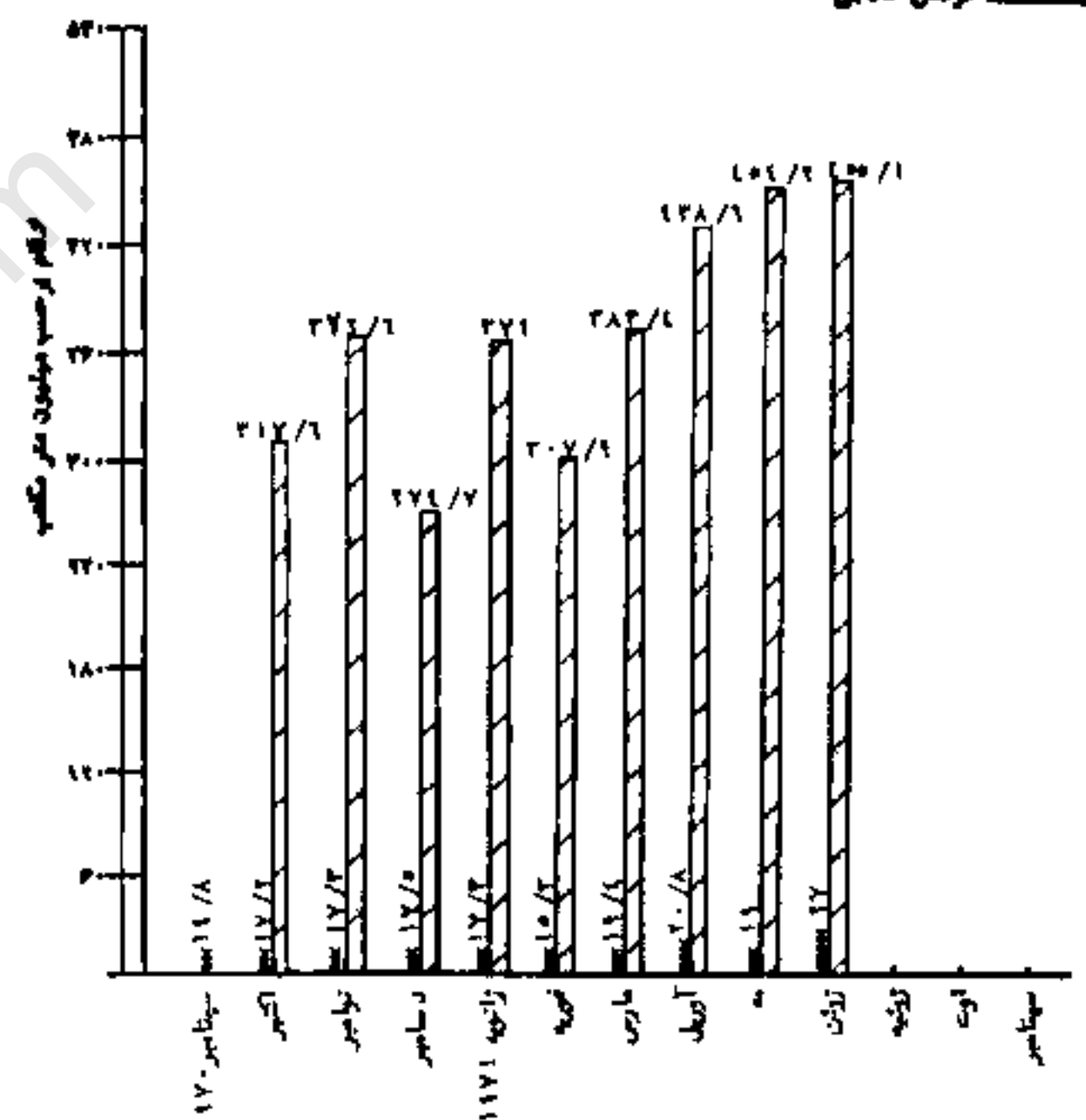
۱- عقد قرارداد : در تاریخ سوم ژوئن ۱۹۷۱ در اوساکا (ژاپن) مقاوله نامه ای برای فروش ۳ میلیون تن در سال گاز طبیعی مایع L.N.G بمدت ۲۰ سال بین مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران، نماینده شرکت فرانسوی اراپ و رئیس شرکت ژاپنی سی ایتو امضا گردید.

۲- عملیات : الف - شاه لوله گاز : در ماه ژوئن مقدار گاز ارسالی به شوروی ۵۵۵۱۳۳۰۰ متر مکعب بوده که نسبت به ماه قبل ۰۲ درصد افزایش داشته است.

ب - مقدار گاز ارسالی به تهران ۷۰۷۷۰۰۰ متر مکعب بوده که نسبت به ماه قبل ۴۷ درصد افزایش داشته



فروش گاز طبیعی

فروش صنعتی
فروش خانگی

استفاده مینمایند.

است.

ب - خط لوله ۱۶ اینچ
بیدبند - شیراز :
مقدار گاز ارسالی از طریق این خط به شیراز ۱۹۴۳۴۰۰۰ متر مکعب بوده که نسبت به ماه قبل ۳۹ درصد افزایش داشته است.
۳ - پروژه های گاز

رسانی :
- لوله کشی شبکه گاز رسانی صنعتی تهران ۸۷ درصد و شبکه گاز اصفهان ۶۰ درصد انجام گردیده است .

- پیشرفت پروژه لوله کشی شبکه گاز رسانی صنعتی کاشان و قم به ترتیب ۲۵ درصد و ۱۵ درصد میباشد .
- گاز رسانی به صنایع و منازل اهواز از ماه ژوئن آغاز گردید .
کارخانجات نورد از تاریخ ۷۹۵۳۳۱ بهره برداری از گاز طبیعی را آغاز نموده است . لوله کشی به کوره های آجرپزی شروع و سه کوره نیز از گاز طبیعی

۴- پخش و فروش :
پخش گاز طبیعی :

فروش صنعتی - شیراز	۱۹۴۳۴۰۰۰ متر مکعب
فروش صنعتی - تهران	۷۹۰۷۷۰۰۰ متر مکعب
فروش تجاری - شیراز	۲۸۵۰۰۰ متر مکعب
فروش خانگی - شیراز	۲۳۳۰۰۰ متر مکعب
جمع	۲۷۰۲۹۰۰۰ متر مکعب

افزایش مصرف مواد

نفتی در داخل کشور

بنا به گزارش اداره آمار و اطلاعات قسمت پخش طی ماه ژوئن ۱۹۷۱ بیش از ۹۱۶۰۰۰ متر مکعب فرآورده های گوناگون نفتی در نقاط مختلف کشور مصرف گردیده است . مقایسه این رقم با میزان مصرف مواد نفتی در مدت مشابه سال قبل ۱۲۶ درصد افزایش نشان میدهد . در این یک ماه ۱۹۰۰۰ متر مکعب گاز (۲۳۳۳)

بیش از سال پیش) ، ۱۲۴۰۰۰ متر مکعب بترین موتور (۱۶۶٪ افزایش) ۱۳۴۰۰۰ متر مکعب نفت سفید (۱۵۹٪ افزایش) ، ۲۹۹۰۰۰ متر مکعب نفت گاز (۱۲۱٪ افزایش) و ۷۰۰۰۰ متر مکعب روغن ایرانول (۲۹۹٪ افزایش) در داخل کشور مصرف رسیده است . این فرآورده ها توسط پالایشگاه تهران (۴۰۷٪) ، آبادان (۴۵۴٪) کرمانشاه (۵۹٪) و مسجد سلیمان (۸۸٪) تامین گردیده است .

باستانی

حمام

گنجعلیخان به موزه

تبدیل میشود

حمام معروف گنجعلیخان در کرمان همزمان با جشن های شاهنشاهی به صورت موزه حمام در می آید که باین وسیله خود بنا که دارای ارزش معماری است حفظ شود و هم باگردآوری وسایل مربوط به حمام های قدیمی برای نخستین بار موزه ای ترتیب یابد که حالات و کیفیات و شکل های رسوم گذشته حمام را حفظ کند .

این اقدام که به دو شاخه ای مردم شناسی و معماری فرهنگ بر میگردد ، بی تردید در آستانه ای جشن ها نویدی است برای دوستداران آثار باستانی و نیز گامی پراهمیت در راه حفظ مجموعه گنجعلیخان در کرمان . حمام گنجعلیخان یکی از نفیس ترین بناهای تاریخی ایران و متعلق به دوره صفوی است که از چندی پیش

سازمان حفاظت آثار باستانی اقدام به دوبارسازی و تعمیر آن کرده است . مجموعه گنجعلیخان بطور کلی تشکیل میشود از یک حمام ، آب انبار ، نرانیخانه ، میدان سه بازار ، چهارسوق بزرگ و چهارسوق کوچک . سه بازار مجموعه را با دقیقترین شیوه ای ارتباطی دور میزند که از نظر معماری نشان دهنده آگاهی کامل معماران زمان صفویه به سیستم فضای ارتباطی است .

برنامه چنین است که در موزه حمام گنجعلیخان که در حقیقت یک موزه مردم شناسی خواهد بود ، ویژگیها و سنت های مربوط به «کینه کشی» صابون زدن - سر تراشیدن ، در داخل صحن به کمک مجسمه نشان داده شود .

بطور کلی باید گفت در قدیم حمام یک مرکز خبری و محل بحث و رفق و تفق امور بوده که بوسیله مجسمه ها و ژست ها ، این محاوره ها نشان داده میشود و همچنین حمام مرکز خدمات و اعمال

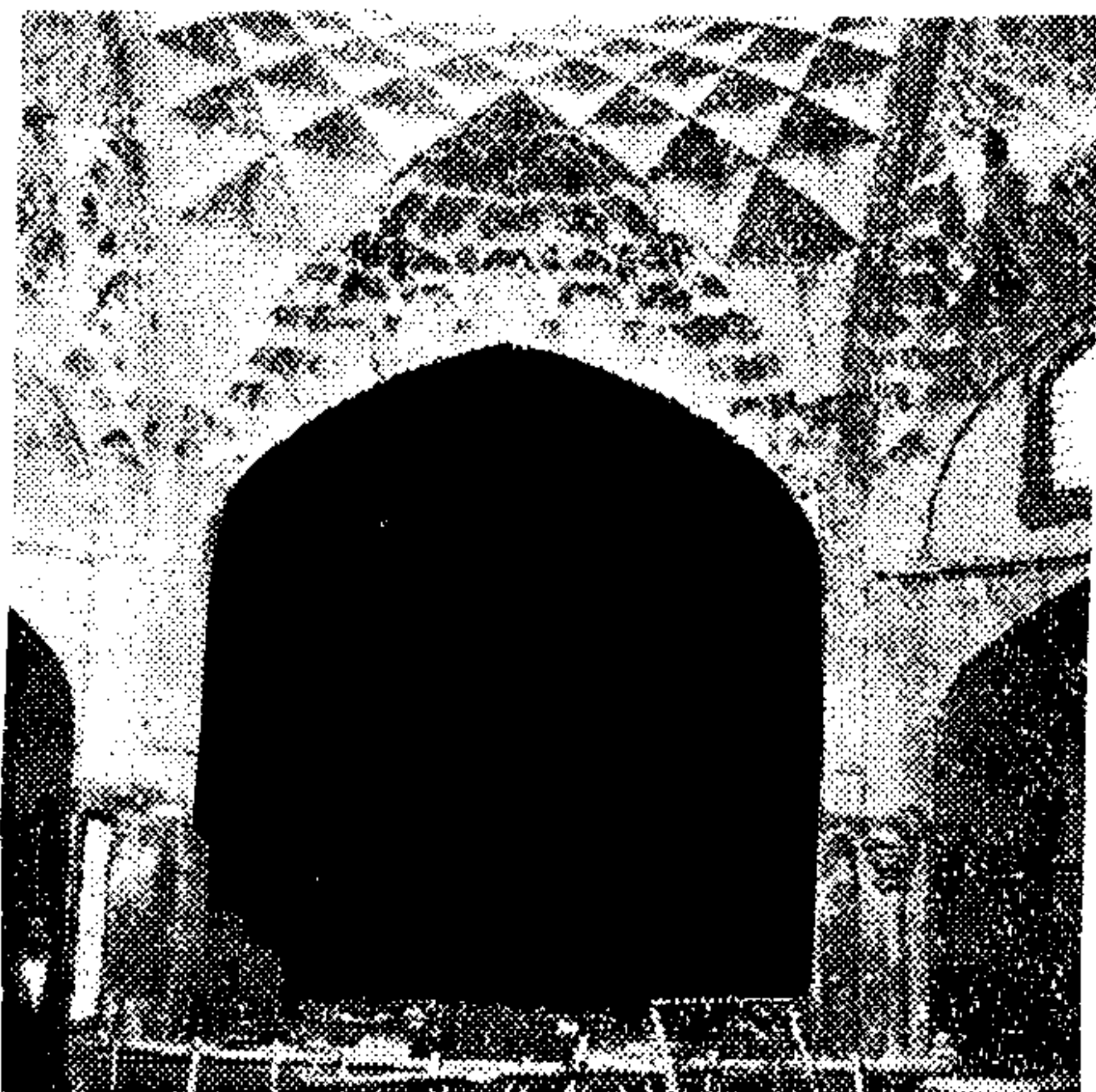
گوناگونی بوده که با ازبین رفتن تجمع در حمام ها ، تمرکز این فعالیت ها از میان رفته است . مجموعه این اعمال نیز در موزه حمام گنجعلیخان نشان داده میشود ، که چنین است :

- ۱- شست و مال
- ۲- معالجات طبسی (حجامت ، رک شکستن ، رک زدن و در بعضی موارد زالو انداختن و شاید هم ختنه کردن) .
- ۳- ازاله مو ، سر تراشیدن .
- ۴- آرایش (حنا بستن ، و سه کشیدن ، رنگ کردن ، خضاب ریش) .
- ۵- ادای فریض دینی ، محل مخصوص برای نماز خواندن بعد از غسل ، تهیه وسایل حمام برای قشر های متفاوت اجتماع (قطیفه ، طاس ، لنگ ، حنابند و غیره) و رعایت طبقاتی اشیاء مثلاً رعیت ها حق نداشته اند لنگ ابریشمی بپندند .

چون حمام های تاریخی دیگری در شهر های مختلف ایران وجود دارد ، مثلاً حمام فین کاشان و حمام شیخ بهایی اصفهان ، عکس هایی با معرفی تاریخچه حمام های مشهور و تاریخی جمع آوری میشود که در این موزه خواهد ماند .

چون نشان دادن بعضی حالات و مراحل استحمام یا مجسمه مشکل است ، از اسلاید ها و فیلم های اتوماتیک و عکس های سریال و همچنین نور و صدا برای رفع این مشکل استفاده خواهد شد .

حمام گنجعلیخان



عمران و آبادی

خطوط کشتیرانی مختلط ایران و شوروی

در مذاکرات هیات های نمایندگی ایران و شوروی جهت ایجاد شرکت مختلط حمل و نقل ایران و شوروی که از روز یکشنبه ۲۸ شهریور ماه آغاز شده بود مهمترین مسأله ای که مورد بحث قرار گرفت تهیه اسانامه ها و آئین نامه های شرکت مختلط حمل و نقل ایران و شوروی بود.

پس از تهیه آئین نامه ها و اسانامه ها اقدام لازم برای ثبت شرکت در ایران صورت خواهد گرفت و بعد از آن در حدود چهار ماه مهلت تعیین شده است تا شرکت مختلط ترانزیت ایران و شوروی رسماً کار خود را آغاز کند. سهام شرکت به نسبت ۵۰-۵۰ بین طرفین تقسیم شده است و موسسان شرکت مختلط ترانزیت از طرف ایران، شرکت سهامی معاملات خارجی و از جانب شوروی «اتحادیه کسب سایوزوس ترانس» است که هر یک پنجاه درصد سهام را در دست دارند، با ایجاد این شرکت موسسه «ایرانسو-ترانس» که هم اکنون عهده دار حمل کالاهای صادراتی ایران به شوروی و ممالک اروپایی است منحل خواهد شد و پیش بینی میشود تسهیلات تازه ای در جهت ترانزیت کالاهای دو کشور از خاک یکدیگر و توسعه معاملات بازرگانی بین ایران و شوروی و ممالک ثالث فراهم آید.

همزمان با مذاکرات مقامات ایران و شوروی گفته میشود امکان دارد در چهارچوب ایجاد شرکت مختلط حمل و نقل یک خط جدید مختلط کشتیرانی جهت حمل کالاهای تجاری بین بندر ایران و شوروی و نیز از طریق ولگا - دن به اروپا ایجاد شود.

پیشنهاد ایجاد این خطوط از طرف مقامات کشتیرانی ایران که در این زمینه مطالعاتی بعمل آورده اند، صورت گرفته و مقامات شوروی آنرا پذیرفته اند. در اجرای این طرح ایران تعدادی کشتی بسازی از شوروی خریداری خواهد کرد و این کشتی ها با توافق کشتی های روسی در خطوط جدید به حمل و نقل کالا بین بندر

شمال ایران و شوروی و همچنین اروپا خواهند پرداخت.

فعالیت های عمرانی وزارت راه در سال ۴۹

بر پایه گزارش پیشرفت فعالیت های عمرانی وزارت راه در سال ۴۹ که اواخر شهریور رسماً انتشار یافت در سال گذشته ۱۱۷۴ کیلومتر از راه های اصلی و فرعی کشور اسفالت شد و مسوره بهره برداری قرار گرفت. قسمتی از راه های مذکور شامل شاهراه شماره یک و دو آسیایی است که مرکز ترکیه را از طریق بازرگانی و پس از عبور از استان های آذربایجان شرقی و غربی، فرمانداری کل زنجان و استان مرکزی به استان مازندران و سپس به خراسان و از آنجا «درکال کله» به افغانستان می پیوندد و رشته دیگر در میرجاوه، جنوب شرقی کشور را به پاکستان متصل می سازد.

طرح دیگر شامل شاهراهی است که آبادان را بوسیله یک رشته راه اسفالت درجه یک به بندر شاپور و سواحل خلیج فارس وصل می کند. این راه نیز برای عبور سائط نقلیه آماده و مورد بهره برداری قرار گرفته است. همزمان با پیشرفت عملیات ساختمانی راه های اسفالت در شاهراه ها و راه های درجه یک و دو بمنظور حفظ و نگهداری اسفالت موجود و نیز بهبود وضع ترافیک در سال ۴۹ در حدود ۹۳۵ کیلومتر روکش و تمریض اسفالت در سطح کشور انجام گرفته است.

بموازات اجرای این پروژه فعالیت راه سازی در روستا های کشور نیز ادامه داشت و در این مدت ساختمان ۱۳۸۳ کیلومتر از راه های استانی با تمام رسید و برای بهره برداری در اختیار کشاورزان روستاهای نقاط مختلف کشور قرار داده شد. در زمینه ساختمان راه آهن، کوشش ماموران وزارت راه برای اتصال شبکه راه آهن ایران به اروپا و شبکه مورد نیاز کارخانه ذوب آهن آریامهر اصفهان افزایش یافت. این دو رشته راه آهن در نیمه اول سال جاری برای بهره برداری آماده شد. فعالیت زیرسازی ۱۷۰ کیلومتر از این مسیر و ۳۷۰ کیلومتر ریل گذاری طرف یکال انجام و آماده بهره برداری شده

است. بموجب گزارش مذکور جمع درآمد تقریبی راه آهن ایران از محل حمل و نقل ۳۹۹ میلیارد ریال بوده است.

پرده برداری از مجسمه جدید فردوسی

روز پنجم مهر ماه از مجسمه فردوسی در میدان فردوسی پرده برداری شد. مهندس شریف امامی رئیس مجلس سنا بنام شاهنشاه آریامهر از مجسمه پرده برداری کرد. ضمن ستایش از اقدامات انجمن آثار ملی اظهار داشت که در سال ۱۳۱۳ ضمن اقدامات مربوط به جشن هزاره فردوسی یک مجسمه این شاعر بزرگ حماسه سرای در حالت نشسته از طرف پارسیان هند تهیه و به تهران فرستاده شد. این مجسمه سال های سال در میدان فردوسی قرار داشت.

در سال ۱۳۳۷ شهرداری تهران بفکر افتاد که در این میدان مجسمه رستم و سهراب را نصب کند ولی برائش تذکرات افراد و مسئولان انجمن آثار ملی یک مجسمه نیم تنه از حکیم که در آغاز جشن هزاره وی بوسیله استاد ابوالحسن صدیقی و با استفاده از نظرات و راهنمایی استاد کمال الملک از مفرغ ساخته شده بود، در سال ۱۳۳۸ در میدان نصب گردید. از سوی دیگر ضمن برگزاری جشن هزاره فردوسی در بزرگداشت آن حکیم در سال ۱۳۱۳ قرار شد میدانی در شهر تاریخی رم بنام فردوسی نام گذاری و یک مجسمه از او در آنجا نصب گردد. اینکار در بوته احوال ماند و در سال ۱۳۳۵ که استاد ابوالحسن صدیقی برای تهیه مجسمه نادرشاه جهت آرامگاه آن پادشاه مقتدر ایران از طرف انجمن حمایت آثار ملی به رم رفته بود با شادروان موسی نوری اسفندیاری موضوع را یادآور شد و با اقدامات ایشان آقای دکتر اقبال نخست وزیر، حکمت وزیر امور خارجه و شهردار وقت تهران در آن زمان ترتیب ساختن مجسمه یکپارچه فردوسی بوسیله استاد صدیقی در رم داده شد و مجسمه در سال ۱۳۳۷ بوسیله شاهنشاه آریامهر در رم پرده برداری گردید و استاد صدیقی نیز مورد عنایات ملوکانه قرار گرفت.

شاهنشاه از آن پس با مشاهده سنک یک پارچه مجسمه حکیم در رم و اطلاع از اینکه نظیر آن نیز برای آرامگاه فردوسی در طول تهیه و نصب میگردد به تیمسار سپهبد آقاولی رئیس هیئت مدیره انجمن آثار ملی دستور فرمودند مجسمه مناسبی از سنک یک پارچه برای میدان فردوسی

تهران تهیه شود و استاد ابوالحسن صدیقی مامور اجرای این اوامر شد و این مجسمه از سنک کاراریک پارچه به بلندی ۳۳۵ متر ساخته شد و سال گذشته به تهران حمل گردید و آنرا در محل انجمن آثار ملی نگهداری نمودند و ایسن مجسمه اکنون بر فراز تخته سنک خارا ی بزرگ یک پارچه که از کوهستان الوند آورده اند استوار گشته است. در قسمت پایین پیکره فردوسی مجسمه کودکی در دل کوهسار دیده میشود که یادآور داستان فردوسی در باره کودکی زال است که پدرش سام نریمان او را در کوهستان البرز نهاد و زال مدت چند سال بوسیله سیمرغ پرستاری و نگهداری شد.

شاهنشاه مرکز تلویزیون تبریز را گشودند

شاهنشاه آریامهر روز دوم مهر ماه در اولین روز سفر خویش به آذربایجان شرقی و غربی بعد از بازدید از دانشگاه تبریز به تلویزیون آذربایجان مرکز تبریز تشریف فرما شدند.

قبل از بازدید شاهنشاه آریامهر از قسمت های مختلف تلویزیون مدیر تلویزیون آذربایجان مرکز تبریز طی گزارشی بعضی رساند که ساختمان این مرکز در تیرماه ۴۹ آغاز شد و بهره برداری از آن در مهرماه ۱۳۵۰ پیش بینی شده بود، ولی در اجرای طرح ایجاد مراکز تلویزیونی و توسعه شبکه های تلویزیونی، این مرکز از فروردین ماه آماده بهره برداری شد و اولین برنامه تلویزیون بامداد نوروز امسال پخش شد.

این مرکز دارای لابراتوار ظهور فیلم، ضبط و پخش، و اتاق های کنترل فنی یک استودیو برای برنامه های و اتاق های فنی و وسائل مربوط به آن است. سطح زیربنای این مرکز ۳ هزار متر مربع و مساحت کل آن ۳۰ هزار متر مربع است. قدرت تشعشع این فرستنده دو کیلووات است و بزودی با نصب فرستنده و آنتن جدید قدرت آن ۶۰ کیلووات افزایش خواهد یافت.

تلویزیون تبریز برنامه آزمایشی خود را با هفته ای ۲۵ ساعت شروع کرد و در تیر ماه ۴۵ ساعت در هفته و اکنون به ۷۰ ساعت در هفته رسانده است.

وجود ذخایر فرهنگی در آذربایجان مخصوصاً شهر تبریز امکان تهیه برنامه های بیشتری را فراهم ساخته است.

اوامر شاهنشاه برای توسعه شبکه آبیاری آذربایجان

شاهنشاه آریامهر روز سوم مهر ماه در دومین روز سفر خویش به استان های آذربایجان شرقی و غربی از شبکه آبیاری دشت مغان و تاسیسات عظیم سد ارس و کارخانه ماشین سازی تبریز دیدن کردند.

در محل سد انحرافی میل مغان کارکنان ایرانی و روس و خانواده های کارگران احساسات پرشوری نسبت به شاهنشاه ابراز داشتند. معظم له در مورد تکمیل شبکه آبیاری و توسعه امور کشاورزی و امر خانه سازی روستائی اوامر موکدی صادر فرمودند. شاهنشاه سپس از اصلاندوز بطرف سد ارس حرکت کردند و پس از ورود بفرودگاه کنار دریاچه سد از طرف استانداران آذربایجان شرقی و غربی و چند تن از مقامات محلی مورد استقبال قرار گرفتند.

معظم له بعد از صرف ناهار در محل مهمانسرای سد ارس برای بازدید از تاسیسات نیروگاه ایران بمنح نیروگاه در سد ارس رفتند.

شاهنشاه در اینجا خطاب به پروفیسور باتوفسکی رئیس انستیتی طراحی باکو و طراح سد فرمودند خوشبختانه دیدید که صحبت هایی که چند سال پیش در باره تاسیس سد ارس می کردیم امروز جامه عمل بخود پوشیده است.

پروفیسور باتوفسکی به عرض رساند که در این محل ده نیروگاه برق با استفاده از انرژی حاصل از آب ساخته خواهد شد. وی اضافه کرد که نیروگاه بعدی در نظر است در محلی بنام خود آفرین ایجاد شود. ایسن نیروگاه قادر خواهد بود در حدود دویست هزار کیلو وات برق در ساعت تولید کند. سد این نیروگاه ظرفیتی معادل دو میلیارد و ششصد هزار متر مکعب گنجایش آب خواهد داشت.

شاهنشاه اظهار امیدواری کردند که فاصله زیادی بین خاتمه سد و شروع آن سد جدید نباشد.

افتتاح سدهای بزرگ آذربایجان

شاهنشاه آریامهر روز چهارم مهر سد ذخیره ای کورش کبیر و سد انحرافی نورزولو را گشودند و اجازه بهره برداری از سد شاپور اول را صادر کردند.

سد ذخیره ای کورش کبیر در ۵۸ کیلومتری میاندوآب و سد انحرافی نورزولو در ۱۵ کیلومتری

میاندوآب قرار دارد برای این دو سد ایران جمعاً ۱۲۴۷ میلیون ریال سرمایه گذاری کرده است و شبکه آبیاری مرحله اول نیز ۱۶۴۵ میلیون ریال هزینه برداشته است.

با احداث سد های مذکور بر روی زربنه رود به جای ۱۵ تا ۲۰ هکتاری که اکنون بطور ناقص آبیاری میشود در مرحله نهایی ۸۵ هزار هکتار اراضی دشت میاندوآب زیر کشت خواهد رفت. همچنین با ساختمان نیروگاه برق آبی که مطالعات آن آغاز شده ده هزار کیلووات نیروی برق تولید خواهد شد.

حدود ۴۷ درصد از هزینه های سد از اعتبار ۱۶۷ میلیون شیلینگ دولت اتریش تامین شده است.

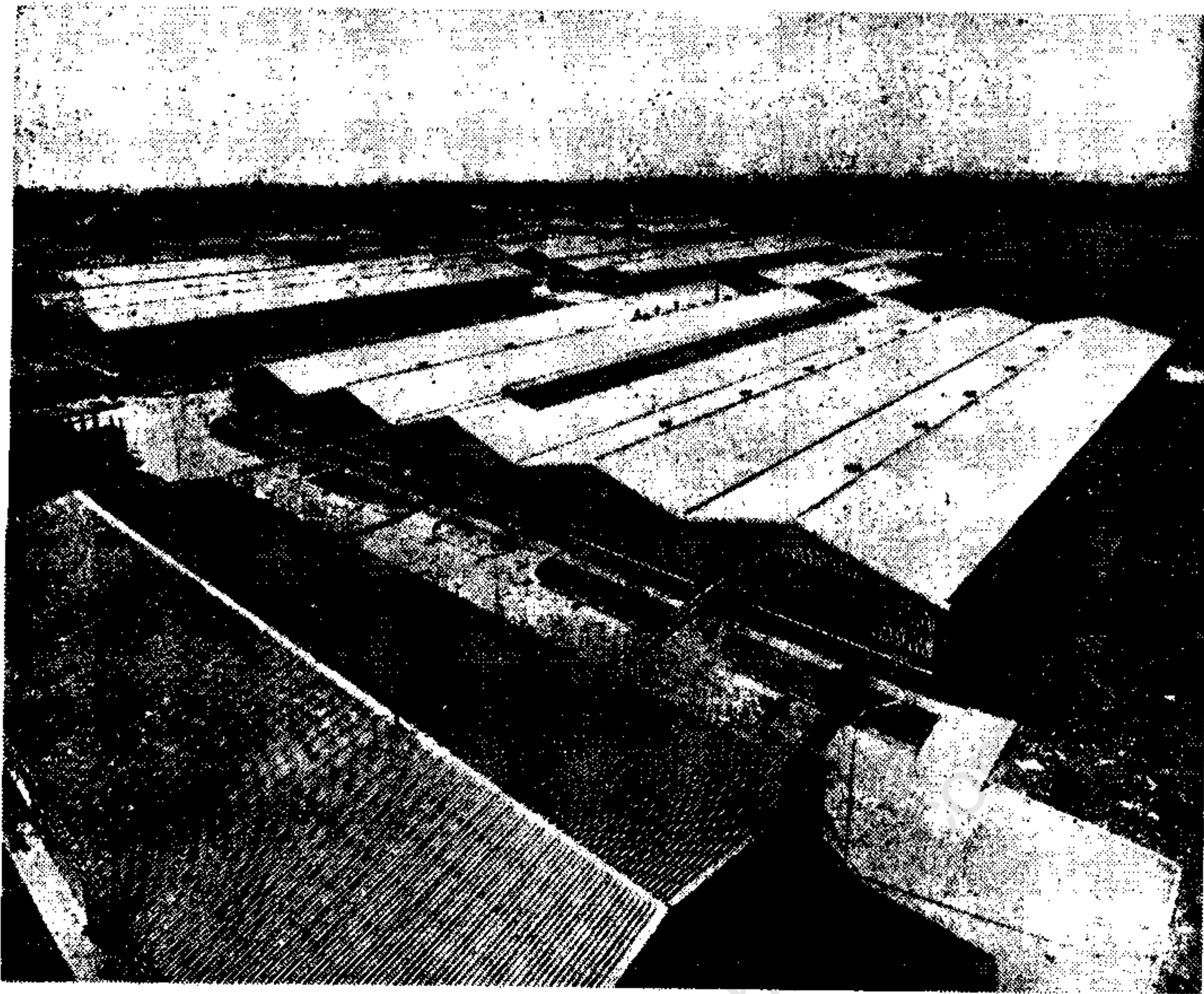
استاندار کردستان بعضی رسانید که در ساحل غربی سد کنار سقر مشغول جادیم سازی هستیم و از آب های موجود دریاچه نیز استفاده میکنیم. علاوه بر آن دریاچه میوان هم مورد استفاده توریستی دارد و هم مورد استفاده آبیاری. استاندار کردستان به بیست برابر رسیده است مانند راهازی، که قبلاً ۶۰ کیلومتر راه داشتیم و اکنون ۱۲۵۰ کیلومتر راه داریم.

وزیر آب و برق طی گزارشی معروض داشت که بمنظور آبیاری و استفاده از اراضی دشت میاندوآب در سال ۱۳۲۷ مطالعات مقدماتی در زمینه احداث سدی بر روی زربنه رود توسط بنگاه سابق آبیاری آغاز شد و تا سال ۱۳۳۳ بطول انجامید و بالاخره در سال ۱۳۴۲ قراردادی بین سازمان برنامه و مهندسی مشاور و پیمانکار مجری طرح منعقد شد.

شاهنشاه سؤال فرمودند آیا با افزایش حجم دریاچه کورش کبیر و استفاده از رودخانه سیمینه رود میشود سطح زیر کشت را بالا برد بعضی رسید که طرح سیمینه رود در دست مطالعه است تا با استفاده از آب آن و سد دریاچه کورش کبیر اراضی زیر کشت اطراف دشت بوکان را بین ۲۵ تا ۳۰ هزار هکتار افزایش داد.

البته این مقدار اضافه بر ۸۵ هزار هکتار است که قبلاً پیش بینی شده بود. شاهنشاه سپس با فشار تکه ای اجازه بهره برداری از سد را صادر فرمودند و در مورد لایروبی سد هاستور های موکدی صادر فرمودند. معظم له پس از بازدید هوایی از سد نورزولو به مهلباد تشریف فرما شدند. در محل سد رود مهلباد با فشار دادن تکه ای اجازه بهره برداری از سد شاپور اول و سد انحرافی و همچنین

واحد صنعتی



نیروگاه برق آبی آن را صادر کردند. آقای وحیدی وزیر آب و برق به عرض رسانید که مطالعات مقدماتی سد از سال ۱۳۴۱ آغاز شد و کارهای ساختمانی از ۲۸ تیر ۱۳۴۶ تا ۲ مهر ۱۳۴۹ ادامه یافت و اجرای ساختمان آن را یک شرکت ایرانی برعهده داشت سد شاهپور اول جمعا ۹۴۰ میلیون ریال خرج برداشته است و هدف آن جلوگیری از سیل همه ساله رودخانه مهاباد و تهیه آب برای ۲۱ هزار هکتار اراضی دشت مهاباد و ۲۴ میلیون کیلووات ساعت برق است. برای شبکه آبیاری سد ۴۰۰ میلیون اعتبار در سه سال (تا ۱۳۵۲) صرف خواهد شد.

در متن لوحه این سد نیز مانند سد گورش کبیر قسمتی از کتیبه داریوش به خط میخی در کنار خط فارسی آمده است.

تهران، بوسیله راه آهن به اروپا متصل شد

روز پنجم مهر ماه خط آهن ایران و ترکیه ضمن یک مراسم تاریخی که در حضور سران دو کشور در شهر وان برگزار شد گشایش یافت و شاهنشاه ضمن نطقی در این مراسم اظهار داشتند که «فوائد این کار بزرگ از مرزهای کشور های ما تجاوز خواهد کرد».

شاهنشاه و حضرت جودت سونای رئیس جمهوری ترکیه در ساعت سه و نیم بعد از ظهر (بوقت تهران) با قطار سلطنتی وارد شهر ساحلی وان شدند و مورد استقبال بسیار گرمی قرار گرفتند. سران دو کشور ناهار را در همین قطار صرف کرده بودند.

حضرت رئیس جمهوری ترکیه ضمن نطقی احاسبات دوستانه دولت و ملت ترکیه را نسبت به شاهنشاه و ملت ایران ابراز داشتند. سپس شاهنشاه ضمن نطقی فرمودند: برای من فرصت بسیار دلنشینی و گراشها و تاریخی است که امروز در حضور شما و عدم بسیار زیادی از مردم شهر زیبای وان و ملت برادر و دوست ترکیه در این مراسم مهم شرکت میکنم. ما از تشریک مساعی دولت های انگلستان و ایالات متحده امریکا بخاطر کمک های قنی و مالی آنها سپاسگزاریم. همچنین از دبیر کل سازمان پیمان مرکزی خصوصا از متخصصین کارمندان و کارگران زحمتکش ایرانی و ترک بخاطر زحمات طاقت فرسایی که در گرما و سرمای شدید برای ایجاد این خط آهن متحمل شده اند قدر دانی میکنیم. مفهوم این خط ارتباطی بیش از آن است که در روز

در استان گیلان نیز مقارن با برگزاری جشن دوهزاروپانصدمین سال بنیانگذاری ایران بزرگ ترین واحد تولید لامپ بحر ایران مورد بهره برداری قرار خواهد گرفت.

کارخانه لامپ پارس توشیبا که بمنظور تامین کلبه احتیاجات لامپ روشنایی ایران با در نظر گرفتن سیاست صادرات کالا

های صنعتی با سرمایه های هنگفت در رشت تأسیس گردیده است اولین محصول خود را همزمان با برگزاری این جشن فرخنده به ملت ایران عرضه خواهد نمود.

تولیدات این واحد صنعتی که شامل انواع لامپ روشنایی و فلورسنت می باشد براساس بالاترین استانداردهای بین المللی

تحت نظر مهندسين و متخصصين ایرانی و ژاپنی تولید میگردد. امید است این واحد تولیدی افتخاری بر اختراعات دیگر ایران در سطح بین المللی بیافزاید.

ما این موفقیت را به آقای جهانپناوئی صاحب امتیاز و مدیر مجله و همچنین آقای عباس بهلوان سردبیر آن تبریک می گوئیم.

مجله سپید و سیاه

مجله وزین سپید و سیاه وارد نوزدهمین سال انتشار شد ما موفقیت دکتر بهزادی و کلیه کارکنان آنرا خواستاریم.

خواندنی ها

مجله خواندنی ها وارد سی و یکمین سال انتشار خود شد. ما این موفقیت را به آقای امیرانی تبریک میگوئیم.

تهران مصور

مجله تهران مصور وارد سی و امین سال خدمت مطبوعاتی خود شد ما موفقیت مهندس والا صاحب امتیاز و آقای حسین سرفراز سردبیر مجله را خواهانیم.

تجاوز خواهد کرد. پس از فرمایشات شاهنشاه منمنجی اوغلو دبیر کل سازمان پیمان مرکزی ضمن نطقی مشخصات فنی این شبکه خط آهن را تشریح کرد. پس از آن سران ایران و ترکیه در اسکله شهر وان حضور یافتند و در آنجا با حضور رهبران دو کشور اولین کشتی حامل واگن های ایرانی حرکت کرد و باین ترتیب در ساعت شانزده و پانزده دقیقه روز پنجم مهر ماه ایران از طریق راه آهن به اروپا متصل شد.

مجله فردوسی

مجله فردوسی وارد بیست و دومین سال انتشار خود شد در این مدت گردانندگان این مجله توانسته اند خوانندگانی معتقد و مؤمن بخود پرورش دهند.

نخست بتوان بنظر آورد. این خط نه تنها دو ملت را بهم وصل میکند و باعث رونق اقتصادی و مبادلات صنعتی میشود. بلکه وسیله ارتباط دو قاره مهم دنیا با یکدیگر است. خیلی زود میشود محسوس کرد که این راه آهن را تا کشور هایی مانند افغانستان و پاکستان و حتی دورتر از پاکستان و تاسا جایگاه شبکه راه آهن وجود دارد و تاسافات بسیار بعدی در قاره آسیا میتوانیم ادامه بدهیم. بار دیگر مایلیم در چنین روز فرخنده ای احساسات عمیق خود را برای ادامه سلامت و موفقیت شخص حضرت رئیس جمهوری برای موفقیت و ادامه ترقیات دولت و ملت ترک و تحکیم روز افزون دوستی و اتحاد ایران و ترکیه ابراز کنم و اطمینان بدهم که فوائد این کار بزرگ از مرزهای کشور های ما

فرهنگی

آغاز سال تحصیلی دانشگاه تهران

ساختمان و تاسیسات و تجهیزات ثابت قریب به ۲۱۵ میلیون ریال و هزینه سایر تجهیزات و وسایل ۱۵ میلیون ریال است. این کتابخانه که بزرگترین کتابخانه کشور است بناسبت جشن های شاهنشاهی افتتاح میگردد و گنجایش نهائی آن یک میلیون جلد کتاب است.

بعد از ظهر روز اول مهر ماه در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو مراسم آغاز سال تحصیلی ۵۹ - ۶۰ در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد.

اعلیحضرتین پس از افتتاح ساختمان نوین یاد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بازدید از قسمت های مختلف کتابخانه پرداختند. در اینجا رئیس دانشگاه تهران بعرض رساند که هزینه

پایان تقسیم اراضی در ایران

شاهنشاه روز دهقان و پایان کار تقسیم اراضی در ایران پیامی فرستادند و ضمن آن از مجریان برنامه های اصلاحات ارضی تقدیر بعمل آوردند. متن پیام شاهنشاه به شرح زیر است:

با کمال خوشوقتی در سرآغاز مهر ماه که بامیمنت جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران آمیخته است، پایان دوره تقسیم اراضی مزرعوی میان کشاورزان را که یکی از مهمترین مراحل اجرای برنامه همه جانبه اصلاحات ارضی و رکن مهم انقلاب ایران بوده است اعلام می نمایم.

با اجرای کامل و قطعی این مرحله از برنامه اصلاحات ارضی ایران دیگر زارعی وجود ندارد که مالک زمین و نسق زراعی خویش نشده باشد و با اجرای قانونی که اخیراً به دولت ابلاغ شده حتی مالکیت اراضی مزرعوی موقوفات عام نیز که به مدت ۹۹ سال بکشاورزان اجاره داده شده است به آنها منتقل خواهد شد.

محقق چنین امر مهمی، به معنای آغاز دوره تازه ای در تاریخ ایران است که در آن دیگر نشانه ای از نظام کهنه ارباب و رعیتی و بزرگ مالکی دیده نمیشود، درعین حال توجه به وسعت خاک کشور ما و قلمرو بیش از شصت هزار روستای پراکنده و شرائط اقلیمی و سنتی زراعی متفاوت، نشان دهنده این واقعیت است که اجرای اصلاحات ارضی در ایران تا چه اندازه موفقیت آمیز بوده است.

اکنون میلیونها تن از روستائیان ایران که اکثریت قاطع جمعیت کشور را تشکیل میدهند با اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی و با تقسیم زمین میان کشاورزان حاکم برسروش و زندگانی خویش شده اند. گو اینکه از همان لحظات ابتدای اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی و تقسیم میان زارعین تأمین رفاه روز افزون کشاورزان و ارتقاء سطح فرهنگ و بهداشت و زندگانی آنان از راه توسعه شبکه تعاونی ها، تشکیل شرکت های سهامی زراعی و خانه های فرهنگ روستائی و اعزام سپاهیان دانش و بهداشت و ترویج و آبادانی دقیقاً مد نظر بود ولی اینک با پایان موفقیت آمیز مرحله تقسیم اراضی، تلاش به منظور نیل به سایر هدف های اقتصادی و اجتماعی و سازنده این اصل مهم انقلاب ایران در مقیاسی وسیع تر ادامه خواهد یافت. بدیهی

شاخص بهای عمده فروشی افزایش یافت

براساس گزارش بانک مرکزی ایران، شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در مرداد ماه گذشته به رقم ۱۰۶۳۳ رسید و نسبت به ماه مشابه سال قبل حدود ۹۹ درصد افزایش داشته است. عامل اصلی ترقی شاخص کل بهای عمده فروشی در این ماه براساس گزارش بانک مرکزی افزایش شاخص بهای کالاها تولید و مصرف شده در کشور به میزان ۴۹ درصد و شاخص کالاها صادره از کشور به میزان ۲ درصد بوده است.

در افزایش شاخص بهای کالاها تولید و مصرف شده در کشور باید ترقی قیمت جو، برنج، حبوبات، تخم مرغ، شیر، پنیر، میوه های خشک و سیب زمینی را مؤثر دانست.

شاخص بهای کالاها وارد به کشور در ماه مورد بررسی حدود ۱ درصد پائین آمده بود که علت آنرا باید تنزل قیمت کره، چای، ظروف چینی، تیر و ورق آهن و کالاها مشابه دانست. در گروه کالاها صادره از کشور بعلت افزایش قیمت میوه های خشک، کنباله زیره سبز، سالامبور و پنبه تصفیه شده شاخص کالاها این گروه حدود ۲ درصد بالا رفت که رویهم رفته افزایش شاخص بهای عمده فروشی ۹۹ درصد بود.

اگر انتقادی صحیح و منطقی و اصولی باشد آنرا دنبال خواهیم کرد.

من همیشه از سنا به خاطر راهنمائی هائی که کرده فقط ماموریت این است که مخالفت شود چهار سال دیگر هم مخالفت کنید ما هم خدمتگزاری خود را ادامه خواهیم داد.

برای پیشرفت مملکت کار های بسیار عظیمی صورت گرفته که همه را شاهنشاه ترسیم کرده اند و دولت مجری آن است. ایران متکی به نیروی ایرانی است و با فکر ایرانی و بدست ایرانی اداره خواهد شد. نماینده اقلیت فقط سه دقیقه صحبت کرد و منم بیشتر از این صحبت نمیکنم و امیدوارم رابطه بسیار خوبی که میان دولت و سنا وجود دارد همچنان ادامه یابد.

در این جلسه سنا تشریف احمدي و سنا تیر یگانه به عنوان موافق و سنا تیر عباسی در مخالفت با برنامه دولت سخن گفتند.

در این جلسه پس از توضیحات امیر عباس هویدا نخست وزیر سنا با ۴۷ رای به دولت هویدا رای اعتماد داد.

کنگره بین المللی دامپروری

دومین کنگره بین المللی دامپروری (پرورش گوسفند و بز) با شرکت ۳۲۰ نفر نمایندگان و متخصصین دامپروری ۳۵ کشور از ۵ قاره جهان در شهر تور فرانسه در ماه ژوئیه برگزار گردید.

گردانندگان این کنگره از آقای دکتر محمد ستاری دانشیار دانشکده دامپزشکی و سرپرست موسسه تحقیقاتی امین آباد دانشگاه تهران دعوت کرده بودند و نامبرده به نمایندگی ایران و دانشگاه تهران در این کنگره شرکت کرد.

در روز افتتاح کنفرانس بعد از انتخاب آقای دکتر گال استاد دانشگاه گوتینگن آلمان به ریاست کنگره آقای دکتر محمد ستاری با اکثریت آراء و تأیید رئیس فدراسیون اروپائی دامپروری به نیابت ریاست انتخاب گردید.

ضمناً با اینکه دولتهای هند - مالزی - امریکا - مکزیک - اسرائیل اصرار داشتند سومین کنگره بین المللی دامپروری که در سال ۱۹۷۳ تشکیل خواهد شد در ممالک آنها برگزار گردد ولی تصمیم گرفته شد ایران برای این منظور انتخاب شود.

یک کشتی با کتیبه میخی پارسی در شوروی پیدا شد

یک عده از کارگران شوروی ضمن کار در شهر «ارسک» واقع در کرانه رودخانه اورال یک کشتی قدیمی مصری را یافته اند که متعلق به سالهای ۳۳۱ تا ۳۵۳ پیش از میلاد است. از نوشته های داخل این کشتی که به خط مصری و میخی پارسی است معلوم میشود این نوع کشتی ها بین بندرهای رودخانه های نیل، دجله و فرات و روسیه کنونی به حمل کالاها و تجارتی می پرداخته اند.

در راه گسترش صنایع در ده سال گذشته ۱۰۸ میلیارد سرمایه گذاری شد

بانک اعتبارات صنعتی طی ده سال گذشته معادل ۱۰۸ میلیارد ریال در زمینه صنایع مختلف کشور سرمایه گذاری کرده است که طی این مدت میزان سرمایه گذاری و وام های پرداختی بانک اعتبارات صنعتی شامل ۳۴۰۷ میلیارد ریال وام صنعتی، ۳۵۷۹ میلیارد ریال وام سرمایه در گردش، ۹۸۰ میلیون ریال سرمایه گذاری در شرکت های مختلف صنعتی، ۲۰۵۹ میلیارد ریال ضمانت نامه های صادره، ۲۷۱ میلیون ریال وام برای کشت چغندر و ۴۰۲ میلیون ریال وام های صنعتی از محل اعتبار طرح های اختصاصی سازمان برنامه بوده است که کل آنها طی سالهای ۱۳۴۰ تا ۵۰ بالغ بر ۱۰ میلیارد و ۹۷۸ میلیون ریال گردیده است. طی دوره مذکور با توجه به سرمایه گذاریهای که از جانب بانک اعتبارات صنعتی در راه ایجاد صنایع جدید بکار رفته متجاوز از ۲۳ هزار شغل جدید نیز بوجود آمده است. بررسی بانک اعتبارات صنعتی در زمینه وامهای اعطائی به صنایع کشور حاکی از اینست که طی ده سال اخیر جمعا ۲۹۷ فقره وام صنعتی به مبلغ ۳۴۰۷ میلیارد ریال به صاحبان صنایع کشور داده شده است و با توجه باینکه هر ساله تعداد وام و مقدار آن افزایش یافته در سال ۴۹ تعداد وام به ۴۸ فقره و مبلغ آن به ۸۹۷ میلیون ریال بالغ گردیده است.

بررسی فوق همچنین حاکی از آنست که در ده سال گذشته بموازات اعطای مبلغی حدود ۳۴ میلیارد ریال بمنوان وام صنعتی متقابلاً حدود ۱۵۸ میلیارد ریال نیز از طرف بخش خصوصی سرمایه گذاری گردیده است که در نتیجه

کل سرمایه گذاری طرحهای مربوط به ۱۹۹۲ میلیارد ریال رسیده است و در این زمینه مبلغ سرانه سرمایه گذاری هر طرح که در سال ۴۰ حدود ۱۵ میلیون ریال بوده در سال ۴۹ به حدود ۱۴۶ میلیون ریال رسیده است. از نظر اشتغال طرحهای مورد بررسی جمعا برای ۱۲۱۰۰ نفر کار ایجاد کرده است. بررسی بانک اعتبارات صنعتی حاکی از آنست که از وامهای اعطائی این بانک استانهای مرکزی، اصفهان، خوزستان، آذربایجان شرقی سهم بیشتری را از لحاظ تعداد و مبلغ وام داشته اند و تنها استان مرکزی ۴۹۹ در صد از کل وامها را بخود اختصاص داده است. مبلغ سرمایه گذاری پرداخت شده بانک اعتبارات صنعتی حدود ۹۸۰ میلیون ریال بوده و طی مدت مذکور این بانک در صنایع مختلفی از جمله سیمان، قند، لوله و ماشین سازی، شیر پاستوریزه، کاغذ، ذوب فلزات شرکت کرده است و تا پایان تیر ماه سال جاری بانک اعتبارات صنعتی بامبلغی در حدود ۶۷۰ میلیون ریال در ۱۵ واحد تولیدی مشارکت کرده است.

۱۱ میلیون تن محصولات عمده کشاورزی در سال ۴۹

وزارت کشاورزی آمار مقدماتی تولیدات مهم کشاورزی را در چهار سال گذشته انتشار داد. طی چهار سال گذشته تولید برنج از ۹۶۰ هزار تن به ۱۹۶ میلیون تن رسید و محصول پنبه در این مدت از ۳۸۰ هزار تن به ۴۸۵ هزار تن ترقی کرد. محصول چغندر قند از رشد قابل توجهی برخوردار بود. تولید این محصول که در سال ۱۳۴۶ کمتر از ۲۸۳ میلیون تن بود در سال ۱۳۴۹ به حدود ۳۷۸ میلیون تن رسید و در حدود یک تن افزایش یافت. با وجود این رشد تولید دانه های روغنی که طرح افزایش محصول آن برای نخستین بار در ایران پیاده میشود بسیار جالب بود.

تولید گندم در سال ۴۹ در حدود ۴ میلیون تن، جو ۸۸۰ هزار تن، سیب زمینی ۴۱۷ هزار تن، پیاز ۲۴۴ هزار تن، حبوبات ۲۱۰ هزار تن، چای خشک ۲۰ هزار تن و توتون و تنباکو ۱۷ هزار تن برآورد شده است که جمیع تولیدات عمده کشاورزی ایران را با احتساب محصول برنج، پنبه، چغندر و دانه های روغنی به حدود بیش از ۱۱ میلیون تن می رساند.

متفرقه

دولت رأی اعتماد

امیر عباس هویدا نخست وزیر روز هفتم مهرماه در جلسه علنی مجلس سنا که برای بحث درباره برنامه دولت تشکیل شده بود تأکید کرد که مراقبت در کارهای دولت مخالفت کثیف بگوئید افراد وابسته به آن نیست و همه مردم وظیفه دارند با مطالعه عمیق برنامه ها نظر خود را با اطلاع مقامات مربوطه برسانند.

نخست وزیر گفت عده ای آمده اند و تقاضاهائی داشته اند که طبق مقررات و نظیر سایر مردم اجتماع با آنها رفتار خواهد شد. این اشکال تراشی است که هم اکنون در دولت حزبی ما دوستاندار از اقلیت کار میکنند و عده ای نیز مصدر مقامات

انتظار داشتیم که بیایید و حداقل با یک قسمت از برنامه دولت مخالفت کنید، بگوئید مثلاً کار ما در زمینه های بهداشت، آموزش و پرورش، اصلاحات ارضی و غیره در کجا اشکال دارد. ما هم که عاشق افکار خودمان نیستیم.

نرخ اجناس			نرخ اجناس		
حد اقل قیمت خرید	حد اکثر فروش		حد اقل قیمت خرید	حد اکثر فروش	
ریال	ریال	نرخ خرید و فروش ارز	ریال	ریال	میوه و تره بار کیلو
۲۶/۵۰	۲۶/۲۵	یک دلار آمریکا	۱۵	۵	انجیر
۱۹۰/۰۰	۱۸۸/۱۰	یک لیره انگلیس	۳۵	۱۵	سیب شیرازی
۱۶۰/۶۰	۱۵۹/۰۰	یکمصد فرانک بلژیک	۱۲	۱۰	سیبزمینی رسمی
۱۹/۳۵	۱۹/۱۵	یک فرانک سوئیس	۱۳	۱۰	سیبزمینی استانبولی
		خشکبار کیلو	۶	۵	خریزه مشهد
۱۲۸	۱۲۲	بادام اسفهان	۱۰۰	۳۰	خیار یکمصد
۴۴/۵	۴۳	بادام زمینی هندی	۸	۴	انگور عسگری
۴۰	۳۸	فندق زنجان			مواد شیمیائی کیلو
		غلات ۳۰۰ کیلو	۱۱/۵۰	۱۱/۵۰	سود محرق ایران
۲۶۰۰	۲۵۵۰	گندم کمباین همدان	۸۵	۸۲	گلیسرین
۲۱۵۰	۲۱۵۰	جو کرمانشاه			سحوم دفع آفات (لیتر)
		آرد خرواری	۱۳۰	۱۳۰	اندروین ۱۹۵۰ درصد لیتر
۳۱۸۰	۳۰۵۰	آرمیسوس گرفته	۱۲۵	۱۲۵	مالاکانو ۶۰
۳۳۰۰	۳۳۰۰	آرد ستاره	۴۰۰	۴۰۰	فورادان ۷۵٪ تاویل کیلو
		برنج کیلو	۳۶	۳۶	اموسیون ۲۵٪
۳۵	۳۳	برنج آستانه دمیاه			مواد رنگی کیلو
—	—	برنج صدری درجه یک رشتی	۴۵	۳۰	حنا
۱۷/۵	۱۷/۵	چمپا	۴۰	۳۰	رنگ
		حبوبات کیلو	۱۷۵۰۰	۱۷۵۰۰	نیل سندوقی
۲۰	۱۹	نخود کرمانشاهی درشت			کاغذ کیلو
۴۰	۴۰	نخودچی درجه یک تبریز	۳۷/۵	۳۵	کاغذ تحریر ایران
۱۶	۱۵/۵	لوبیای سفید کرمانشاه	۳۸/۵	۳۸/۵	کاغذ تحریر رومانی ۸۰ گرمی
۱۲	۱۲	ماش نهاوند			بنه کیلو
۲۵	۲۲	حلس مغان	۵۱/۵۰	۵۱/۲۵	کوکرس هندوریت گرگان
		دانه های روغنی و بذرهای کشاورزی کیلو	—	—	وگنبد درجه یک
۱۴/۵	۱۴/۲۵	برزک			پنبه خراسان درجه یک
۱۴	۱۴	کرچک سرتشده تحویل تهران			بشم کیلو
۲۴	۲۴	کنجد جنوب	۱۸۵	۱۸۰	پشم سدرصد سفید شسته خراسان
۱۵	۱۵	تخم کتان	۶۵	۶۰	پشم نا شور مشهد
		روغن کیلو	۲۵۰	۱۷۵	پشم مریئوس
۴۸	۴۸	روغن تخم پنبه			منوجات نفی ، پشمی متر
۱۰۴	۱۰۴	روغن بونندی ورامین			کارخانه مقدم
۲۳۸	۲۳۸	روغن کرمانشاهی	۴۵۰	۴۳۰	فلانل
		لبنیات کیلو	۴۰۰	۴۰۰	کرب زنانه
۹۰	۸۰	پنیر تبریز			کارخانه افشار متر
۱۷۵	۱۶۵	کره خوراکی شهری	۴۷۵	۴۰۰	فاستونی طرح دار
		گوشت کیلو	۵۶۰	۵۳۵	کانگا
۶۲	۶۰	مرغ آمریکائی			کارخانه جهان
۸۲	۸۲	گوشت مخلوط گوسفند با استخوان	۱۲۰۰	۱۲۰۰	پتو جهان
۶۳	۶۳	گوشت مخلوط گاو و گوساله یا استخوان	۴۲۰	۴۲۰	اندیکو ساده
۱۰۹	۱۰۹	گوشت مخلوط گوسفند یا استخوان			کارخانه تاج
۸۴	۸۴	گوشت مخلوط گاو و گوساله یا استخوان	۳۵۰	۳۵۰	دوبیس زنانه
		چای کیلو	۳۷۰	۳۷۰	اندیکو
۱۲۸	۱۲۶	قلمی درجه یک			کارخانه کاشان
۱۳۸	۱۳۷	باروتی درجه یک	۳۱	۳۱	کرب چادری
		قندوشر کیلو	۵۵	۵۵	چلوار ۱۶۰ کتانی
۲۳/۲۵	۲۳/۲۰	شکر کنفی			آهن کیلو
۲۵/۵۰	۲۵/۵۰	قند کله شهری درجه یک	۱۹	۱۹	تیر آهن شماره ۸
۳۰/۵	۳۰/۵	قند فریمان	۲۱	۲۱	ناودانی ۸
۲۶	۲۶	قند اسفهان			سیمان ایران عسل
		ادویه کیلو	۱۶۵۰	۱۶۵۰	سیمان تهران
۴۸	۴۸	زردچوبه ممتاز هند	۶۵۰۰	۵۸۰۰	سیمان سفید دماوند
۱۳۰	۱۳۰	فلفل سنگاپور			شیشه
۶۴۰	۵۸۰	هل سبز			دومیلیمتری کارخانه تهران
۱۱۰۰	۱۱۰۰	زعفران خورده	۱۴۰	۱۴۰	چهارمیلیمتری کارخانه قزوین
۹۵	۸۰	لیموی میناب	۴۰۰	۳۳۰	فلزات کیلو
۲۵۰	۲۰۰	شیرخشت هراتی			قلع ورق
			۴۲	۴۲	روی شش
			۲۰	۲۰	پرو فیل سهندا

✱ باید توجه داشته باشیم که جامعه ما و دستگاه دولتی ما مثل هر جامعه و دستگاه دولتی دیگری در جهان از عیب و نقص برکنار نیست و ماهیچ ابائی از تذکر این حقیقت نداریم، بلکه بالعکس آنرا انگیزه‌ای برای تلاش بیشتر و ابراز اراده‌ای قاطع‌تر در راه پیش‌بردن جامعه ایرانی بسوی حداعلائی ترقی می‌شماریم .

✱ يك استاديار ایرانی بلافاصله پس از استخدام حقوقی بیشتر از همکار سويسی خود دریافت میدارد .

✱ پاسخ جهان مترقی به پیام پرشکوه اعصار و قرون

بیانات شاهنشاه آریامهر بهنگام افتتاح مجلسین

با تأییدات خداوند متعال ششمین دوره تقنینیه سنا و بیست و سومین دوره تقنینیه مجلس شورایملی را باکمال مسرت افتتاح مینمائیم . برای ماتذکر این نکته مایه خوشوقتی است که ترازنامه فعالیت‌ها و پیشرفت‌های کشور در چهار ساله دوره تقنینیه گذشته ترازنامه‌ای نه تنها از هرجهت مثبت بلکه غالباً مافوق پیش‌بینی‌ها و انتظارات قبلی است و باید خداوند را شکر گزار باشیم که در دنیای آشفته کنونی کشور ما در تمام این مدت توانسته است کانون ثبات و مظهر سازندگی و خلاقیت باقی بماند.

برای قوه مقننه کشور، تقارن گشایش دوره تقنینیه جاری باسال تاریخی دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران واقعه‌ای است که باید بفال نیک گرفته شود زیرا این بزرگداشت بی‌نظیر یادآور عالیت‌ترین خصائص ملی و معنوی واصل‌ترین ارزشهای تاریخی و مدنی کشور ما است . این جشن نه تنها نمودار تاریخ پرافتخار چند هزار ساله ایران، بلکه در عین حال بیان کننده سهم عظیم تمدن و فرهنگ ایرانی در تکوین فرهنگ و تمدن جامعه بشری است . واز این نظر همانقدر که بما تعلق دارد متعلق به تمام عالم بشریت است . بهمین جهت است که دنیای متمدن و مترقی از همان آغاز اعلام برگزاری این جشن خود را از نزدیک در آن سهم دانسته و شرکتی چنان وسیع و همه جانبه را، آنهم درعالیترین سطح فرهنگی و اجتماعی، تدارک دیده است که شاید نظیری برای آن به اشکال بتوان یافت.

پاسخ جهان مترقی به پیام پرشکوه اعصار و قرون که درسال کوروش کبیر در کشور جاودانی ما طنین انداز شده ، پاسخی است که جوابگوی اصالت و عظمت این پیام است و برای ما توجه بدین واقعیت حقا مایه افتخار است که اکنون یکبار دیگر رسالت تاریخی و کهن ایرانی در دفاع از اصيل‌ترین ارزشهای تمدن و فرهنگ بشری، کانون‌های بزرگ علمی و فرهنگی و شخصیت‌های برجسته دنیای دانش و هنر را در سراسر جهان در راه شرکت در يك بزرگداشت واحد بدور هم گرد آورده است . ما بنام ملت ایران از بابت این همکاری جهانی از تمام دوستان ایران در کشورهای مختلف جهان . واز همه سازمانهای دولتی و فرهنگی و اجتماعی واز کسانی که هر کدام بدون کمترین انتظار و صرفاً بخاطر احترام قلبی بتاریخ و فرهنگ کهن ایران و علاقمندی به پیشرفت‌های امروزی جامعه ایرانی، سهمی دراین تجلیل جهانی از مفاخر ایران بعهده گرفته‌اند تقدیر و سپاسگزاری میکنیم و بمیمانه امیدواریم که این همکاری بین‌المللی درآینده زمینه‌ای برای تأمین حسن تفاهم بیشتر و اشتراك مساعی وسیعتری میان مردم نيك‌اندیش جهان یعنی وسیله تحقق آن اصلی گردد که از دیرباز وجه مشخص فرهنگ و تمدن ایران بوده است. در چهار سال گذشته رشد اقتصادی کشور ما که در سال ۱۳۴۶ به رقم ۱۱۵ درصد یعنی یکی از بالاترین نسبتهای رشد اقتصادی در جهان رسیده بود همچنان ادامه یافت بطوریکه از سال ۱۳۴۷ تاکنون بر اثر سرمایه گذاریهای عظیم دولتی و فعالیتهای بخش خصوصی رشد اقتصادی ما باقیمت‌های ثابت بطور متوسط ۵ درصد بوده است و شاید تذکر این نکته بيمورد نباشد که باآنکه امسال از نظر خشکسالی برای کشور ما و ممالك همسایه شمالی و شرقی ماسال بسیار بدی بوده . مع هذا رشد اقتصادی ما از هر سال بالاتر بوده است. توجه خاص به ایجاد شالوده صنایع سنگین و تولید مصنوعات قابل صدور در این مدت موجب ایجاد یا توسعه صنایع عظیم ذوب آهن، تراکنورسازی ، ماشین سازی ، آلومینیوم سازی، لوله سازی و پتروشیمی گردید. در ذکر اهمیت و وسعت این برنامه‌ها کافی است تذکر داده شود که تنها در صنعت ذوب آهن ۵۹ میلیارد ریال و در مورد شالوله گاز ۴۸ میلیارد ریال سرمایه گذاری کرده‌ایم.

بخش صنعت و معدن در این مدت بطور متوسط سالانه حدود ۱۳ درصد رشد داشته است . بخش نفت که سهم عمده‌ای از امکانات فعالیت‌های

عمرانی کشور را فراهم میکند در این مدت از رشد فوق‌العاده‌ای برخوردار شد. تولید نفت خام در حدود ۴۷ درصد افزایش یافت و درآمد ما از محل نفت از ۵۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۶ به قریب ۸۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۹ رسید. پیروزی ما در مذاکرات سال گذشته کشورهای عضو اوپک با کمپانیهای نفت که همه از آن اطلاع دارید سبب شد که نه تنها بهای اعلان شده هر بشکه نفت خام ب میزان قابل توجهی افزایش یابد و نرخ مالیات بر درآمد کمپانیهای نفت از ۵۰ درصد به ۵۵ درصد برسد بلکه مهمترین موفقیت ما در این مذاکرات این بود که برای نخستین بار توانستیم این وضع غیر عادلانه را که ممالك تولیدکننده نفت ، مواد اولیه خود را ب قیمت ثابت یا حتی ارزاتر میفروختند و کالاهای صنعتی مورد نیاز خود را هر روز ب قیمتی گرانتر میخریدند از میان برداریم وبالاخره ضابطه صحیحی برای این کار بوجود آوریم. لازم بتذکر نیست که در مذاکرات نفتی سال گذشته، ما نه تنها توانستیم حقوق و منافع مشروع خودمان وسایر کشورهای عضو سازمان اوپک را از بابت تولیدات نفتی خویش تأمین کنیم بلکه موفقیت ما در این مذاکرات حیثیت ما را به نحو بارزی در تمام جهان بالا برد. در عین حال باید متذکر شویم که بعد از توافق‌های نفتی اوپک ما قراردادهای دیگری با ایجاد شرکت‌های مختلف نفتی بنام شرکت نفت ایران و ژاپن و شرکت نفت بوشهر و شرکت نفت هرمز منعقد کردیم که از نظر شرایط تاکنون در تاریخ قراردادهای نفتی سابقه نداشته است. در همین مدت در تمام شئون دیگر صنعتی و اقتصادی کشور پیشرفت بیسابقه‌ای حاصل گردید. برنامه عمرانی چهارم کشور خیلی بیشتر از هدفهایی که در آغاز برای آن معین کرده بودیم پیشرفت کرد. انرژی برق در بخش دولتی از ۱۸۶۰ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۴۶ به ۵۸۰۰ میلیون کیلووات ساعت در سال ۱۳۵۰ افزایش یافت. یعنی در این مدت رشد نیروی برق در کشور به ۳۲۰٪ بالغ گردید . با ساختمان نیروگاه‌های بزرگ آبی و حرارتی قدرت نصب شده از ۶۵۰ هزار کیلووات در سال ۱۳۴۶ به يك میلیون و ۸۰۰۰۰۰ کیلووات در حال حاضر رسیده و تا آخر برنامه چهارم این رقم به ۳ میلیون کیلووات خواهد رسید. برای اولین مرتبه شبکه سراسری برق فشار قوی ، انتقال نیرو در سطح کشور در طول ۴۰۰۰ کیلومتر مورد بهره‌برداری قرار گرفته است . در چهار سال گذشته ساختمان ۷ سد مخزنی بامجموع حجمی برابر ۳۸۵۰ میلیون متر مکعب خاتمه یافته وبهره‌برداری از آب تنظیم شده آنها چه در شهرها و چه در روستاها آغاز شده است . کار ساختمان سد داریوش کبیر در فارس تا پایان سال جاری خاتمه خواهد یافت و کار بتن‌ریزی سد رضاب شاه کبیر در خوزستان نیز آغاز شده است. هم‌اکنون با احداث شبکه وسیع آبیاری ، آب یعنی مهمترین عامل زیربنای يك کشاورزی عمقی و بهم پیوسته، در قطب‌های مختلف کشور در دسترس اقتصاد روستائی ایران قرار گرفته است.

در امور مخابراتی ۳۵۰۰ کیلومتر خط ماکروویو ایجاد شده و کار تاسیس ۱۳۰۰۰ کیلومتر خط ماکروویو دیگر با ظرفیت زیاد یعنی تا ۱۲۰۰ کانال تلفنی آغاز گردیده است. در این زمینه اقدامات وسیع دیگری انجام یافته یا در دست انجام است که از آن جمله میتوان از ایجاد شبکه تلفن و تلگراف و تلکس خودکار بین شهرهای کشور ، تاسیس ایستگاه زمینی ماهواره مخابراتی اسدآباد ، تاسیس مرکز تحقیق مخابراتی و مرکز آموزش مخابراتی و صنعت تولید وسایل مخابراتی نام برد.

در زمینه دیگری که با امور مخابراتی ارتباط نزدیک دارد یعنی در مورد شبکه رادیویی و شبکه تلویزیونی کشور، در این چهار سال فعالیت وسیعی انجام گرفته بطوریکه تنها در این مدت ۳۰ دستگاه فرستنده رادیویی از ۱۰ تا ۴۰۰ کیلووات در سراسر مملکت نصب شده و ۲ دستگاه یک هزار کیلوواتی و ۲ دستگاه فرستنده استرئوفونیک هم‌اکنون در حال نصب است.

تلویزیون ملی ایران که درست در سال آغاز دوره تقنینیه گذشته با دوفرستنده بامجموع قدرت ۱۲ کیلووات شروع بکار کرد در حال حاضر دارای ۱۵ فرستنده بامجموع قدرت ۳۵ کیلووات است و تا یکماه دیگر تعداد این فرستنده‌ها به ۴۵ و مجموع قدرت آنها به نزدیک ۶۰ کیلووات خواهد رسید. پوشش جمعیتی شبکه تلویزیونی کشور از ۲۵۰۰۰۰۰ نفر به قریب ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر رسیده است وبافتتاح مراکز جدید در مهرماه آینده این رقم از یازده میلیون ونیم نیز تجاوز خواهد کرد.

در زمینه راه‌سازی و حمل و نقل در چهار سال گذشته قریب ۶۰۰۰

سهامی زراعی در مناطقی به وسعت ۹۴۰۰۰ هکتار با قریب ۹۰۰۰ خانوار زارع سهامدار در قسمتهای مختلف کشور مشغول کار شده‌اند.

کار تاسیس و تجهیز ۲۵۰۰ فروشگاه تعاونی مصرف در نقاط مختلف مملکت اکنون در جریان است. بموازات همین اقدامات در چهار سال گذشته در جهت تشکیل بیش از ۴۰۰ خانه فرهنگ روستائی در مناطق مختلف روستائی کشور بمنظور افزایش سطح اطلاعات عمومی و اجتماعی روستائیان و کشاورزان و پرورش استعدادهای فنی و هنری و جسمی آنان و نیز در جهت ترویج و توسعه صنایع دستی روستائی و فعالیتهای غیر کشاورزی در دهات اقدام شده است.

در دومین اصل انقلاب ایران یعنی ملی شدن جنگلها و مراتع و امور مربوط به منابع طبیعی نیز اقدامات وسیعی صورت گرفته است که از جمله اصول آنها میتوان از اجرای قاطع اصل ملی شدن جنگلها و مراتع کشور، کشت ۲۰۰۰۰۰۰۰ درخت بصورت جنگل دست کاشت در نقاط مختلف مملکت بمنظور بوجود آوردن فضای سبز و تدارک چوبهای صنعتی، کشت حداقل ۲۱۵ میلیون درخت در منطقه‌ای به وسعت ۱۲۵۰۰۰ هکتار بمنظور جنگل کاری کویری برای تثبیت شن‌های روان و جلوگیری از پیشروی کویر، تشکیل مجتمع صنایع چوب و صنایع کاغذ سازی و چوب بری و تراورس سازی و تاسیس مرکز تکثیر و ازدیاد ماهی های خاویار، تاسیس مراکز تحقیقات منابع طبیعی و آموزشگاه عالی منابع طبیعی برای رشته‌های تخصصی جنگلبانی و صنایع چوب و مراتع داری و امور مربوط به ماهی و تاسیس صندوق عمران مراتع نام برد.

در این مورد تذکر این نکته را ضروری میدانم که یکی از مهمترین وظایف وزارت منابع طبیعی توجه به مسائل مربوط به محیط انسانی و جلوگیری از آلودگی محیط و منابع آب و خاک و هوا است که در حال حاضر از مشکل ترین مسائل جامعه بشری بشمار میرود و ضرورت قطعی دارد که از هم اکنون در کشور ما اقدامات و پیش بینی های لازم در این زمینه حیاتی بعمل آید. باتوجه به همین واقعیت مقرر داشته‌ایم وزارت منابع طبیعی با همکاری انجمن ملی حفاظت منابع طبیعی و محیط انسانی و کلیه سازمانها و مراجع دیگری که در این مورد مسئولیت و وظیفه‌ای به عهده دارند طرح جامعی براساس بررسی دقیق تنظیم و بمورد اجرا درآورد.

بموازات پیشرفتهای صنعتی و اقتصادی و اجتماعی، در امر بسیار مهم آموزش در این مدت قدمهای بلندی برداشته شده است. تنها در چهار سال گذشته تعداد دانش آموزان ابتدایی در کشور ۳۳٪، تعداد دانش آموزان متوسطه ۹۶٪ و تعداد محصلین مراکز تربیت معلم و دانشسراها ۱۳۵٪، تعداد محصلین مدارس فنی و حرفه‌ای و تکنولوژی ۲۲۴٪ افزایش یافته. بدین ترتیب تعداد کسانی که در این رشته‌ها مشغول تحصیل هستند در حال حاضر به ۴۷۲۰۰۰۰ نفر بالغ شده است.

رقم سپاهیان دانش پس در این مدت با افزایش ۴۷٪ به قریب ۱۲۰۰۰ بالغ شده و تعداد سپاهیان دانش دختر که در آغاز این دوره چهار ساله هنوز مشغول کار نشده بودند اکنون به حدود ۴۰۰۰ نفر رسیده است.

در این چهار سال قانون خدمات اجتماعی زنان که بموجب آن دختران سپاهی در سپاههای دانش و بهداشت و ترویج و آبادانی مشغول کار شده‌اند و قانون آموزش و پرورش منطقه‌ای که تاکنون بموجب آن ۱۵۸ منطقه در شهرستانهای مختلف دارای شوراهای آموزش و پرورش شده‌اند بمورد اجرا درآمده و قانون تعلیمات اجباری برای نظام جدید آموزش و پرورش و اعلام ۲۵ منطقه اجرای قانون تعلیمات اجباری در سال ۱۳۵۰ مورد اصلاح قرار گرفته و مرکز تحقیقات و برنامه ریزی درسی بمنظور تطبیق وضع برنامه‌های درسی کشور با علوم و آموزش جدید جهانی تشکیل شده است.

در زمینه آموزش عالی تعداد ۶۵ موسسه آموزش عالی که در سال تحصیلی ۱۳۵۰ - ۱۳۴۶ در کشور وجود داشت در سال تحصیلی امسال به ۸۳ افزایش یافته و در همین مدت بر تعداد کل دانشجویان کشور ۶۲٪ اضافه شده است یعنی این رقم از حدود ۴۷۰۰۰ نفر در سال تحصیلی ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ به حدود ۷۶۰۰۰ نفر در سال جاری بالا رفته است. بخصوص نسبت دانشجویانی که در موسسات آموزش عالی در شهرستانهای کشور به تحصیل اشتغال دارند از حدود ۲۰٪ رقم کل دانشجویان در چهار سال پیش به ۳۳٪ این رقم در سال جاری افزایش یافته است.

در سال گذشته قریب ۵۰٪ دانشجویان کشور در رشته‌های علوم فنی به تحصیل اشتغال داشته‌اند. در نتیجه رشد آموزش عالی در چهار سال اخیر، مجموع کل هزینه‌های آموزش عالی در این مدت به بیش از دو برابر افزایش یافته بطوریکه تنها در سال تحصیلی گذشته به ۷ میلیارد ریال بالغ شده است. هیأت علمی تمام وقت دانشگاههای کشور سریعاً افزایش یافته و بدین منظور در مقررات و استخدام و ترفیع دانشگاهی و پژوهشگاه‌های شهرستانها تجدید نظر اساسی شده و در راه تحقق اصول انقلاب آموزشی کشور در ایجاد مدیریت صحیح در دانشگاهها و موسسات عالی و بالا بردن کیفیت آموزش و توسعه مراکز تحقیقاتی و تاسیس واحدهای

کیلومتر پیراههای اصلی و فرعی کشور و در حدود ۱۰۰۰ کیلومتر به شبکه راه آهن مملکت افزوده شده و هفت فرودگاه تازه ایجاد شده است. در امور مربوط به آبادانی و مسکن از سال ۱۳۴۶ تا به امروز در حدود ۴۰۰۰ پروژه عمرانی در نقاط مختلف کشور اجرا شده و در حال حاضر ۲۷۶۱ پروژه دیگر در دست اجرا است که مجموع هزینه‌های آنها به ۲۰ میلیارد ریال بالغ میشود. این پروژه‌ها شامل طرحهای لوله کشی و آب آشامیدنی، راه سازی، اسفالت و خیابان سازی، بناهای بهداشتی و آموزشی و ورزشی، تامین و توسعه برق، خانه سازی، بناهای روستائی و برق روستائی، بهسازی محیط و مراکز اجتماعات و طرحهای متعدد دیگر است.

در زمینه امور صنعتی و اقتصادی سیر پیشرفت کشور بطور منظم ادامه یافته است. تنها در سال گذشته ارزش افزوده بخش صنعت نسبت به سال پیش از آن در حدود ۱۰۶ میلیارد ریال بوده است که نسبت به سال قبل ۱۳ درصد باقیمتتهای ثابت رشد داشته است. بدین ترتیب سهم بخش صنعت در تولید ناخالص به ۱۳٫۱ درصد رسیده است. ارزش افزوده بخش معدن بارشده معادل ۲۰ درصد در سال ۱۳۴۹ به بیش از ۶ میلیارد ریال رسیده است. تنها در یکساله اخیر بیش از یک هزار پروانه اکتشاف و بهره برداری در مورد معادن نواحی مختلف کشور صادر شده است.

صادرات کالاهای سنتی و صنعتی ایران باستثنای نفت و مشتقات آن در سالهای اخیر بترتیب ۱۳ درصد، ۱۳٫۹ درصد و ۱۴ درصد افزایش سالانه داشته است. بموازات صنعتی شدن کشور ترکیب کالاهای صادراتی ایران نیز در سالهای اخیر تغییر یافته یعنی سهم کالاهای سنتی در حدود ۴ درصد کمتر شده و در عوض به همین نسبت بسهم صادرات کالاهای صنعتی افزوده شده است.

تنها در یکسال گذشته ۱۱۵ واحد تولیدی جدید در کشور شروع بهره برداری کرده‌اند که در آنها در حدود ۱۲ میلیارد ریال سرمایه گذاری شده است. این صنایع بترتیب اهمیت و میزان سرمایه به صنایع شیمیایی، صنایع ساختمانی، محصولات فلزی، نساجی، مواد غذایی و ماشین آلات غیر الکتریکی و برقی تقسیم میشوند.

شاید لازم بتذکر نباشد که در همه کارخانه‌ها اصول مربوط به کارگران در انقلاب سفید ایران مورد توجه کامل بوده است. در چهار سال گذشته بر این اساس ۱۳۷۱ پیمان دسته جمعی در کارگاههای تولیدی و صنعتی کشور منعقد شده و در حدود ۸۰۰۰۰ کارگر از مزایای اجرای قانون سهم شدن کارگران در سود کارخانه‌ها استفاده کرده‌اند. تعداد کل این پیمانهای دسته جمعی از بدو اجرای قانون تا امروز در حدود ۲۵۰۰ واحد و تعداد کل کارگرانی که از مزایای این قانون برخوردار شده‌اند بیش از ۶۲۰۰۰ نفر بوده است. در اسفند ماه ۱۳۴۷ آگین نامه حداقل مزد کارگران ساده و جدول تقسیم بندی مناطق کشور معین شده و در چهار سال گذشته دونوبت در حداقل مزدها تجدید نظر بعمل آمده که در نوبت اول با در نظر گرفتن حد متوسط مزد منطقه‌ای ۶۱ درصد و در نوبت دوم ۱۸ درصد سطح مزد بالاتر رفته و بطور کلی در این مدت به حداقل مزدها ۱۰۰ درصد افزوده شده است. در چهار سال اخیر ۴۶۳ سندیکای کارگری و ۱۵۸ سندیکای کارفرمایی تازه تشکیل شده و در اجرای برنامه‌های تعاونی کارگران ۴۵۷ شرکت تازه اعتبار و معرف در این چهار ساله بوجود آمده است. تعداد کل کارگران بیمه شده در حدود ۷۵۰۰۰۰ نفر است که با احتساب افراد خانواده‌های آنها این رقم به حدود ۳ میلیون نفر بالغ میشود. در زمینه‌های مختلف امور کارگری یعنی بیمه‌های اجتماعی، بازرسی و حفاظت، تامین اجتماعی، آموزش امور درمانی و بهداشتی، بانک رفاه کارگران، انجمن توان بخشی، خانه سازی، قانون حمایت کارگران در برابر از کار افتادگی و پیری و فوت و اقدامات دیگری که در این باره در جریان است میتوان به اطلاعات و آمارهای وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه کرد. امر اصلاحات ارضی که اصل اول انقلاب ششم بهمن است. با موفقیت کامل انجام یافته بطوریکه از اول مهرماه سال جاری دیگر در سراسر ایران زراعی یافت نخواهد شد که مالک زمین زراعی خود نباشد. در چهار سال گذشته موجبات مالکیت قانونی بیش از ۱۲۰۰۰۰۰ خانوار زارع ایرانی که با اجرای مقررات مرحله دوم اصلاحات ارضی نسق‌های زراعی خود را بصورت اجاره سی ساله در اختیار داشتند فراهم شد و با اجرای قانونی که اخیراً جهت اجرا بدولت ابلاغ گردید حتی مالکیت قانونی املاک موقوفه عام نیز که بمدت ۹۹ سال به زارعین مربوطه اجاره داده شده است به خود آنها منتقل خواهد شد.

در حال حاضر ۸۳۲۰ واحد شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی روستائی بایش از یک میلیون و ششصد هزار خانوار زارع عضو، با سرمایه و ذخیره‌ای متجاوز از ۳ میلیارد ریال در حوزه عمل قریب ۲۸۰۰۰ روستا فعالیت دارند و ۱۱۹ اتحادیه تعاونی روستائی با عضویت ۷۸۰۰ شرکت تعاونی روستائی و با سرمایه‌ای بیش از یک میلیارد ریال در ۱۱۹ شهرستان انجام وظیفه میکنند. تنها در چهار سال گذشته ۱۲۸۷ شرکت تعاونی روستائی جدید با ۷۰۰۰۰۰ خانوار زارع و ۲ میلیارد ریال سرمایه و ذخیره و نیز ۵۲ اتحادیه تعاونی روستائی با یک میلیارد ریال سرمایه ایجاد شده و ۲۷ شرکت

تحقیقاتی جدید اقدام شده است. در نتیجه بودجه امور تحقیقات که در سال ۱۳۴۶ در حدود ۲ میلیارد ریال بوده در سال جاری به بیش از ۵۰۰ میلیارد ریال رسیده است.

در مورد امور فرهنگی و هنری که بخصوص از نظر حفظ و تقویت میراث فرهنگی کهن و پرافتخار کشور و نگاهبانی ارزشهای معنوی و مدنی ملت ما اهمیت فوق العاده دارد کوشش شده است که از راه شورای عالی فرهنگ و هنر بمنظور هم آهنگ کردن سیاست سازمانهای مختلف فرهنگی کشور و تاسیس فرهنگستان زبان ایران و موسسه شاهنامه فردوسی و ایجاد و توسعه موزهها و کتابخانهها در نقاط مختلف کشور و تشکیل کنگرهها و جشنوارههای فرهنگی و فعالیتهای گسترده در شهرها و روستاهای مملکت در سطوح مختلف در جهت پژوهش و حفظ و اشاعه فرهنگ ملی و توسعه همکاریهای فرهنگی هنری بین المللی در این زمینه و بخصوص از راه توجه کامل به میراث بزرگ زبان فارسی و مقام ملی و بین المللی آن اقدامات لازم انجام گیرد.

در مورد اصل دیگری از انقلاب ایران یعنی تشکیل خانههای انصاف و شوراهای داوری نیز پیشرفت شایان توجهی بعمل آمده است. طی چهار سال گذشته ۲۷۰۸ خانه انصاف تازه در نقاط مختلف کشور تشکیل شده بطوریکه در پایان سال ۱۳۴۹ رقم کل این خانهها به ۳۲۶۱ بالغ شده است. در سال جاری ۲۵۰۰ خانه انصاف جدید در روستاهای دور و نزدیک مملکت تاسیس شده یا خواهد شد. بطوریکه در پایان امسال رقم خانههای انصاف در سراسر کشور از ۵۷۰۰ تجاوز خواهد کرد. در همین چهار ساله ۹۶ حوزه شورای داوری در شهرستانها تاسیس شده است و رقم کلی این شوراها در پایان سال ۱۳۵۰ به ۱۶۳ خواهد رسید.

در زمینه توجه به تعمیم اصل عدالت و دفاع از حقوق حقه افراد میباید از فعالیتهای یک سازمان موثر دیگر یعنی از سازمان بازرسی شاهنشاهی نیز یاد کنیم که از بدو تاسیس، کار خود را با روح وظیفه شناسی و توجه به مسؤولیت خطیری که بدان محول داشته ایم انجام داده و توانسته است اعتماد ما و اعتماد مردم را جلب کند و یقین داریم که در آینده نیز این سازمان کار خود را با همین بیغرضی و وظیفه شناسی انجام خواهد داد.

در امر بهداشت، گسترش بهداشت و درمان و ایجاد امنیت و سلامت جسمی و روانی برای تمامی افراد مملکت هدف اصلی برنامههای بهداشتی و درمانی کشور قرار گرفته است.

سیاست بیمه درمانی در ارتباط مستقیم با وضع اقتصادی و سیاسی کشور اتخاذ شده است و در آینده ایجاد و نگهداری بیمارستان توسط دولت فقط از طریق بخش خصوصی و با کمک دولت انجام خواهد گرفت. در برنامه چهارم عمرانی کشور ۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال اعتبار برای کمک به گروههای پزشکی بمنظور ایجاد بیمارستانهای جدید اختصاص داده شده و در آیه با تخصیص اعتبارات بیشتر بیمه درمانی توسعه کافی خواهد یافت تا از این طریق علاوه بر بیمه درمانی کارگران که هم اکنون انجام میشود و بیمه روستائیان، کلیه کارمندان و مستخدمین دولت و سایر طبقات مردم از مزایای بیمه درمانی بهره مند شوند.

بمنظور پوشش کامل بهداشتی و درمانی روستاهای کشور قدرت اجرایی واحدهای بهداشتی در عرض چهار سال گذشته چهار برابر شده و در بعضی موارد غیر عادی و فوق العاده، قدرت بسیج این واحدها به ۱۵۰ برابر قبل از ششم بهمن ۱۳۴۱ رسیده است. تنها در همین چهار سال ۱۵۵ میلیون بار علیه بیماریهای مختلف واکسن تلقیح شده است.

برنامه بهداشت و تنظیم خانواده که فقط چند سال است به مرحله اجرا درآمده است اکنون در کشور ما در مسیری قرار دارد که بنظر کارشناسان سازمان ملل متحد میتواند بعنوان نمونه مورد استفاده بسیاری از کشورهای دیگر جهان که با این مسأله مواجه هستند قرار گیرد. این برنامه اکنون بوسیله ۱۵۲۹ مرکز در سراسر کشور اجرا میشود.

فعالیت سپاهیان بهداشت در حال حاضر در حدود ۱۴۰۰۰ قریه را در نقاط دور و نزدیک کشور با جمعیتی قریب ۶ میلیون نفر شامل شده است و با تشکیل سپاه خدمات اجتماعی زنان اکنون ۱۵۰۰ تن از بانوان تحصیل کرده کشور در زمینه مسائل بهداشتی آموزش دیده و بکار در کلینیکهای بهداشت و تنظیم خانواده اشتغال یافته اند.

از نظر امور بهداشتی بموازات فعالیتهای دولتی فعالیتهای وسیع سازمانهای متعدد امور خیریه و اجتماعی منجمله موسسات مختلفی که تحت نظر شهبانوی ایران اداره میشوند. از قبیل جمعیت خیریه فرح پهلوی، بنگاه حمایت مادران و نوزادان، جمعیت کمک به جذامیان، جمعیت ملی مبارزه با سرطان، آموزشگاه نابینایان رضا پهلوی، انجمن ملی حمایت کودکان، جمعیت حمایت از کودکان بی سرپرست، جمعیت طرفداران مرکز طبی کودکان، فدراسیون ورزشی کر و لاله های ایران، بنیاد ایرانی بهداشت جهانی و موسساتی که زیر نظارت شورای عالی امور اجتماعی فعالیت میکنند و نیز فعالیت های گسترده جمعیت شیرو خورشید سرخ ایران و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی که در سطح وسیع مملکتی و حتی

بین المللی صورت میگیرد به نحو رضایت بخشی که مایه افتخار کشور مادر صحنه بین المللی در امور اجتماعی و بشر دوستانه است در این مدت ادامه داشته است و هر روز برونسخت و دامنه کار این سازمانها و دهها موسسات خصوصی خیریه و اجتماعی دیگر که با کمک و همکاری دولت مشغول کارند افزوده میشود.

همین فعالیت مستمر از طرف سازمانهای فرهنگی و هنری مختلفی که بموازات سازمانهای هنری و فرهنگی دولتی مشغول کارند بصورت رضایت بخشی در جریان است.

مثلا از طرف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، گذشته از فعالیتهای فرهنگی در سطح بالا که تاکنون موفق بدریافت جوایز متعدد بین المللی در رشته کتابهای کودکان شده، اقدام بتاسیس ۲۳۶ کتابخانه روستائی در دهات مختلف کشور شده است که تعداد آنها در سال جاری به دو برابر افزایش خواهد یافت.

بغیر از این کتابخانهها بیش از ۸۰ کتابخانه ثابت و سیار تاسیس شده که تنها در سال گذشته چهار میلیون و نیم نفر بدانها مراجعه کرده اند. کتابخانههای سیار تنها در تهران ماهانه به چهل هزار کودک در مدارس دولتی کتاب رسانیده اند و اکنون در ۲۸ بیمارستان برای کودکان بیمار کتاب میبرند.

البته ارقام و اطلاعاتی که ذکر کردیم نمودار کلیه کارهای انجام شده در رشتههای مختلف نیست و ما فقط بذکر کلیاتی از رئوس مسائل اکتفا کرده ایم. باین همه تذکر این نکته را لازم میدانیم که با وجود وسعت و عظمت کارهایی که تاکنون انجام گرفته یادر حال انجام است هنوز نمیتوانیم بگوئیم که تمام آرمانهای ما عملی شده است زیرا ما نمیتوانیم به پیشرفتهائی در سطح عادی، هر قدر هم بزرگ باشد اکتفا کنیم و آنچه ایده آل ما است رسیدن جامعه ایرانی به بالاترین حد ممکن از تکامل و ترقی است. بر این اساس طبعا باید توجه داشته باشیم که جامعه ما و دستگاه دولتی ما مثل هر جامعه و دستگاه دولتی دیگری در جهان از عیب و نقص پرکنار نیست و ما هیچ ابائی از تذکر این حقیقت نداریم بلکه بالعکس آنرا انگیزه ای برای تلاش بیشتر و ابراز اراده ای قاطع تر در راه پیش بردن جامعه ایرانی بسوی حد اعلای ترقی می شماریم.

در زمینه بین المللی، موفقیت ما در این مدت موقعیتی کم نظیر و بسابقه بوده بطوریکه اکنون کشور ما در پرتو اجرای سیاست مستقل ملی خود و با انجام نقش قاطع و روشن و واقع بینانه و بشری خویش در صحنه مسائل جهانی از چنان حیثیت و احترام بین المللی برخوردار است که نظیر آنرا در دنیای امروز کمتر میتوان یافت. سیاست مستقل ملی ما که البته در آینده نیز به همین قاطعیت ادامه خواهد یافت باعث شده است که روابط ما با تقریبا همه کشورهای جهان بر اساس حسن تفاهم و احترام متقابل و همزیستی و در بسیاری از موارد بر پایه همکاری مثبت و نمربخش استوار گردد بخصوص ما نه فقط با همسایگان همکیش و مسلمان خودمان روابط بسیار خوبی داریم بلکه توانسته ایم با همسایه بزرگ شمالی خودمان یعنی اتحاد جماهیر شوروی روابط خویش را سال بسال تقویت کنیم و توسعه دهیم و البته در آینده نیز همین راه را ادامه خواهیم داد. تنها در مورد یکی از همسایگان ما متاسفانه وضع غیر از این است و علت آن این است که آن دولت در دنیائی که آثار استعمار از قسمت اعظم آن رخت بر بسته و طرز فکر استعماری بکلی محکوم و مطرود شده است، علاقه دارد که خود را وارث استعمار بریتانیا بشمارد ولی این دولت باید بداند که استعمار چیزی نیست که بتوان آنرا به ارث برد و وراثتیه استعماری خواه ناخواه باید با خود آن از میان برود و در این شرایط طبعاً همسایه ایران نیز نمیتواند وارث استعمار منقرض شده انگلستان باشد که امروزه حتی از طرف خود انگلستان کنار گذاشته شده است. البته هر وقت که این همسایه ما از ندای منطق پیروی کند و با روحیه ای غیر استعماری مانند سایر همسایگان ایران دست به سوی ما دراز کند ما حاضر خواهیم بود بهترین روابط دوستی و تفاهم را با آن برقرار کنیم.

ما این روح تفاهم و واقع بینی را در مورد بحرین نشان دادیم و امروز نتیجه این سیاست ما این شده که کشور بحرین بصورت یکی از نزدیکترین دوستان ما درآمده است. سیاست ما در مورد خلیج فارس سیاستی روشن است که بکرات توسط ما اعلام شده است. ما عقیده داریم که میباید آثار نفوذ استعماری در این منطقه مانند سایر مناطق جهان از میان برود و سرنوشت کلیه سرزمینهای خلیج فارس تنها بدست مردم آنها اداره شود و دفاع از امنیت خلیج فارس منحصر مربوط به کشورهای این منطقه باشد.

در مورد مسأله اعراب و اسرائیل ما از آغاز بر این عقیده بوده ایم که اجرای قطعنامه ۲۴ نوامبر شورای امنیت تنها راه منطقی و صحیح حل این اختلاف است و اکنون نیز کمکان قویا از این نظر پشتیبانی میکنیم. در مورد رابطه ما با چین، همانطور که اطلاع دارید ما اخیرا با جمهوری خلق چین رابطه سیاسی برقرار کردیم. این مملکتی است که ما با آن دارای یکی از قدیمی ترین روابط تاریخی و اقتصادی در طی تاریخ جهان هستیم و امروز از لحاظ وسعت جمعیت کشور اول جهان است. ما امیدواریم که برقراری

داشت که مثلاً ۲۰۰ میلیون نفر در این مملکت زندگی کنند که احیاناً محکوم به مردن از تشنگی باشند؟ در مورد پایتخت، بخصوص تذکر این نکته را لازم میدانیم که با محاسباتی که براساس ظرفیت منابع آب بعمل آمده، تامین احتیاج بیش از ۵ میلیون و نیم نفر در تهران از لحاظ آب امکان پذیر نیست و بنابراین با برنامه‌ای دقیق و قاطع اقدام خواهد شد که رقم جمعیت پایتخت بهیچ صورت از این تعداد بالاتر نرود.

در دوره کنونی ما سعی خواهیم کرد تفاوت حقوق‌های بالا و پائین را حتی‌المقدور کمتر کنیم زیرا در حقوق‌های بالا روی اصل ترقی فوق‌العاده مملکت عرضه کم و تقاضا زیاد است و در این مورد سطح بقدری بالا است که در برخی از موارد از حد مشابه ممالک اروپائی نیز بیشتر است. مثلاً یک استادیار ایرانی بلافاصله پس از استخدام حقوقی بیشتر از همکار سوئیسی خود دریافت میدارد و همینطور است در مورد یک مهندس یا پزشک ایرانی. این وضع مولود احتیاج است و چاره‌ای هم نیست زیرا بر اثر کمی عرضه و زیادی تقاضا طبعا حقوقها نیز بهمان حد بالا میرود. البته در چهار سال آینده ما سعی خواهیم کرد حقوق‌هایی را که بالا است پائین بیاوریم و منطقاً هم نمیشود پائین آورد زیرا نمیتوان موقیتهائی را که کسب شده از میان برد ولی سعی خواهیم کرد حقوق‌هایی را که پائین است تدریجاً بالاتر ببریم. بدیهی است بهترین راه برخورداری از حقوق بیشتر برای هر کسی این خواهد بود که در هر رشته‌ای که کار میکند سعی کند تا مهارت خودش را بالاتر ببرد و بصورت یک کارشناس متبحر درآید. از مهمترین برنامه‌های دیگر ما برنامه خانه‌سازی است. در این مورد دولت برای مدت چهار سال دوره تقنینیه حاضر برنامه‌های وسیعی در دست بررسی و اجرا دارد و ضمناً در تشویق بخش خصوصی برای آپارتمان سازی و خانه سازی از طریق کمکهای مالیاتی و کمکهای مالی و بانکی و وسائل مقتضی دیگر اقدام خواهد شد. همچنین در توسعه و تقویت تعاونی‌ها که از ارکان اساسی اجتماع امروز ایران بشمار می‌آیند و در گسترش و تعمیم هر چه بیشتر انواع بیمه‌های اجتماعی کوشش بعمل خواهد آمد.

بدیهی است در دوره تقنینیه کنونی اجرای تمام اصول انقلاب ایران و کلیه برنامه‌های وسیع صنعتی و اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی کشور بصورتی قاطع و همه جانبه ادامه خواهد یافت و با آغاز برنامه عمرانی پنجم، کشور جهش تازه‌ای در پیشرفت جامعه ایرانی برای رسیدن به عصر تمدن بزرگ که بخواست خداوند ما در سه دوره تقنینیه دیگر پا بدان خواهیم نهاد صورت خواهد گرفت. با گذشت هر سال، در امر تعمیم دموکراسی واقعی در کشور از راه انجمنهای روستاها و انجمنهای شهر و شهرستان و واگذاری کار مردم به مردم پیشرفتهای تازه‌ای حاصل خواهد شد و توسعه روزافزون امر آموزش و اجرای اصول انقلاب آموزشی و انقلاب اداری جامعه ایرانی را بصورت مجموعه‌ای از افراد پیشرفته و فهمیده و کاملاً واقف به حقوق و مسئولیتهای فردی و اجتماعی در خواهد آورد که با شایستگی ادامه میراث فرهنگی و مدنی عظیمی را که بصورت یکی از غنی‌ترین و اصیل‌ترین میراث‌های معنوی بشری است بدین ملت سپرده شده است بعهده خواهد گرفت. ما بنوبه خود اطمینان داریم که هر ایرانی تاسر حد جان برای حفظ این میراث پرافتخار خواهد کوشید و آنرا سرشارتر و غنی‌تر از گذشته بدست نسل‌های آینده خواهد سپرد.

سیاست خارجی ما طبعاً در دوره تقنینیه کنونی نیز بر همان اساس و با همان قاطعیت گذشته ادامه خواهد داشت و مایه پیروی از این سیاست اصیل ملی خود و براساس رسالت تاریخی و معنوی فرهنگ و تمدن ایرانی خواهیم کوشید تا نه تنها منافع حقه خویش را در صحنه بین‌المللی حفظ کنیم بلکه پیام‌آور صلح و دوستی و مبشر جهانی‌الشرین اصول و موازین انسانی باشیم و نیروی مادی و معنوی خود را تا آنجا که در توانائی ما است در راه دفاع از اصول بشری و مصالح حقه جامعه انسانی بکار گماریم. ما تاکنون در این زمینه از راه اقداماتی نظیر رهبری نهضت بین‌المللی پیکار بایسواد و تشکیل لژیون جهانی خدمتگزاران بشر و دفاع از اصل حق و عدالت در سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی در ایفای این رسالت معنوی کوشیده‌ایم و در آینده نیز خواهیم کوشید.

دوره تقنینیه کنونی در بهترین شرایط ممکن کار خود را آغاز میکند. در این فرصت مایلیم از روح و وطن پرستی و توجه به مصالح عالی ملی و مملکتی و احساس مسؤولیتی که در تمام دوره تقنینیه گذشته بر هر دو مجلس مقننه ایران حکمفرما بود تقدیر کنیم و رضایت خویش را از همکاری همیشگی قوه مقننه با قوه مجریه در رسیدگی و اصلاح و تصویب قوانین مختلف و ارائه طریق و صلاح اندیشی صادقانه مجلسین که مسلماً سهم مهمی در انجام کارهای مثبت و سازنده داشته است اظهار داریم. از درگاه خداوند مسئلت داریم که در دوره تقنینیه کنونی نیز کماکان ما را در انجام وظائف ملی و بشری خویش براه راست هدایت فرماید و به همه نمایندگان قوه مقننه توفیق خدمات خالصانه عنایت کند و آنان را در مسؤولیت خطیری که بعهده دارند یاری فرماید.

این رابطه به سود هر دو مملکت باشد و در عین حال عقیده داریم که این کشور میباید در جامعه ملل جهان وارد شود و مقام واقعی خودش را در سازمان ملل متحد و شورای امنیت و خانواده ملت‌های دنیا احراز بکند. اما درباره آینده، طبیعی است که ما سعی خواهیم کرد در درجه اول عامل اصلی تمام پیشرفتهای و موقیتهای فوق‌العاده‌ای که بدان اشاره کردیم یعنی امنیت و ثبات و حاکمیت کشور خویش که بما اجازه همه این ترقیات را داده است حفظ کنیم و کشور خویش را همچنان بصورت یک جزیره سکون و آرامش در دریای متلاطم جهان امروز نگاه داریم. ما تمام تلاش خود را بکار میبریم که راه را برای رسیدن به یک دنیای آرام و مطمئن که بطور کنترل شده‌ای خلع سلاح شده باشد هموار سازیم. کما اینکه در تمام توافقاتی که تاکنون برای محدود ساختن یا متوقف ساختن تولید سلاحهای اتمی صورت گرفته ماز اولین کشورهای امضاء کننده بوده‌ایم.

از این مهمتر ما پیشنهاد کرده‌ایم که، البته در صورت موافقت سایر کشورهای این ناحیه از جهان، منطقه خاورمیانه منطقه‌ای غیر اتمی اعلام شود و بر این نظر خود باقی هستیم ولی این نکته را نیز باید قویاً و صریحاً تذکر دهیم که تاروژی که به خلع سلاح مطلوب نرسیده باشیم با اندازه‌ای بقوای دفاعی مملکت خود توجه خواهیم کرد که ایران قادر باشد سرحدات خود و تمامیت ملی و معنوی و مادی خویش را حفظ کند. مسلماً تا خاتمه دوره تقنینیه حاضر، نیروهای مسلح شاهنشاهی تقریباً به پایه تکامل خود خواهد رسید. از نظر اجتماعی یقین داریم در دوره تقنینیه جدید بنیاد اجتماع ایرانی بر پایه دوازده ماده انقلاب روز بروز استوارتر و مخصوصاً روحیه انقلابی که اکنون حکمفرماست پیوسته ریشه‌دارتر خواهد شد زیرا همین روحیه است که اساس ایدئولوژی ایران متمدنی و پیشرفته و سعادت‌مند فردار را تشکیل میدهد. ما در کشور خویش آزادیهای دموکراتیک را بمفهوم واقعی و سازنده آنها پیوسته تقویت خواهیم کرد و خواهیم کوشید که عدالت اجتماعی در جامعه ایرانی روز بروز گسترده‌تر و نافذتر گردد.

ما کمال آزادی را، منهای آزادی در خیانت به مملکت به همه افراد این کشور داده‌ایم و خواهیم داد ولی این نکته را نیز صریحاً تذکر میدهیم که این مملکت جای خیانت یا حرکات سبکسرانه و بدون مسؤولیت نیست و هیچ تلاشی در این راه بی‌کفایت نخواهد ماند. ما می‌خواهیم در این کشور وضعی بوجود آوریم که هر فردی از افراد مملکت در هر مقام و در هر شرایطی احساس کند که در هر کار که میکند نوعی اشتراک در منافع کلی و عمومی جامعه دارد. زیرا اصولاً مملکت مال خود اوست. امروز زارع ایرانی مالک زمین خویش است، کارگر ایرانی در منافع کارخانه شرکت دارد، زن ایرانی از پیشرفته‌ترین حقوق سیاسی و اجتماعی برخوردار است و روستائی ایرانی حتی در دورافتاده‌ترین دهات مملکت احساس میکند که سواد و آبادانی و تندرستی و عدالت و فرهنگ بوسیله سپاهیان دانش و ترویج و بهداشت و خانه‌های انصاف و خانه‌های فرهنگ روستائی بخانه او راه یافته است.

همچنانکه بکرات گفته‌ایم اساس سیاست اجتماعی ما این است که نه تنها منتظر وقایع نماییم بلکه همیشه پیشاپیش حوادث قدم برداریم و در هر موقع باقتضای زمان کاری را که لازم باشد انجام دهیم. البته هنوز زود است که در مواد برنامه عمرانی پنجم بحث شود ولی از هم‌اکنون میتوانیم بگوئیم که ما در آن برنامه بکشاورزی ایران اهمیت فوق‌العاده خواهیم داد و در حفظ منابع طبیعی و ایجاد محیط طبیعی سالم برای زندگی مردم ایران توجه مخصوص خواهیم کرد. برای تامین این منظور نه تنها می‌باید تمام منابع طبیعی مملکت حفظ شود و آنچه از بین رفته مجدداً احیاء گردد بلکه باید در ایجاد جنگلهای جدید و مناطق سبز کوشش شود. از طرف دیگر برای پاک کردن آسمان ایران از آلودگی دودها می‌باید از منابع گاز مملکت استفاده بیشتری بکنیم و این وسیله را در دسترس استفاده مردم نقاط مختلف کشور قرار دهیم. باید این نکته را متذکر شویم که کشور ما در عین برخورداری از انواع منابع زمینی و زیرزمینی، در حدی که در مورد کمتر کشوری در جهان نظیر دارد، متأسفانه با یک عامل محدود کننده اساسی مواجه است و اندازه معینی بیشتر نیست. البته ما سعی خواهیم کرد تا آن حد که ممکن باشد در این مورد چاره جوئی کنیم مثلاً خیلی از منابع ایران را در جنوب یعنی در سواحل خلیج فارس که در آن امکان تبدیل آب شور به آب شیرین وجود دارد تاسیس خواهیم کرد. معضله توجه بدین تنها عامل محدود کننده ما را ناچار میکند که دقیقاً تعداد جمعیتی را که میتوانند بصورتی مرفه و بایک استاندارد درجه یک بین‌المللی در این سرزمین زندگی کنند محاسبه کنیم و بر آن اساس موضوع تنظیم خانواده را با دقت و شدت کامل دنبال نمائیم زیرا همانطور که تذکر دادیم جامعه فردای ایران می‌باید صرفاً مرکب از افرادی پیشرفته و مرفه و خوشبخت و هم‌تراز متمدنی‌ترین جوامع جهان باشد و بنابراین باید تعداد مردمی که در این آب و خاک زندگی میکنند با امکانات و منابعی که میباید برخورداری از آنها این رفاه و خوشبختی را تامین کند هماهنگی داشته باشد و الا چه فایده‌ای خواهد

شیراز

نامه آقای هوشنگ گلزاده دانشجو از آلمان

بسیار خوشوقتم که فرصتی دست داد تا باتو گفتگو کنم.

قبل از اینکه مطلب خودم را شروع کنم باید يك تذکر بگویم که همیشه در حال رفع معایب خود هستی بدهم و آن اینکه در شماره اخیر تعداد اغلاط چاپی زیاد بود البته این يك امر فنی است اما قبول کن که وقتی تعداد آن خیلی زیاد شد راستی نامطلوب می شود.

حال میروم سر مطلب اصلی که انگیزه من در تحریر این نامه است.

در شماره اخیر تلاش در صفحه نامه های خوانندگان مطالبی از يك دانشجوی ایرانی مقیم گراتس (اتریش) چاپ شده بود که نام نویسنده چاپ نشده بود.

من می خواهم در تائید مطالب او نکاتی را تذکر دهم. ایشان اشاره ای بر رفتار نامعقول بعضی اروپائیان نسبت به خارجیان کرده بودند و نتیجه گرفته بودند که حل این مشکل با ساختن چند باب دانشگاه در ایران از بین می رود. من معتقدم که اینطور مساله حل نمی شود زیرا همه افراد جوان ایرانی که باروفا آمده اند قصد تکمیل تحصیلات را نداشته اند و اگر باز هم در ایران امکان تحصیلات عالی فراهم آید کمترین آن عده جوانان که کارشان در اروپا کاری غیر از تحصیل است روانه خارج خواهند شد و اصل گرفتاری ما دانشجویان در اروپا همین عده اند.

باید در اینجا تذکر بدهم که علت اصلی بدرفتاری اروپائیان نسبت به خارجیان و در رأس با ایرانیان مشاهده اعمال غیر صحیح از طرف همین عده بوده و هست و اگر ما بخواهیم آنان در طرز فکر خود تجدید نظر کنند شاید بنحوی از اقامت بیشتر آن عده که جز هرزگی و ولگردی کاری ندارند و در زیر نقاب دانشجو دست باعملی می زنند که شایسته جوان باشرف ایرانی نیست جلوگیری بعمل آمده و در مورد اعزام دانشجو بخارج علاوه بر کنترل وضع نظام وظیفه و معلومات

به جنبه های اخلاقی نیز توجه گردد. اگر ما نظری دقیق بجامعه ایرانیان در اروپا بیفکنیم مشاهده می کنیم که طبق تقسیم بندی آن دانشجوی ایرانی مقیم اتریش طبقه اول که طبقه ولگرد بود تعدادش از همه بیشتر است و نه دهها سال بلکه تا ابد هم با کار تحمیل میانه ندارد.

تلاش عزیز بمن حق بده که مانند صدها دانشجوی ایرانی دیگر از این وضع ناهنجار عصبانی و خشمگین باشم آیا این صحیح است که تمام روز را یا زحمت بکشیم و یا مطالعه کنیم و با محرومیت ها بسازیم آنگاه بخاطر رفتار دور از عقل چندتن از خدا بیخبر متحمل توهین ها و بدرفتاریهای اروپائیان بشویم.

البته این طبیعی است که طرز تربیت ما با آنان فرق دارد و ما با سن آنها بیگانه ایم اما مواردی را که آنان رویش تکیه می کنند مواردیست که انسان از شرمندن آنها نیز شرم دارد.

من بمطلب خودم پایان می دهم و خواست خودم را با تقدیم سه پیشنهاد مطرح می نمایم.

۱- در حین اعزام دانشجو بخارج بمورد اخلاق توجه دقیق شود.

۲- در هنگام تمديد گذرنامه ها در خارج باین مساله توجه شود که طرف نامبرده اصلا چه کاره است؟

۳- بمقامات کشور های اروپائی تذکر داده شود (از طریق سفارت) که نسبت بر رفتار خود با ایرانیان دقت بیشتری مبذول دارند.

نامه خانم دکتر مهین و فوآد ضیائی از آمریکا

چندی پیش يك نسخه از مجله وزین شما بدست ما رسید، حقیقتا که در تهیه مقالات و مندرجات آن نهایت اصالت و ذوق بکار رفته بود و بسیار بیجاست که تهیه چنین نشریه ارزنده ای را بتمام افراد محترمی که در تهیه آن دست دارند تبریک گفت و موفقیت بیش از پیش و روزافزون آنانرا آرزو کرد.

نامه دانشجوی ایرانی در گراتس

ضمن عرض ارادت، خاطراتان را مستحضر می دارم که مجله عزیزتان امروز بدستم رسید. بینهایت خوشحال شدم و مطلبهای نوید بخشی را که درباره وطن عزیزمان ایران نوشته شده بود خواندم. نامه دوست عزیزمان را که از گراتس (اتریش) تحت عنوان (جوجگان در زیر بال) نوشته شده بود خواندم. این نامه برای بنده که نیز يك دانشجو هستم بسیار جالب بود و مطالب آنرا مورد تصدیق قرار دادم. مجله عزیزتان که مدتی ما را در اروپای بظاهر زیبا و در باطن نفرت انگیز سرگرم می کند پیشرفتهایی که تحت رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر در مملکت ما ایران حاصل شده ما را بسیار خوشحال می کند مخصوصا می توانیم آنرا بعنوان يك مدرک جالب بآنهائی که نام ایرانی بروی خود نهاده و بیگانه پرستی را پیشه خود ساخته اند و هر روز ایران را در نظر دیگران پایین آورده و کشور مورد نظرشان را بزرگ می شمارند قرار دهیم، نامه دوست دانشجو بسیار با ارزش و گرانبه بود که من هم مطالب جالبی دارم که اگر مورد قبول قرار گیرد ارائه دهم و از جناب عالی تقاضا می نمایم نامه فوق را تحت بررسی قرار داده نامه دانشجوی ایرانی در گراتس و بعنوان نامه يك دانشجو ایرانی در خارج کشور باطلاع هموطنان عزیز ما که گمان می کنند اروپا بهشتی است برین و از تمام نعمات برخوردار است و انسان

آسوده خاطر می تواند زندگی کند بوسیله جراید یا روزنامه های دیگر برسانید. آری این اروپائی که انسانها را بعنوان آنکه موی سرشان سیاه است یا اینکه چشم هایشان مشکلی است یا اینکه آسیائی هستند و بالاخره یا اینکه خارجی هستند نگاه می کنند و حتی بآنها نیز اجازه نمی دهند که بطور آزاد زندگی کنند هر روز بوسیله تازه ای مزاحم وقت آنها می شوند بلی این اروپائیان که خود را متمدن می خوانند ایرانی را، دانشجوی آسیائی را از حیوانات خود پست تر می شمارند ایکاش در وطن عزیزمان ایران بودیم و همان زندگی را داشتیم ایکاش آن آسایش و آسودگی خاطر که در ایران داشتیم در اروپا نیز داشتیم چه موقع در ایران بکنفر ما را بعزت اینکه آسیائی هستیم پست می شمرد و بما اطلاق اجازه نمی داد؟ همه مانند برادر مهربان و دوستی صمیمی بودند بنده به پدران و مادران توصیه می کنم که فرزندان خود را نزد خود نگاه دارند و نگذارند که پایشان به این باصطلاح بهشت برین باز شود زیرا از يك نظر گرگها که در لباس میش هستند آنها را می ربایند و از نظر دیگر دختران زیبا و خوشگلی که در باطن آنها غیر از يك نفرت و آلودگی چیز دیگر نهفته نیست، آنها را ممکن است ببلعند. بهر جهت بنده هم حسود نیستم امیدوارم که دوستان برای مدتی کوتاه به اروپا بیایند و از درد های ما و ناراحتی های ما آگاه شوند و معنای آزادی و راحتی و آسودگی زندگی در ایران را بدانند. به پدران و مادران توصیه می کنم که عزیزان خود را برای آنکه در اروپا تحصیل کرده باشند به این جهنم وحشت نفرستند و نخواهند فخر بفروشد که فرزند ما در اروپا است و در آنجا تحصیل می کند زیرا دیگر باید قید همه چیز را بزنید چونکه در دریا طوفانهای وحشت آور نهفته است و ممکن است هر آن این قایق حامل عزیزان را ببلعد بهر جهت قصه زیاد است و شب کوتاه همین قدر می گویم و به همگی توصیه می کنم که قدر مملکت عزیزمان را بدانید و هر ذره خاک آنرا مانند جواهری با ارزش بدانید. دیگر عرض ندارم سلامتی همگی را خواستارم.

قسمتی از نامه آقای سعید طاهری از انگلستان

با عرض گرمترین سلامها، موفقیت و پیروزی تلاش را آرزو مندم.

بعد از مدتی انتظار بالاخره مجله تلاش را دریافت کردم. شاید عده ای که در ایران خواننده مجله تلاش هستند آنقدر که ما ایرانی های دور از وطن از خواندن آن لذت می بریم لذت نبرند چون تمام مطالب برای آنها ممکن است تازه نباشد ولی برای ما بخصوص محصلین که همواره کنجکاویم بدانیم در ایران عزیز چه می گذرد، خواندن تلاش از خواندن نامه های خانواده شیرین تر است.

مجله ای که برای من ارسال می کنید تنها اختصاص بمن ندارد عده ای از دوستان من هم بعد از رسیدن آن با علاقه فراوان آنرا مطالعه می کنند و ما جملگی معتقدیم که تلاش بهترین و جالبترین مجله ایست که تا بحال خوانده ایم.

پیشنهادهای آقای محمدرضا مصطفوی از تبریز

در صورت امکان مطالبی در باره تعلیم و تربیت اطفال و راهنمایی های لازم به والدین از لحاظ روانشناسی کودک که در رشد فکری اطفال مؤثر باشد، در تلاش چاپ کنید.

اگر در هر شماره يك صفحه از رویدادها به یکی از زبانهای خارجی (فرانسه - انگلیسی) باشد مفید بنظر می‌رسد.

پیشنهادهای آقای محمد جلیلی قاضی زاده از مشهد

البته هرچه مطالب تلاش متنوع‌تر باشد ارزنده‌تر خواهد بود.

خواهشمندم از چاپ عکسهای هنرمندان که با اندازه کافی در مجلات دیگریافت می‌شوند خودداری فرمائید زیرا همه ما سن فروزان و اندازه باسن فلان را می‌دانیم.

نامه خانم قدسی ایران‌شادخو از آلمان

فکر می‌کنم تاکنون در حدود ده شماره این مجله را خوانده باشم. مطالب بسیار متنوع جالب و آموزنده آن هر دفعه در من ایجاد خوشحالی و شاید يك نوع غرور می‌کند. خوب می‌توانم مجسم کنم که فراهم بودن چنین مجله‌ای و اینهمه مطالب ارزنده کار بسیار مشکلی است. من شخصا همیشه در هر قسمت مجله شما به مطالب جالبی برخورد می‌کنم و اما از همه بیشتر گفتگوها، اخبار، سخنان شاهنشاه و نوشته‌های تاریخی جلب توجهم را می‌کنند. علاوه بر این مطمئنم که خواندن این مجله باعث تغیر طرز فکر بسیاری از دانشجویان درباره ایران می‌شود که سالها در خارج از مملکت زندگی می‌کنند و از پیشرفته‌ها و تحولاتی که در سالهای اخیر در مملکت‌مان رخ داده بی‌خبرند.

پیشنهادهای آقای مسعود سمندریان از تهران

پرسشنامه بسیار کوچک است و جای کافی برای پاسخ ندارد.

جواب نامه‌های مردم را در زیر نامه‌ها چاپ کنید.

گفتگوها از چهار تا پنج صفحه تجاوز نکند و از چاپ گفتگوهای ۲۶ صفحه‌ای صرف‌نظر شود.

پیشنهادهای آقای غلامرضا شعبانی از لندن

اولا مربعات پرسشنامه جالب و مناسب برای جواب سؤال نیست.

در کشور های خارج فرصت برای خواندن مطالب خیلی سنگین پیدا نمی‌شود.

مطالب هنری راجع به فیلم، رقص، محاسبه با هنرپیشه و غیره خیلی زیاد لازم نیست.

من دلم می‌خواست تا حد لزوم راجع به اخبار سایر کشورها هم بحث و تفسیری داشتید.

در مورد هند و پاکستان چیزی ننوشته بودید.

جلد مجله ضخیم و باعث سنگینی وزن آن می‌شود شاید تا حدی هم جمع‌آوری و حمل آنها مشکل باشد.

پیشنهاد آقای سعید دامادی از تهران

در مورد ضمیمه ورزشی بهتر است مطالب آن به ورزش جهان اختصاص پیدا کند چون مطالب ورزشی ایران هر روز بوسیله مختلف در دسترس ما قرار می‌گیرد.

پیشنهادهای آقای حسین داغدار سپاهی

دانش کرمان

چنانچه تلاش سعی نماید که مطالبی برای بهبود وضع آینده جوانان درج نماید مورد استقبال قرار خواهد گرفت و نیز تلاش باید سعی نماید که مطالب سرگرم کننده از قبیل مسابقه و عکسهای

کاریکاتوری و مطالب فکاهی درج نماید.

بنظر من داستان دنباله‌دار برای تلاش مفید است چون وقتی دنباله داشته باشد با بی‌صبری در انتظار تلاش خواهیم بود.

شرح حال شعرای نام‌آور و اصولا مردان بزرگ و نام‌آور باید در تلاش درج شود.

پیشنهادهای آقای بهروز منصور سپاهی

دانش بیجار گروس

به عقیده من بهتر است در ضمیمه تلاش به عنوان کتابها بیشتر از کتابهایی نام برده شود که هم نویسندگان ایرانی هستند و هم اینکه کتاب روز باشد و درعین حال مفید برای حال جوانان قرار گرفته باشد و حداقل امکان سعی شود تا نویسندگان و شاعران فعال عصر حاضر بجوانان و دوستداران مطالعه معرفی شود.

پیشنهادهای خانم زهرا نوبخت سپاهی

دانش از زاهدان

اولین پیشنهاد این که فاصله بین دو شماره برای پیشنهادها بیشتر باشد.

مقالات کوتاه و با عنوان باشد مطالب مهم با تیترهای درشت نوشته شود.

یا لطیفه‌ها حذف شود و یا این که اگر نوشته می‌شود لطیفه دست اول و با مزه باشد.

قسمت نقاشی و عکس‌های ارسالی بسیار خوب است ادامه یابد.

مطالب علمی واضح‌تر و مختصرتر نوشته شود.

در هر شماره معرفی یکی از چهره‌های درخشان ورزشی، ادبی، هنری باشد.

نامه آقای مهندس هوشنگ شیرنشان و همسر از آلمان

با عرض سلام موفقیت روز افزون تمام کارکنان آن مجله را از خداوند خواهانیم، قبل از هر چیز همسر و من از دریافت مرتب مجله‌پرازش تلاش نهایت تشکر را داریم، اینک که این جملات را می‌نویسم شماره ۲۸ تلاش عزیز رو برویمان است و از خواندن مقالات، خبرها و دیدن تابلوهای عکس زیبای آن لذت می‌بریم. ما با مجله تلاش سالهاست که آشنا هستیم و اینک که تلاش پنج سال عمر دارد لازم می‌دانیم که بهترین تبریکات دوستانمان را به فرد فرد شما تقدیم داریم و امیدواریم در راهی که در پیش گرفته‌اید موفق و پیروز باشید. مسلما هرکاری در مراحل اولیه با عیوب و نواقص توأم است بخصوص کار مطبوعات که مستقما با مردم سر و کار داشته و خاطر هر خواننده‌ای را راضی نگاهداشتن کار بس دشواریست. ولی برای ما که سالهاست با تلاش عزیز آشنا هستیم قضاوت اینک که واقعا هر شماره از شماره قبلی جالب‌تر و بهتر بوده آسان‌تر است و از اینکه در هر شماره سعی می‌شود که بخواستند های خوانندگان بیشتر جامه عمل پوشانده شود قابل توجه است و تلاش‌های کارکنان آن قلبا تحسین آمیز می‌باشد.

موفقیت تمام کارکنان مجله عزیز تلاش خواسته ماست.

قسمتی از نامه آقای مصطفی کتابی

سپاهی دانش از میانه

پس از سلام گرم و صمیمانه خدمت شما و کارکنان و نویسندگان و سرپرستان آن مجله محترم آرزوی موفقیت بیشتر برای فرد فرد شما داریم. پیش از هرچیزی خواستم از مجله شما بخصوص شماره نوروز که بسیار جالب و تماشایی

بود بخصوص تابلو هایی از استاد کمال‌الملک که بی‌اندازه جالب بود و مطالب سودمند و آموزنده که بی‌اندازه مورد استفاده قرار گرفت چه خودم و چه همکاران سپاهی من و من از طرف همگی از شما تشکر خواهم کرد بسیار سپاسگزارم

نامه آقای محسن نبیلی از امریکا

پس از عرض سلام، اینجانب محسن نبیلی یکی از دانشجویانی هستم که با گذرنامه تحصیلی و از طرف دفتر امور دانشجویان برای تحصیل به امریکا آمده‌ام. بخاطر آشنایی بیشتر با پیشرفت های مملکت عزیزم ایران و پیشرفت‌های روز بروز آن خواهشمندم ماهیانه مجله تلاش را که به عقیده این جانب یکی از بهترین مجلات ایران می‌باشد و به دانشجویانی که خارج از وطن به تحصیل مشغول هستند کمک شایانی می‌کند که حداقل ماهی یکبار به پیشرفت های وطن عزیزشان ایران آگاه شوند.

از خانم ایران یزدانی

خران چه دیر می‌رود

خران چه دیر می‌رود

چه صبری در دل دارد

چه تصمیم‌هایی در سر دارد

چه می‌خواهد از جان طبیعت

هرچه داشت گرفت از او

گرفت از او لاله‌های وحش‌اش

شکست شاخه گل سرخش

پرپر کرد گل باسمنش را

چه می‌خواهد از جان طبیعت باز

هرچه داشت گرفت از او

گرفت از او همه سحرش

بزم‌مرده کرد شقایق خونیش

سیاه کرد لاله سفیدش

چه می‌خواهد از جان طبیعت باز

هرچه داشت گرفت از او

گرفت از او عطر ملایم نرگش

بزم‌مرده کرد دامن سبز کوهش

گرفت از او دشت رنگینش

خاموش کرد محفل دوستانش را

گرفت آشیانه عاشقانش را

در بدر کرد مرغان خوش‌الحانش

بهم کوید بزم عاشقان دامن کوهش

چه می‌خواهد از جان طبیعت باز

هرچه داشت گرفت از او

گرفت از او همه چیزش را

همه چیزش را

حتی رنگ سبزش

چه قلب سنگی در سینه دارد

چه صبری در دل دارد

خران چه دیر می‌رود

خران چه دیر می‌رود

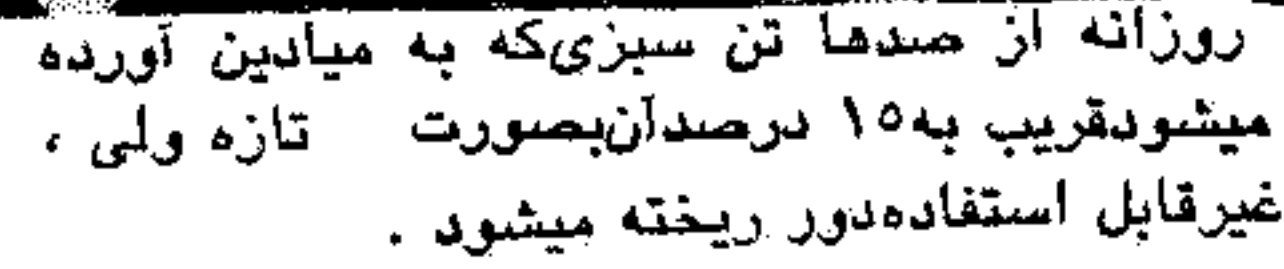
با ساختمان این مرکز که هزینه‌ای معادل ۱۰ میلیون ریال از محل اعتبارات عمرانی سازمان برنامه ایجاد میشود کلیه کمبودهایی که از نظر بررسی آزمایشگاهی نباتات صادراتی و وارداتی به کشور وجود دارد از بین میرود. برای نخستین بار در ایران مکان وسیعی برای جلوگیری از ورود بیماریهای گیاهی بومی به کشور در دسترس

مصرف می شود
تهران ممکن است در بعضی
فصول و ماههای سال با
برای سبزی مواجه شود ولی
رگر با کمبود مطلق سبزی
وبرو نشده است و وجود
میشگی سبزی در بازار
بران تنها بخاطر اینست که
اکثر نقاط ایران سبزی به
بران حمل میشود .
در تهران سه میدان بزرگ ،
غ جنت و دو میدان ازینج

راین روزانه بین ۷۰ تا ۸۰ تن سبزی نیز به دو میدان بزی گمرک وارد میشود که این مقدار روزانه بیش از ۱۰۰ تن سبزی در میدان باغ منت و در حدود هفت تن بزی در میدانهای گمرک میسد و دور ریخته میشود. موقعیت فعلی فروشندگان بزی میدانهای سبزی روزانه بین ۱۵ تا ۲۰ تن و فروشندگان متوسط بین ۹ تا ۱۰ تن و فروشندگان جزء از یک تا ۱۰ تن سبزی به صورت عمده جزء میفروشند و با توجه این که در حال حاضر قیمت سبزی خیلی ارزان است

وزارت منابع طبیعی
۲ میلیون متر مربع از اراضی
جنگلی و مرتع نوشهر
و شهوار را مشمول قانون
حفاظت و بهره‌برداری از
جنگلها و مراتع تشخیص داد
به استناد ماده یک قانون
لی شدن جنگلها و مراتع،
لی اعلام کرد. در حدود
نیم هکتار از این اراضی
جنگلی در شکری‌آباد، ۳
هکتار در ده عزت و فتحج،
۲ هکتار در چیلک، ۲۴
هکتار در سنگسرا، ۲ هکتار
در منوچهرکلا، ۳ هکتار
در بی‌پشتکاه، ۵ هکتار در
نرابه‌دشت نوشهر، ۸ هکتار
پالانده نوشهر و ۲ هکتار

صفحة



در سیواکلارآباد و ۶ هکتار در عروش لاشک علمدهنوشهر، ۳۰ هکتار در خائیکان کلار دشت و ۳ هکتار در سینوا، ۴ هکتار در هیلک بن معرف به تل در محدوده طرح جنگل داری گلیند علمده، ۵ هکتار در تیلارو حدود ۳ هکتار از اراضی جنگلی توسکاتک عزیز آباد چلندر و چنگو ملی شد.

اطلاعه مذکور همچنین حاکی است که قریب ۱۰۰ هکتار اراضی سرلیماک، ۱۴۰ هکتار اراضی ورین تیلکنار، ۳۰۰ هکتار اراضی طالش سرا در شهسوار، ۱۵۰ هکتار اراضی ماکوین، ۳۰۰ هکتار اراضی ولرد در کلاردشت و مرزن آباد، ۲۲۶ هکتار اراضی حیدرخانه سرکلاردشت، ۲۶۸ هکتار اراضی مارگوین، ۳۰۰ هکتار از اراضی کورت مشمول قانون مرتع شناخته شده است. کسانی که به ملی بودن این اراضی مترشند با ارائه مدارک لازم اعتراضات خود را به وزارت منابع طبیعی و شهسوار و نوشهر ابلاغ نمایند.

خوراك كودك

ساخت ایران

عملیات ساختمانی کارخانه تولید غذای کودک که ظرفیت آن بالغ بر ۳ هزار تن در سال است و قادر خواهد بود غذای ۱۰۸ هزار کودک را در سال تامین کند از چندی قبل آغاز شده است و تا پایان سال پانزدهم خواهد رسید. این کارخانه پس از بهره برداری، غذاهای آماده و ارزان قیمت تهیه کرده در دسترس عموم قرار خواهد داد. مواد اصلی غذای تهیه شده در این کارخانه از محصولات داخلی کشور تامین خواهد شد و محصول کارخانه به صورت پودر قابل حل در آب بوده، در بسته بندی های ۲۵۰ گرمی توزیع خواهد شد.

فرآورده های کارخانه مذکور در بسته های ۲۵۰ گرمی به قیمت ۱۲ ریال به دست مصرف کنندگان خواهد رسید و این رقم حداقل معادل یک چهارم قیمت پودر های

غذائی مشابهی است که در حال حاضر وارد کشور میشود و آنهم به مصرف تامین غذای کودکان معدودی که امکانات مالی خانوادگی دارند میرسد. قبلاً نمونه ای از غذای تولیدی کارخانه با مواد اولیه محصول ایرانی در کارخانه سازنده ماشین آلات ساخته شده تحت آزمایش قرار گرفته است و نسبت به سایر غذاهای مشابه از نظر میزان پروتئین و کالری و سایر اجزای غذائی ارجحیت آن تأیید شده است. به علاوه در نظر است که ۲۰ درصد از فرآورده های این کارخانه بطور رایگان بین کودکان طبقات کم درآمد در سراسر کشور توزیع شود.

کارخانه

لامپ سازی

هیات وزیران در آخرین جلسه خود پیشنهاد وزارت اقتصاد را در مورد تأسیس کارخانه لامپ سازی در ایران تصویب کرد. بموجب این



لکوموتیوهای

برقی راه آهن ایران

بکار افتاد

راه آهن ایران دارای لکوموتیو برقی شد. از این لکوموتیوها که هر یک قادر است بیش از ۳ هزار تن بار حمل کند راه آهن دولتی ۵۲ دستگاه خریداری کرده است.

قطارهای تندرو حامل ذغال مازندران به کارخانه ذوب آهن بوسیله همین لکوموتیوها کشیده میشود. قطارهای حامل ذغال سنگ مازندران یکسره از معدن به محل کارخانه ذوب آهن خواهد رفت. به این لکوموتیوها تا ۲۰ واگن میتوان بست.

تصویرنامه به دو کارخانه آلمانی و هلندی اجازه داده شد که بموجب قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی و بارعایت کلیه قوانین و مقررات کشور بمنظور تأسیس کارخانه لامپ سازی، سرمایه لازم را با مشارکت سرمایه گذاران ایرانی وارد ایران کنند.

بر اساس آماری که در دست است در ۹ ماهه اول سال ۱۳۴۹ مجموعاً معادل هشت میلیون ریال آمپول شیشه ای برای لامپ و استوانه الکتریکی و لوله و حباب برای چراغ های برقی وارد کشور شده است.

فعال ترین بندر

ایران

سازمان بنادر و کشتیرانی آمار فعالیت شش بندر مهم کشور را در سال گذشته انتشار داد. بر اساس آمار مذکور در سال ۴۹ در شش بندر خرمشهر، شاهرور، بوشهر، بندرعباس، پهلوی و نوشهر در حدود ۲۵۰ میلیون تن کالا تخلیه و قریب یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن کالای بارگیری شده است.

جدول مقایسه مقدار کالای تخلیه و بارگیری شده نشان میدهد که بندر خرمشهر با ۱۲ میلیون تن کالای تخلیه شده (۹۹ درصد نسبت به مجموع) و ۷۲ میلیون تن کالای بارگیری شده (۴۴ درصد نسبت به مجموع) فعالترین بندر ایران بوده است.

در سال ۴۹ قریب ۲۵۰۰ فروند کشتی در بندر ایران پهلو گرفته اند که ۷۴۵ کشتی آن از جمله کشتی های نفتی بوده است که از بندر ماهشهر نفت بارگیری کرده اند.

آمار مذکور حاکی است که درآمد ایران از طریق عملیات دریائی و ترمینال در بندر مهم کشور رقمی معادل ۳۳۹ میلیارد ریال بوده است.

اکتشاف مواد رادیو

اکتیو ادامه مییابد

سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران اعلام کرد که عملیات اکتشافی برای یافتن ذخایر کافی مواد رادیواکتیو در سال جاری در نواحی آذربایجان، سمنان، انارک و کوچه های زاگرس با استفاده از هلیکوپتر ادامه خواهد داشت و تا پایان سال گزارش فعالیت ها در کلیه زمینه ها تهیه خواهد شد.

عملیات اکتشافی مواد رادیواکتیو از سال ۱۳۴۸ بر اساس موافقتنامه ای که میان دولت شاهنشاهی ایران و کمیسیون انرژی اتمی فرانسه با امضاء رسیده است صورت می گیرد و مسؤولیت برنامه ریزی و سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران گذاشته شده است. برای اکتشاف این

مواد که میتواند در آینده یکی از ارقام پر ارزش صادراتی کشور را تشکیل دهد یک هیات انرژی اتمی فرانسه با همکاری مهندسان و زمین شناسان سازمان زمین شناسی کشور فعالیت می کنند و در سال ۴۹ نواحی کرمان، یزد، قم، اصفهان، طبرستان، جنوب خراسان، شرق بندر عباس و زاهدان مورد مطالعه هوایی قرار گرفت و قرار است گزارش پیشرفت فعالیت ها با عملیات انجام شده در سال جاری یکجا منتشر شود. هزینه کلیه عملیات انجام شده را کمیسیون انرژی اتمی فرانسه تامین می کند و در صورتیکه ذخایر کافی بصورتی که بتوان از آن بطور سود آور بهره برداری کرد بدست آید واحدهای استخراج مواد رادیواکتیو در نقاط معدنی مستقر خواهد شد. برای این کار قرار است شرکتی تشکیل شود که تمام سهام آن متعلق به سازمان گسترش و توسعه صنایع ایران باشد.

کمیسیون انرژی اتمی فرانسه در نظر دارد پس از یافتن مناطق مورد نظر علاوه بر تامین کلیه هزینه های اکتشافی قسمت عمده اعتبار مورد احتیاج برای استخراج مواد مذکور را نیز بصورت وام های طولی مدت در اختیار ایران قرار دهد. به علاوه در صورت آغاز بهره برداری از معادن مواد رادیو تولیدات سالیانه را خریداری و در وهله اول آنرا بجای وام های دریافتی واریز کند.

ظرفیت شبکه برق

تهران به ۵۴۰ هزار

کیلووات میرسد

سومین پست ۶۳ هزار ولتی خط کمربندی برق تهران شروع بکار کرد و باین ترتیب ظرفیت برق تهران به ۴۰ هزار کیلو وات برابر ۶۷۲ هزار کیلووات آمپر رسید. ظرفیت این پست که بنام پست رزم آرا در نزدیکی خیابان رزم آرا ساخته شده است ۴۸ هزار کیلووات است. از ابتدای سال جاری تاکنون این سومین مرکز توزیع ۶۳ هزار ولتی است که در پایتخت وارد مرحله بهره برداری میشود. اولین پست ۶۳ هزار ولتی در اردیبهشت ماه سال جاری در جنوب غربی تهران به ظرفیت ۳۲ هزار کیلووات و پست دوم در تیرماه بظرفیت ۴۸ هزار کیلووات در کریمخان زند مورد بهره برداری قرار گرفت.

با افتتاح پست رزم آرا سه مرکز توزیع ۶۳ هزار ولتی جمعا بظرفیت ۱۶۰ هزار کیلووات آمپر معادل ۱۲۸ هزار کیلو وات در نقاط مختلف پایتخت وارد مرحله بهره برداری گردید و با افتتاح این پست مقدار

خاموشی های برق تهران بطور محسوسی تقلیل خواهد یافت.

معاملات پنبه

امسال محصول پنبه شمال رضایتبخش بود و میزان محصول امسال تحقیقا حدود ۱۲۰ هزار تن برآورد می شود. فعالیت صادرکنندگان در زمینه صدور پنبه به حداقل رسیده و تقریباً رقم کلی تعهدات صادرکنندگان انجام شده است و از هم اکنون صادرکنندگان، فعالیت های را در زمینه پیش فروش محصول شروع کرده اند و برپایه قیمت کیلوئی ۷۰ تا ۷۲ سنت پنبه درجه یک، مشغول فروش به اروپا هستند. در بازار تهران بازار داخلی پنبه آرام است ولی قیمت کاملاً ثابت میباشد. مظنه پنبه درجه یک کیلوئی ۴۹ ریال، درجه یک پست کیلوئی ۴۷۵ ریال و درجه ۲ کیلوئی ۴۶ ریال است.

ذخیره دائمی گندم

سازمان غله کشور اعلام کرد که در سال جاری برای تامین نیازمندی های سال جاری و نیز تامین ذخیره دائمی کشور، به میزان ۸۰۰ هزار تن گندم از خارج وارد خواهد کرد. بر اساس قراردادی که در این مورد با ماضا رسیده است سازمان غله کشور در ششماه دوم سال جاری ۸۰۰ هزار تن گندم و ۲۰۰ هزار تن جو در بنادر جنوبی کشور تحویل خواهد گرفت تا در مواقع کمبود بی درنگ از ذخیره مذکور استفاده کند. در سال جاری وضع محصول داخلی تقریباً مثل سال گذشته است و میزان کمبود در حدود ۴۰۰ هزار تن پیش بینی میشود. وی خاطر نشان ساخت که باین ترتیب ۴۰۰ هزار تن از گندم وارداتی بصورت ذخیره در سیلوهای کشور نگهداری خواهد شد تا در مواقعی که کمبودهایی در کشور پیش می آید مورد استفاده قرار گیرد.

مشکلی که در مورد تحویل و توزیع یک میلیون تن گندم، وجواری و وجود دارد اینست که در بندر شاهرور و بندر عباس سیلو وجود ندارد و باین جهت گندم وجو بایستی بلافاصله بعد از تخلیه به شهرستانهائی که مجهز به سیلو هستند حمل شود.

۱۷ هزار تن

کمپوت تولید

میشود

با بهره برداری از دو کارخانه جدید تولید کنسرو و کمپوت و افزایش ظرفیت تولیدی یک کارخانه دیگر رقم تولید محصولات کمپوت کشور به هفده هزار تن در سال افزایش مییابد.

دو واحد جدید یکی در شهریار کرج و دیگری در مشهد شروع بکار خواهد کرد و محصولات تولیدی این دو کارخانه شامل انواع کمیوت، مربا و آب میوه است. ظرفیت تولیدی هر یک از واحدهای مذکور حدود دویلمیون و ۴۰۰ هزار قوطی نیم کیلویی (۱۲۰۰ تن) است. کارخانه دیگری که با کمک بانک اعتبارات صنعتی اجرای یک طرح افزایش تولید را به مرحله اجرا در آورده است در سال اول بهره برداری ظرفیت تولیدی خود را به ۱۰۰۰ تن میرساند و از سال دوم به بعد در هر سال ۱۵۰۰ تن مواد غذایی تولید خواهد کرد.

در حال حاضر حدود ۴۰ کارخانه و کارگاه در ایران به ساخت انواع کسرو و کمیوت اشتغال دارند که از میزان ظرفیت و تولید این کارخانجات، به تفکیک آماری در دست نیست لکن جمع تولید انواع کمیوت، کسرو، سبزیجات و مرباهایی که طی سال گذشته توسط کلیه واحدهای تولیدی عرضه شده است بالغ بر ۱۳۵۰۰ تن بوده است که این رقم نسبت به سال قبل آن حدود ۲۳۰۰ تن افزایش تولید را نشان میدهد.

بطور کلی کارخانجات سازنده کسرو، سبزیجات و کمیوت در فصل فراوانی میوه و سبزیجات فعالیت تولیدی خود را شروع میکنند و چون میوه و سبزی در فاصله زمانی محدودی بازار عرضه میشود به حد مطلوب میرسد و در عین حال فاسد شدنی بوده هزینه نگهداری آن در سردخانه زیاد است. اجباراً فعالیت واحدهای مزبور در طی سال بین ۴ تا ۸ ماه است. با این وجود بطور متوسط طی سالهای اخیر درصد تولید کسرو و سبزیجات ۲۲ درصد، کمیوت ۶۱ درصد و مربا ۱۷ درصد بوده است.

۲۶۹ میلیون ریال

اعتبار برای دامداری

هیات دولت تخصیص اعتباری معادل ۲۶۹ میلیون ریال را برای اجرای طرحهای دامداری تصویب کرد. باید گفت کل اعتباری که برای اجرای برنامههای دامداری در کشور در نظر گرفته شده ۲۱۹ میلیون ریال است ولی قرار است بانک مرکزی نیز وامی به مبلغ پنجاه میلیون ریال در اختیار وزارت منابع طبیعی قرار دهد تا در زمینه دام و دامداری بمصرف برسد. وزارت منابع طبیعی در نظر دارد از مجموع اعتبارات خود برای دامداری حدود ۲۴۰ میلیون ریال آنرا برای خرید دام اختصاص دهد و

بقیه را نیز بمصرف خرید تفاله جهت تغلیف دامها میرساند.

صدور تفاله خشک

چغندر قند و کنجاله تخم پنبه ممنوع شد

براساس پیشنهاداتی که پس از بررسی وضع دامها و تامین علوفه مورد نیاز آنها بدولت پیشنهاد شده است بسبب کمبود فعلی علوفه در کشور، صادرات تفاله خشک چغندر قند و کنجاله تخم پنبه به خارج ممنوع شد. به علاوه برای تامین میزان شیر و سایر مواد لبنی مورد نیاز ظرفیت فعلی کارخانجات موجود شیر پاستوریزه در تهران و حومه تا سال ۱۳۵۱ به ظرفیتی تاحدود ۲۰۰ تن در روز افزایش داده میشود. بموجب برآورد مقدماتی وزارت کشاورزی حدود ۵۰ هزار سرگاو بومی در داخل محدوده شهر تهران وجود دارد که تولید شیر سالانه آن حدود ۵۰ هزار تن است و برای تولید همین مقدار شیر ۱۰ هزار گاو اصیل کافی است.

با توجه باینکه عدهای از گاوداران در صورت اخراج از محل فعلی از گاوداری خودداری خواهند کرد پیش بینی میشود صدور ۶۰ درصد از این مقدار شیر کماکان توسط گاو دارهائی که فعلاً به نگهداری گاوهای غیر بهداشتی اشتغال دارند و بقیه توسط واحد های گاوداری مدرن فعلی ویا کسانی که در آینده علاقمند به سرمایه گذاری در این رشته هستند تولید شود. برای تولید ۶۰ درصد شیر فعلی این گاوداری ها حدود ۶ هزار گاو اصیل باید نگهداری شود که سه هزار هکتار زمین و حدود ۳۶۰۰ لیتر آب در ثابیه مورد نیاز آن است. باتوجه به این نکات پیشنهاد شد که وزارت آب و برق باتوجه به قانون کشت و صنعت حدود سه هزار هکتار از اراضی زیر سد طالقان را باین امر اختصاص دهد. اراضی مزبور برای ایجاد گاوداریهای مستقل بایکصد راس گاو و به افراد خصوصی و گاوداری های بزرگ با حداقل ۳۰۰ راس گاو به شرکت های تعاونی یا سهامی واگذار خواهد شد. آن عده از گاودارانی که استطاعت مالی ایجاد واحد های مستقل را داشته باشند مستقلاً و بقیه با مشارکت در شرکت های فوق الذکر به فعالیت های خود در امر گاوداری ادامه خواهند داد. سرمایه لازم برای اینکار از محل وجوه حاصله از فروش گاوهای موجود اراضی محدوده شهر تامین میشود. در طرحی که در همین باره پیشنهاد شده گفته شده

است که با توجه به گرانی علوفه و محدودیت آب در اطراف تهران نگهداری گاو های بومی برای تولید بیشتر بهیچ وجه مقرون بصرفه نیست و مصلحت در این است که گاوداریهای غیر بهداشتی در خارج از محدوده شهر تهران بوجود می آیند کلابه نگهداری گاوهای اصیل مبادرت کنند.

۱۷۰ دستگاه

اتوبوس و

مینی بوس به کشور

رومانی صادر

گردید

اولین سری اتوبوسها و مینی بوسهای سفارشی رومانی در سال جاری که در خدمت شرکت مسافری «رومانیا»

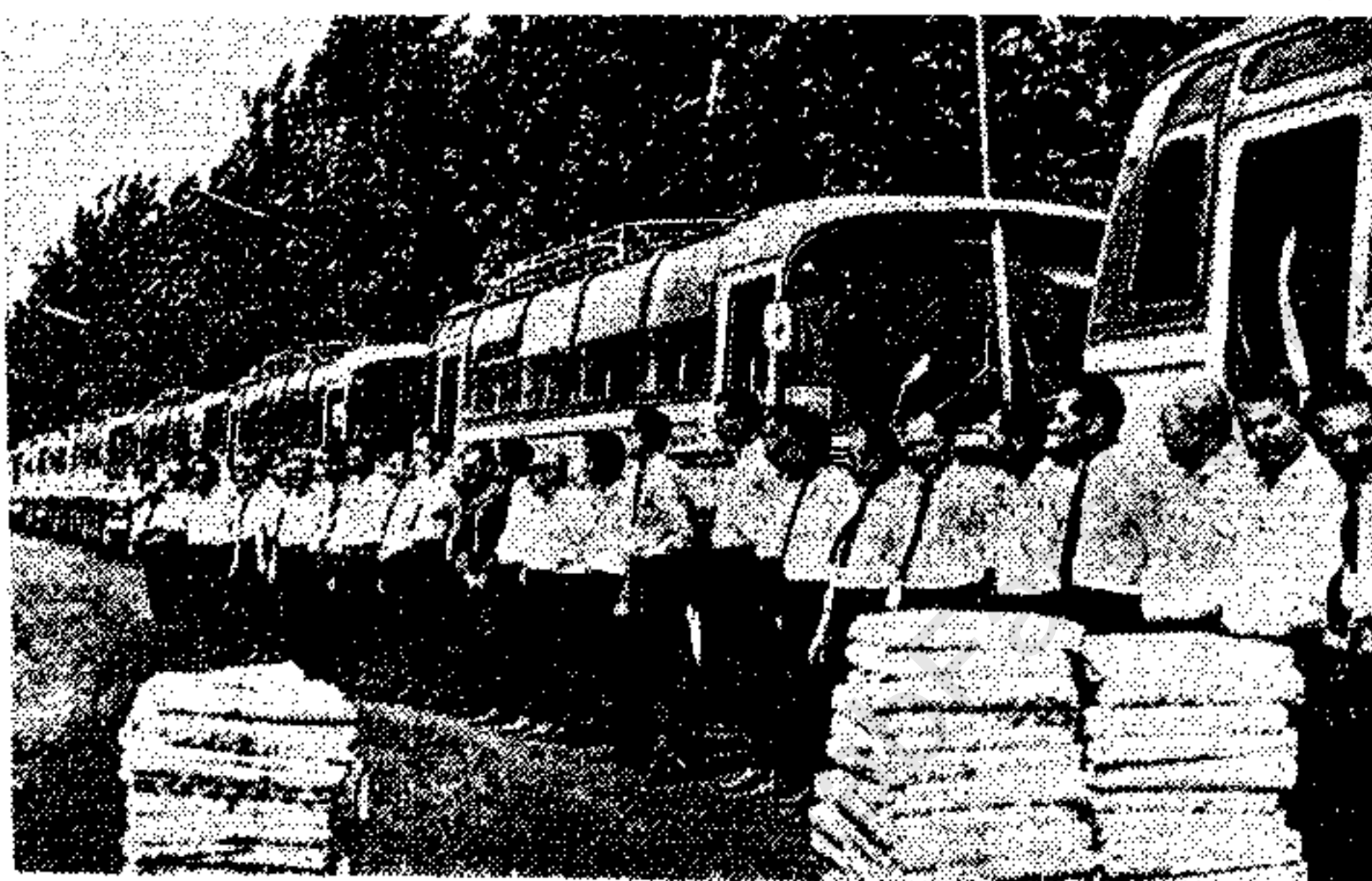
وزارت منابع طبیعی فعالیت خود را آغاز میکند. اسانامه شرکت مذکور پس از تصویب و توشیح برای اجرا بدولت ابلاغ شد. سرمایه شرکت به ۱۷۶۰۰ سهم مساوی تقسیم شده است که کلیه آن متعلق به وزارت منابع طبیعی است و این وزارتخانه بتدریج تا ۴۹ درصد این سهام را خواهد فروخت.

این نخستین بار است که برای بهره برداری از یک قسمت از جنگلهای مازندران شرکتی با سرمایه قابل توجه آغاز بکار میکند و انتظار میرود باتوجه به قابلیت جنگلهای این منطقه و عملیات عمرانی وسیعی که بوسیله ایران و رومانی برای احیای ۷۰ هزار هکتار از جنگلهای نکا و نیز بهره برداری صنعتی از آن از طریق احداث کارخانههای مجتمع در جریان است، نکای مازندران بصورت

انواع نخ نازک مبادرت میکنند. در سال گذشته نزدیک به ۱۰۷ هزار تن نخ پنبه ای و مصنوعی در ایران مصرف شده که ۸۷ هزار تن آن تولید داخلی و نزدیک به ۲۷ هزار تن آن نخ پنبه ای ضخیم بوده است.

مصرف نخ های پنبه ای ضخیم در سال ۱۳۴۷ بالغ بر ۲۵ هزار تن بوده است. با توجه به مقایسه ارقام مصرف طی سالهای اخیر و رشد مصرف، پیش بینی میشود که خلاء میان تولید و مصرف در سال ۱۳۵۱ به حدود ۱۶۵۰ تن برسد که برای تامین آن یا باید ظرفیت واحدهای موجود را افزایش داد و یا اقدام به ایجاد واحدهای جدید کرد.

در سال گذشته برخلاف سالهای قبل رشد مصرف میزان موجودی انبارها به حداقل خود رسیده است. باتوجه



فاینندگان شرکت رومانیاتوریست ترانسپورت و رانندگان اتوبوسها هنگام عزیمت به رومانی — هدایائی از طرف ایران ناسیونال دریافت داشتند.

یک قطب پیشرفته در صنعت چوب در خواهد آمد.

تولید نخ افزایش

می یابد

براساس آمار موجود در سال گذشته ۲۷ کارخانه ریسندگی و ۳۶ کارخانه ریسندگی وبافندگی با استفاده از ۸۲۳ هزار دوک ریسندگی، ۵۵ هزار تن نخ پنبه و ۳۵ هزار تن نخ الیاف مصنوعی تولید کرده اند.

از ۵۵ هزار تن نخ پنبه ای حدود ۲۸ هزار تن آن نخ های نازک نمره ۲۰ به بالا و بقیه شامل نخ های ضخیم یعنی نمره ۲۰ به پایین بوده است. به گفته مسؤولان وزارت اقتصاد تجهیز واحدهای نخ رسی کشور و افزایش تعداد دوک های موجود به ۹۱۵ هزار، میزان تولید به ۹۷ هزار تن در سال خواهد رسید.

بموجب پروانههایی که از طرف وزارت اقتصاد صادر شده حدود نود و پنج درصد کارخانجاتی که طی سالهای ۵۰ و ۵۱ مورد بهره برداری قرار خواهند گرفت به تهیه

به بهبود سطح زندگی طبقات کارگر و کشاورز و افزایش جمعیت پیش بینی میشود در سال آتی میزان مصرف نخهای پنبه ای و مصنوعی از ۴۸۵ میلیون متر در سال گذشته به ۵۴۰ میلیون متر در سال ۱۳۵۱ بالغ شود.

تولیدات عمده

کشاورزی در

سال ۴۹

مرکز آمار ایران در هفته اول شهریورماه با انتشار ارقام تولیدات کشاورزی و سطح زیر کشت محصولات عمده سال گذشته کشور، آمار نسبتاً دقیقی درباره هفت محصول گندم، جو، برنج، چغندر قند، پنبه، توتون و تنباکو منتشر کرد.

براساس این آمار سطح زیر کشت گندم در سال گذشته حدود ۳۲۷ هزار میلیون هکتار و مقدار تولید آن معادل ۴۲۶۲ میلیون بوده است که میزان عملکرد را به حدود

۸۰۰ کیلوگرم در هکتار میرساند.

محصول گندم ایران در سال گذشته شامل دونوع گندم آبی و دیمی بوده و بطور تفکیک، سطح زیر کشت آبی حدود ۱۶۴۴ میلیون هکتار و مقدار تولید آن ۲۰۲۹ میلیون تن و عملکرد آن ۱۴۲۵ کیلوگرم در هکتار بوده است. گندم دیمی نیز در سطح ۳۹۰۳ میلیون هکتار با مقدار تولیدی ۲۲۳۳ میلیون تن و عملکرد آن حدود ۵۷۲ کیلوگرم در هکتار گزارش شده است. طبق همین آمار تولید گندم ایران در سال گذشته نسبت به سال ۴۷ که سطح زیر کشت ۸۰۴ میلیون هکتار و مقدار تولید آن ۳۸۶۱ میلیون تن بوده حدود ده درصد افزایش داشته است که بیشتر در مورد گندم آبی بوده است.

بررسی دیگر درباره محصولات کشاورزی ایران در سال ۴۹ مربوط به جو میباشد. در این سال رویهمرفته ۱۳۸۵ میلیون هکتار از اراضی مزروعی ایران زیر کشت جو بوده و مقدار محصولی که از این اراضی بدست آمده حدود ۱۰۸۳ میلیون تن بوده است. عملکرد این محصول ۷۸۲ کیلوگرم در هکتار گزارش شده است. محصول جو سال گذشته شامل دونوع جو آبی و دیمی با سطح کشتی حدود ۲۶۷ هزار هکتار معادل ۳۷۰ هزار تن محصول بوجود آورده و عملکردی حدود ۱۳۸۵ کیلوگرم در هکتار داشته و جو دیمی نیز در ۱۱۱۸ هزار تن هکتار حدود ۸۱۳ هزار تن محصول ببار آورده و عملکرد

آن ۶۳۸ کیلوگرم در هکتار شده است. افزایش جو در سال گذشته نسبت به سال ۴۷ معادل ۱۲ درصد و از یاد تولید این محصول بیشتر مربوط به کشت دیمی آن بوده است.

سطح زیر کشت برنج در سال گذشته ۴۸۴ هزار هکتار بوده و مقدار تولید آن نیز معادل ۱۳۵۰ میلیون تن شده و عملکرد این محصول ۲۷۸۹ کیلوگرم در هکتار بوده است. آمارهای دیگر مربوط به چغندر قند، پنبه، توتون و تنباکو میشود.

۱۱۱ هزار هکتار از اراضی زیر کشت چغندر قند، ۳۰۱ هزار هکتار زیر کشت پنبه (وش) و بیست هزار هکتار از اراضی زیر کشت توتون و تنباکو رفته است و بازه این زمینها برتریب حدود ۳۱۶۱ میلیون تن، ۴۱۴ هزار تن و ۱۸ هزار تن و عملکرد این محصولات نیز برتریب ۲۸۴۷۸ کیلو و ۱۳۷۴ کیلو و توتون و تنباکو ۹۱۰ کیلو در هر هکتار بوده است. بدین ترتیب محصولات عمده کشور غیر از جالبین، صیفی کاری، باغ و نظایر آن در هر سال حدود ۷۲۸ میلیون



چون محصول دیم کشور در معرض نوسان بارندگی سالیانه بوده لذا لزوم افزایش هرچه بیشتر مصرف بذور پر حاصل و ضرورت اجرای طرح افزایش تولید گندم در سال زراعی ۵۰-۵۱ در مساحت ۳۵۰ هزار هکتار از اراضی آبی کشور یادآوری شده است.

اعتبارات صنعتی پرداخت شده در پنج ماه

بانک اعتبارات صنعتی طی پنج ماه اول سال جاری برای ایجاد و یا توسعه واحد های صنعتی با ۱۴ تقاضای وام و ۲۹۲ میلیون ریال اعتبار موافقت کرده است.

طی مدت مشابه در سال گذشته ۱۵ فقره وام معادل ۲۷۷۲ میلیون ریال به تصویب رسیده بود. ۹ وام از وامهای سال جاری مبلغ ۲۱۷ میلیون ریال مربوط به واحدهای صنعتی شهرستانها است. آمار ماهانه بانک اعتبارات صنعتی نشان میدهد که تنها در نیمه دوم مرداد ماه سال جاری تعداد ۱۱ فقره تقاضای وام صنعتی به مبلغ ۲۰۲۵۵ میلیون ریال بابت رسیدن که شش وام آن بالغ بر ۳۷۵۵ میلیون ریال بمنظور توسعه واحدهای موجود و چهار وام دیگر به مبلغ ۱۶۵ میلیون ریال مربوط به تأسیس واحدهای جدید صنعتی است. به علاوه تعدادی وام در جریان رسیدگی و ورود به کمیسیون است و یک وام نیز برای شرکت قوطی سازی گلشید در مرحله تصویب است.

همچنین سرمایه گذاری بخش خصوصی در زمینه های مورد نیاز آذربایجان مورد بررسی قرار گرفت و طرح هایی که برای این استان لازم تشخیص داده شد باین شرح تسلیم بانک اعتبارات صنعتی شد. واحدهای حوله بافی، سنگبری، آرماسازی، بافندگی و تراشکاری برای تبریز و کارخانه های آرماسازی و تولید و توزیع گچ و آهک برای رضائیه.

در سال جاری از مصرف بذور حاصل در مساحت ۱۰۰ هزار هکتار نتیجه خوبی بدست آمده است. عملکرد این بذور در مزارع آبی گرگان و مازندران ۳ تا ۴ تن در هکتار و دشت مغان در مساحت ۸ هزار هکتار ۳۸ تن در هکتار و بطور متوسط در مساحت یکصد هزار هکتار کل کشور ۳ تن در هکتار گندم بوده است و به علاوه

شهر سبزوار را تامین کند. کارخانه ساخت قطعات ساختمانیهای فلزی در اهواز

در هفته اول شهریور ماه یک پروانه تأسیس کارخانه ساخت قطعات ساختمانیهای فلزی پیش ساخته در ناحیه صنعتی اهواز نیز صادر شد. میزان سرمایه ای که در این واحد صنعتی بکار خواهد افتاد بالغ بر ده میلیون ریال است و ظرفیت تولیدی این کارخانه ۷۵۰ تن قطعات مختلف ساختمان های فلزی پیش ساخته در سال میباشد.

ایجاد واحد کشت و صنعت در دشت مغان

با آغاز بهره برداری از شبکه وسیع آبیاری دشت مغان ۹۰ هزار هکتار از اراضی دشت مغان جهت ایجاد واحدهای جدید کشت و صنعت اختصاص مییابد.

عملیات احداث شبکه عظیم آبیاری دشت مغان اوائل سال آینده با تمام میرسد و با استفاده از ۲۸۸ هزار متر مکعب آب در ساعت که بوسیله سد های ارس و میل مغان تامین میشود جمعا ۹۰ هزار هکتار از اراضی این دشت زیر کشت میرود. در حال حاضر نزدیک به ۱۸ هزار هکتار از این اراضی مستقیما از رودخانه ارس بوسیله کانال موجود مشروب میشود که این طرز آبیاری باعث میشود در تابستان که میزان آب کم میشود اشکالاتی در این زمینه بوجود آید.

با اجرای کامل طرح ایجاد شبکه آبیاری در مغان علاوه بر اینکه دیگر در این مورد اشکالی بوجود نمیآید حدود ۷۲ هزار هکتار دیگر از اراضی بایر نیز بنحو مطلوب آبیاری خواهد شد. علاوه بر این قرار است در محل اتصال شبکه جدید با کانالهای موجود با توجه به ۵۶ متر اختلاف ارتفاع یک نیروگاه برق آبی ایجاد شود. در حال حاضر مقامات وزارت آب و برق مطالعاتی بعمل آورده اند تا پس از پایان کار ساختمان شبکه آبیاری دشت مغان این اراضی جهت ایجاد واحد های وسیع کشت و صنعت اختصاص یابد.

طرح افزایش تولید گندم

در سال جاری از مصرف بذور حاصل در مساحت ۱۰۰ هزار هکتار نتیجه خوبی بدست آمده است. عملکرد این بذور در مزارع آبی گرگان و مازندران ۳ تا ۴ تن در هکتار و دشت مغان در مساحت ۸ هزار هکتار ۳۸ تن در هکتار و بطور متوسط در مساحت یکصد هزار هکتار کل کشور ۳ تن در هکتار گندم بوده است و به علاوه

هکتار از اراضی مملکت را می پوشاند و بررسی مرکز آمار ایران در مورد عملکرد در هکتار حاکی از آنست که هنوز جز در مورد چغندر قند افزایش قابل ملاحظه ای نداشته است و در این مورد لازم است که با اقدامات دامن داری از قبیل استفاده بهتر از کود شیمیائی، بهره گیری از بذور مرغوب و بکار بردن روشهای نوین کشت، روز بروز میزان بهره برداری افزایش یابد تا بلکه از این طریق محدودیت اراضی تحت آبیاری ایران تا حدودی جبران شود.

بهره برداری از جایگاه «بوژی» در گرمک جلغا

از چندی قبل یکی از مشکلاتی که گرمک جلغا با آن روبرو شده بود مساله کمبود کارمند و کارگرو عدم وسایل جهت کار تخلیه ماشین آلات ذوب آهن و کالاهای تجاری بود زیرا گرمک جلغا با توجه به ورود کلیه ماشین آلات و تجهیزات ذوب آهن و نیز مقادیر زیادی کالاهای تجارتی که از طریق شوروی از کشورهای اروپای شرقی بایران میرسید بصورت یکی از بزرگترین مراکز فعال گرمکی در آمد در حالیکه از نظر تجهیزات و کارکنان بسیار ضعیف و حتی اغلب وسایل نقلیه گرمک که در حمل و نقل و جابجا کردن کالا موثر است خراب و غیر قابل استفاده شده بود. لذا با بهره برداری از جایگاه «بوژی» در گرمک جلغا و نصب جک های مخصوص تغییر محور، قطارهای باری شوروی حامل بار و کالاهای تجارتی مستقیما بایران می آیند و بدون اینکه در جلغا احتیاج به تخلیه و بارگیری مجدد داشته باشند مستقیما به مراکز تخلیه خواهند رفت.

ایجاد دو واحد موزائیك سازی و سنگبری در سبزوار

با بهره برداری از دو واحد جدید تهیه موزائیك و سنگبری در سبزوار، موزائیك و سنگ مورد نیاز این شهر تامین خواهد شد. بهره برداری از این دو واحد تا پایان سال جاری آغاز میشود. واحد موزائیك سازی سبزوار قادر خواهد بود سالانه ۱۵ هزار متر مربع از انواع موزائیك را تولید و بیازار عرضه کند. مقدار تولید این کارخانه میتواند علاوه بر تامین موزائیك مورد نیاز شهر سبزوار، نیاز استان خراسان را نیز تامین کند. میزان تولید واحد سنگبری سالانه حدود ۵ هزار متر مربع است که این مقدار نیز میتواند نیاز سال آینده

۱۳ میلیارد سیگار در ماه

در ایران ماهانه ۱۳ میلیارد عدد سیگار تولید میشود که ۸۶۰ میلیون عدد آن سیگار بدون فیلتر و ۴۴۰ میلیون سیگار فیلتر دار است. از این تعداد مقدار کمی صادر میشود. در سراسر کشور هر روز نزدیک به پنجاه میلیون عدد سیگار ایرانی مصرف میشود که سی درصد آن در تهران و هفتاد درصد بقیه در شهرهای دیگر بمصرف میرسند.

توزیع سیگار در ایران در اختیار یک شرکت تجاری خصوصی است که این شرکت از طریق ۳۵۰ عامل فروش در تهران انواع سیگار را در نقاط مختلف تهران توزیع میکند.

شرکت توزیع کننده سیگار کلیه سیگارهای تولیدی شرکت دخانیات ایران را میخرد و با چهار درصد تخفیف در اختیار عاملین فروش قرار میدهد. عاملین فروش نیز روزانه مقداری را از راه خرده فروشی در اختیار مصرف کننده واکثرا آنرا به فروشگاهها و فروشندگان سیگار ارائه میدهند.

تولید داخلی شامل سیگار های بی فیلتر است که تقریبا دو برابر تولید سیگار های با فیلتر میباشد و در میان سیگارهای فیلتر دار زر با ۳۳۰ میلیون عدد در ماه حدود ۸۷ درصد کل تولید سیگارهای فیلتر دار را دارا است و بعد از آن سیگارهای هما فیلتر دار با ۶۰ میلیون عدد، زرین و آپادانا هر کدام ۱۲ میلیون، مهرگان ۱۰ میلیون، تاج ۸ میلیون عدد و بالاخره سیگار آسیا شش میلیون تولید در ماه در ردیف های بعدی قرار گرفته اند.

کنندگان به سیگارهای فیلتر دار بوده است. حال آنکه مصرف سیگار بدون فیلتر افزایش کمی داشته است. کاغذ انواع سیگار ساخت ایران معمولا از فرانسه و گاهی از آمریکا تهیه میشود به همین جهت شرکت دخانیات یکی از وارد کنندگان عمده کاغذ و فیلتر از خارج است. توتون سیگار ایران در ردیف مرغوبترین نوع توتون در جهان و در انواع «باسما»، «تیکلاک» و «طرابوزان» و همچنین توتون غربی «برجینیا» و «پارلی» است. در سال گذشته معادل ۱۵۴۷ هکتار از اراضی مناطق برازجان، فارس، گلپایگان، کاشان، خراسان، شاهرود و اصفهان به کشت تنباکو اختصاص داشته که از آن مقدار ۲۵۵۵۷ تن محصول بهای ۲۰۸۱۶ هزار ریال برداشت شده است.

در سال گذشته همچنین ۲۱۳۴ هکتار از اراضی کشور در آذرشهر رضائیه، مهاباد، سقز، کرمانشاهان، کردستان، نهاوند و تویسرکان تحت کشت توتون چقی بوده و از آن ۲۰۲۳ تن محصول بدست آمده که بهای ۵۹۸۳۳ هزار ریال خریداری شده است. باین ترتیب متوسط محصول خریداری در هر هکتار ۹۴۷ کیلو و متوسط عایدی توتون کاران در هر هکتار ۲۸۰۳۷ ریال بوده است.

مصرف سیگار در ایران هر ساله مخصوصا در سه سال اخیر بطور محسوس افزایش یافته است تا آنجا که فروش انواع سیگارها در سال گذشته نسبت به سال ۴۶ بمیزان ۱۴۹۴ درصد فزونی داشته است و این فزونی در درجه اول مربوط به گرایش مصرف

اولین خانه زن در

همدان افتتاح شد

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالییه سازمان زنان ایران و نیابت ریاست عالییه کمیته جهانی پیکار با بیسوادی در همدان خانه زن را گشودند.

خانه زن همدان اولین خانه زن در سراسر کشور است که آماده بهره برداری شده است. بمناسبت جشن های دوهزار و پانصد ساله ۵۵ خانه زن در سراسر کشور ساخته میشود و خانه زن همدان اولین آنهاست که ساختمان آن در فروردین ماه پایان پذیرفت.

خانه زن همدان دارای يك مهد کودک و چند کلاس حرفه ای و يك کتابخانه است قبل از بازدید از خانه زن والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در سالن اجتماعات آن که در مواقع غیر رسمی و تشریفاتی برای استفاده کلاس های مختلف مورد بهره برداری قرار میگيرند حضور یافتند و گزارش فرماندار و دبیر سازمان زنان همدان را استماع کردند و سپس خانم مؤیدنابی یکی از اعضای شورای مرکزی سازمان زنان نقش زن در ادبیات فارسی را مورد بحث قرار داد این سخنرانی از برنامه سخنرانی هایی است که سازمان زنان بمناسبت جشن های دوهزار و پانصد ساله ترتیب داده است.

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی در گشایش بنای خانه زن همدان تاکید کردند که این خانه ها بصورتی ساده و دور از تجمل اداره شود و بخصوص در مورد مهد کودک این خانه به مسئولین تذکر دادند که محیط مهد کودک را پنحوی تزئین و اداره کنند که بچه ها در آن احساس بیگانگی نکنند.

بنابر گزارش فرماندار کل همدان ، ساختمان خانه زن در این شهر یکسال طول کشیده است و ۷۰۰ مترمربع زیر بنا دارد.

احداث ۴۵ شهرک

جهانگردی در

اراضی دولتی شمال

برپایه انعقاد يك قرارداد توریستی بین ایران و رومانی بزودی ۴۵ شهرک توریستی در اراضی دولتی سواحل دریای خزر بنیان نهاده می شود. این شهرک ها از آستارا تا بندر شاه خواهد بود. ۴۵ قطعه اراضی شهرک ها به سازمان جلب سیاحان واگذار

شد و مقدمات احداث کمیته در این اراضی فراهم گردید تا پس از اعلام سرمایه گذاری مشترک، شهرک های مذکور بوسیله قطعات پریفا بریکه بنیان نهاده شود.

شهر جدیدی در

جلگه زاینده رود

احداث میشود

ساختمان آریاشهر، شهر فلز سازان ایران، بسرعت در حال پیشرفت است و اکنون بیش از یک هزار نفر در خانه هاییک در این منطقه ساخته شده مسکن گزیده اند.

مسئول کمیته دولتی روابط اقتصادی شوروی با کشورهای خارجی ضمن مصاحبه ای در مورد آریاشهر خبرنگار رادیو مسکو گفت: ساختمان بخش اولی کارخانه ذوب آهن اصفهان در شرف پایان است. در نزدیکی این کارخانه، شهر فلز سازان احداث میگردد.

بهره برداری از يك کارخانه بزرگ نظیر کارخانه ذوب آهن اصفهان ایجاد میکند يك سلسله از مسائل بفرنج حل شود. تامین شرایط خوب مسکن جهت فلز سازان از جمله این مسائل است، زیرا تنها در بخش اول کارخانه ذوب آهن اصفهان بیش از هفت هزار نفر کار خواهند کرد. بدین مناسبت طبق پروژه ای که قبلا تهیه شده بود شهر بزرگی احداث میگردد که به لوله کشی آب و سیستم مجاری فاضل آب و شفاژ مرکزی مجهز است و دارای لوله کشی گاز خواهد بود.

بر اساس این طرح شهر جدیدی در جلگه، زاینده رود در ۱۲ کیلومتری کارخانه ذوب آهن برای دویست هزار نفر احداث خواهد شد.

در نظر است بعد از این شهر توسعه باید و جمعیت آن به ۳۰۰ هزار نفر برسد. در مرکز شهر بنای چندین طبقه اداره شرکت ملی ذوب آهن ایران و همچنین ساختمان های ۱۰ تا ۱۲ طبقه احداث خواهد شد.

در این شهر جدید درخت کاری خواهد شد و در اراضی آن کانالی کشیده میشود که از زاینده رود سرچشمه خواهد گرفت.

تمام کارهای ساختمانی این شهر توسط شرکت های ایرانی انجام میگيرد. تعداد ساکنین شهر بسرعت افزایش مییابد و در سالهای آینده به پنجاه هزار نفر میرسد.

ده هزار خانه و

آپارتمان در تهران

ساخته میشود

در جلسه شورای عالی اقتصاد که در پیشگاه شاهنشاه آریامهر تشکیل شده، سیاست مسکن دولت مطرح گردید و بر اساس اوامری که اعلیحضرت همایونی ابلاغ فرمودند اصلاحاتی در آن صورت گرفت و سپس مورد تصویب واقع شد.

بر مبنای این سیاست، سازمانهای مشول و وزارت آبادانی و مسکن طرح اولیه را که خطوط کلی اقدامات اجرائی دولت را در مورد خانه سازی روشن میسازد تدوین کردند و تسلیم آقای هویدا نخست وزیر نمودند. بموجب این طرح، متقاضیان خانه و آپارتمان از نظر درآمد به پنج طبقه تقسیم شده اند دو طبقه اول و دوم که درآمدها آنها بین ۵۰۰ تا ۸۰۰ تومان تشخیص داده شده مورد حمایت کامل دولت قرار خواهند گرفت و طبقات بعدی به نسبت درآمد از مزایا و تسهیلات دولتی استفاده خواهند کرد.

برای دو طبقه اول و دوم خانه یا آپارتمانی با زیربنای در حدود ۶۰ متر مربع در نظر گرفته شده است. این تعداد زیر بنا باتوجه به زمین مجانی و هزینه های شهر سازی که دولت بعهده میگيرد برای هر خانه و آپارتمان مبلغی در حدود ۱۵۰ هزار ریال پیش بینی شده است. برای مرحله اول کار ۱۰ هزار خانه و آپارتمان پیش بینی شده است که بدون قیمت زمین، اعتباری معادل ۱۵۰۰ میلیون ریال احتیاج دارد. دولت برای این طبقات که از همه صنوف و گروه های اجتماعی در آن وجود خواهند داشت، يك سوم هزینه را راسا بعهده خواهد گرفت. در حقیقت دولت در مرحله اول که ده هزار خانه و آپارتمان ساخته میشود مبلغی در حدود ۵۰۰ میلیون ریال مجانی خواهد پرداخت، در نتیجه برای این گروه مردم، خانه بقیمت ده هزار تومان تمام میشود که از این مبلغ پیش قسطی در حدود ۲ هزار تومان دریافت و بقیه که هشت هزار تومان است در طول ده سال دریافت خواهد شد در حقیقت قسط بقدری کم خواهد بود که برای کم درآمدترین مردم شهر نشین به آسانی قابل پرداخت است. این گروه از مردم در تمام شهرها مورد حمایت همه جانبه

دولت قرار میگيرند و برنامه شهرهای مختلف هم پس از این که طرح های محلی آماده شد مورد مطالعه و اجرا قرار می گیرد.

پیش بینی میشود در تهران برای این گروه مردم چهار «شهر کوچک» احداث گردد و نظیر همین برنامه نیز در شهرهای مختلف ایران اجرا میشود.

دولت در حال حاضر تمام فعالیت خود را روی این قسمت از طرح مسکن متمرکز کرده تا هرچه زودتر احداث شهرهای کوچک را در اطراف تهران آغاز کند. مباشرت دولت برای خانه سازی و آپارتمان سازی این گروه ها در سالهای آینده نیز ادامه خواهد یافت.

دولت همچنین بکمک گروه های بعدی بخصوص گروه هایی که درآمدها بین ۸۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان در ماه است خواهد شناخت و علاوه بر تامین زمین ارزان از نظر هزینه های نظیر آب و برق نیز برای آنها تسهیلاتی فراهم خواهند کرد و قسمتی از نرخ بهره آنها را هم بعهده خواهد گرفت. این نوع کمک برای طبقات بالاتر از ۱۵۰۰ تومان درآمد نسبت معکوس با افزایش درآمد خواهد داشت یعنی هرچه درآمد پائین تر باشد کمک دولت بیشتر می شود و هرچه درآمد بیشتر گردد کمک محدودتر خواهد بود.

دولت معتقد است که از منابع و تسهیلات دولتی که يك منبع عمومی است «کم درآمد» باید بیشتر از «پر درآمد» استفاده کنند.

ساختمان راه چهارم

تهران به شمال آغاز

شد

طرح بزرگ وزارت راه در زمینه ساختمان راه چهارم از تهران به شمال به مرحله اجرا درآمد و این راه از دربند سرگاجره ساخته میشود. راه جدید از زیباترین راه های تهران به مازندران است که پس از پایان هشتاد درصد از کار آن مورد استفاده و بهره برداری قرار خواهد گرفت. طول این راه از تهران تا گاجره هفتاد کیلومتر است و مسیر راه از گردنه قوچک و اوشان و فشم و میگون و درب بندرس بوده و سپس به گاجره میرسد. راه جدید، به پست بزرگ که در میان پست های جهان کم نظیر است منتهی میگردد و از آنجا بوسیله يك پل به آن طرف کندانو مربوط میشود نکته مهم و حائز اهمیت آنست که طول راه تهران تا پل گاجره از طریق راه تهران کرچ یکصد و چهل کیلومتر میباشد و این اختلاف فاحش در طول مسیر و توجه به موقعیت راه دربندرس - گاجره که از دست نخورده ترین دره های البرز میگردد باعث میشود که راه چهارم

تهران - شمال پرمسافرترین راه شود.

مسیر این راه بوسیله مهندس معرفت معاون وزارت راه و فلیکس آقایان رئیس فدراسیون اسکی و مقاطعه کار برنده مناقصه ساختمان آن مورد بازدید قرار گرفته و در نظر است فعلا راه از طریق کوه بیری و بدون استفاده از تونل و در مدت بسیار کوتاهی ساخته شود.

برج چهار طبقه

کولک چال

کولک چال اردوگاه پیش آهنگان در ارتفاع ۲۶۷۰ متری شمال شرقی تهران قرارداد کولک چال کوهستان زیبایی است که همیشه مورد توجه کوهنوردان نیز بوده است.

درهای سی و چهارمین پارک شهرداری در زیبا شهر واقع در شمال غربی تهران بروی کودکان و ساکنین این ناحیه گشوده شد. این پارک که ظرف چند

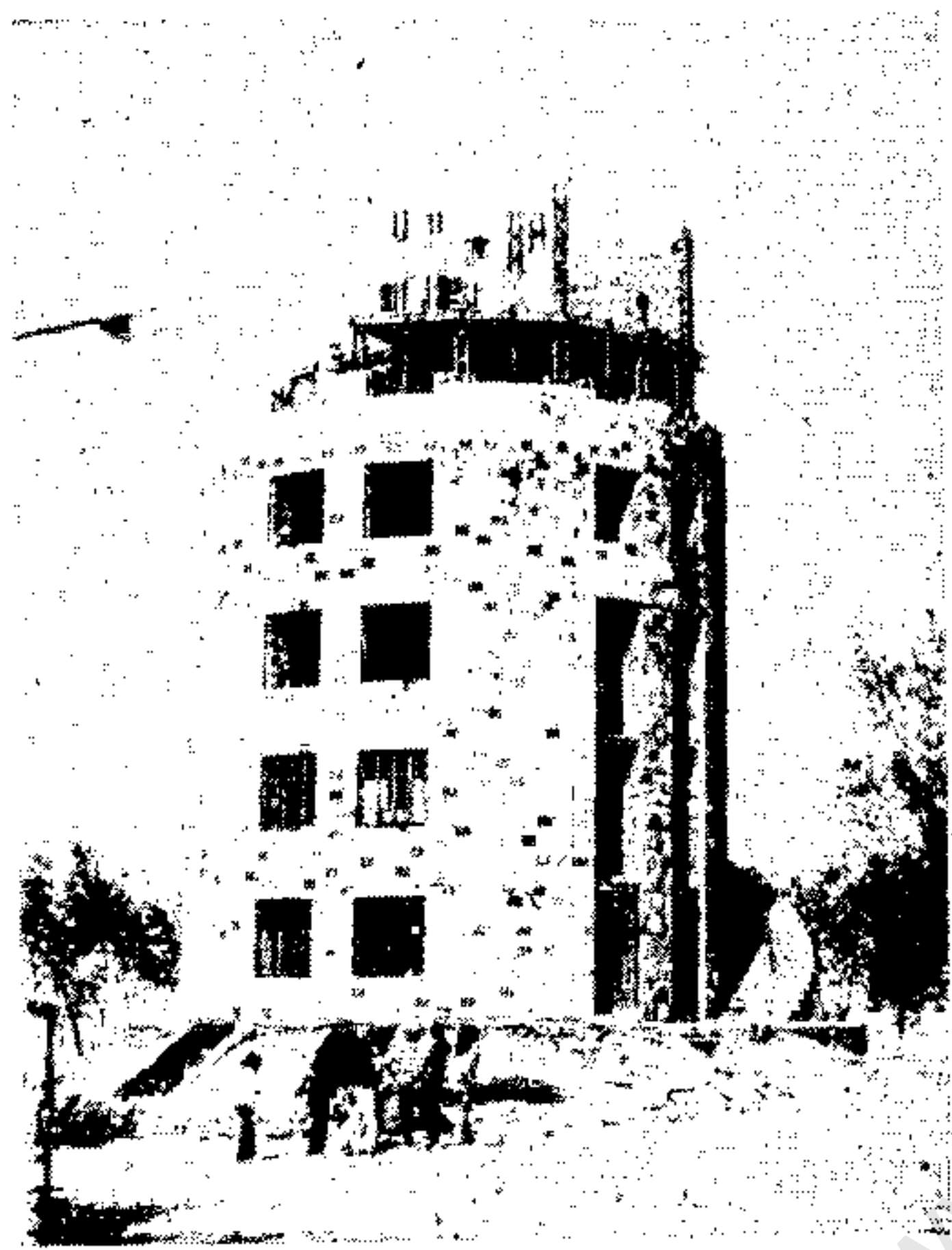
پیش بینی شده است که در زیرزمین برج، کافه تریا، در طبقه اول کتابخانه، در طبقه دوم قرائت خانه در طبقه سوم موزه طبیعی و در طبقه چهارم نمایشگاه کاردستی پیش آهنگان سراسر کشور و تلسکوپ بزرگ برای ستاره شناسی و دیدن مناظر تهران نصب شود.

سی و چهارمین

پارک شهرداری در

شهر زیبا افتتاح شد

درهای سی و چهارمین پارک شهرداری در زیبا شهر واقع در شمال غربی تهران بروی کودکان و ساکنین این ناحیه گشوده شد. این پارک که ظرف چند



نمایی از برج چهار طبقه «کولک چال» که ساختمان آن رو به پایان است.

ماه اخیر بدنبال طرح وسیع پارک سازی شهرداری آماده شد در منطقه غرب تهران و در محدوده شهرداری کن میباشد.

شهرداری پایتخت از يك سال قبل طرح توسعه پارک های شهر را در نواحی مختلف مخصوصا در منطقه جنوب و جنوب غربی که تراکم جمعیت چشمگیر است به مرحله اجرا در آورده است. شهرداری تهران در طرح اساسی توسعه پارک ها باین اصل توجه کرده است که با ایجاد هر پارک در یکی از مناطق تهران از سوئی وسیله تفریح و سرگرمی سالم برای کودکان و نوجوانان آن منطقه فراهم میگردد و از سوی دیگر ایجاد پارک در ایجاد هوای سالم و غیر آلوده برای مردم آن منطقه، تاثیر دارد.

طرح برج پاسداری در تابستان سال ۱۳۴۶ توسط آقای دکتر حسین بنائی رئیس سازمان ملی پیش آهنگی ایران ریخته شد و باتوجه به مشکلاتی که برای حمل و سائل ساختمانی وجود داشت ساختمان آن از همان زمان آغاز شد. جدار خارجی برج پاسداری از قطعه سنگ هایی به ابعاد ۲۰ و ۳۰ سانتیمتر پوشیده شده که تعداد این سنگ ها بالغ بر ۱۲۵۰۰ عدد می شود.

سنگ ها را اعضای انجمن طرفداران تربیت پیش آهنگی شوراها و کمیته های پیش آهنگی، کارمندان سازمان مرکزی و اعضای سازمان کوهستانی کولک چال، واحد های پیش آهنگی سراسر کشور و شخصیت های علاقمند به مکتب پیش آهنگی اهدا کرده اند. در مدخل این برج لوایح انقلابی شاهنشاه آریامهر روی سنگ های زیبایی از مرمر در برابر دیدمگان قرار خواهد گرفت.

تهیه مسکن برای طبقات
کم درآمد شهر نشین

اعضاء شده است. دویروتکل
قبل از بین ایران و کشورهای
مصر و روهانی ردوبدل شده
است.

هتلداری تاسیس
میشود

برای انجام مذاکراتی به
ایران خواهند آمد.
آزاد کردن تجارت، توسعه
بازرگانی و گسترش جهان-
گردی منطقه‌ای از جمله
هدفهای اجلاسیه بود که در
اعلامیه مشترك به آنها اشاره
شده است.
در اعلامیه مشترك سرمایه
گذاری بانکهای مختلط و
 مشترك در جهت گسترش
همکاریهای اقتصادی و تامین
امکانات اعتباری توصیه شده
و خواستار تشکیل جلسه‌ای با
مشارکت این قبیل موسسات
قبل از کنفرانس آینده شورای
وزیران سه کشور شده است.
شورا ضمن ابراز خرسندی
از توسعه اموری به سه کشور
عضو، از توسعه همکاری سه
کشور در زمینه پست و تلگ
کودرنیکاسیون ابراز رضایت
کرد و بنابه توصیه شورا امکان
برقراری يك اتحادیه پستی
میان سه کشور تحت معالعه
قرار گرفت.
اعلامیه مشترك نشان می
دهد که سه کشور از ادامه
همکاری موفقانه در زمینه
راه، راه آهن و کشتیرانی
حمایت میکند و از این که
سه کشور در زمینه توسعه
مدیریت دست به اقداماتی زده
است خوشحال است.

روز ۳ شہر پور آقای
سیروس فرزانه معاون نخست
وزیر و سرپرست سازمان جلب
سیاحان، اتفاق آقای مهدی
بهرمند معاون سازمان ہنابہ
دعوت وزیر جہانگردی
یوگسلاوی بہ آن کشور
عزت کرد.

یعنی ۶۳ درصد سهم را شهرهای مهم تأمین می‌کند و مبلغ ۷۶۶ میلیون ریال یعنی ۱۲۷ درصد سهم شهرهای متوسط و مبلغ ۶۲ میلیون ریال یعنی ۱۰۴ درصد نیز سهم شهرهای کوچک است. چون طبقه بی‌بضاعت یعنی آنهایی که درآمد سالانه‌شان کمتر از ۵۰ هزار ریال است توانایی خرید مسکن با هیچ شرایطی را ندارند دولت برای رفع احتیاجات مسکن این طبقه، تمام مخارج را بعهده می‌گیرد و مستقیماً سرمایه‌گذاری خواهد کرد. دولت خازنهای ساخته شده را به اقساط ۲۰ ساله و با بهره کم واگذار می‌کند و یا اجاره می‌دهد. ۸۰ درصد احتیاجات گروه زیر متوسط و ۵۰ درصد احتیاجات گروه متوسط از طرف دولت تأمین می‌شود و پول آن به ترتیب به اقساط ۱۵ و ۱۰ ساله مستهلك خواهد شد. گروه‌های بالای متوسط و مرفه بدون کمک دولت باید بدفع احتیاجات مسکن خود بپردازد.

اعلامیه مشترک چهاردهمین اجلاس شورای وزیران سازمان همکاری عمران منطقه‌ای که روز اول شهریور بطور همزمان در پایتخت‌های سه کشور ادامه یافت همانطور که انتظار میرفت نشان داد که اجلاسیه برای پیشبرد هدفهای آر. سی. دی در کلیه زمینه‌ها تاجه حد اصرار ورزیده است.

احداث سد
«خدا آفرين»

اولین دور مذاکرات ایران و شوروی برای همکاری در ساختن سد خداآفرین بمنظور شروپ کردن استان خراسان انجام شد و بموجب گزارش‌هایی که در این زمینه تسلیم مقامات ایرانی شده است سد خداآفرین با سرمایه مشترک ایران و شوروی ساخته میشود و همکاری شوروی بیشتر جنبه فنی و تأمین وسائل فنی مورد نیاز سد را دارد. گنجایش دریاچه پشته‌این سد نزدیک به دوهزار میلیون متر مکعب آب است و نیروگاه برق آن حدود دویست مگاوات یا دو میلیون وات برق خواهد داد. برق حاصله از این سد بطور مساوی میان ایران و شوروی تقسیم خواهد شد.

سد خداآفرین در استان
خراسان دومین سدی است که
باهمکاری دولت شوروی و
ایران ساخته میشود. هزینه
ساختمان این سد هنوز برآورد
نشده و احتمالاً پس از
مذاکرات بعدی تعیین خواهد
شد.

بر اساس برنامه ده ساله
ممکن که از طرف مقامات
رسمی وزارت آبادانی و مسکن
انتشار یافت در سال جاری
۵۰ هزار واحد مسکونی
ساخته میشود و طی سه سال
دیگر نیز هر سال ۳۸۰۹۸
واحد نسبت به سال قبل افزوده
میشود تا آنکه احتیاجات
ممکن در سراسر کشور بر
طرف شود.

ارتباط دریائی منظم
بین بنادر ایران و
شوروی

بزودی دو خط کشتیرانی منظم و مداوم از طریق بحر خزر به مقصد بندار شوروی و بندار اروپا دایر خواهد شد. در حال حاضر میان بندار شمال ایران و بندار شوروی و اروپا از طریق دریای خزر رفت و آمد کشتی‌ها بطور نامنظم صورت می‌گیرد و مقامات سازمان کشتیرانی در صدد اند تا حرکت کشتی‌ها در دو مسیر فوق تحت قاعده منظمی درآید بطوری که بازرگانان ایران برای صدور و ورود کالاهای خویش بتوانند بموقع از این خطوط استفاده کنند. در اینجا باید اضافه کرد که در این بندار، ایران برای نخستین بار از زیر بند (پالت) استفاده می‌کند. پالت وسیله‌ایست که میتوان بارهای مختلف را تا ارتفاع دومتر روی آن قرار داد و عملیات تخلیه و بارگیری را تسریع کرد. ایجاد اولین خط منظم مورد موافقت نمایندگان ایران و شوروی قرار گرفت. بر اساس موافقت نامه مذکور هر ماه شش فروند کشتی با ظرفیت حداکثر ۱۰۵۰ تن مخصوص حمل کالا از بندر باکو به بندار شمال ایران وارد خواهد شد و طبق موافقت طرفین هر کشتی مدت ۴ روز در بندار نوشهر و بهلولی برای تخلیه و بارگیری کالا توقف خواهد داشت.

ایجاد دومین خط کشتی-
رانی منظم و دائمی بین بندر
شمال و بندر اروپا ایران را
از طریق رودخانه «ولگا -
دن» به بندر مهم تجاری
جهان نظیر سواحل
اسکاندیناوی، دریای
ماش، دریای مدیترانه، متصل
میسازد. ایجاد خط منظم
بین ایران، مسکو و بندر
اروپا تا قبل از چهارمین
اجلاس نوبتی بندر و کشتی-
رانی ایران و شوروی که
ژانویه آینده در پاکوتشکیل
میشود صورت میگیرد. باین
جهت سازمان بندر و کشتیرانی
به سرعت عملیات مونتاژ
سومین جرثقیل ریلی
الکترونیکی را دنبال میکند
تا همزمان با گشایش این خط
بندر پهلوی نیز از لحاظ
وسائل تخلیه و بارگیری کاملاً
مجهز باشد. تعداد این جرثقیل
ها به پنج واحد خواهد رسید
و سازمان بندر و کشتیرانی
برای اولین بار در نظر دارد
تعداد زیادی از دوشیزگان
دیپلمه را جهت بهره‌برداری از
پنج جرثقیل الکترونیکی
بکار بگیرد. این دوشیزگان
پس از گذراندن يك دوره
کارآموزی زیر نظر کار-
شناسان شوروی در بندر
پهلوی بکار خواهند پرداخت.



سد کورش کبیر آماده بهره‌برداری است

سد کورش کبیر درمهاباد با صرف هزینه‌ای معادل دو میلیارد و ۹۴۳ میلیون و ۱۸۳ هزار ریال بر روی زربنه رود ساخته شد و هفته اول مهر طی مراسمی گشایش و مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. با احداث سد کورش کبیر و سد های ذخیره‌ای مجاور آن ۸۵ هزار هکتار اراضی دشت میاندوآب زیر کنت قرار گرفته و بنحوی مطلوب و روش صحیح آبیاری خواهد شد. ضمناً با ساختمان یک نیروگاه برق آبی با قدرت ده هزار کیلووات نیرو در این محل نه تنها روشنائی اطراف سد تأمین خواهد شد بلکه مازاد آن نیز از طریق شبکه برق دریاچه رضائیه صرف تأمین قسمتی از احتیاجات انرژی الکتریکی استان آذربایجان غربی می‌شود.

قدرت تولیدی حاصله از دو توربین برق آبی سد کورش کبیر حدود ده هزار کیلووات است. سد کورش کبیر از نوع خاکی با هسته غیر قابل نفوذ از خاک رس است. ظرفیت دریاچه پشت سد ۶۵۰ میلیون متر مکعب و سطح دریاچه ۴۵۰۰ هکتار است. آب ذخیره شده در پشت سد بوسیله دو تونل تحت فشار هر یک بقطر ۵ متر و طول ۲۳۰ متر به پایاب هدایت می‌شود. طرح مقدماتی ساختمان سد کورش کبیر در زمین آباد در سال ۱۳۲۷ بوسیله بنگاه مستقل آبیاری سابق شروع شد و تا سال ۱۳۳۳ ادامه یافت. از این سال به بعد سازمان برنامه مطالعات مربوط به این کار را دنبال کرده و پس از عقد قرارداد هائی در سال ۱۳۴۵ گزارش نهائی مربوط به ساختمان سد تهیه و اسناد مناقصه در همان سال آماده شد. در کنار سد کورش کبیر یک سد انحرافی دیگر نیز بنام نوروزلو ساخته شده است که حجم دریاچه پشت آن ۱۴ میلیون متر مکعب است.

آغاز بهره‌برداری از نخستین واحد ذوب آهن

بهره‌برداری از واحد عظیم کک سازی کارخانه ذوب آهن روز ۲۴ شهریور آغاز شد. با آغاز بهره‌برداری از این واحد سالیانه ۴۴ هزار تن ذغال کک و انواع مختلف محصولات شیمیائی، از قبیل سولفات آمونیوم، تترو، خالص، اسید سولفوریک، قطران، گاز آمونیاک فلدو غیره تولید می‌شود که میزان تولید سالیانه آن به ۴۳ هزار تن بالغ می‌شود.

این اولین واحد از کارخانه ذوب آهن ایران است که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. همزمان با آغاز بهره‌برداری از نخستین واحد تأسیسات کارخانه ذوب آهن آریامهر، مقدمات ایجاد نخستین کارخانه تولید سیمان از مواد سرباره (زائد) کوره بلند کارخانه ذوب آهن با سرمایه گذاری شرکت ملی ذوب آهن و سازمان (اتکا) وابسته به وزارت جنگ درجوار کارخانه ذوب آهن فراهم شده است. عملیات احداث این کارخانه که در نوع خود در ایران بی‌نظیر است بزودی آغاز خواهد شد.

سرباره کوره بلند یکی از بهترین مواد اولیه کارخانه سیمان است که از آن سیمان مخصوص «سرباره‌ای» تهیه می‌کنند. محصول سرباره دانه بندی شده کارخانه ذوب آهن بموجب طرح اولیه ۲۱۲ هزار تن در سال پیش‌بینی شده است.

سرباره در نتیجه فعل و انفعالات کوره برای ذوب سنگهای معدنی تولید می‌شود و در اصل همان تفاله و باقی مانده داخل کوره است. علاوه بر تولید سیمان سرباره‌ای جهت تهیه بالاست برای زیر سازی راههای اتومبیل‌رو و راه آهن نیز بکار می‌رود و در سایر کشورها از سرباره نوعی پشمهای شیشه‌ای نیز تهیه می‌کنند.

موافقتنامه

جهانگردی ایران و سازمان ملل

موافقتنامه‌ای در سازمان برنامه بین نمایندگان ایران و سازمان ملل و نماینده سازمان بین‌المللی کار به امضا رسید که مطابق آن ظرف چهار سال آینده ۱۲۳۰ نفر ایرانی بوسیله کارشناسان بین‌المللی برای مسائل جهانگردی تربیت خواهند شد.

سازمان ملی به طرحی که این موافقتنامه براساس آن تنظیم شده مبلغ ۸۶۷۷۰۰ دلار کمک می‌کند که این کمک بصورت کارشناسی و وسائل آموزشی و تجهیزات فنی خواهد بود.

شهردار لندن در «پارک شهر»

روز بیست و چهارم مرداد ماه انجمن شهر تهران جلسه داشت. این جلسه با شرکت آقای «سر پیتراوند» شهردار شهر لندن تشکیل گردید.

شهردار لندن و سفیر انگلیس در ایران همراه جمعی از افراد گارد تشریفات شهرداری شهر لندن و مارشال این شهر برای شرکت در این جلسه وارد محوطه پارک شهر شدند. ورود این افراد توأم با تشریفات جالب عرف جامعه انگلیس با داشتن لباس و کروز

همکاریهای توریستی ایران و رومانی

رومانی سالانه حدود سه میلیون نفر جهانگرد را از نقاط مختلف جهان بسوی خود میکشاند و با تهييلات فراوانی که بخصوص از نظر وسائل حمل و نقل فراهم شده هر ساله بر تعداد جهانگردان افزوده میشود. در آمد رومانی از جهانگردی حدود دوست میلیون دلار در سال است و دولت رومانی میکوشد ضمن بالا بردن رقم درآمد ارزی خود از این طریق از نظر تعداد نیز خود را در

شهردار لندن هنگام بازدید از موزه کاخ مرمر

و شمشیرها و چماق هائی که نشانه علاقه و عادت مردم انگلیس به رسوم باستانی است جالب بود.

هنگام ورود شهردار لندن به پارک شهر وی در داخل صحنی که در پیشاپیش آن مارشال تشریفاتی شهر لندن با لباس رسمی و مدالهای بسیار حرکت میکرد قرار داشت و بدنبال مارشال دو تن از روسای کار و تشریفات که یکی گریزی بزرگ و دیگری شمشیری آخته در دست داشتند حرکت میکردند و شهردار لندن لباس مخصوص ستی و محلی که شبیه لباده رنگی بود بتن داشت و باین تشریفات بود که مهمانان شهرداری وارد سالن انجمن شهر شدند. این جلسه با خوش آمد آقای شهردار شروع شد و در انتها شهردار لندن مصاحبه‌ای مطبوعاتی تشکیل داد که در آن به موضوع مشکل ترافیک در شهر لندن اشاره کرد.

در گذشت دکتر

رضازاده شفق

دکتر رضازاده شفق استاد گرانقدری که در طول عمر افتخار آمیز خود خدمات بزرگی بمالم فرهنگ و ادب کشور انجام داده، روز هفدهم شهریور بر حمت ایزدی پیوست. دکتر شفق سناتور انتخابی تهران علاوه بر خدمات علمی و ادبی خود در خدمات پارلمانی خود نیز پیوسته متشاء اثر بود افکار مثبت و ترقی خواهانه او مورد توجه دوستان پارلمانی او قرار میگرفت، مردی بود بتمام معنی وطن‌خواه، آزاده، بی‌فرض، عدالت‌جو، او پشتیبان حق و حقیقت بود و مقام والا ئی در جامعه داشت. دکتر شفق در سال ۱۲۷۲ شمس در تبریز متولد گشت. آثار برجسته او: تاریخ ادبیات، تاریخ مختصر ایران، اسکندر مقدونی - تاریخ ادبیات هرمان اته.

اجلاسیه علمی ایران شناسان در شورو

در اواخر شهریور ماه اجلاسیه علمی ایران شناسان به مناسبت دوهزار و پانصدمین سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران در لنینگراد گشایش مییابد. در این اجلاسیه دانشمندی که بر روی فرهنگ و هنر ایران کسبم جهان دارد مطالعاتی انجام داده‌اند خطابه‌ها و گزارش- هائی ایراد خواهند نمود. بهمین مناسبت نمایشگاه بزرگی از آثار هنری ایران در سالن‌های موزه ارمیتاژ لنینگراد افتتاح میشود. در مسکو نیز موزه دولتی هنر- های ملل شرق نمایشگاهی از آثار هنر ایران در قرون وسطی تشکیل خواهد داد. یکی از بهترین کلکسیون- های اتحاد شوروی شامل کاشی‌ها و آثار سرامیک شهری که پایتخت باستانی ایران بود در موزه مسکو وجود دارد.

بدنه چینی‌های ری نقش و نگارهای رنگی دارد که صحنه هائی از زندگی درباری و سواران و جانوران خیالی را مجسم می‌سازد. در کلکسیون آثار هنری ایران کاشیهایی لمایی که دارای اشکال و تصاویر مختلف هستند جای نمایانی را اشغال می- کنند.

این اشکال و تصاویر که برای تزئین ساختمان‌ها و آثار معماری بکار می‌رفتند، شکوه و زیبایی خاصی به آنها می‌بخشند.

در نمایشگاه همچنین انواع مختلف کوزه و جام بمعرض تماشا گذاشته خواهد شد. در این نمایشگاه کتاب‌های قدیمی خطی که مرور زمان

۳۹۳ میلیون دلار درآمد جهانگردی

براساس آماری که از طرف سازمان جلب سیاحان انتشار یافته در خرداد ماه سال جاری ۲۱ هزار جهانگرد بایران مسافرت کرده‌اند و رقمی معادل ۳۹۳ میلیون دلار از این طریق ارز وارد کشور شده است. آمار مذکور حکایت میکند که از مجموع خرداد ماه سال جاری از ایران دیدن کرده‌اند ۲۷۳۲۲ نفر آنان جهانگرد بوده‌اند که نسبت به ماه مشابه سال گذشته حدود ۲۴٫۸ درصد افزایش یافته است.

تأسیس انستیتو

تکنولوژی مواد

غذائی و شیمیائی

با تخصیص بیست میلیون ریال اعتبار از طرف بانک اعتبارات صنعتی، یک انستیتو تکنولوژی صنایع غذایی و شیمیائی در تهران احداث میشود که میتواند با تعلیمات لازم سالانه عده‌ای متخصص آماده کار سازد. انستیتو تکنولوژی بمنظور تربیت کادر متخصص در زمینه فرآورده های غذایی و شیمیائی احداث میشود و کادر متخصص مورد نیاز کارخانجات مواد غذایی کشور را تأمین خواهد کرد.

صفحاتشان را بزرگ زرد درآورده است نیز بمعرض نمایش گذاشته می‌شوند. این کتاب‌های خطی آثار فناپذیر نظم و نثر فارسی است که مینیاتورهای زیبایی صفحات آنها را زینت می‌بخشد.

در میان این آثار آثاری خطی از سال ۱۴۴۰ وجود دارد که از جمله آثار سعدی است و همچنین خمسة نظامی را که مربوط بسال ۱۴۱۹ میلادی است میتوان نامبرد. همچنین آثاری از مینیاتورهای قدیمی در این نمایشگاه بمعرض تماشا گذاشته خواهد شد. بهلاوه در این نمایشگاه فرشهای قدیمی ایران که از پشم و ابریشم بافته شده بمعرض تماشا گذاشته میشود. عده زیادی آثار هنری دیگر مربوط به زندگی که متعلق بقرن‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی است در نمایشگاه مسکو دیده خواهد شد.

ایران در سمینار

بوم شناسی

در سمینار یکمصد و دو روزه اکولوژی (بوم‌شناسی) که با شرکت مقامات دولتی، کارشناسان بهداشتی و برنامه ریزان پانزده کشور آسیائی در سیام تشکیل شد مساله انفجار جمعیت آسیا بر محیط مورد بررسی قرار گرفت. در این سمینار نمایندگان تایوان، هنگ‌کنگ، هند، اندونزی، ایران، ژاپن، کره جنوبی، مالزی، نیال، زلاند نو، پاکستان، فیلیپین، سنگاپور، سیام و ویتنام جنوبی شرکت داشتند.

رئیس جدید

دانشگاه پهلوی

شاهنشاه آریامهر روز ۷ شهریور ماه هنگام معرفی رئیس جدید دانشگاه پهلوی شیراز بار دیگر در مورد تسریع در پیاده‌کردن و اجرای اصول منشور انقلاب آموزشی اوامری صادر فرمودند. فرهنگ‌مهر رئیس جدید دانشگاه شیراز درباره برنامه‌هایی که در این زمینه دارد گفت هدف من در درجه‌اول آن است که در اعتلای دانشگاه پهلوی که به صورت آبرومندی بمن تحویل داده‌اند تلاش کنم و مسلماً با کادر استادان ورزیده‌ای که در دانشگاه پهلوی وجود دارد و همچنین شاگردان منظم و علاقمند به مطالعاتی که در این دانشگاه هستند موفق خواهیم شد.

فرهنگ‌مهر رئیس جدید دانشگاه پهلوی ۴۷ سال دارد و پس از اخذ لیسانس از دانشکده حقوق دانشگاه تهران، درجه فوق لیسانس و درجه دکتری خود را از دانشگاه علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه لندن گرفته است.

رفاه معلمان

«آقای هویدا نخست‌وزیر روز شانزدهم شهریور در مراسم گشایش کنفرانس آموزشی اجرای مرحله دوم قانون استخدام برای معلمان ضمن ایراز خوشحالی از انجام قوی که به معلمان در جهت رفاه آنان داده بود اعلام کرد، برای بهبود و رفاه معلمان دولت بین ۵۰ تا ۵ میلیارد ریال اعتبار تأمین کرده است. هویدا به تشریح فعالیت‌های دولت بخاطر معلمان پرداخت و اعلام کرد حق‌نی معلمان و اضافه حقوق آنان بعد از اجرای مرحله دوم قانون استخدام و مابه‌التفاوتی که بر اثر اجرای امتزجیه قانون استخدام به معلمان تعلق می‌گیرد از اول به ماهه آخر امسال به آنان پرداخت میشود.

هویدا گفت دولت برای پرداخت حق فنی معلمان در یکسال ۲۸۰ میلیون تومان و برای اجرای مرحله دوم قانون استخدام در مورد آنان ۱۳۰ میلیون تومان در نظر گرفته که ۳۰ میلیون تومان اعتبار نیز برای اجرای امتزجیه قانون استخدام و چندین میلیون تومان دیگر نیز برای کمک به صندوق مسکن معلمان در نظر گرفته شده است. این جلسه برای این است که بتوانیم زودتر با پیاده کردن مرحله دوم قانون استخدام آشنا شویم و احکام جدید معلمان را در سراسر کشور از آغاز دیماه به آنان بدهیم و تمام معلمان از درآمد بیشتر برخوردار شوند.

هویدا به تشریح سایر اقدامات دولت در جهت رفاه معلمان پرداخت و گفت ما شهریه دانشگاهی معلمان دانشجو را پرداخت میکنیم که خود به بودجه زیادی احتیاج دارد و در نظر است در توسعه کارهای تعاونی نیز اقداماتی هرچه زودتر انجام شود.

هویدا سپس گفت در برنامه‌هایی که آماده شده و بزودی به قوه مقننه تقدیم میشود اصل جدیدی را منظور کرده‌ایم. آموزگاری که امروز وارد خدمت میشود و در گروه ۴ قرار می‌گیرد باید بتواند تا گروه ۱۱ برسد و این امر با دادن امکانات مختلف از جمله تحصیل ضمن خدمت صورت می‌گیرد که معلم با دریافت حقوق باید درس بخواند، مدرک تحصیلی بالاتر بگیرد، بجای دبستان در دبیرستان تدریس کند و به گروه‌های استخدامی بالاتر ارتقاء یابد بدین ترتیب امید مآتهد دیگر فارغ‌التحصیلان دانشگاهها و دانشسراهای عالی نخواهند بود.

تاکنون در آموزش و پرورش قانون استخدام به نفع کادر اداری بوده است اما کادر اداری کادر خدمتگزار معلمان است. این نکته را باید

درمد نظر داشت. نمیشود به مدیران کل، روسای کل، ترخیص داد ولی معلم را که مسؤولیت پرورش نسل آینده رابعهد دارد از چنین قانونی محروم کرد. هویدا افزود انتظار ما از معلم اینست که در کارش فقط مومن نباشد بلکه اظهار نظر کند. چون به کمک او میتوان طرز تدریس صحیح و کتاب بهتر آماده کرد.

معلم باید وزارت آموزش و پرورش را راهنمایی کند تا پیشرفت حاصل شود. من اعلام میکنم که وزارت آموزش و پرورش ماموریت دارد بخاطر برقراری رابطه مستقیم با معلمان جلسات گفت و شنود ترتیب دهد تا آنها بتوانند در مسؤولیتی که دارند اظهار نظر کنند.

اتومبیلرانیان

اروپائی در ایران کاروان بزرگ مسابقه اتومبیلرانی پاریس - تخت جمشید - پاریس روز چهارشنبه بیستم مرداد ماه از طریق مرز «سرو» در آذربایجان غربی، وارد ایران شدند.

مطبوعاتی در تخت جمشید شرکت کردند. پیشتازان مسابقه بزرگ اتومبیلرانی بمدت ده روز در ایران بودند و سپس از طریق مرز بازرگان خاک ایران را ترك گفتند.

در این مسابقه ششصد اتومبیل با یکهزار و چهارصد راننده شرکت دارند.

نمایشگاه بین‌المللی شکار

روز جمعه ۵ شهریور مطابق با ۲۷ سپتامبر نمایشگاه بین‌المللی شکار در شهر بوداپست مجارستان افتتاح شد.

سازمان شکاربانی و نظارت بر صید ایران نیز از طرف دولت شاهنشاهی در این نمایشگاه شرکت کرد.

در این نمایشگاه بیش از حدود ۵۰ کشور شرکت کرده‌اند که کشور ایران ضمن ارائه در حدود دویست تروفه به کسب امتیازات جنگیری دست یافته است این امتیازات که پس از قضاوت داوران جهانی شکار و صید نصیب ایران شده‌باین

«یونسکو» در پاریس جایزه محمد رضا شاه پهلوی را برای پیکار جهانی با یسواد که پنج هزار دلار است، به یکی از فرهنگیان برمه که در این راه خدمات برجسته کرده است اهداء کردند.

همزمان با این مراسم جایزه «ناباکروپسکایا» نیز که از طرف شوروی بهمین منظور تعیین شده و به پنج هزار دلار میرسد به یکی از اتباع «زامبیا» داده شد.

همکاری ایران و یونسکو در زمینه

محیط زیست انسان

شورای کمیسیون یونسکو در آخرین جلسه خود از مرحوم احمد متین دفتری بخاطر خدمات ممتاز و ارزنده او در راه تحقق هدفهای سازمان ملل و یونسکو تجلیل کرد. در این جلسه که به ریاست آقای ذبیح‌الله صفا نایب رئیس کمیسیون ملی یونسکو تشکیل شده بود در امور مختلف تبادل نظر و اخذ تصمیم شد.

بموجب تصمیمات این جلسه یونسکو از طریق تشکیل

شناسی (۲۷ مهر تا ۷ آبان) که در محل کاخ یونسکو و سی و سومین کنفرانس بین‌المللی تعلیم و تربیت (۲۴ شهریور تا اول مهر) که در ژنو برگزار میشود شرکت خواهند کرد.

در این جلسه همچنین تدابیر جدیدی برای توسعه روابط یونسکو با نمایندگی کمک‌های فنی سازمان ملل متحد در ایران اتخاذ شد.

قبولشدگان کنکور

سراسری

روز ۴ مرداد دکتر حسین کاظم‌زاده وزیر علوم و آموزش عالی طی يك مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی مطالبی پیرامون کنکور سراسری بیان داشت و اسامی قبولشدگان ۱۸۶ رشته ۱۴ دانشگاه و مدارس عالی دولتی را در اختیار جراید گذاشت. وزیر علوم و آموزش عالی گفت: ۱۰۱۵۴ نفر از بین ۷۰۶۸۵ داوطلب دیپلم ریاضه طبیعی و ادبی برای تحصیل عالی قبول شده‌اند.

دکتر کاظم‌زاده ضمن



قدردانی از مرکز ازمون - شناسی گفت این بهترین طریقه برای انتخاب دانشجو از میان تعداد زیاد داوطلب بود ولی این مرکز مطالعه خواهد کرد که برای سالهای آینده بهترین و مستعدترین جوانان دیپلمه برای تحمیل در دانشگاه انتخاب گردند.

مجامع و کنفرانسهای علمی و فرهنگی، انتشار کتاب و مجلات و نمایش فیلم در جشن شاهنشاهی شرکت میکند.

برای شرکت در برنامه درازمدت یونسکو تحت عنوان «انسان و کره مسکون انسان و محیط زیست» او مذاکراتی بعمل آمد و هیاتی ماموریت یافت تا وسائل همکاری ایران و یونسکو را در این زمینه فراهم کند.

همچنین نمایندگان ایران در کنفرانس بین‌المللی زمین

قرار است. ۷۸ مدال طلا ۴۹ مدال نقره و ۱۹ مدال برنز این مدالها تقریباً بیش از جمع امتیازاتی است که نصیب دیگر کشورها شده است.

برمه جایزه محمد

رضاشاه پهلوی را

برای پیکار جهانی

با ییسوادی برد والا حضرت شاهنشاهی پهلوی طی مراسمی در کاخ

خبرهای کوتاه

وزارت اقتصاد اعلام
داشت که بمناسبت جشن دو هزار و پانصدمین سالبنیان گذاری شاهنشاهی ایران از طرف این وزارتخانه ۲۷ بورس دانشگاهی بنام بورس کورش بزرگ در اختیار واجدین شرایط میگذارد .
۱۴ بورس ۴ ساله از این بورورها به فرزندان کارگران که در امتحانات ورودی دانشگاهها دارای بهترین نمرات باشند داده می شود و پنج بورس نیز در رشته های مهندسی مکانیک برق ، معدن ، فلزشناسی و حسابداری منتهی بمدت دو سال در اختیار بهترین دانشجویان این رشته ها در دو سال آخر تحصیلی گذاشته خواهد شد .
همچنین بورس دانشگاهی از بورس کورش بزرگ نیز برای دانشجویان خارجی که علاقمند به تحصیل در رشته ادبیات فارسی باشند در نظر گرفته شده است . مدت این ۸ بورس ۴ سال است .
بمنظور مذاکره درباره چگونگی انتقال قطعی دانشگاه صنعتی آریامهر به اصفهان جلهای با شرکت نمایندگان این دانشگاه و نمایندگان مهندسان مشاور در دفتر آقای کیانپور استاندار اصفهان تشکیل شد .
در این جلسه باتوجه به برنامه انتقال تدریجی این دانشگاه به اصفهان که تا سال آینده باید اجرا شود در زمینه طرحهای ساختمانی دانشگاه ها ، خوابگاهها و سایر تاسیسات وابسته به دانشگاه تصمیم هایی گرفته شد .
دهخانه فرهنگ روستائی جدید در استانهای خراسان ، فارس ، اصفهان و فرمانداری کل لرستان گشایش یافت .
ساختمانها و زمین های ورزشی این خانه ها از طرف شرکت های تعاونی روستائی و نیکوکاران محلی واگذار شده است .
گزارش وزارت تعاون و امور روستاها حاکیست که فرهنگ روستائی تاکنون سیصد و هفتاد خانه فرهنگ روستائی در مناطق مختلف ملکت تشکیل شده است و بیش از ۷۸۸ هزار نفر از روستائیان و جوانان روستائی میتوانند از کتابخانه وسایر امکاناتی که در خانه های مذکور فراهم شده است برای بالا بردن سطح اطلاعات عمومی و فرهنگی خویش استفاده کنند .
بدینال تصویب قانون سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم

ایران ، شاهنشاهی ریاست عالی به پذیرفته اند .
متن دستخطی که در این زمینه شرفصدور یافته از این قرار است .
نظر بتوجه خاصی که به پیشرفت روزافزون امر ورزش کشور داریم اکنون که قانون سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم ایران از تصویب مجلسین گذشته و بتوشیح ما رسیده است ریاست عالی سازمان تربیت بدنی را کماکان می پذیریم و انتظار داریم این سازمان بتواند با اجرای برنامه های خود بیش از پیش رضایت خاطر ما را جلب کند .
از جانب شاهنشاهی آریامهر بمناسبت سالروز جشن ملی جمهوری متحده عرب تلگرام تبریکی خطاب به حضرت انورسادات رئیس جمهوری متحده عرب به قاهره خابره شد .
متن این تلگرام بشرح زیر است .
برای من موجب کمال خوشوقتی است که بمناسبت سالروز جشن ملی جمهوری متحده عرب صمیمانه ترین شادباشهای خود را همراه با بهترین آرزوهای خویش برای تندرستی و شادکامی شخص آن حضرت و سعادت روز افزون ملت برادر جمهوری متحده عرب ابراز دارم .
متن قطعنامه کنگره جهانی مهر شناسی که در مدت یک هفته در دانشگاه منچستر انگلستان با شرکت دانشمندان برجسته شانزده کشور برگزار شد ، توسط سخنگوی جشن شاهنشاهی ایران انتشار یافت .
کنگره جهانی مهر شناسی که از تاریخ ۱۳ تا ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۰ در دانشگاه منچستر انگلستان در کادر بزرگداشت دوهزار و پانصدمین سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران بنست کوروش بزرگ تشکیل شد ، بمناسبت پایان جلسات خود مفتخر است که عمیقترین مراتب احترام خویش را به اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ایران تقدیم دارد .
ضمن وظیفه خود میداند که از همکاری و سرپرستی دربار شاهنشاهی ایران در کار این کنگره صمیمانه سپاسگزاری کند .
اعضای کنگره با ارائه پژوهش های خود یکباردیگر نقش عظیم و تاریخی ایران را بعنوان پل معنوی شرق و غرب و سهم درجه اولی را که ایران در تمام مذاهب بزرگ جهان از قبیل اسلام ، مسیحیت ، زرتشتی ، یهود ، هندوئی و بودائی ایفا کرده

است روشن کردند و گذشته از آن در این کنگره یک جنبه دیگر از این نقش جهانی فرهنگ ایرانی ، یعنی سهم عظیم آئین ایرانی مهر را در غرب بتفصیل مورد بررسی قرار دادند .
کنگره دو جلسه خود را نیز به بحث درباره نقش بزرگ ایران در سایر جنبه های تمدن اروپائی اختصاص داد و اظهار امیدواری کرد که در دومین کنگره جهانی میترائیس که بدعوت دفتر فرهنگی دربار شاهنشاهی ایران در سال ۱۹۷۴ در تهران تشکیل خواهد شد دانشمندان فرصتی تازه برای تبادل اطلاعات بیشتر در این زمینه حاصل کنند .
در جشن های شاهنشاهی ، نمایشگاهی از آثار نقاشی هنر جوانان هنرستان هنرهای زیبای پسران و دختران تهران در بیست و دو شهرستان تشکیل خواهد شد . در این نمایشگاه ها که با کوشش کمیته آموزش وزارت فرهنگ و هنر ترتیب مییابد تابلوهایی بنمایش درخواهد آمد که با الهام از انقلاب سفید و آثار باستانی ایران خلق شده است .
والاحضرت شاهپور عبدالرضا پهلوی روز اول شهریور بدعوت دولت اندونزی بان کشور عزیمت کردند .
والاحضرت در این سفر حامل پیام دوستانه ای از جانب شاهنشاهی آریامهر برای حضرت رئیس جمهوری اندونزی بودند .
روز سوم شهریور بمناسبت سالروز وقایع سوم شهریور ماه ۱۳۲۰ برای بزرگداشت روان جانبازان نیروی دریایی شاهنشاهی مراسمی در کلیه پایگاهها و ستاد نیروی دریایی شاهنشاهی برگزار شد . در مراسمی که در تهران ترتیب یافت فرماندهی نیروی دریایی شاهنشاهی سخنانی در باره جانبازی افران و درجه داران و همچنین پیشرفت نیروی دریایی شاهنشاهی ایراد کرد .
انجمن شهر اصفهان در آخرین جلسه خود همبستگی شهرهای اصفهان و لاهور را به عنوان شهرهای خواهر تصویب کرد . این همبستگی بمنظور آشنایی و تماس مردم دو شهر با یکدیگر و ایجاد همکاری متقابل در زمینه امور اجتماعی و عمرانی است که از طریق مبادله کتاب ، تشکیل نمایشگاههای نقاشی ، تمبر ، عکس ، صنایع دستی و سنتی ، شرکت در جشن ها ، مبادله استاد ، دانشجو ، کارگر تیم های ورزشی ، فرهنگی و انجام کمکهای متقابل در موارد ضروری صورت خواهد گرفت .
عصر روز سیزدهم

شهریور ماه طبق معمول هر سال بمناسبت سالروز میلاد مولای متقیان ، امیرمومنان حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام مجلس جشن باشکوهی از طرف قسمت امور اجتماعی وزارت دربار شاهنشاهی در کاخ شهری وزارت دربار برپا شد .
روز ۲۳ شهریور در فرودگاه مهرآباد آقای محمد سام وزیر کشور آقای حسن زاهدی را بنست نایبالتولیه استان قدس رضوی و استاندار خراسان به پیشگاه شاهنشاهی معرفی کرد . آقای حسن زاهدی در کابینه قبلی آقای هویدا پست وزارت کشور را بعهده داشت .
روز ۲۳ شهریور با حضور والاحضرت شاهپور عبدالرضا روز ایران باشکوه هرچه تمامتر برگزار شد .
غرفه ایران مهانداز کلیه بازدید کنندگان و همچنین روسای نمایندگیهای شکار و صید کشورهای جهان بود و روسای نمایندگی های شکار و صید جهان و همچنین اولیاء و شخصیت های ملکیتی مجارستان از غرفه ایران که به نحوی بسیار زیبا و اصیل ترتیب شده است بازدید کردند .
علم باید برای حفظ صلح بکار رود
شاهنشاهی آریامهر بعد از ظهر روز ۱۵ شهریور عده ای از دانشمندان برجسته جهان را در کاخ سعدآباد بحضور پذیرفتند و در بیاناتی خطاب به آنان اظهار امیدواری کردند که علوم همیشه در راه حفظ صلح و تأمین سعادت بشریت بکار رود .
در این شرفیابی ده نفر از دانشمندان شرکت کننده در سمپوزیوم اصفهان درباره کاربرد فیزیک لیزرها که

چندتن از برندگان جوایز نوبل فیزیک اند شرکت داشتند .
این عده که بنماینده گسی از طرف ۷۰ دانشمند شرکت کننده در این سمپوزیوم به حضور شاهنشاهی رسیده بودند ، بوسیله آقای محمد رضا امین نایبالتولیه دانشگاه صنعتی آریامهر و رئیس کمیته اجرایی سمپوزیوم اصفهان معرفی شدند . آقای هویدا نخست وزیر ، آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی و آقای کاظمزاده وزیر علوم و آموزش عالی نیز حضور داشتند .
شاهنشاهی در بیانات خود خطاب به دانشمندان از اینکه این سمپوزیوم بخوبی در اصفهان برگزار شد و حسن جریان آن بویژه مطالعات عمیقی که برای پیشرفتهای آینده این علم و صنعت خارق العاده صورت گرفته و دانشمندان را راضی ساخته است اظهار خوشوقتی کردند و پس از اشاره ای به اهمیت لیزر فرمودند .
البته جای تاسف است که معمولاً جنگها در گذشته وسیله پیشرفت فوق العاده علوم شده اند ولی من امیدوارم در آینده علاقه دانشمندان و متفکرین بنوع یش آن اندازه باشد که علوم منحصر برای حفظ صلح بکار روند و احساسات بشردوستانه محرك دانشمندان و علماء در تقویت علم و دانش بشری و گشودن درهای تازه علوم بروی بشریت باشد .
پیش از بیانات شاهنشاهی آریامهر آقای محمد رضا امین نایبالتولیه دانشگاه صنعتی آریامهر و رئیس کمیته اجرایی سمپوزیوم مراتب سپاسگزاری شرکت کنندگان در سمپوزیوم اصفهان را از عنایات و توجهات شاهنشاهی معروض داشت .

پروفسور علی جوان استاد انستیتو تکنولوژی ماساچوست و مخترع ومبتکر فیزیک لیزر گازها و رئیس کمیته بین المللی سمپوزیوم از جمله ده دانشمندی بود که به حضور شاهنشاهی پذیرفته شدند .
علاوه بر آقایان محمد رضا امین و پروفسور جوان سایر دانشمندانی که در این شرفیابی حضور داشتند عبارت بودند از :
پروفسور اتانوتز ، استاد دانشگاه کالیفرنیا برنده جایزه فیزیک نوبل ۱۹۶۴ عضو آکادمی علوم آمریکا - پروفسور پردخوف عضو آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی برنده جایزه فیزیک نوبل ۱۹۶۴ و برنده جایزه لنین .
- پروفسور اهترزرك . رئیس سابق انجمن علوم پادشاهی کانادا و عضو انجمن پادشاهی انگلستان تبعه کانادا .
- پروفسور کوخلو استاد دانشگاه مسکو و برنده جایزه لنین .
- پروفسور (بلومبرگ) استاد دانشگاه هاروارد عضو آکادمی علوم آمریکا و عضو آکادمی علوم پادشاهی هلند تبعه آمریکا .
- پروفسور فرانچا رئیس انجمن فیزیک اروپا و استاد انستیتو (مسیکاسوپریور) تبعه ایتالیا .
- پروفسور ژاکیو استاد فیزیک مرکز تحقیقات علمی فرانسه .
- آقای فیروز پرتوی دانشیار دانشگاه صنعتی آریامهر و دبیر سمپوزیوم اصفهان .
دانشمندان مذکور پس از پایان فرمایشات شاهنشاهی به صرف چای دعوت شدند و مدتی پیرامون تحولات علمی و اجتماعی ایران با شاهنشاهی صحبت پرداختند .



گفتگو

پیمانه

خواننده رادیو ایران

* هنوز آنطور که باید در کار صفحه پسر کردن نظارت نمیشود .
* بهتر است آهنگهای ایرانی از موسیقی اصیل ایرانی مایه بگیرد نه اینکه از مایه‌های عربی، هندی، ترکی و امثال اینها استفاده شود .
* اجرای برنامه در کاباره یک ریسک است و خواننده باید با مطالعه دقیق باینکار بپردازد .
* خواننده‌هایی که ناگهان مشهور میشوند و بعد خیلی زود فراموش میشوند آنها هستند که مغرور میشوند و کار بازاری ارائه میدهند .

تلاش - از چه سالی کار خوانندگی را آغاز کردید ؟
پیمانه - از سال ۱۳۴۷
تلاش - اصولا چگونه شد که به این کار پرداختید ؟

پیمانه - قاعدتا باید بگویم از بچگی به خواندن علاقه داشتم و کم کم که بزرگ میشدم در میهمانی‌ها و جلسات خانوادگی آواز میخواندم ، اما واقعا همینطور است . در یکی از این میهمانی‌ها آقای عطاله خرم آهنگساز هم حضور داشت و صدای مرا پسندید . بمن پیشنهاد کرد که نزد او تعلیم به‌بینم . مدتی مردد بودم تا اینکه قبول کردم . مدتی نزد ایشان تمرین کردم و بعد اولین آهنگ رادر رادیو اجرا کردم و این اول کار بود و موجب شد که در رادیو استخدام شوم و الان بیش از سه سال است که خواننده رادیو ایران هستم .
تلاش - شما بجز خوانندگی هنر دیگری هم دارید ؟

پیمانه - اگر خیاطی و آرایش را که دیپلم آنرا دارم هنر بدانید باین دو کار تسلط دارم . مدتی است که تعلیم «ارگ» هم میگیرم .

تلاش - تابحال چند آهنگ خوانده‌اید و چند تای آن صفحه شده‌است ؟

پیمانه - حدود چهل آهنگ اجرا کرده‌ام که فکر می‌کنم حدود بیست‌تای آن صفحه شده است .

تلاش - وقتی آهنگی از شما صفحه میشود برای شما هم درآمدی دارد ؟

پیمانه - در گذشته باید بگویم خیر ، ولی بعد از تصویب قانون حق تالیف و تصنیف یک کمی فرق کرده . ولی هنوز کنترل دقیق بر اینکار نیست .

تلاش - تابحال با کدام یک از آهنگسازها و مصنف‌ها کار کرده‌اید ؟

پیمانه - از آهنگسازها با آقایان عطاله خرم ، بزرگ لشکری ، صمدی ، حسن لشکری و از

مصنفان با آقایان شمشا ، جنتی عطائی و نودیرنگ تلاش - آهنگ‌هایی که میخوانید بیشتر چه نوع است ؟
پیمانه - من بیشتر جاز می‌خوانم و آهنگ‌های شاد ایرانی .

تلاش - صدای کدام خواننده‌های ایرانی و خارجی را می‌پسندید ؟

پیمانه - مهستی ، رامش ، پوران ، عارف ، ویگن ، تام‌جوئر ، میری‌ماتیو ...

تلاش - متشکرم ، حالا نظرتان را درباره موسیقی ایرانی بگوئید و آیا اصولا لازم است از تم‌های خارجی مثل عربی، هندی و این قبیل در آهنگهای ایرانی استفاده شود ؟

پیمانه - من اعتقاد دارم بهتر است آهنگهای ایرانی از موسیقی اصیل ایرانی باشد و آهنگهای شاد از مایه‌های ایرانی ساخته شود . استفاده از مایه‌های افغانی ، هندی ، ترکی و بطور کلی هر گونه تم خارجی بموسیقی ما زیان میرساند . در مورد جاز هم اعتقاد دارم که کاملا روی اسلوب و نت جاز بطور صد درصد ساخته شود . آهنگسازان باید به موسیقی جاز وارد باشند و آهنگ جاز را همانطور که یک اروپائی میسازد درست کنند با این تفاوت که شعر آن فارسی باشد . در اینصورت وقتی گفته میشود آهنگ جاز دیگر توجه بموسیقی ایرانی نمیرود .

تلاش - آیا شما بخارج از ایران سفر کرده‌اید ؟

پیمانه - بله ، به انگلستان ، فرانسه ، ایتالیا ، اتریش و سوئیس رفته‌ام .

تلاش - آیا این سفرها برای اجرای برنامه بوده‌است ؟

پیمانه - تقریبا خیر . برای گردش رفته‌ام .
تلاش - خاطره‌ای هم دارید که جالب باشد ؟

پیمانه - بله . ولی نمیدانم برای خوانندگان تلاش و شما جالب باشد یا خیر ولی برای من جالب است . یک شب در یکی از کاباره‌های ژنو بودم . چندتا ایرانی هم بودند که مرا شناختند . به مدیر کاباره پیشنهاد کردند که بخوانم . البته من آنشب باین جهت که آمادگی نداشتم وارکستر هم نبودم نتواندم . ولی آنقدر آن ایرانی‌ها از من تعریف کردند که مدیر کاباره پیشنهاد کرد چند روزی با ارکستر تمرین کنم و بعد قرارداد به‌بندم و در آنجا بخوانم . ماندن در آنجا برای من میسر نبود و از اوتشکر کردم . رفتار و توجه آن ایرانی‌ها در آنجا برای من همیشه عزیز و فراموش نشدنی است .

تلاش - چه سرگرمی‌هایی دارید و چه چیزهایی مورد توجه شما است ؟

پیمانه - به‌سینما زیاد می‌روم . کتاب و مجله می‌خوانم و در میهمانی‌های خانوادگی و دوستانه شرکت می‌کنم . مدتی از وقتم را هم به خیاطی و گلدوزی می‌گذرانم . تمرین آهنگ‌های گذشته و جدید هم که هفته‌ای سه‌روز باید اجرا شود مدتی از وقت مرا برمی‌کند .

تلاش - از سینما گفتید ، آیا تابحال پیشنهاد بازی در فیلم به شما شده است و اصولا علاقه باین کار دارید ؟

پیمانه - نمی‌توانم بگویم علاقه ندارم . پیشنهاد هم شده‌است ولی خودم را آماده اینکار نمی‌بینم . شاید یک‌روزی بشود .

تلاش - بنظر شما مطبوعات چقدر در شهرت یک هنرمند و در دوام این شهرت مؤثرند ؟

پیمانه - خیلی زیاد . شهرت و محبوبیت یک هنرمند البته اگر مایه‌ای داشته باشد با کمک مطبوعات بیش از هر چیز میتواند پایدار بماند .

تلاش - اگر شما بگویند بین خوانندگی تلویزیون و رادیو یکی را انتخاب کنید کدام را انتخاب خواهید کرد و چرا ؟

پیمانه - فکر می‌کنم رادیو .
تلاش - آیا شما در تلویزیون هم برنامه اجرا کرده‌اید ؟

پیمانه - بله . در برنامه نغمه‌ها ، برنامه کوکو و در چندتا از واریته‌ها .

تلاش - میتوانم سؤال از وضع خانوادگی و احتمالا سن و سال بکنم ؟

پیمانه - بله . من متولد سال ۱۳۲۵ هستم . تاسیزده سالگی در تبریز محل تولدم بودم و بعد بتهران آمدم . تحصیلاتم را هم تادپیلیم کامل متوسطه ادامه دادم و بعد بکار خوانندگی پرداختم . نتیجه ازدواجم هم یک پسر است .

تلاش - درباره اجرای برنامه در کاباره چه نظری دارید ؟

پیمانه - هیچ مخالفتی ندارم . ولی این برای یک خواننده خطراتی دارد در خارج اکثر نزدیک با اتفاق خواننده‌ها از کاباره شروع می‌کنند و بعد شهرت میرسند . عیبی ندارد که هیچ ، خوب هم هست . منتھی باید از روی مطالعه باشد و خواننده بقول معروف آلت دست صاحب کاباره قرار نگیرد . اگر از روی حساب و با مطالعه این کار انجام شود خوب است . چون هم عایدی خوب دارد و هم میتواند منشاء شهرت باشد .

تلاش - آیا به شما پیشنهاد اجرای برنامه در کاباره شده‌است ؟

پیمانه - بله ، ولی هنوز نسبت باینکار تردید دارم . همانطور که گفتم باید خیلی با مطالعه باشد . من هنوز نتوانسته‌ام تصمیم بگیرم .

تلاش - چه چیز موجب میشود که بعضی خواننده‌ها خیلی زود می‌درخشند و پس از مدت خیلی کوتاه افول می‌کنند ؟

پیمانه - علل مختلف دارد . بنظر من مهمترین دلیل سقوط سریع این خواننده‌ها شاید این باشد که بعد از شهرت ناگهانی مغرور میشوند و از این گذشته برای این که کمیت کار خود را بالا ببرند کار بازاری ارائه میدهند . هر آهنگ و تصنیفی که بدستشان رسید می‌خوانند و همین کار بد و زیاد موجب دلزدگی مردم میشود . شاید علت دیگری هم وجود داشته باشد که تنوع خواهی و زود پسندی باشد . بایک آهنگ یک خواننده گل می‌کند . اگر این خواننده واقعا هنر و صدای خوب نداشته باشد مسلم است که از بین میرود . ممکن است که شعر یا آهنگ و برخی موقعیت‌های زمانی موجب شده باشد که مردم آن آهنگ را پسندیده باشند . بعد هم دیگر بان خواننده توجه نمی‌کنند . آنچه مسلم است اگر خواننده هنرمند باشد چه ناگهانی و چه بتدریج به شهرت برسد ، محبوبیت و شهرتش پایدار می‌ماند .

تلاش - چه برنامه‌هایی برای آینده دارید ؟
پیمانه - قرار است که قبل از عید برای حدود شش ماه به آمریکا بروم . بایکی از کاباره‌های نیویورک قراردادی دارم که در آنجا برنامه اجرا کنم . البته اگر پیش‌آمدهی نکند . باز اگر بشود طی این مدت سعی می‌کنم به کلاس هم بروم و تعلیم آواز به‌بینم . درواقع اگر این کار عملی بشود بیشتر باین جهت می‌روم که موقعیتی باشد برای همان آموختن . باید اضافه کنم که از آمریکابه ایتالیا خواهم رفت . چون پیشنهاد شده‌است در یک فیلم مشترک ایتالیائی آواز بخوانم . یک تهیه‌کننده قبلا از من دعوت کرده بود و چند ماه پیش مجددا برایم نوشته است که بزودی تهیه آن فیلم را آغاز خواهد کرد . اگر قرارداد جالب باشد آنرا هم می‌پذیرم .



